

تألیف : سید مرتضی رضوی

گفت و شنود

مردان اندیش

در قاهره

مقدمه از :

استاد عبد الکرم خطیب

از مؤلفین متبرزونامی در قاهره

ترجمه : ابو ذر بیار



سید مرتضیٰ رضوی

مردان اندیش

ترجمہ: ۱

÷

۲۱

۱

۷۱۶۲۳



گفت و شنود

مردان اندیشه

دقاہرہ

با مردان اندیشه در قاهره
مؤلف : سیدمرتضی رضوی
مترجم : استاد ابوذر بیدار
تعداد : سه هزار جلد
انتشارات مکتبه النجاح تهران
چاپ اول سال ۱۳۶۲ ش
حق چاپ محفوظ است .

تألیف : سید مرتضیٰ رضوی

گفت و شنود

مردان اندیش

در قاهرہ

مقدمہ از :

استاد عبد الکرم خطیب

از مؤلفین ممتاز و نامی در قاهرہ

ترجمہ : ابو ذر بیدار

سنگ



بارها بر آن شدم که: سطوری چند، مقدمه وار، براین ترجمه
ببفزایم، ولی راستی راناگفته‌ای نبود که بشود چیزی بر آن افزود، در این
کتاب سخن از تشیع است و اصالت آن که شخصیت‌ها و اعلام و بزرگانی از
اهل سنت و جماعت همچون: شیخ احمد حسن باقوری، دکتر طه حسین
شیخ محمود شلتوت، استاد عبدالفتاح عبدالمقعود، شیخ محمود ابوریه
دکتر محمد فحام و شیخ محمد عبدالغنی حسن و شخصیت‌ها و معاریفی از
شیعه نظیر آیت‌الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، علامه شیخ عبد
الحسین امینی و آیت‌الله سید محمد باقر صدر و سایر بزرگان از آن سخن گفته‌اند،
و بالاتر از همه، سخن از اسلام است و اتحاد و تقرب و همبستگی بین
مذاهب اسلامی و دعوت و رهروان آن، که در پیمودن آن راه، رنج‌ها و
مرارت‌ها کشیده و برای وصول بسر منزل مقصود، از سرزنش خار مغیلاں غمی
بدل راه نداده‌اند، این بزرگان با مطالعه اوضاع و احوال دنیا و دسائس
استعمار، بتجربگی دریافته‌اند که: وضع کشورهای اسلامی و بطور کلی وضع
امت اسلامی که مخاطرات روز افزون سیه‌یونیزم و امپریالیزم بین‌المللی -
حامی آن، مدام کیان و حیات و موجودیتش را تهدید میکند، اقتضاء دارد
مذاهب مختلف اسلامی که بیک خدا و یک کتاب و یک پیغمبر اعتقاد و ایمان
دارند، و با وجود اختلاف در فروع، در اصول دین مقدس اسلام همفکرو
همعقیده‌اند، رشته اخوت و مودت و اتحاد اسلامی را محکم و استوار کنند

شش _____ بامردان اندیشه در قاهره ،
 و با اعتصام و توسل باین ((حبل المتین)) از اختلاف و تفرقه و تعارض بهره‌یزند که
 پیامبر اکرم (ص) فرمود : مَنْ صَلَّى إِلَيَّ تَبَّاتَكُمْ هَذِهِ فَهَوَاجُ لَكُمْ فِي الدِّينِ ،
 بر همین اساس بوده که بزرگمردان و رجال و شخصیت‌های عالیه‌ی ارسنی و شیعه
 ، تأسیس مرکزی را برای ایجاد حسن تفاهم و فراهم آوردن موجبات نزدیکی
 و همبستگی مذاهب مختلف اسلامی که در اصول سه‌گانه‌ی مزبور متحدند ضروری
 تشخیص دادند و " دارالتقرب " را بنیان نهادند و در بسط و انتشار آن کوشیدند .
 زیرا که برای عقیده و باور بودند : وقتی تبلیغات مسموم و اقدا مسات
 مخرب و مهلك و بنیان کن امپریالیزم و صهیونیسم بر پیکره‌ی ممالك اسلامی —
 چنگ و دندان فرو میبرد ، سنی و شیعه بودن برایشان تفاوتی ندارد ، و
 فریقین را یکی می‌بینند و میدانند ، آنها اسلام و تبلیغات رهایی بخش اسلامی
 را سد راه و مانع سلطه‌ی امپریالیستی خود میدانند و پیرو این یا آن مذهب بودن
 را فرقی قائل نیستند .

با قبول این اصل و اعتقاد بلزوم اتحاد و همبستگی و جمع شدن زیر لوای
 توحید ، زدودن گرد و غبار قرون و اعصار از چهره‌ی پرفروغ تشیع مظلوم و معرفی
 فقه و معارف و اصول آن نیز از ضروریات و واجبات است و این گشت و
 گذارها و سیر و سفرها که برادر فاضل و دانشمند ما " آقای رضوی " برای انجام
 مصاحبه‌ی ها و دیدارهایی با " مردان اندیشه " و چهره‌های درخشان جهان
 اسلام و شخصیت‌های بلند آوازه‌ی دنیای ادب ، تاریخ و سیاست بوادی نیل و
 سرزمین خلافت فاطمیان بنیانگزاران حکومت شیعی در مصر صورت داده بر
 اساس همین اعتقاد و باور بوده و درست ، بخاطر همگونی همین عقیده و باور

گفتاری از مترجم _____ هفت

بوده است که مترجم باعلاقه و اشتیاق ترجمه این کتاب را پذیرفته و از خدای
بزرگ برای اتمام بقیه مجلدات خواستار توفیق است .
باشد که آرزوی ایشان و همه درد مندان و شیفتگان اعتلای اسلام
و مسلمین جامه حقیقت بخود بپوشد انشاء الله ، بمنه و کرمه .

ابوذّر بیدار

تهران - ۲ ربیع الأول ۱۴۰۳ - ۲۷ آذر ۱۳۶۱

* * * *

آراء و نظرات نویسندگان سراپون این کتاب

در صفحات آینده مقالاتی از روزنامه‌ها و مجلات مصر، لبنان و کویت
و آنچه را که دربارهٔ این کتاب گفته و نوشته و یا اشارت کرده‌اند و نیز آنچه که
از نقد و ارزیابی برخی از دانشمندان، اساتید و نویسندگان بدست ما
رسیده، به لحاظ احترام و ارج نهادن بنظرات آنان و برای اینکه نام و
یادشان خالد و جاودان بماند، به نظر خوانندگان می‌رسد.

ده ————— بامردان اندیشه در قاهره

عده ای از نویسندگان نظر خود را در مورد این کتاب نوشته اند ، که
شایسته است بدون هیچگونه تصرف و تغییری در این جا بیاوریم :
روزنامه المساء چاپ قاهره در شماره روز جمعه ۱۶ دسامبر ۱۹۷۴
میلادی شرحی درباره این کتاب نوشته است که بنظر تان میرسد :

(رجال الفكر فى القاهرة)

" رجال الفكر فى القاهرة " دائرة المعارف است که در طهران
منتشر میشود ، جلد اول آن تحت این عنوان بقلم سید مرتضی رضوی از
چاپ درآمد هاست ، امتیاز این دائرة المعارف باین است که بر حسب
حروف الفباء ترتیب یافته است که حرف ((الف)) با : ابوالفضل ابراهیم
ابوالوفاء تفتازانی ، احمد حسن باقوری و امین الخولی آغاز میشود .
از میان مردان اندیشه که مؤلف ایرانی در باره آنها خاتمه خود را
بگرددش در آورده میتوان نامهای : دکتر سلیمان دنیا ، دکتر شوقی ضیف
دکتر طه حسین و دکتر عائشه بنت الشاطی را دید ، مؤلف فصولی از کتاب
خود را بکسانی اختصاص داده که آثار مهمی از خود بعالم اسلام تحویل
داده اند ، که از حدود قاهره تجاوز کرده است و بمحققینی که در مذاهب
اسلامی مثل شیعه امامیه اثناعشریه پژوهشها و تحقیقاتی انجام داده اند .
مؤلف تحقیق ارزنده ای از شخصیت طه حسین بعمل آورده و فصلی
بنوشته عبد الهادی مسعود اختصاص داده که متجاوز از پنجاه صفحه
است .

وفصلهای جداگانه ای به شیخ ابوزهره ، محمود ابوریثه ،
محمود شاکر و محمد محیی الدین عبد الحمید ۰۰۰۰ این کتاب بخشی از

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— یازده
دائرة المعارفی است که شامل مردان اندیشه اسلامی در تمام نقاط عالم
می شود .

(۲)

مجله " المسلم " که نشریه عشیره محمدیه در قاهره است عشیره ای
که شعار خود را نشر رسالت اسلام قرار داده و بدعوت اصلاح روحی برخاسته
و در این راه مجاهداتی بعمل آورده است در شماره ذوالقعدة سال —
۱۳۹۴ هجری برابر با ۱۵ نوامبر سال ۱۹۷۴ میلادی ، تحت عنوان :
• مع رجال الفكر في القاهرة "چنین مینویسد :

ناشر معروف اسلامی سید مرتضی رضوی ضمن سلسله مطبوعات —
" النّجاح " در قاهره کتاب بی همتای خود را با عنوان بالا انتشار داده و
در آن ۳۲ شخصیت بارز قاهره را که آثارشان در مجلات دینی ، علمی و
ادبی منتشر میشود معرفی کرده و آنها را از خلال یادداشت های خود که
ضمن دیدارهای خود با آنها کرده است برگزیده و این شکل عرضه و معرفی
که در نوع خود ممتاز است طرز جدیدی از تاریخ راستینی است که از اندیشه
و شخصیت و هدف آنها از خلال دیدار گذرا و گفتگوی طبیعی حکایت می کند
و از مهمترین اهداف کتاب ضبط و یادشمنی با اهل بیت شریف پیامبر
رضی الله عنهم بوده است ، کتاب با چاپ عالی در چهارصد صفحه بقطع
بزرگ چاپ شده و طبقه بندی فنی در آن رعایت گشته است . مقدمه کتاب
بقلم آقای عبدالکریم خطیب نگارش یافته و بدنبال آن پیش گفتاری از
استاد عبدالهادی مسعود آمده است .

در صفحات کتاب بخش خاصی بفضیلت پیشوا و امین عشیره محمدیه

دوازده _____ بامردان اندیشه در قاهره

اختصاص یافته که جای سپاسگزاری و تشکر است .

(۳)

مجله بسیار ارزنده " العرفان " چاپ لبنان در شماره تشرین دوم سال ۱۹۷۴ میلادی جزو نهم از مجلد ۶۲ ص ۱۱۴۵ تقریظی بر چاپ اول این کتاب نوشته است که ذیلاً میخوانید :

بامردان اندیشه در قاهره :

کتابی است که آقای سید مرتضی رضوی که بحمیت دینی و غیرت — اسلامی اش مشهور است انتشار داده است .

کتاب مشتمل بر گفت و شنود و مذاکراتی با گروهی از بزرگان و معارف قاهره است که مؤلف دیدارهای مکرری با آنها داشته و مذاکراتی را که بعمل آورده و گفت و شنودهایی را که داشته است نقل کرده است بطوریکه تصویری زنده از جو فکر و اندیشه قاهره را در فترت معینی بدست میدهد .

ترجمه احوال هراندیشمندی که ذکر از آنان در کتاب رفته و در اول هر دیدار آمده است که بر ارزش کتاب می افزاید و آن را مأخذ و منبعی از مأخذ تاریخ ادبی این عصر قرار میدهد .

طبیعی است که گفته شود : بسیاری از مطالبی که در این کتاب مورد نظر است مطالب و مباحث اسلامی و عقیدتی است که برای هر محقق و دانشمندی در هر زمان اهمیت خاصی دارد .

استاد عبد الکرم خطیب از مؤلفین نامبردار مصر مقدمه ای بر کتاب نوشته و بدنبال آن مقدمه دیگری است بقلم : استاد عبد الهادی مسعود مؤلف مصری .

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— سیزده

شماره شخصیت هائی که مؤلف با آنان مصاحبه و دیدار داشته و ترجمه احوال آنها را نوشته است به ۳۲ تن بالغ میشود و اینها غیر از شخصیت هائی است که در تعلیقات و حواشی از آنها سخن بمیان می آورد .
آرزو مندیم کتاب از رواجی که نیت پاک و اخلاص سید مرتضی رضوی که در آن هیچ شکی نیست ، شایسته آن است بهره ور شود .

(۴)

مجله گرامی " الازهر " تحت عنوان : میان کتب و مجلات ، بقلم استاد محمد عبد الله السمان در شماره محرم سال ۱۳۹۶ هجری برابر ۱۹۷۶ میلادی ، مقالاتی انتشار داده است که می آوریم :

مع رجال الفكر فی القاهرة

تألیف : سید مرتضی رضوی کتابی است در بیشتر از سی صد صفحه از انتشارات کتابخانه " نجاح " طهران و مؤلف مدیر این مرکز انتشاراتی از جوانان کوشا و فعالی است که همواره در راه نشر تعالیم اسلام تلاشهای ذی قیمتی بکار می برد ، وی تألیفات دیگری نیز دارد که در زمینه طرز فکر و اندیشه شیعی است ، کتابی که اکنون بدست داریم یاد داشتهائی است پر از موضوعات گوناگون که همگی بر اندیشه و فکر اسلامی از نظر روش و عقیده ارتباط دارد و وی آنها را در خلال دیدارهایش با عده ای از علماء و دانشمندان که از آن جمله هستند اساتید نامی : امین الخولی ، باقوری عبد الکرم خطیب که مقدمه ای هم بر این کتاب نوشته است ، ابو الفضل

چهارده ————— بامردان اندیشه در قاهره

ابراهیم ، محمود شاکر ، دکتر شوقی ضیف ، دکتر ابوالوفاء تفتازانی ، دکتر س
- بنت الشاطی ، دکتر طه حسین ، دکتر سلیمان دنیا و جزاینها یاد
داشت کرده است .

مؤلف طی دیدارهای خود توفیق یافته بعقیده خود خدمت کند و
نیز موفق شده که بعضی از آنهایی را که ملاقات نموده متمایل بعقیده خود
گرداند و همچنین درگذشتن ابواب وسیعی که کلاً بعقیده و باور شیعه پیوند
و ارتباط دارند ، پیروزی های چشمگیری نصیب خود کرده است .
و حقیقتاً باید گفت که : وی در ثبت مذاکرات و گفت و شنود ها و نیز در
ثبت و یادداشت کردن نظرات و عقائد آنهایی که با وی هم آهنگی در عقیده
نداشته اند کاملاً امین بوده است .

مؤلف در اهتمام بنوشتن شرح احوال مفیدی از همه آنهایی که با
آنان ملاقات داشته بر مزیت کتاب افزوده است ، و با همه اینها کتاب از
حشوی که اضافه کردنش معنی ندارد خالی نیست ، خیلی علاقه مند بودم
که بجای این حشو، صفحات کتاب با پرداختن بچهره قضایا که کتاب بخاطر
آن تألیف شده میپرداخت ، همینطور اشتیاق داشتم که مؤلف در قبال
آنهایی که با عقیده وی مخالف بوده اند تأثر و انفعالی ابراز نمیداشت .
ما انکار نمی کنیم که : از کتاب بهره های فراوانی برده ایم که روشنگر
بسیاری از قضایا و موضوعات بوده است ،
در پایان باید گفت : که گفت و شنود و مذاکره موجب زنده ماندن فکر
و اندیشه اسلامی است .

آرا و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— پانزده

(۵)

مجله " الوعی الاسلامی " چاپ کویت در شماره ۳۳ مؤرخ اول
محرم سال ۱۳۹۶ هجری ، ژانویه ۱۹۷۶ میلادی ضمن چاپ عکس روی
جلد کتاب چنین مینویسد :

مع رجال الفكر

کتابی است از تألیفات سید مرتضی رضوی و با مقدمه استاد عبدالکریم
خطیب ، این کتاب سبک خاصی در تراجم و بیوگرافی اعلام در پیش گرفته
است و مؤلف دیدارها و ارتباطات خود را که با مردان اندیشه پیرامون موضوع
غات عمومی در خلال سفرهایی که در راه نشر اندیشه اسلامی و دیدار و
ملاقات با متفکرین از مردان فرهنگ و دانش و معرفت و دین داشته برشته
نگارش در آورده است .

و کتاب عبارت است از مذاکره صریح و بی پرده در شئون مختلف اسلامی
که قهرمانان این کتاب با روح واقع نگری که هدفش تعمق و صراحت و
همبستگی است بر آن مسائل می نگرند .
و این دوازدهمین کتاب از سلسله انتشارات کتابخانه " مجاح " در
قاهره است که در ۳۳۶ صفحه میباشد .

(۶)

مجله " العربی " چاپ کویت در شماره ۲۱۳ خود سال نوزدهم
ماه اوت ۱۹۷۶ میلادی ، شعبان ۱۳۷۶ هجری چنین مینویسد :

شانزده ————— بامردان اندیشه در قاهره

مع رجال الفكر في القاهرة

تأليف : سيد مرتضى رضوی

ناشر : مطبوعات نجاح ، قاهره ، مصر .

این کتاب شرح حالِ ده‌هاتن از علماء و متفکرین و صاحب نظران مصر را در موضوعات گوناگون فرهنگ عقلی و روحی دربردارد ، و در تراجم احوال سبک خاصی داشته و از اعتبار ویژه ای برخوردار است .

این شخصیت‌ها که ترجمهٔ احوالشان در این کتاب آمده شخصیت‌هایی هستند که مؤلف با آنها آشنائی نزدیک داشته و سالیان دراز با آنها دوستی و ارتباط برقرار کرده و آنها را از میان علماء و متفکران مصر بعد از دیدار و ملاقات‌های متعدد و مطالعهٔ آثار و مؤلفاتشان و گوش دادن بگفتارهای رادیوئی آنان برگزیده و آنان را بفرهنگ خود و بیان چه که در نظر و خاطر خود دارد نزدیک دیده ، بابرخی از آنها شخصاً تماس گرفته یا بجهت دوری از مصر از طریق مکاتبه ارتباط برقرار کرده است .

شخصیت‌هایی که مؤلف ترجمهٔ احوال آنها را در این کتاب آورده است عبارتند از : استاد احمد حسن باقوری ، استاد امین الخولی ، استاد خالد محمد خالد ، دکتر شوقی ضیف ، دکتر طه حسین ، دکتر عائشه بنت الشاطی و دیگران .

پیش گفتار از :
استاد محمد اکرم خطیب
از مؤلفین بزرگ قاهره

د رود فراوان ایزدی ، به پیشوای راستین ، امام مرسلین و خاتم نبیین محمد صلی الله علیه وآله و بد اهل بیت گرامی واصحاب پاک ، و پیروان و رهروان صراط مستقیم حضرتش باد ، الی یوم الدین .

دانشمند فرزانه ، برادر یگانه ، استاد مرتضی رضوی با لطف بی پایان خود مرا درخور آن دانست که پیش گفتاری بر کتاب " مع رجال الفکر فی القاهره " اثر ارزنده وی ، که هم اکنون در دسترس خواننده است بنگارم پیشنهاد و علاقه ایشان را با اشتیاق و خرسندی پذیرفتم و در عین حال از دست زدن بنگارش مقدمه سخت می ترسیدم ، بویژه ملاحظه این نکته که در فرصت محدود و طی چند صفحه مختصر نتوانم چنانکه شاید و بایست حق مطلب را ادا کنم ، از این نظر که بحث درباره این کتاب مجال

از استاد عبدالکریم خطیب ————— هیجده

بیشتری میخواست و نیز ترس اینکه بخواننده و کتاب و نویسنده ستمی کرده باشم از این کار بازم داشته بود .

بنویسنده ستم کرده باشم ، زیرا از دانش وسیع ، اطلاعات بیکران اخلاق و تلاش پیگیر و خالصانه او در پهنه دانش ، دفاع از اسلام ، روشن کردن حقائق شرع مبین ، بر ملا کردن شبهات و افتراء و دروغ — پردازیهای دشمنان دیرین این آئین پاک و آسمانی ، دشمنانی که برای تضعیف دین همیشه کمین گرفته و می گیرند خبر داشتم و اینها هدفهای مقدسی هستند که مؤلف گرانقدر ، همه هستی و آنچه را که برایش عزیز و ارزشمند بوده اعم از جوانی و مال و مسکن و در مرحله آخر فرزندانش را هم در راه آن فدا کرده ، در مهاجرت دائم از این دیار بآن دیار و در گردش پیایی بجهان عرب و ممالک اسلامی بوده و در این سیروسلوک ، در پرس و جوی اخبار عالم اسلامی و تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن بمحافل علمی رفت و آمد میکرده ، با دانشوران و پژوهشگران گفت و شنود داشته و علی الدوام در پژوهش و تحقیق و تتبع بوده است خیلی شایسته و بجا بود اگر مجال و فرصتی دست میداد ، برای ادای دین کتابی مستقل ضمیمه کتاب ایشان کنم که در آن تصویری از تصاویر جهاد راستین در راه خدا و نموداری از سیمائی نورانی و درخشان از کار و تلاش خالصانه و پربثمر بدست داده باشم که سرمشق همه پژوهشگران واقعی باشد .

بر کتاب ستم کرده باشم ، از این نظر که این اثر پراوج ، شرح حال شخصیت هایی از دانشمندان و متفکران مصر را در بر گرفته ، که همگی در اکثر زمینه های فرهنگ و اندیشه از سرآمدان و برجستگان

پیشگفتار _____ نوزده

هستند ، که بجا است در این پیش گفتار در بارهٔ هر يك از آنها و نظر مؤلف در بارهٔ آنها اشارتی برود و اینکه نویسنده آنها را بچه ترازویی سنجیده و چه تصویر روشن و گویائی از آنها بدست داده است و همانطور که قبلاً اشارت رفت مجال قلم فرسائی در بارهٔ آنها نبود .

بخواننده ستم بکنم ، زیرا معمولاً خواننده پیش گفتار را به عنوان مدخل ، مقدمهٔ شناخت کتاب مورد نظر تلقی می کند که اصولاً روال کار در مقدمه نویسی بر آن قرار گرفته و خواننده بر حسب معمول انتظار دارد همه یا قسمتی از آنها را در اینجا ببیند ، و در این جا روش مرا برخلاف انتظار خود می بیند ، زیرا با کتابی روبرو هستم که در نوع خود بی نظیر است و اگر می خواستم محض نمونه ملخصی از آن را در این مقدمه بیاورم کار خراب می شد . بهتر آن دیدم که خواننده را تنها بگذارم ، تا خود پس از مطالعه و تعمق ، بدخواه خود بدآوری بنشیند . و نظر بدهد .

و با همهٔ این ملاحظات بهیچ وجه نمیتوانستم در مقابل علاقهٔ برادر گرامی ، استاد مرتضی رضوی برای نوشتن این مقدمهٔ بعد از متوسل شوم ، اشتیاق ایشان را با سپاس و تشکر و دعا پذیرا شدم .

بگذار : در بارهٔ دوست و برادرم استاد مرتضی رضوی عملی شود و من نیز افتخار نوشتن مقدمهٔ بر اثر ارزندهٔ ایشان را داشته باشم ، و برغم همهٔ ملاحظات که بآنها اشاره کردم ، نکته ای را که علاقه و انتظار دارم — خوانندگان گرامی هم در نظر داشته باشند ، این است که این کتاب سبک مخصوص و ممتازی در بیوگرافی نویسی و تراجم احوال دانشمندان ، و بزرگان در پیش گرفته که این سبک شرح احوال نویسی بخود ایشان مخصوص است ، زیرا غالب کسانی که در این رشته دست بتألیف میزنند بمراجع و مأخذ

از استاد عبدالکریم خطیب ————— بیست

تاریخی و آثار و نوشته های صاحبان تراجم ، کمابیش مراجعه کرده و آنرا مأخذ تحقیق و نگارش خود قرار داده و سپس حوادث و وقایعی را که در مسیر زندگی آنها واقع شده گرد آورده و میان آنها تلفیقی داده و از آنها برای آن شخصیت صورتی ترسیم می نمایند ، و این تصویر را که بدین نحو بدست داده اند با این رویداد ها و حوادث و اثرات آنها را در شخصیت مورد نظرمی سنجند که تا چه اندازه در آن شخصیت اثر گذاشته اعجاب و شگفتی او را برانگیخته ، از وضع موجود راضی بوده یا ناراضی و بجز اینها احساسهای دیگری که يك خواننده عمیق پس از مطالعه تاریخ بزرگان و رویدادهای زمان آنها ، درگیری آنان با مسائل ویژه عصر خود، شرکشان در حوادث و جهت گیریشان در رویداد ها و وقایع در خود می یابد ، و بشگفتی می آید .

اغلب ، در کتب تراجم احوال بهمین روش عمل شده و مواد لازم آنها از تاریخ گذشته و نزدیک گرفته میشود ترسیم صورت شخصیتها هم از آثار و بقایای گذشتگان که گذشت زمان در گزونیهای در آنها ایجاد کرده حقایق دستخوش تحریف و تغییر شده و مضافاً بر اینکه اباطیل و افتراها ، جعلیات هم در خلال ایام داخل تاریخ شده و چهره حقیقت را با گرد و غباری از ناد رستی ها از انظار پوشانده است .

اشخاص برجسته ای که مؤلف گرانقدر ترجمه احوال آنها را با قلم توانای خود برشته تحریر کشیده از زمره افرادی هستند که مؤلف آنها را از نزدیک میشناخته و سالیان دراز با آنها حشر و نشر و دوستی و مراوده داشته و از بین عده کثیری از دانشوران و اندیشمندان مصرعید از چندین بار دیدار و تبادل افکار و آراء و مطالعه نوشته ها و آثار قلمی آنان و استماع

پیشگفتار ————— بیست و یک

گفتارشان از رادیو ، یاد ر جلسات بحث و مناظره در انجمن ها و مجامع علمی انتخاب کرده و از میان همه علماء و صاحب نظران بطرز فکر و خاطرات و نظراتی که در اندیشه خود خلیجان و دوران داشته نزدیک دیده است . این فکر و ادراش کرده که از نزدیک بدیدارشان بشتابد و با حوصله ای وصف ناپذیر بگفتگویشان گوش فرادهد ، دیدارها را دوام بخشد ، با آنها از طریق دیدار و مکاتبه در صورت دوری از مصرا ارتباط برقرار نماید .

بسیاری ازمانیزاینکار را میکنیم ، عده ای از دانشمندان و متفکران را انتخاب می کنیم که از آنها دیدار کنیم ، با آنها بگفت و شنود بنشینیم گاهی هم با آنها اختلاف رأی و نظر داشته باشیم ولی گمان نمیکنم پس از مراجعت از این دیدار پرمثمر بابرادران و دوستان منتخب و برگزیده ، با خود خلوت کرده و گفتگوهایثرا که فیما بین رد و بدل شده در دفتر یادداشت خود بدقت ثبت کنیم و اگر هم بفکری یادداشت برداری باشیم جز حواد شباز و قضایا مهم ، مطالب دیگر را یادداشت نمی کنیم و اگر هم اینکار را بکنیم قصد اینکه این کار را روزی مورد بحث و تحقیق قرار داده و به شکل کتابی در دسترس عامه بگذاریم نخواهیم داشت .

لکن استاد مرتضی رضوی ، نحوه کارش با اسلوب مرتب بی نظیر غیر از روشهای معمولی صورت گرفته ، روشهای معمولی ثمرات نیکوئی را که ممکن بود دانشمندان و معلّمان از دیدارهایی که دوستان اهل علم و متفکران را بگرد هم آئی و امیدارد ، بدست آورند ، ازین میبرد . که اگر بموقع به ثبت مذاکرات و نوشتن مطالبی که خاطر آنها را مشغول و رنجه میداشته بعد از آرامش حدت مناقشه ، و پاره شدن ابرهای تیره ، که اختلافات تعصب آلود در رأی و طرز تفکر و دفاع طرفین بحث بقصد پیروزی

از استاد عبدالکریم خطیب ————— بیست و دو
و غلبه فضای مذاکرات راتیره می‌کرد دست میزدند ، مادهٔ اصلی برای بحث
و تحقیق و میدان گسترده‌ای برای کشف و تجلّی حقیقت فراهم می‌آمد .
استاد عالیقدر مرتضی رضوی ، در همان نخستین گام‌هایی که در این
راه برداشته متوجه این نکته بوده و با هر دانشمند و ادیبی که ملاقات اتفاقی
و تصادفی داشته ، گفت و شنود و مذاکره نموده ، بدقت نقش خاطر کرده
و سپس آنرا با قید تاریخ روز و ساعت ، با شرح و تعلیقات در یاد داشته‌هایش
ثبت کرده و قبلاً هم با اینکه در این مورد بتدریج می‌پرداخته مقصود خود را
با کسی در میان نمی‌گذاشته است .

بارها ، با استاد رضوی ملاقات و گفتگوهای کوتاه و مفصل در زمینه‌های
گوناگون داشته‌ام لکن همه آنها از صفحه خاطرم فراموش شده و به یاد
نداشته‌ام جز اینکه ملاقات‌هایی با دوست دانشمند دست داده ولی چند
بار ؟ ! و چه طور و کجا ؟ ! گفتگوهای فیما بین در هر بار چه بوده بکلی
از یادم رفته و از دیدارهای گذشته خاطره‌ای سایه وار و مبهم‌بیاد داشتم تا
امروز که دوست استاد ، با اقدام خود بتألیف این کتاب از خواب غفلت
بیدارم کرد و مرا بمحتوای پرارج صفحات این کتاب از شرح احوال و
بیوگرافی دوستانی که آنها را در مصر شناخته و نیز از شرح حال خودم آگاه
گردانید که سخت متعجب شدم ، زیرا گفتگو‌هایی که با هم داشتیم بتفصیل
و با قید زمان و مکان و بدقت در آنجا آمده بود ، بنحوی که از معظم له بطور
جدّی پرسیدم : آیا در دیدارها دستگاه ضبط صوت برای ضبط مکالمات
پنهانی همراه داشتی ؟ ! در پاسخ صادقانه و جدّی فرمودند : چطور ؟
شما تا بحال دیده‌اید ضبط صوتی که از آن حرف می‌زنید با خودم همراه داشته
باشم ؟ .

پیشگفتار _____ بیست و سه

حقیقت اینست مطالبی را که استاد رضوی از شخصیت‌هایی که شرح حال آنها را در صفحات کتاب برشته تحریر آورده در دقت، امانت و درستی از کار يك، وقایع نگار دقیق که صورت مذاکرات يك، مجلس یا مناظره را بروی کاغذ می‌آورد کمتر نیست. • الا اینکه نوشته استاد رضوی در عین دقت، صحت و امانت از عاطفه دوستی و قد رشناسی طوری نبوده که مؤلف را از حدود امانت در تاریخ نگاری بدربرد.

وی در مورد هیچ يك از دوستان بمجامله و گرافه نپرداخته و چهره واقعی آنها را بگونه دیگر نشان نداده و مقام و منزلت آنها را از حد واقعی خود فراتر نبرده است، زیرا که معظم له خود را در پیشگاه دیانت و خصال کریمه اسلامی خود متعهد می‌داند صفحات کتاب خود را وثیقه و سندی محکم استوار از وثائق و اسناد تاریخی و گواهی راستین بسازد که نسل‌های آینده بدان استناد و استشهاد کنند.

محتوای کتاب مطالبی است که مؤلف آنها را بچشم دیده و بگوشت خود شنیده و با میزان خرد سنجیده و حفظ کرده است و امتیاز بزرگ این کتاب از دیدگاه تاریخی و از حیث اعتبار و اطمینان در مقام گفتگو از این اشخاص و تحقیق در احوال و آثار ایشان همین است، پس از اطلاع آگاهی از این کتاب بمؤلف دانشمندش پیشنهاد کردم که در این راه که خدا هم در رسیدن بانجام آن یار و یاورش خواهد بود راهی گردد و این رویه را در مورد سایر شخصیت‌های علمی مصر که بیوگرافی آنها را در این کتاب نیاورده است و با سایر اعلام و بزرگان جهان عرب و اسلام که با آنها دیدار می‌کند معمول دارد تا این کار وسیله‌ای نزدیک و آسان باشد برای تفاهم و نزدیکی بین ابناء امت اسلامی که مؤلف استاد تلاش خستگی ناپذیر

از استاد عبدالکریم خطیب ————— بیست و چهار ر
 خداپسندانهای بخاطر عزّت و سعادت آنها و وحدت کلمه‌شان در کتاب:
 خدای سبحانه و سنتّ سنیه رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیه بکار
 می‌بندد . . . معلوم و روشن است هر قدر کار سنگین و سخت باشد
 پاداش و اجر آن نیز نزد خدا عظیم و بزرگ خواهد بود .
 "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ، وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ"
 از درگاه ایزدی بدست نیاز خواهانم که مؤلف راجزای نیکو و عمر پر برکت
 کرامت فرموده و اسلام و مسلمین را بوجود شریفشان بهره مند گرداناد ، و
 هر چه بیشتر یار و یاورش باشد ، إِنَّهُ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ .

× × × × ×

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

عبدالکریم خطیب

قاهره : ۱ / ۹ / ۱۹۷۴ میلادی

مطابق ۱۴ / ۸ / ۱۳۹۴ هجری

استاد عبد الفتاح عبد المحمود

در يك مرور سريع بصفحات اين كتاب " بامردان اندیشه در قاهره " مثل آنست كه آلبوم زیبایی را كه حاوی تصاویر گروهی از صاحب قلم نامبردار و پیر آوازه وادی نیل كه سهم و امتیازشان در بنا نهضت فكري كه درسزمین مصر در طول این قرن بیستم درخشد و پرتو آن بسایر اقطار و كشور هاتابیدن گرفت غیر قابل انكار است ، ورق زده و تماشا میكنم ۰۰۰۰۰۰ بر هر فرد پژوهشگر منصفی پوشیده نیست كه هر کدام از این نویسندگان نامدار سطری یا عبارتی برگنجینه فرهنگ بشری و دائرة المعارف علوم انسانی كه از اهمیت ویژه ای برخوردار است در این بخش شرقی جهان یا آجری بر دیواره ساختمان عظیم فرهنگی مانده ، یا چراغی پر فروز برفراز كاخ مدنیّت عربی ما كه از صدها سال پیش همچنان پابرجا است روشن كرده تاروشنگر راه بشریت باشد .

امروزه آرزوهای گذشته را در كانون دل و جان زنده میداریم و بكار و تلاش بر میخیزیم تا آینده ای همچون گذشته افتخار آمیزش داشته باشد همچنان راهگشا و هدایتگر و سرفراز كه از نور و روشنائی روز درخشانتر و از رفعت و سرفرازی آسمانها نیز رفیعتر و سرفرازتر باشد !

در تداوم سیر تكاملی عقل و خرد خلاق بشری و در تحولات گوناگون فكري انسان مصنف كتاب ، دوست ما " آقای سید مرتضی " همراه با خواننده و در مصاحبت بزرگانی كه با خامه توانای خود جولانها و شناوریهای فكر را

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون کتاب ————— بیست و شش
از لحاظ : عرضه کردن ، سبک شناسی ، نقد ، بررسی ، ارزیابی پژوهش و
تحقیق ترسیم کرده اند سیروس یا حتی را آغاز کرده بی زیبا و دل پذیر این
سیر و سفر طبیعی است که بهمانیز خوش بگذرد و بد یارهای د و ر دست ، و
ناشناخته ببرد ! .

این ثمره سیاحت پر بار ، بدون اینکه رنج سفر را بر خود هموار کنیم
بدستمان می آید و آنچنان که می خواهیم و امیدوارم که من و هر خواننده ای که
کتاب را بمطالعه میگیرد متوجه آن باشیم این است که آن نعمتی است غیر منتظره
توفیقی است ناخواسته ! و در این صورت میدان سیاحت از هر زاویه ای که
نگریسته شود پسندیده و قابل سپاس است و تلاشی سیاحتگر هم در هر مقیاسی
که فهم اندازه گیری کند باز پسندیده و مشکور است .
اشتیاق و امید ! ...

بلی ! . ولی این اشتیاق آنچنان نیست که بالهای آرزو را در ژرفنای —
محال بغواصی ببرد ، یا امیدی که امیدوار را در جولانگاه خیال به
خیال بانی وادارد ، در آنچه گذشت هدف تعریف از کتاب و یا بزرگداشت مقام
مؤلف آن نبوده و نیست ، زیرا که این بزرگداشت و تمجید بعقیده من تنها —
انعکاس از تقدیر خواننده است که تقدیری است بجا و جای گفتگو نیست
و بزرگداشت مؤلف نیز پاداش ارزنده ای است در قبال انتشاراتی که وی
قبلاتلاشهای قابل ستایشی در آن راه بکار برده است ، این منشورات در
دسترسی علاقه مندان دنیای عرب گذارده شده و همگی از ذخائر فکری
بشمار میروند که بعضی بقلم خود وی و برخی دیگر بخامه ساینده و مؤلفان است .
آنچه که در حقیقت می خواهیم بدان اشارتی بکنم این است که : کتابی
که هم اکنون بخوانندگان عرضه میشود ، توان گفت که : در بین کتابهای سیر

بیست و هفت ————— بامردان اندیشه در قاهره

و تراجم کم نظیر است ، که دوست ما آقای سید مرتضی دریک بیوگرافی نویسی فنی کامل از بعضی "مردان اندیشه در قاهره" که شامل مراحل عمر آنان با شرح و تفصیل باشد ، یا کارهای فکریشان با تحقیق بیشتر مورد بررسی قرار گیرد بتکلف و زحمت نینداخته است بل بیک مجموعه از خط ، و سیاه قلم هائی خفیف : همچون تبسمی لذت بخش ، رقیق : همچون نسیمی روح بخش و دل انگیز ، مثل آنکه اولش ریسمانی محکم بهم بافته باشد ، و اجزاء آن کشیده و پراکنده و سپس موزون و بهم پیوسته و هم آهنگ گردد و به شکل قائمه ها و ستونهای عمودی و افقی درآمده و در نهایت چیزی شبیه قاب عکس میشود .

و مثل این است که : دومی آن نثار طلای درکیسه ریخته است که ذرات آن بهم نزدیک و سپس بچسبند ، بعد بشکل یک رشته منظم تشکیل دانه های جواهر را داده و گردن بندی زیبا و دل فریبی شوند و چیزهائی رنگارنگ همانند تصاویر بوجود آورند .

دریک سبک و روش آزاد و گسترده ، مؤلف این کتاب ، در کمال سهولت و آسانی قلم خود را بگردش و جرخش در آورده و چنانکه گفتم تصاویری را در قابهای زیبا نشانمان میدهد . قابها عبارتند از :

زندگانی صاحبان اندیشه و تصاویر نیز کنه اندیشه ها . . . در هر دیداری تصویری در قابی ، خودی برای نشان میدهد که در کمال جلوه و روشنی است و نه در تیرگی و ابهام ، بلکه سایه روشنهای را دارد بطوری که میشود که کارهای فکری این بزرگان را بشکلی که اگر بصراحت و روشنی مورد تفسیر قرار نگرفته باشد ، میتوان محتویات و مضامینشان را با ایماء و تلمیح دریافت .

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون کتاب ————— بیست و هشت

و گمان نمیکنم اگر گفته باشم: مؤلف با این ایجاز راه دشوار و سختی را برگزیده است غلو کرده باشم، زیرا که می بینم نوشتن کلمه‌ای رابعبارتی و سطوری را بر صفحه‌ای مقدم میدارد و اگر می توانست چه بسا بجای کلام روشن بر رمز متوسل میشد روشی همچون روش تند نویسان!

و حق با او است!

خواسته است که بزرگترین چیزی را که میدانند تا میتواند در کوچکترین جا و مکان بگنجاند و بنویسد و بخوانند گانش منتقل کند! ۰۰۰ و بآنها، سی و اندی از بزرگان اندیشه را در صفحاتی محدود معرفی میکند که اگر میخواست بآسانی میتواند آن صفحات را بیکای از آنها اختصاص دهد.

وی در آن دهان و افکار این اعلام و بزرگان بکاوش پرداخته تا ثمره و محصول عقول و افکار آنها را بدست آورده و اشتیاق و عطش شدید خوانستاران و علاقه مندان به معرفت و شناخت آراء و نظرات را سیراب سازد.

وی در این باب راه و روش آسانی را در گفت و شنود و مذاکره بین خود و کسانی که آنان را در بین دو جلد کتابش اسکان داده است برگزیده که بآن طریق، محاوره آسان و دل چسب و گفتگورقیق و نرم و فهم معانی نه برخواننده اهل فن و متخصص و نه برخواننده ای که میخواهد زود و سریع سطوره و صفحات را مرور کند و وقت فراغت و بیکاری اش را بپر کند سخت و دشوار نباشد.

مناقشه و مذاکره ای که آقای رضوی در پیش گرفته سبک و مدخلی است که میدانند چطور از آن راه برای نشر افکار عقیدتی خود و دفاع از آن بی آنکه در لباس دعوت و تبلیغ ظاهر شود، یا لباس رزم برای دفاع از عقیده بپوشانند!

بل همه حدیث و گفتارش در این زمینه است که خوانندگان را به

بیست و نه ————— با مردان اندیشه در قاهره

خاطر کسب منابع معرفت بپیروی از روشهاییکه مفید بحال آنها تواند بود باین
ایجاز و اختصار وادارد و معالِم و آثار و نشانه های روشنی فراراهشان قرار
دهد و آنها را برای وصول بسرچشمه های زلال معرفت رهنمون شود ، تا
هرکس بغراخور عطش و اشتیاق خود از آن سرچشمه هر طور که دلش می خواهد
بنوشد و سیراب شود .

و می پرسم :

آیا این مذاکرات و گفت و شنودها — گرچه کوتاه — رغبت انگیز و شوق
آفرین نیست ؟ شوق و علاقه در قلب مشتاقان برمی انگیزد و آن کس را که میل
بطعام ندارد برای تناول غذا و امیدارد ! ؟

اسکندریه — ۲۰ / ۱۱ / ۱۹۷۵ عبدالفتاح عبدالمقصود

استاد عبدالنور محمدی هلمی

از نویسندگان مشهور جهان اسلام نمایند^ه
یمن در جامعة الدول العربیة در مصر،
سفیریشین یمن در اندونزی ، ، دارای
تألیفات و آثار ادبی جاویدان .

با استاد رضوی در " رجال الفكر فی القاهرة "

اگر گروهی از طراز استاد دانشمند سید مرتضی رضوی پیدا شود ، از
آنانی که با اصابت نظر با موانع استحکام صفّ مسلمین بمبارزه برخیزد ، و
شکافهای عمیق موجود را بهم برآورد ، ظلمات و تیرگیهای اشکال را بشکافد
و از میان یلدا ی غم انگیز مشکلات ، روزروشنی را جلوه گرسازد و آب و شراب
را از هم جدا کند ، جهان را بگردد و دود کشورهای اسلامی برای شناخت
علماء اسلام و تبادل گفتگوها پیرامون مسائل مختلف اسلامی برای رسیدن
به همبستگی بین مذاهب مسلمین و اجماع رأی و اتحاد جهت و کلمه و پیدا
کردن راههای رشد و روشنگری حق و حقیقت سیاحت و گردش کند ، آن وقت
است که سایه ابهام و پرده شک و تردید از صورت اختلافات مذهبی برخواید
افتاد و روشنائی و نور آنرا فراهم خواهد گرفت و در نتیجه مقصود بدست خواهد آمد
و معماها و مشکلات حلّ و چهره دل افروز حقیقت هویدا و آنچه رفتنی است از

سی و یک

سی و دو _____ بامردان اندیشه در قاهره

صافی حق بدور ریخته خواهد شد و چهره تابان صبح امید و پیروزی در پیش چشم جلوه آغاز خواهد کرد .

اگر ستمای از تیپ استاد رضوی کوشا و تلاشگر در دفاع از مذهب — جعفری پیدا شود که فقه آن را در کمال رفق و شکیبائی بیان کند ، و از زوایا و ابهامهای آن پرده بردارد ، و خود را غرقه دریای بحث و تحقیق کند و در این باب تلاش را بنهایت رساند ، ظهر و بطن امور را بهم میریزد و حقیقت را از این میان بدست آورد ، بعمق قضایا بنگرد و ناراستی ها و کژی ها را با همه اطراف و جوانب و زوایا و نهانیها در نظر داشته و همگی را از محك تجربه و صافی آزمایش بگذراند ، که در این صورت است که میتوان امید داشت که امروز اسلام غیر از دیروز اسف انگیز آن باشد و مسلمانان در تمام پهنه گیتی همچون پیکرو احدی باشند که :

جو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
اگر افرادی پیدا شوند و با اخلاص در راه تقریب بین آراء علماء مذاهب بتلاش برخیزند و در جماع و محافل شرکت کنند ، در محضر دانشمندان و محققان حضور پیدا کنند ، آنها را بشناسند ، از آراء و نظراتشان آگاه گردند و در اثر دانش و بیانی که دارند با تمام قوا برای ازاله ابرهائی که بر دلهای جامدان و متعصبان سایه افکنده همت کنند ، با خلوص و اخلاص کار کنند و در عمل کوشا و خستگی ناپذیر ، رابط و همزه وصل بین علماء امامیه ، و علماء اهل سنت باشند ، شبهات و چیزهائی را که در اندکان هست و با جوهر و اساس و ریشه دین ارتباطی ندارند از بین ببرند .

ترتیب تشکیل کنفرانس ها و کنگره ها را بدهند و دانشمندان را به گرد

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— سی و سه
هم آئی و اجتماع فراخوانند ، تا از نزدیک، بایکدیگر آشنا شوند و همدیگر را
بشناسند ، آن گاه است که یخهای تعصب ، جهالت و گمراهی آب شده
و حلقه های زنجیر قرون و اعصار از هم خواهد گسست و مسلمانان بسوی خیر
و سعادت گام برخواهند داشت ، و آینده درخشانی در انتظارشان
خواهد بود .

استاد رضوی ، با کتاب خود " بامردان اندیشه در قاهره " تلاش
بزرگی دست زده است ، زحمت مصاحبه و دیدار گروهی از علماء قاهره
و مردان اندیشه را بخود هموار کرده و جلوه هایی از آراء و نظرات و عقاید
آنها را در پیرامون فقه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، در
دسترس ما گذاشته و خود را همزه وصل و رابطی بین پیروان مذهب امامیه
و مذاهب اهل سنت قرار داده است .

تمام کار و تلاش برای این است که اختلافاتی از جوانبی از فقه
انگیزه دوری و کناره گیری و موجب اختلاف و شکاف بین این یا آن گروه که
موجب ضعف اسلام و وحدت مسلمین میشود نگردد .

و دعوتش در این راه ، که حقد ها و کینه ها بفراموشی سپرده شود
و توافق و تفاهم جای دشمنی و اختلاف را بگیرد .

از ثمرات وجود فردی نظیر استاد رضوی که محافل علم و فضل
بوجودش افتخار دارد : یکی اینست که در محیط خود آثار نیکو پر —
برکتی از خود بیادگار گذاشته که این کتاب " بامردان اندیشه در قاهره "
یکی از آنهاست ، که در تنظیم آن زحمت ها کشیده و راهی پیموده
و سختی ها بخود هموار کرده و از هیچگونه سعی و تلاشی باز نایستاده

سی و چهار _____ با مردان اندیشه

است .

بهترین پل ارتباطی است که میان دو گروه بزرگ را بهم وصل می کند
و اگر نظیر او بیشتر می بودند قطعاً ناسامانی های مسلمین سامان میگرفت
ورشته های ازهم گسسته بهم می پیوست ، ملّتی واحد و سپس برادری و
عطوفت بوجود می آمد و مجد و عظمت و شکوه از دست رفته تجدید می شد ، و
ارأیت ثمّ نعیماً و ملکاً کبیراً .

عبدالله یحیی علوی

۲۹ ربیع الثانی ۱۳۹۶ هـ

قاهره :

۲۹ آوریل ۱۹۷۶ م

* * *

دکتر محمد عبدالمعظم خفاجی

رئیس دانشگاه الازهر را در اسبوط و از علماء ازهر شریف است
(۱) و کوشش و دعوتی دارد به همبستگی و
تقریب و وحدت تشریعی بین طوائف اسلامی
و از این لحاظ که یار و یاور عترت طاهره
سلام الله علیهم بود و در این مورد ممتاز
میباشد لذا بگسترش و توسعه فقہ شیعه
امامیه اهتمام ورزید و از آن حمایت میکند.

بنام خدای رحمان و رحیم

مع رجال الفكر فی القاهرة

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد صلی الله علیه و
سلم و علی آله و صحبه و بعد :

برادر با صداقتم آقای سید مرتضی رضوی لطف کردند و نسخه ای از
کتاب پرارزش خود "مع رجال الفكر فی القاهرة" را بمن اهداء فرمودند و
در این کتاب داستان دیدار خود را بعد از کثیری از رجال اندیشه ، ادباء
نویسندگان ، ناقدان ، روزنامه نگاران و دانشمندان و مؤلفان در قاهره

(۱) دکتر خفاجی تألیفات با ارزش و نفیسی دارد که از لحاظ تعداد
بیشتر از ۴۰ جلد و از نظر اهمیت جاودانه هستند و اکثر آن در زمینه : ادبیات
عرب نوشته شده است .

سی وینج

سی و شش ————— بامردان اندیشه در قاهره

آورده و مختصری از سیرهٔ زندگانی عده‌ای را که سرد رنقاب خاک کشیده اند یاد رجال حیات هستند که خداوند بر ایّام عمرشان بیفزاید نوشته است .
از دریافت و مطالعهٔ این کتاب ، بچند جهت بینهایت خوشوقت و
سعادت‌مند شدم : اولاً ، کتاب شرح حال شخصی مؤلف است درد و رانی
از حیات پربار و پربرکت وی که امیدواریم بخواست خدا طولانی هم باشد .
ثانیاً : مؤلف ، کتاب را با واقع‌نگری کامل ، تحقیق دقیق و بسط و
شمولی که همهٔ موضوعات را دربرگیرد نوشته است .

ثالثاً ، وی تاریخچهٔ مفیدی از اعلام و بزرگانی که با آن‌ها ملاقات و
دیدار داشته ضمن ترجمهٔ احوال سودمندی از آنها آورده است .
رابعاً : وی با این سبک نگارش خاطرهٔ کتابهای : طبقات ، تراجم
و سفرنامه‌های قدیمی را در تاریخ اندیشهٔ اسلامی در نظر ما مجسم میسازد .
خامساً : تاریخ بسیاری از بزرگان و اعلام را که برحمت حق تعالی —
شتافته اند و از آنها سند و مدرکی نمانده است که بتوان باستناد آنها تاریخ
حیات آنها را بتفصیل یا باجمال تدوین کرد ، ثبت کرده است .
مؤلف دانشمند آقای سید مرتضی رضوی با این کار خود ، خاطرهٔ
جهانگردان مسلمان را در دوران قدیم زنده میکند ، جهان‌گردی است
که کشورها را زیر پامیگذارد ، و رجاله‌ای است که در راه تحقیق يك موضوع
یا مراجعه بیک کتاب خطی یا انتشار کتابی بهر نقطه‌ای از جهان سفر میکند .
او جامع بین صفت عالم و ناشر است ، هم نویسنده و مؤلف است
و هم صاحب مؤسسهٔ انتشاراتی .

مجاهدی است که بخاطر خدمت به يك فکر یا دفاع از عقیده یا نشر
اثریکی از اسلاف صالحین و اهل بیت کرام رضوان الله علیهم اجمعین —

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب _____ سی و هفت

همه مال و هستی خود را بر کف دست میگذارد و از خرج آن دریغ نمیورزد .
کتاب " بامردان اندیشه در قاهره " اثری نفیس و سودمند برای عالم
اسلام و مسلمین و تاریخ معاصر و اعلام فکرو اندیشه نوین بشمار میرود .
خداوند از وجود او نفع بیشتری عائد مسلمین گرداند ، و او را معزز
و عمرش را مستدام بدارد .

محمد عبدالمنعم خفاجی

۲۳ ربیع الثانی ۱۳۹۶ هـ
قاهره: جمعه ۲۳ آوریل ۱۹۷۶ م

دکتر حامد حنفی داؤد

رئیس بخش ادبیات عرب در دانشگاه عین
شمس و ازدعات تقریب بین مذاهب اسلامی
است و در آنچه از شیعه امامیه می نویسد
انصاف را رعایت میکند و در این باب امتیاز
خاصی دارد . (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

ناشر امامی آقای سید مرتضی رضوی صاحب کتابخانه "النجاح" از
بهترین ناشران جامع بین معرفت بروشهای نشر و اطلاع عمیق در انواع
فرهنگهای اسلامی است و برای همین است که در انتشار کتاب پراچ
"بامردان اندیشه در قاهره" و در دسترس قرار دادن آن برای هر خواننده
مسلمان مخصوصاً خواننده مصری سنی موفق بتوفیق تام بوده است و ارزش
کتاب هم در این متحابه سازنده بین ناشر و برگزیده اندیشمندان در مصر
که در آن هر دو طرف نسبت های دروغینی را که در پیرامون شیعه امامیه
ایجاد شده و شیعه را از دایره عقیده سالم بیرون میبرد ، در معرض نقد و
بحث و بررسی قرار میدهند .

۱- از تألیفات دکتر حامد حنفی داؤد است : الصاحب بن عباد
بعدائف عام که : رساله فارغ التحصیلی وی میباشد .
الکتابة الدیوانیة فی العراق که : دانشنامه دکترای ایشان است ،
الأدب العباسی ، المأساة الکبری ، مع احمد امین ، مع طه حسین و جز
اینها

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون کتاب _____ سی و نه

و بهمین خاطر است که این کتاب ارزنده را در رسالت عظیم است .
رسالت نخستین : تبرئه امامیه است از نسبت‌های ناروا و دروغینی
که خطرهای برای جهان اسلام داشته و دارد و در طول تاریخ
اسلام بدست ظلم و تعدی بشیعه امامیه چسبانده اند ، کاری که هیچ
مورخ منصفی از آن خشنود نیست و دعوات محبت و دوستی ، صلح و همبستگی
میان امت سیدانبیاء محمد (ص) آنرا نمی پسندند سیدانبیاء است که میفرماید :
آیا خبرند هم شمارا با فضل و بهتراز درجه نماز ، روزه ، صدقه ، امر بمعروف
و نهی از منکر ؟

گفتند : بلی ای رسول خدا .

فرمود : اصلاح ذات البین ، که فساد ذات البین از بین برنده و
میراننده دین است و در گذشته امام حسن بن علی علیهما السلام از جمله
کسانی است که این رسالت را در بهترین و نیکوترین صور ظاهری و باطنی
ادانمود که مصلحت عمومی مسلمین و جلوگیری از خونریزی را بر مصلحت
شخص خود مقدم داشت در صورتیکه خلافت حق شرعی و قانونی وی بود .
و در این موقف با تمام اخلاص فرموده جدش را که تحیات و برکات
خدا بروی باد تطبیق داد : که این پسرم آقا است و زود باشد که خدا بین
دو طایفه از مسلمانان را بوسیله او اصلاح کند .

و این از دیدگاه سبک تحقیق علمی نوین که بنیانهای او را وضع و
پی ریزی کرده ایم بهترین ردی است که نسبت‌های ناروای متعصبین -
مذهبی را علیه مذہب دیگر باطل میسازد و ما را ودعت کنندگان تقرب و همبستگی
را بین اطراف بهترین امتی که برای مردم ظاهر شده است تقویت و کمک میکند .

چهل ————— بامردان اندیشه در قاهره

رسالت دوم: عبارت است از تجلیل و بزرگداشت مردان ارزنده، فکرو اندیشه‌ای که بخیر و صلاح امت اسلامی فرامی‌خوانند و وحدت صف اسلامی را بر هر هدف دیگر مقدم میدارند و این روشی است سلیم‌ان‌شیرین گرامی که شایسته همه گونه تقدیر و تکریم است که ترجمه احوال این مردان بزرگ علم و اندیشه مصر را آورده و خوانندگان جهان عرب و اسلام را به زندگانی و آثار و اعمال دینی و ادبی آنها و خدمات ارزنده‌ای که در عالم اندیشه اسلامی بخوانندگان تقدیم داشته اند معرفی کرده است.

و من با این مجمله که نظر خود را در باره این کتاب پراچ می نویسم آرزو میکنم ، خداوند متعال ما را و ایشان را اخلاص در گفتار و کردار عنایت فرماید و زبانمان را از پریشانگویی و فحش و ناسزا مضمون بدارد تا این اجتماع قوام یابد و این بناء بکمال برسد ، برای رفعت و عظمت اسلام و مسلمین خود را از هر گونه تعصب و عصبیتی جز دعوت بحق و خیر که برای مرضات خدا و رسول خدا باشد دور داریم .

والله المستعان

دکتر حامد حفنی داود

بنیانگذار روشهای تحقیق علمی نوین

۲۳ / شعبان ۱۳۹۶ هـ

قاهره :

۱۹ - اوت ۱۹۷۶ م

استاد محمد الهادي محمود

د وزارت فرهنگ و ارشاد ملي

و د پښتو ژبې عاليه درواري لکتب المصرتيه

این کتاب

صاحب نظران اهمیت علم تاریخ و بیوگرافی را تذکار میدهند، زیرا که از خلال این دودانش نحوه زندگی و رفتار زنده گان و برجستگان قوم را میتوان بدست آورد •

پاره ای از زندگینامه ها و بیوگرافیها تحقیقی محض هستند که نقاط ضعف صاحب زندگینامه یا محاسن وی را به یکسان شرح میدهد • پاره دیگر که نوع ویژه ای است از شخصیت، مذهب و عقیده صاحب بیوگرافی بحث میکند •

مؤلف و فراهم آورنده این کتاب قسم اخیر را برگزیده است، و از دیدگاه شیعی امامی خود مقیاسی برای رجال معین کرده که از میان آنها هر کدام بآن مؤمن بود با و نزدیک و هر کدام از این عقیده فاصله داشت

چهل و یک

چهل و دو ————— مقدمه

از وی نیز دور است .

از میان اندیشمندانی که در قاهره با آنها دیدار و همکاری داشته
مذهبان را بر همه چیز مقدم داشته است .

سنت و شیعه و سائر مذاهب ، بیرون از قواعد و ضوابط بزرگ —
اسلامی نیست بلکه هر دواخل این ضوابط کلی بوده و در آن مستهلك
می شوند ، اسلام ظرف و قالب مخصوصی دارد که هر چه زائد بر آن و یا کمتر
از آن باشد در خود ذوب میکند ، و همه اینها شایسته آن است که مورد
اهتمام و عنایت ما باشد تا سالمترین آراء و آنچه را که بعقیده ما بیشتر
نزدیک است و اساس آینده درخشان ما و تعیین کننده خط مشی ما است
بگیریم ، محبت ها و دوستیهای بی غلّ و غش و راستین راحقوی است و
اثری خاص دارد ، در میدان فکر و اندیشه نیز همین طور است و اثر
ویژه خود را می بخشد و این قاعده ای است طبیعی در سرشت بشر .

ناگفته نگذارم و نگذرم که : آقای رضوی هم در نوشته های خود که
با صدق نیت و عقیده بدان دست زده اند عذرهایی دارند ، خود من نیز
همینطور ، ایشان ضمن اینکه مرا در شمار « مردان اندیشه » در قاهره
بشمار آورده اند ، چند مورد از کتابهای مرا بصرف اینکه سیاسی است و
داخل موضوع نیست از قلم انداخته است ، در صورتی که اختلاف بین علی
علیه السلام و مخالفینش يك اختلاف سیاسی در جهت نحوه حکومت و
اصلاح امر است و تنظیم کار آنان بود .

بنظر بعضی ها باید بر می آشفتم و لکن این مسئله و جز آن در من
تأثیری ندارد و من مثل یکی از ابناء اهل بیت محبت شان در سراسر وجودم
رخنه کرده که حتی با نهائی هم که از حریم آنها دفاع می کنند و تاریخ زندگی

از استاد عبدالهادی مسعود ————— چهل و سه
 پرافتخار ایشانرا و اینکه چگونه با حقوق و منزلت آنها بحاریه برخاستند به
 رشته تحریر می‌کشند ، اخلاص و ارادت می‌ورزم ، و آنهائیکه محبت و دوستی
 ایشان بخاطر خدا باشد ، خداوند بروز قیامت زیر سایه رحمت خود ، که
 سایه‌ای جز سایه او نیست مستقر خواهد فرمود ، واجب است این محبت
 بی شائبه را در طول حیات خود و تا آفتاب عمرمان غروب نکرده است بکار
 بندیم .

و این است عصاره و جوهر کتاب ما " مع رجال الفكر فی القاهره " که
 معرفت نتایج علم و دانش و فرهنگ عده‌ای از نخبه‌های علم و دانش است
 بمؤلف و صاحبان تراجم و قاطبه خوانندگان این اثر نفیس و تمامت مطالب
 و معانی اصیلی که در لابلای کتاب هست از اعماق دل و جان درود می‌فرستم
 و امیدوارم همه ما در یک صف فشرده بیاری اسلام و مسلمین برخیزیم از
 خوانندگان نیز این امید را دارم که مقداری از وقت خود را صرف مطالعه
 بزرگان این اثر نمایند ، تا آشنائی با افکار و آراء آنها را بدست آورند ، و
 هرآن قدر که می‌توانند با محبت و احترام و همکاری سازنده و مثبت با
 همدیگر رفتار کنند که بدون اینها دین و دنیا و اجتماع ما پایدار نخواهد
 ماند و قرین سعادت و سیادت نخواهد بود .

قاهره — عبدالهادی مسعود

مدیر کتابخانه هادرا الکتب المصریة

استاد فکرمی ابوالنصر

از علماء ازهر شریف و از دانشمندان آزاداندیش
و از دعوات تقریب و همبستگی بین مذاهب
اسلامی است و حالیه، نویسنده روزنامه
"الأهرام" مصر میباشد (۱) .

بامردان اندیشه در قاهره
تألیف: استاد ارجمند سید مرتضی رضوی

گفتگو درباره کتاب "بامردان اندیشه در قاهره" در حقیقت در
مرحله نخست گفتگو از شخص مؤلف گرامی آن است .
این کتاب ثمره تلاشها و فعالیت ها و دیدارهای مکرر وی با گروه بزرگی
از دانشمندان ، محققان و اندیشمندان در قاهره و گفتگوهای وی در مسائل
و اموردینی بطور اعم و مذهب امامیه جعفری معروف بشیعه امامیه بطور
اخص میباشد ، از آنهایی که فرصت آشنائی با آنها بوی دست داده و با
افکار و احساسات آنان نزدیک بوده ، با آنها دوست بوده و اعتماد داشته
و آنها نیز خاصه اخلاص وی بآن ها و از طرف دیگر بذهب خود
شیعه امامیه .

در این کتاب شرح حال رجال فکر ، در مقدمه گفت و شنود آمده ، و

(۱) کتابهای: من کفاحنا الفکری و ذکریات خالد قازانرا استاد فکری
ابوالنصر است .
چهل و چهار

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— . چهل و پنج

آراء و نظرات آنها در مورد مذهب شیعه امامیه و نظر آنها در مورد اینکه واجب است اهل سنت بر میراث فکری و عقیدتی برادران شیعه امامیه و فقه آنها از مصادروا سانسید حقه ، نه از مآخذ دشمنان آنها ، که در حق شیعه از هیچ چیزی فروگذار نمیکنند ، یا از مصادری که بصحت آنها اعتماد نتوان کرد .
آنها فراموش می کنند ، یا خود را بفراموشی میزنند که : شیعه امامیه در تشیع خود با امام علی و ذریه او رضی الله عنهم اجمعین ، بدلائل و شواهد ثابت و صحیح از کتاب و سنت استناد می کنند .

آنچه وادار می کند که : در این جات آسف شدید خود را ابراز دارم این است که : کتابخانه های عربی و کتبخانه دانشگاه الا زهر از کتب شیعه — خالی است و اگر اهتمام خاص استاد رضوی نبود که هر چند گاه یکبار بدوستان بی شمار خود که از بزرگان اندیشه و فرهنگ میباشند و کتابخانه های دیگر از کتب شیعه بهدیه میدادند ، توان گفت که : این خلاء چشمگیرتر می شد .
و آنچه در کتابخانه های عربی پیدا می شود در ردی راد و انکرده و تصویر راستینی از عقائد شیعه امامیه و فلسفه آن و تجزیه و تحلیلی که شیعه از امور و مسائل دین میکند و علل و انگیزه های اختلاف در پیرامون خلافت بدست نمیدهد .

ایمان و باور مطلق شیعه باین است که امام علی و اهل بیت گرامی بوی شایسته تروسزا و تربولایت امر اسلام و مسلمین تا روز قیامت هستند و آن چیزی است که گروه نخبه و برگزیده ای از علماء سنت نیز بآن ایمان — داشته و با شیعه اتفاق نظر دارند ، لذا یک نفر سنی نمیتواند نسبت بدست پرستی نه بعلی کرم الله وجهه و نه براهل بیت و ذریه او که اهل بیت و

چهل و شش ————— بامردان اندیشه در قاهره

ذریه پیامبرند بدهد " إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا " برخلاف صحابه " رضی الله عنهم " .

کدام سنی است که : بتواند طهارت و قد است اهل بیت و شایستگی
واهل بیت آنها را در خلافت دینی بر مسلمین انکار کند ؟ و یا پیروی و تشیع خود
را از آنها و برخورد ایش را از پرتو انوارشان منکر شود ؟ !

هراختلافی باشد در فروع عبادات است که آن هم در آن پایه نیست که
منجر بدشمنی و کینه توزی شود .

در هر حال ، هر محقق منصفی که به تحقیق در تاریخ و عقائد و احکام
فقهی شیعه بپردازد ، ناگزیر از اعتماد بمیراث شیعه بوده و درستی ، اعتبار
و نزاهت را در روایات تاریخی در کتب مخالفین و عاری بودن از هرگونه غرض
و هوی را ، در اصدار احکامش برای وصول بذات حقیقت در این مذهب
بچشم خواهد دید .

و نیز پوشیده نماند که : استعمار غرب مدام یکی از هدفهای پست و
شیطانیش تفرقه انداختن بین مسلمین و القاء دشمنی ها و فتنه ها میان آنها
و بویژه در شرق عربی و مخصوصاً گسترش دادن اختلافات میان سنی و شیعه
دو جناح امت اسلامی بوده است و با این نقشه اهریمنی مسلمین را بدر —
تفرقه و دودستگی برای وصول به هدفها و مقاصد خودش مبتلا می کرده است ..
و این نقشه را بدست پاره ای از خاورشناسان و عمال و دارودسته خود برای
تحقق هدف خود بنام يك تحقیق آکادمیک و علمی آزاد پیاده میکرده است
که در نتیجه بعضی از محققین مسلمان بدون درایت و تتبع باطل آنها را —
گرفته و آراء آنها را ترویج کنند و از حقیقت اغراض و مقاصد این خاورشناسان

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— چهل و هفت

عامل استعمار غرب در غفلت باشد :

و بحق باید گفت : در زمان معاصر ، يك مسلمان سنّی و شیعه راکه تا این حدّ در راه دفاع از دین و از مذهب خود ، این همه فداکاری بخرج داده و با این همه اخلاص و جدّیت برای تقریب و نزدیک سازی بین دو مذهب بزرگ اهتمام ورزد ، نظیر دوست عزیز استاد رضوی ندیده ایم . ۰۰۰ هجرت دائم و خستگی ناپذیر به بلاد اسلامی و ویژه مصر ، و صبر و شکیبائی و پایداری زائد الوصف در مبارزه و تلاش ۰۰۰ مدام در انجمنها و محافل دینی و علمی در خانه دانشمندان کوشا و پویا ، در تحقیق و پژوهش مداوم مجاهد در راه خدا با علم و جان و مال خود .. بازندگی پرثمر خود ، آثار و نشانه های علم و فروتنی و خلق بزرگوارانه را ترسیم کرده است ، بطوری که دلها برای دیدارش شائق و راغب و درها برویش باز است و گوشها برای شنیدن گفتارش مشتاق و دلها از مهر دوستی پر صفای او آکنده است . ۰۰۰ خدایش از اسلام و مسلمین جزای نیکو دها و در سعی و تلاشش موفق دارد و اسباب پیروزمندی برایش فراهم ساخته و بدست او آمال و آرزوهای غیرت مندان را برای وحدت صفوف تحقّق بخشد ، تا اسلامی نیرومند و با عزّت و دشمن شکن ، هادی بشریت با تعالیم درخشان خود در صحنه گیتی روشنی بخش ظلمت ها و تیرگیهای عالم بشریت باشد .

والله وليّ التوفيق

فکری ابوالنصر

روزنامه الاهرام — قاهره

قاهره : ۱۹۷۶ / ۵ / ۷ م

استاد عبدالقادر خنیزی

مؤلف کتاب ارزنده: ابوطالب مؤمن قریش
که از طرف حکومت سعودی برای نوشتن
همین کتاب با عدام محکوم و سپس مورد عفو
قرار گرفت، حالیه مقیم نجف اشرف میباشد
که مسائل گوناگون فکری و عقیدتی اسلامی را
پیگیری می کند. (۱)

بحث و مجادله، اگر بر بنیان صحیحی استوار باشد، معنایش:
گشوده شدن دریچه خرد بروی خرد و بارور شدن اندیشه‌ای بسبب برخورد
با اندیشه‌ای دیگر است، فلذا مجادله با این اصول نتیجه‌اش عمیق‌تر و
ژرف‌تر شدن اندیشه‌ای صائب و استواری نظری درست، یا از بین رفتن شبهه
و شک و روشن شدن شک از معترض، یا توضیح پندار خاطی و تصحیح، و
روشنی راه‌های تاریک و نادریست خواهد بود.

همه اینها، از جمله اموری است که بر هر فردی که هدفش وصول به
حقیقت است، واجب است مد نظر قرار دهد، زیرا که در این صورت خضوع

(۱) استاد خنیزی، مؤلف آثاری ارزشمند است که تعدادی خطی و
چند جلدی هم به چاپ رسیده است از جمله: ادواؤنا، ضوء فی الظل و نسیم و
زوبعة که این سه جلد به سال ۱۳۹۷ هـ - ۱۹۷۷ م بوسیله کتابخانه "انجلو"
مصر، شماره ۱۶۵، خیابان محمد فرید، قاهره به چاپ رسیده است.

چهل و هشت

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— چهل و نه
در مقابل دلیل و تسلیم در برابر صحت بوده و هدف غلبه و پیروزی بر طرف
بهرشکل و هر قیمت نیست .

و این چیزی است که : عقل درست و اندیشه بیدار و وجدان آزاد یکی که
بازنجیرهایی از گذشته مقید نشده و میراثهایی از نهادهای اجتماعی
نبرده و ته مانده‌هایی از تربیت غلط نداشته باشد ، آنرا می‌پسندد و در آن
راه خستگی بخود راه نمیدهد ، طائر اندیشه پیروازد رآمد و در رافق پهنای
در طلب حقیقت و خاضع در برابر نتیجه‌ای که از مقدمات درست بدست می‌آید
بجولان درمی‌آید .

این روش از گفتگو و محاوره که عنصر اساسی آن : وصول بحق است —
چیزی است که قرآن کریم بر آن تأکید می‌کند : " اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ " (۲) .

در این جا تفاوت نمیکند که دعوت بحق یا دلالت بر راه خدا باشد ، یا
اینکه همان دعوت حکیمانه و مجادله بآنچه نیکو است می‌باشد .
و آنچه از این طریق عائد می‌شود وصول بحق است و کشف حقیقت ، و
تنگ کردن شکاف اختلاف و از بین بردن اسباب تفرقه و جدائی .

و کوچکترین و کمترین فائده‌اش : توضیح دیدگاهها و شکافتن پرده‌های
ضحیمی است که چهره حقیقت را پنهان داشته و از میان بردن اشتباهات
و پندارهای باطل است که همچون ابرسیاه مانع تجلّی چهره زیبای حق —
می‌باشد .

کتاب برادر دوست فاضل آقای رضوی جزشاهدی بر آنچه این بحث
و مجادله و این محاوره و گفتگوی مستقیم فائده میدهد و راه گشائی به سوی

پنجاه ————— بامردان اندیشه در قاهره

خوبیها و سعادت میباشد نیست .

وی با این روش استوار ، سیر کرده که بابرخی از رجال فکر در مصر ارتباط برقرار کرده ، و گفتگوهای که همگی دارای هدف و در تاریخ اسلامی ابعادی دارند انجام داده است که هدفش از میان بردن شبهه ها ، یا روشنگری دیدگاهها ، یا نزدیک سازی بطرف اصلی مشترك و نقطه التقاء است .

نتیجه این روش با هدف را قطعاً خواننده هنگامی که صفحات کتاب را می‌گشاید و این مصاحبه‌ها و گفت و شنود های علمی را بمطالعه میگیرد لمس خواهد کرد .

خواننده ، در قسمتی از این گفت و شنود های ایستد و تأمل می‌کند که بیک قسمت خاص اکتفاء نشده بل شامل همه زوایا و جوانب بوده و همگی بعقیده اسلامی ارتباط دارد و دارای هدفی خاص در پاره‌ای اختلاف — نظرها میان دو طائفه بزرگ در اسلام است :

شیعه : شیعه اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت : و بویژه قسمتی که ارتباط مستقیم با مامت و خلافت که مهمترین نقطه است که دو گروه بزرگ در ارزیابی و اهمیت آن با هم اختلاف دارند و خاصه شیعه نسبت با مامت عقیده ویژه‌ای دارد که : رسالت محمدی ، ضرورت و حتمیت دارد جهان شمولی و بقاء آن استمرار و اوم داشته باشد .

این بحث ها و مجادلات ، بیشتر شبهه را از میان برده و دیدگاهها را از زوایا و جوانب متعدد روشن کرده که : بیشتر مصاحبه کنندگان یا حد — اقل بعضی از آنها ، در گفت و شنود ها جانب انصاف ، آزاد فکری و صفای عقیدت را رعایت کرده اند .

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب _____ پنجاه و یک

این کتاب ، خواننده را از معلومات گسترده ای بهره ور میسازد ، و خشکی و ملال آوری تحقیق جدّی ، هرگز احساس نمی شود ، که آقای رضوی ، با چاشنی زدنهای و رنگ آمیزی های زیبا با گفتارهای جنبی ، که امکان دارد از نقل آنها بی نیازی بود ، که آن قسمت را بدون اینکه باصل موضوع لطمه ای بزند ، یا کوچکترین نقصی وارد آورد ، حذف می کرد ، لکن وی خواسته که صورت زنده و جاندار و در عین حال با امانت کامل همچون ضبط صوت بازی که صدا و گفتار و آنچه را که در کنارش هست از صدا های ضعیف و ضربه خفیف گرفته تا ایست کوتاه و سکوت همه را ضبط میکند ، آنچه را که دیده و شنیده بخواننده منتقل کند .

وی موضوع را بدین شکل رهانی کند که مثلاً بفلان جا رفته و زنگ در را بصدا در آورده و مثلاً خانم خانه آمده و گفته : آقا منزل نیستند : و دوباره برگردد .

یا بدین شکل که از خانم دکتر وقت خواسته که با زید و بکر برود و از رئیس دفترش برای دیدار در ساعت و روز معین ، تعیین وقت کند تا وقت برسد و آنجا باشد و تصویر کاملی از هنگامی که قدم به آستانه در گذاشته و داخل خانه شده تا موقع خدا حافظی مو بمو گزارش کند

وی بطوری که گفتم ، یاد داشت کننده ای است که وقایع را بدقت باز میگوید ، و چهره ها را بوضوح و آن طوری که هست نشان می دهد . گفتارها را با امانت نقل می کند و مصاحبه ها را عرضه میدارد . و این نکته ، یعنی : صدق حدیث و امانت در نقل و تغییرندادن

پنجاه و دو ————— بامردان اندیشه در قاهره

در آنچه شنیده است و بخواننده عرضه میدارد و این که در ضمن این سفر روحانی ، بخواننده ایستگاه‌هایی برای استراحت تعبیه کرده که رنج و تعب سفر طاقت فرسا و خسته کننده را از خود دور میکند ، از امتیازات این کتاب است .

از سوی دیگر ، وی اثر خود را امتیاز دیگری بخشیده که از هر کس گفتاری آورده مختصری نیز از زندگی و شرح احوال اومی آورد ، تا از صاحب گفتار تصویری که نمودار شخصیت صاحب ترجمه از نظر علمی و اخلاقی باشد بدست دهد .

علاوه بر این ، عکس بعضی از صاحبان تراجم را هم بضمیمه شرح — احوال آورده که این تمثیل را گویا ترکند .

ولی چیزی که دلم میخواست ، آقای رضوی آنرا ثبت و یاد داشت میکرد و بخودش هم یاد آور شد م آنست که بعضی موارد از گفت و شنودها ، جز ترجمان و منعکس کننده نظر شخصی وی نیست ، بدون اینکه کمترین یا بیشترین تماشی بعقیده شیعه داشته باشد ، اگر امر برعکس نباشد .

و این جانمیخواهم که : در این مورد باوی بیحث و مناقشه بپردازم ، یا اینکه این مورد را پیش خواننده بگذارم مخصوصاً که وعده کرده‌اند که در این چاپ که بضمیمه مصاحبه‌های جدید و تغییر و تحول در مطالب آن منتشر — می‌شود . این موارد را از کتاب بردارند ، ولی از اشاره باین نکته ناگزیرم که : در کتاب بعضی کلمات خارج از قواعد لغت بچشم می‌خورد ، که بهتر می‌بود مختصر دقت و عنایتی در آن بکار میرفت ، تا خشم و غضب فیروزآبادی ، یا ابن منظور یا طریحی یا سایر ارباب قاموس های لغت را بر نمی انگیخت .

همانطور که نمیخواهم برادر و دوستم را بیش از حد بستايم یا اینکه

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب _____ پنجاه و سه

کار و تلاش مخلصانه‌ی رای که در این گفت و شنود ها و سابق بر این در سایر کتابهائی که نشر داده است و همگی دارای غرض و هدف اخلاصمندانه است و شاید انتشار این کتابها ، ثمره‌ای این مصاحبه ها و گفت و شنود ها است و در آتیه ثمرات دیگری نیز خواهد داشت ارج نهم و تقدیر کنم .

از خدا می‌خواهم که او را با دریای عنایت خویش مدد و فیض رساند ، و در سداد و ثبات دستش را بگیرد و کمکش کند تا راه پر خیر و برکت و باهد فـ خود را ببیماید و بدست وی ، پاره‌ای از آرزوهای شیرین و امیدهای پربرو بار را جامه تحقق ببوشاند ، انّه سمیع مجیب .

عبدالله خنیزی

۱۸ / ۸ / ۱۳۹۶ هجری

قاهره :

۱۵ / ۸ / ۱۹۷۶ میلادی

سید محمد حسین فضل‌قلی

از دانشمندان بزرگ لبنان ، که علم را با عمل
توأم کرده و از زمره آنانی که در سیاه‌ترین و
سخت‌ترین شرایط بتلاش مستمر و جهاد
خستگی ناپذیر خود در تمام زمینه‌ها بویژه
در صحنه دانش و نگارش و تألیف ادامه داده
و می‌دهد .

بنام خدای رحمان و رحیم

شاید بتوان گفت که : یکی از عمده‌ترین مشکلات اسلامی ، که در
حیات فکری و مذهبی مانع مهمّ و اساسی دارد ، همانا مشکل افکار از
پیش ساخته و آماده شده و پیش داوری‌هایی است که فرقه‌ای از فرقه دیگر
دارد که درباره آن گروه عقیده‌ای یا فکر و اندیشه‌ای دارد و یا تقدیس‌شان
می‌کند .

این بسنده کردن‌ها و اکتفاء کردن‌های غیر علمی با این افکار پیش ساخته
آثار و نتایج منفی در حیات اجتماعی مسلمانان از خود بجای می‌گذارد ، و
موجب عداوت و دشمنی بیشتر و عقده‌های بیشتری میگردد و مجالی برای
علامت استفهام زیادی پدید می‌آید ، شک و تردید و سؤال بوجود می‌آید و

پنجاه و چهار

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— پنجاه و پنج

در این صورت کسی هم درصد برنمی آید که در خلال اینها بدنبال جواب بگردد و پیاسخی پیدا کند .

گاه مذاکره و بحث در پیرامون مطالبی که نوشته میشود و مناقشاتی که بوجود میآید در میگیرد که بعضی اوقات حقیقت در نزدیکی مذاکره کنندگان قرار دارد ، که مجال برای پذیرشهای جدیدی که نزدیک بافکار و عقائد و احساسات میباشد هست ، ولی با همه این روحیه حاکم بر فضای مذاکره و بحث ، مانع همه اینها نمی شود و این مذاکره و گفت و شنود که میباید مفید فایده های باشد مبدل بجدل عقیم و بی ثمری میشود ، که ادامه می یابد و در نتیجه ، جو نامساعدی ایجاد میشود ، با الفاظ و کلماتی که کینه و دشمنی می آفریند و با فکر و اندیشه سالم کاملاً فاصله پیدا میکند .

ولذا ، شمامی بینید و میخوانید بیشتر این میراث کلامی را و با افکار پیش ساخته ای روبرو میشوید که نظریه ای را بصورت یک امر ثابت و مسلم طرح می کند و اساسی بحث را روی بنیانهای فکری پیش ساخته و ثابت و مسلم میگذارد . ولی ، اینها همه که اشارت رفت ، مانع این نیست که به تجارب مفید و خوبی که واقع نگری در اندیشه و روش ، در تاریخ دور و نزدیک ما ، ایجاب و حکم کرده اشاره ای بنمائیم که علماء اسلام در قضا یا گفتگوها و محاورات — مذهبی اسلامی بدان دست زده اند .

در اینجا میشود گفت : که فضا و جو مسا عد و مناسبی که دور از عوامل برانگیزاننده کینه و دشمنی بوده و محیطی که برای اظهار واقع و یک حرکت و جنبش سیاسی پدید آمده باشد ، در پیدایش و زایش نظیر این تجارب واقع بینانه و بدور از تعصب و پیروزی و موفقیت آن سهم عمدی داشته است

پنجاه و شش ————— بامردان اندیشه در قاهره

مسئولیت اسلامی بزرگ ما ، برای فعالیت و تلاش اسلامی در حال و آینده این است که : بکوشیم تا همچو فضاها و جوّهای ایجاد کنیم تا بتجارب مفید و خوب گذشته‌مان در گفتگو و محاوره ، تجارب جدید و نوینی که موجب غناء اندیشه باشد ، همانطور که طریق و اسلوب محاوره رامی آموزد و غنی میکند و نیز زمینه گسترده ای ایجاد شود برای جنبش نوینی در ارائه و بنمایش گذاشتن دست آورد انسان مسلمان که از خلال افکار و اندیشه‌هایش بظهور می پیوندد ، انسان مسلمان واقع بینی که دریافت ها و عقائدش روی بنیان و اساس حساب شده و سنجیده تحقیق علمی است و از همه گونه عوامل — تحریک آمیز و از حساسیتهای تاریخ فاصله دارد .

دیدارهای دوستانه خصوصی امتیازاتی دارد که از جوّ فضای خشک و رسمی که انسان را و امیدارد شخصیتی غیر از شخصیت حقیقی و واقعی ابراز دهد ساخته نیست ، ملاقاتهای رسمی انسان را از بی تصنع و بی پیرایه بودن تفکر و سلیقه دور میکند و بیک فرد خشک دست و پا بسته مبدل می سازد که هرچه اقتضای آن جواست و بوی دستور میدهد آنرا خواهد گفت ، نه آن چیزی را که فطرت سلیم ، که از سرچشمه محبت الهام میگیرد حکم کند ، یا از روی — قاعده تحقیق واقعی از حقیقت سخن بگوید .

و اغلب این ملاقاتهای شخصی که فعّالان در راه اسلام و متفکّران اسلامی را دور هم جمع می کند اثرات بیشتری در آماده سازی زمینه ، برای همچو فضاها و دوستانه‌ای دارد که ما را از ایجابیت و واقع نگری برخوردار می سازد ، بویژه اثرات آن بیشتر خواهد شد وقتی که بتوانیم محیط دیدار را با عطر دل انگیز و جان پرور ایمان ، که در سایه عشق بخدا محکم تر و راسختر

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— . پنجاه و هفت
شده معطر و بویا کنیم .

بنظر ما : این دیدارها موجب خواهد شد ، چهره درخشان اسلام
راستین از میان ابرهای غلیظ و متراکم این همه عقائد ، مذاهب و افکار که
برای تفکر و اندیشه درست ، برای مفاهیم آن فلسفه بانی کرده و افکار خود
راد آن دخالت داده اند رخ بنماید ، زیرا که در محیط دیدارهای گرم
دوستانه ، فاصله ها و مانعی را که میان انسان و میان تفکر صحیح و بی پیرایه
از خلال حجت و دلیل ایجاد میشود از میان میبرد که تنها و تنها فکری باقی بماند و
فاتح و یکه تاز میدان فکرو اندیشه باشد .

از جنبه های مثبت و سازنده این دیدارها که میان اندیشمندان و
فعالان صورت میگیرد این است که این امر ، عده کثیری را از محیط و فضای
لاابالی گری فکری ای که در تفاسیل دقیق مذاهب اسلامی ، در مفاهیم
و عقائد و اجتهاد شرعی شان با آن رویاروی هستند بیرون میآورد .
زیرا که همچو می پندارند که این امر داخل حیطه اهتمام و تلاش فکری
، دینی و عملی شان نیست ، و این چیزی است که : جهل و نادانی را —
همچون عددی قابل تقسیم ، بین همه طرفها قرار میدهد ، و از نتایج منفی
و ویرانگر آن ، بی نصیب نمی مانند .

گاه این ملاقات باعث می شود که پاره ای گفتگو در باره بعضی از موضوع
بسیط و لا ینحلّ بمیان آید و باب مذاکره و جدل و مناقشه مفتوح گردد و گفتگو
کنندگان راد داخل فضا و محیط آشنائی تازه ای کنند که بدیشان هم خطور
نمی کرده است و اشتباه و بی پایه بودن بسیاری از مسلمات و امور بظاهر غیر
قابل بحث مکشوف گردد .

شاید از برکات و ثمرات این تجارب موقّعت آمیز ، برای این دیدار

پنجاه و هشت ————— بامردان اندیشه در قاهره.

فکری بدون تصنع در محیط مذاهب اسلامی ، تجربهٔ برادر استاد مآقای سید مرتضی رضوی است که در کتاب ممتع و ارزشمند خود " بامردان اندیشه در قاهره " ثبت کرده است .

تجربهای است متحرک و باز که در همهٔ مفاهیم گنگ و ناپایداری که میان بسیاری از برادران ما از علماء و اندیشمندان مسلمان شایع بوده ، دمی از حرکت باز نمی‌ایستد از عقائد و مفاهیم واجتها و فقهی شیعه ، که در جو سازی های تاریخی همچون ابرسیاه و غلیظی ، پیرامون شیعه و تشیع رافرا گرفته ، آنچنان که حتی گاهی مانع رویت بوده و گاه طوری است که چشمها را از دیدن اشعهٔ حقیقت از خلال ابرهای متراکم باز می‌دارد .

تجربهٔ آقای رضوی ، در قبال علامات استفهام محدود کننده متحرک بوده و جمود نداشته و این تحرک در اندیشه و گفتار هر دو جریان داشته تا از هر پاسخی ، سؤال جدیدی را که پاسخ تازه ای می‌خواهد بیرون بکشد و دیگران را برای طرح سؤال نوین بخاطر وصول بجواب تازه ای وادارد و لذا شما اشکال رنگارنگ و زیاد و متنوعی از قضایا را که این دیدار ، در افکار پرسشگر و پاسخگو برانگیخته است در پیش خود می‌یابد که گاه خواننده در برابر بیشترین اندیشه‌ها و افکار جدید و سودمند ، توقف و تأمل را از دست نمیدهد .

این تجربه ، خیلی بازوروشن بود که نخواسته در پس هیچ عقده و ابهامی پنهان بماند و این تجربه را نیز نکرده که در پشت هیچ دیواری از — دیوارهای تاریخ که درهایش بسته بوده مخفی باشد . . . بل در این آزمایش ، هرچه را که بآن باور و ایمان داشته یا بآن می‌اندیشیده ، با

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— پنجاه و نه

صراحت گاهی لطیف و نرم و گاهی خشن طرح می‌کند ، زیرا که جو فکری
کوشا و پیوا و جدی در اندیشه و روش مجامله ناپذیر است .

بل ، مدام ، در کنکاش و تحقیق اندیشه نوینی است که آنرا بخاطر
تحقیقی که از یک حیات و زندگی بدون اختلاف بحث میکند می‌شکافد .

اندیشه‌ای باندیشه‌ای ، در یک برخورد فکری بسیار ارزنده و برپرو میشود
که نتیجه مثبت آن رسیدن بیک اندیشه برتر ، بتبع دلیل و برهانی اشمال
و محکم و استوار است .

اما مجامله و عواطف و پرده پوشیهای استعاری و مخفی شدن پشت
سر الفاظ و کلمات مطمئن و دهن پرکن ، روشهای تخیل و فرار از مشکل است
روشی که مشکل را موقتاً منجمد و متوقف می‌کند تا هر آنگاه که عوامل تحریک پدید
آید و زخمهای چرکین و عفونی از نو سرباز کند .

ما با قای رضوی تبریک می‌گوئیم که در او اخلاص بیش از حد ناشی از
ایمان عمیق با سلام که در صفا و پاکی وی دیده میشود و تلاش جدی و آزاد
وی در خیلی از نظر ها بخاطر اینکه مسلمانان و همه مسلمانان بگنجینه ها
و قواعد اساسی و استوار و عقیده و تشریع اسلامی دست یابند تا اسلام با روح
زنده و حیات بخش و آزاد و آکنده از رأفت و رحمت و بخشندگی و ژرفائی و
فراگیری ، رها و آزاد گشته و از هر گونه جوهای مسموم جدل و تهدید های
کینه توزانه و دشمنانه بدور باشد .

ما این آزمایش و تجربه را بوی تبریک می‌گوئیم و او را دعوت میکنیم که در آن
تعمق و دقت کرده و به تعمیق وی با همه نقاط ضعف و قوتی که در آن وجود
دارد برای حصول تجربه یا تجارب دیگر که در آن نقاط ضعف نباشد بکوشد
زیرا که این تجربه ، در تبدیل ضعف بقوت دامن د ر تلاش و حرکت است .

شصت ————— بامردان اندیشه در قاهره

همانطور که خود و دیگران و همه را بآن فرامیخوانیم ، تا با سالیب و روشهای واقع بینانه و ایجابی برای غلبه بعوامل تفرقه و ازهم پاشیدگی در سایه ایمان پاک و دانش وسیع و تلاش وقفه ناپذیر خالصانه و مداوم برای رسیدن بهر آنچه در زندگی و حیات اسلام و مسلمین تازه و جدید است — دسترسی پیدا کنیم ، از خداوند سبحانه و تعالی مسئلت داریم که ما را برای رسیدن به هدف و غایت نهائی که آن تحصیل رضای او است در اندیشه ای که می اندیشیم و در گفتاری که بآن تکلم می کنیم و بکردار و عملی که زندگی خود را در راه آن می گذاریم ، و هو حسبنا و نعم الوکیل .

بیروت : ۱۷ ذوالقعدة الحرام ۱۳۹۷ هـ

محمد حسین — فضل الله

شیخ محمد مهدی قمی الدین

از شخصیتها و رجال نامی دین و اندیشه
است و فعلاً ، علاوه از مقام معنوی و دینی که
دارد رئیس "المجلس الاسلامی الشیعی
الأعلی" در لبنان می باشد .

بنام خدای رحمان و رحیم

ادب تراجم ، جای بزرگی از میراث فرهنگی اسلامی را اشغال میکند
و این از آنجا آغاز میشود که مسلمانان بر ملتهای دیگر ، در این مورد ، از
موارد ادب و فرهنگ پیشی جسته اند ، در هیچ کدام از ادبیات دیگر ، این
تنوع و جامعیت و شمول را که این قسم از اقسام ادب در فرهنگ اسلامی دارد
و بدان متمایز است ندارد .

فقهاء ، مفسران ، اصولیان ، محدثان ، طبیبان ، فلاسفه —
متکلمان ، شعراء ، نویسندگان ، اولیاء امر ، وزراء ، لغویون ، نحویان
صوفیه ، و سایر صاحبان فن و و . . . و همه اینها از مؤرخان و ادیبان که
ترجمه مشاهیر و فضلاء آنها و مبتکرانشان را نوشته و جوانبی از زندگانی ، محیط
اجتماعی صاحب ترجمه را آورده اند .

از این تراجم ، برخی باندك اندك از معرفتی صاحب ترجمه بدون

شصت و یک

شصت و دو ————— بامردان اندیشه در قاهره

اینکه در ژرفای حیات وی بررسی کند اکتفاء می‌کند و این تاحدی است که شرح احوال بصورت کارت شناسائی شخصی " در می‌آید .

و برخی هم مبسوط و مفصل ، که سیره و زندگی صاحب بیوگرافی بطور مشبع باز نمایانده شود و فعالیت های علمی و سیاسی و روابط اجتماعی وی منعکس گردد و پاره‌ای هم از زندگی صاحب بیوگرافی ذکری بمیان نمی‌آورد و بمباحثات و مذاکراتی در زمینه‌های علم و اندیشه و تاریخ میپردازد که از دور و نزدیک بشکلی باشخص مورد بحث ارتباط پیدامی‌کند و این موردی است که کتاب " بامردان اندیشه " برادر استاد فاضل آقای مرتضی رضوی را که خدایش حفظ کند امتیاز می‌دهد و شهادت را در خلال مطالعه شرح احوال — شخصیت‌های بزرگ علمی و ادبی و دینی آن بمطالب تازه و سودمند و دل‌چسب و خواندنی در زمینه‌های مختلف عقیدتی فقهی تاریخی و فکری دست‌خواهی یافت که دل و دماغ هر دو از آن بهره خواهند گرفت زیرا که متاع و خوراک هر دو — متناسب در آن پیدامی‌شود .

و این از اینجا آغاز میشود که : برادر راستادم آقای رضوی ، در طئی سفرهای خود بقاهره بمناسبت‌هایی درست کرده و با اعلام و بزرگان دین و اندیشه ، در محیط علمی و فکری مصر ، دیدار و گرد هم‌آئی ترتیب داده — است و این سعادت و لذت روحی و عقلی که ضمن این دیدارها بوی دست‌می‌داده نوش جانش باد!

وی با این کار خود تصویر طلاب علم و دانشجویانی را در ذهن زنده میکند که در سفرهای خود فرصت‌هایی برای بازدید علما و اندیشمندان هر کشوری که بآن مسافرت میکنند ، یا در سر راه خود از آن عبور میکنند بدست‌می‌آورند ، بدون اینکه روح تحقیق و بحث علمی را که فوق مذهب و دسته

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— شصت و سه
بندی ها است و این تعصبات موانعی در برابر تفکرات و تبادل آراء و افکار
و تعاون و همکاریهای سودمندی که در تمام شئون زندگی مسلمانان مفید
تواند بود ایجاد کرده است ، بتواند از بین ببرد .

آرزوی ما این است : این دیدارهایی که این کتاب ، بدین خوبی
و زیبایی برای ما تصویر میکند و اجتماعات و کنگره ها و انجمنهایی که هدفشان گام
برداشتن در راه اخوت و برادری اسلامی و تعاون و همکاری در برّ و تقوی
است ، امثال و نظائرش زیاد باشد و از خدای متعال مسئلت داریم که ما را
بکار خیر و اخلاص در آن موفق بدارد .

محمد مهدی شمس الدین

۱۹ ذوالقعدة ۱۳۹۲ هجری

بیروت :

۳۱ / ۱۰ / ۱۹۷۷ میلادی

مقدمه از :

دانشمندان سید مرتضی حکمی

در این مقدمه : مسئولیتی بغایت مهم وجود دارد که ایجاب می‌کند با روش واقع‌بینانه ، روش سازنده‌ای که این کتاب پیرارج رسم‌میکند و نیز با خواست راه‌های نزدیکی و تقارب و همبستگی صفوف ، که رسالت مؤلف در این محاوره فکری بامردان اندیشه در عصر حاضر است توافق وهم — آهنگی داشته باشد .

پدیده اختلاف

از پدیده‌های طبیعی یکی این است که : عقائد و آراء باهم متفاوت بوده و در جامعه واحد ، بظاهر تناقضاتی وجود داشته باشد و طبیعی است در این تناقضات ، گونه‌های مختلف عقیدتی حاکم باشد و در نتیجه منجر بجنبه‌گیریهای شدید و سلیقه‌هایی از محاورات صریح گردد .
در طبقات پائین از جوامع و افراد ، اختلافات عقیدتی شکل دیگر شصت و پنج

شصت و شش _____ مقدمه

بخود میگیرد ، و باختلاف ژرفی که از عقل سلیم و منطق بدور است بدل می‌گردد ولی در سطوح بالای اجتماع ، این اختلاف و تناقض فقط بر محور مسائل فکری دور میزند .

و اگر این افکار و عقائد ، رنگ عرف و تقالید موروثی و راه و روش معین اجتماعی بخود گرفت آن وقت امتیازات منطقی خود را از دست داده و به شکل يك وضع ناخود آگاه ثابت که افراد و جوامع با آن سروکار دائم دارند و جزئی از شخصیت و اصالت و ارزشهای زندگی آنان شده است درمیآید و در این اوضاع و احوال از روشهای تقلیدی مألف است که تعصب و درگیریهای شدید جای پائی برای خود باز میکند و راهی برای تفاهم و آشتی و گفتگو و مذاکره باقی نمیگذارد ، بعلاوه قضایای فکری و عقیدتی اثرش در طبقات و سطوح بالا که دارای تجربه و اطلاع هستند ، و در طبقات پائین که تجربه و اطلاع چندانی ندارند متفاوت است ، اینها بی آنکه بعمق قضایا پی ببرند ، یا بعقل و انگیزه آنها واقف باشند عقائد و افکار را بتوارث از دیگران دریافت میکنند .

و در حقیقت ، افراد عامی به آنچه که از راه ادراک و تصور دریافت و حس می‌کنند و نیز بعقائدی که از راه وراثت بدستشان رسیده باور می‌دارند بعکس طبقات بالا هستند که از بصیرت و دانش کافی بهره ور بوده و به نیروی خرد و تفکر و منطق ، ادراکات و تصورات خود را با الگو و مقیاس فکر و تأمل اندازه می‌گیرند و بآن اعتماد می‌کنند ، افراد عامی که اکثریت اجتماع را تشکیل می‌دهند ، دریافت شان از راه حس و تجربه انجام میگیرد ولی افرادی که اهل تمییز و دانش و اطلاع هستند معیارهای عقل و منطق را در نظر میگیرند و چون اکثریت جامعه را کسانی تشکیل

از استاد سید مرتضی حکمی ————— شصت و هفت

میدهند که متکی بحسّ و تجربه اند و آنهاییکه متکی به تفکر و تعقل هستند در اقلیت میباشند لذا نمیتوان مسائل معرفت انسانی مخصوصاً قضایای فکری و عقلی را از طریق افراد عامی دریافت داشت ، که در آن صورت مسائل جنجالی و غوغا برانگیز که هیچ فایده و سودی برآن متصور نیست برای خود راهی باز می کند که نه منطقی است و نه با واقعیت تطبیق میکند صواب این است که : بحث و گفتگو را از دیدگاه مردان متفکر و دانشمند که بصلاح جامعه می اندیشند بیاغازیم ، بعلاوه ماکه در افراد عامی از خطر و ضرر و تعصب کورکورانه می ترسیم ، باید زیان و خطر عوامل تخریب و انحراف را که در افراد دانشمند هست در نظر داشته باشیم که از تعصب عوام خطرناکتر و زیانبارتر است خطر افراد دانشمندان است که از جاده انصاف منحرف شده و دیگران را نیز با انحراف بکشاند و در اندیشه ها و عقائد خود از قائل شدن بواقع بینی چیزی اجتناب کنند .

واقع نگری : مقیاس باز دارنده ای است که حتی صاحبان درك و تعقل و اندیشه های والا که میخواهند بنیانگذار یا بنیان کن قضایای فکر و عقیده باشند ، بایستی منطق خود را با آن اندازه بگیرند .

حلّ اختلافات مذهبی

بدترین شکل این عقائد، اعتقاداتی است که از راه توارث از گذشتگان بدست آمده و بآن نیز قناعت شده و همچنین معلومات دینی بسیار سطحی است که در افراد و جوامع رواج دارد و در اعماق افکار و اندیشه ها نفوذ و رسوب کرده است .

همین اعتقادات مذهبی موروثی است که هاله ای از قداست پیرامون آن را فرا گرفته و در سطحی بالاتر از انتقاد قرار گرفته است !! روی همین

شصت و هشت _____ مقدمه

اصل که يك واقعيت است ، د يانت اسلام همه اعتقادات خود را بدويخش تقسيم کرده است : نخست عقائد اصولی که عقل و خرد بایستی آنرا باور داشته و بقطع و جزم عقیده مند بآن باشد * و ديگر - فروع که بر پایه و اساس عقائد اصولی می بایستی بآن عمل شود *

از مسائلی که ریشه تاريخی ژرف و عمیق دارد و طوائف اسلامی از فجر تاريخ خود تاکنون به ارث برده اند ، اعتقادات مذهبی است ، که متأسفانه با تعصب آلوده است و همین عقائد است که مسلمانان را در پیروی و شیعه بودن علی (ع) بمحمد (ص) در ژرفترین و عمیق ترین معانی عقیدتی در پیروی و شیعه بودن بهترین و برگزیده ترین صحابه ها ، در صد را اول اسلام ، در عمیق ترین شکل ایمان و عقیده رسوب کرده و کاملاً بچشم میخورد و این تشیع امتداد و تداوم روشنی از فاعلیت و کارائی و نفوذ اسلام را این گروه ممتاز و برگزیده از مسلمانها است که در جهت اینگونه مشخص عقیدتی باتمام وجود وهستی و باور خود ایستادند و پایمردی کردند *

و بدین ترتیب شیعه بودن و پیروی از پیامبر اکرم (ص) از گفتار و ایمان و ذوب و فناء علی در رسالت اسلامی آغاز شد و این مشایعت و پیروی در مسیر حاد و تند اسلامی متدراجاً در ایمان و اعماق ضمیر این صحابه جای گزین و همین طور بتدریج با روشی که پیامبر (ص) در دعوت الهیه خود برای عموم مسلمین تعیین فرموده و ابعاد آنرا در اتباع و پیروی از اهل بیت علیهم السلام و تمسك بروش و سیره آنها محدود کرده بود عجین شد *

و در امتداد این خط مستقیم و استوار اسلامی است که نسلها یکی پس از دیگری در مسیر این خط که برای این جنبش گشوده شده قرار گرفته بآن ایمان آورده و بآن آمیخته است ، تشیع بحساب این نسلها خطی است

از استاد سید مرتضی حکمی ————— شصت و نه

مستقیم که از دیدگاه عقیده و خرد ، رسالت اسلامی در آن مسیر راه میبیماید
رسالتی که پیامبر بزرگ حامی آن بود و اهل بیت او نیز سالک آن راه و به
دنبالش نسلهای دیگر که یکی پس از دیگری جهاد و فداکاری آنها را
دنبال نموده اند .

روشن گریئی که این جنبش زنده و فعال ایجاد کرده بود و بظاهر
آن در بیعت علی و منصوب شدنش بوزارت و خلافت در " یوم الدار " —
نمودار شد ، که جامه و نشان خلافت را بقامت موزون علی (ع) برآزنده میکرد
در نهایت امر منجر باعلان خلافت و ولایت وی بر مسلمین گشت .

فاعلیّت و کارائی این جنبش آغاز شد و آثار و نشانه های آن بعد
از آنکه مسلمانان با انقضاء وحی روبرو شدند آشکار گشت ، و ولایت الهیه
منوط شد بکسی که خلیفه مسلمین باشد و ولایت امور آنها را بدست گیرد
و این موضوع سرآغازی بود خطیر و بسیار مهم در زندگی اجتماعی ، و
سیاسی مسلمین ، که همه توجه و فکر آنها را بخود معطوف و مشغول کرد
این بود تفسیر این حادثه مهم اسلامی ، که وحی مؤید آن بود
و در عین حال موقف حسّاس و شدیدی بود که پیامبر از خطرات آن بیمناک
بود و این بود طبیعت این پیام و بلاغ خطیر در آنروز مشهود و آشکار
که خلافت مفوض بعلی شد ، زیرا که علی تنها شخصیت بارز و نمونه ای بود
که پیغمبر توانست بمسلمین عرضه کند ، نسخه ای بود راستین از خود پیامبر
و سیرت او .

از رسالتی که آنها را با هم یکی کرد و میان آنها دوستی و محبت
آفرید باز داشت و از هم دور کرد .

و این تعصبات کور کورانه است که نشانه های حق و انصاف را از میان

مقدمه _____ هفتاد

برد ، و قوت و شوکت و عظمت مسلمین را بضعف و انحطاط کشانید .
از نمونه‌هایی که در رفع اختلافات مذهبی می‌توان ذکر کرد که در
اعماق اجتماع رسوخ تمام کرده است ، اینست که بحث اختلافات را کنار
گذاشته و از گفت و شنود در پیرامون آن اجتناب شود ، بالعکس اگر این
اختلافات حلّاجی نشود ریشه دارتر میگردد و شعله‌های کند و تعصب از
اطراف آن زمانه کشیده و هستی آنها را تهدید میکند و این بسیار خطرناک
است .

راه عقلانی در از بین بردن این اختلافات این است که معاذیر و
مشکلات را در نظر گرفته و با معیار اعتدال بسنجیم و باین اکتفاء کنیم که :
این عقائد که بظاهر متناقض بنظر میرسد چیزی نیست که هدفش دشمنی
با سایر گروه‌های اسلامی باشد ، نسبت شیعه در این میان با سایر گروه‌ها
و فرق اسلامی فقط نسبت اختلافات مذهبی است ، ولی اصول در شیعه
و سایر مذاهب یکی است و اساس همان اسلام است .

در پرتو همین منطق عادلانه و درخشان ، نهضت تشیع در تمام
ادوار تاریخ ، بهیچ وجه مقاومت و رویارویی با دیگر گروه‌های اسلامی
نداشته جز اینکه بطور زنده و فعال در مجاری تاریخ جریان داشته و خود
ساز بوده و از کیان و موجودیت و اصول و عقائد خود دفاع و حمایت کرده
و مقاومت‌های نابجائی را که با اهداف عالیه تشیع میشده از بین می‌برده
بفعّالیت‌ها و بخشندگی‌ها در راه اهداف و رسالت اسلامی سازنده خود
می‌افزوده است .

جنبش تشیع و عطایای ارزنده آن

شایسته است که در بابیم نهضت و جنبش تشیع در طول تاریخ اسلام

از استاد سید مرتضی حکمی _____ هفتاد و یک
یک، امتداد سالم برای سازندگی اسلام و نهضت و رسالت انقلابی آن است
از آن هنگام که خلافت اسلامی توسعه و نفوذ و گسترش پیدا کرد
پیکره اسلام بدو گونه متمایز منشعب شد :

گونه اول : نمایشگر سیاست حکمداری ، پیشوائی مسلمین و انتظام
امور آنها .

و گونه دوم : نمودار نهضت و جنبش فکری و روشنگریهای عقلی ، و
عقیدتی در زندگی آنهاست .

بگذشته و سابقه درخشانش که با ایمان و فطرت آغاز شده و با صبر و
جهاد زیسته و با پاکی و عصمت یار و قرین بوده و با فداکاری و شهادت
پایان می یافت آشنائی و اعتماد کامل داشت و همچنین تمام مراحل
زندگی که پیموده و پایمردی و استقامت کرده و با ناملائمات و سختیها ساخته
و چه اندوه و غصه ها که در آن راه خورده بود ، آشنائی و اعتماد داشت .
وقتی که پیامبر این نمونه بی همتا را که واقعیت و جوهر اسلام در آن
متبلور بود بمسلمین عرضه کرد ، از امر خلافت و مجسم نمودن واقعیت آن
چیزی بالاتر از این نمیخواست ، بالاتر از این نمونه ممتاز که قائد و پیشوا
راهنما و نگهبان باشد و مسلمانان از آن تخطی و عدول نکنند و جزا و پیرای
اتباع و پیروی از رسول خدا و گردن نهادن بفرمان وحی الهی که منحصر
اختیار کرده و برگزیده و با آن دین کامل و نعمت را تمام کرده است اختیار
نمایند (بفرض اینکه در این مورد حق اختیار داشته باشند) .

خبر دادن نبی اکرم (ص) " از دیدگاه نبوت " برای مسلمین ، در تمام
آنچه امام به آنها عنایت داشت از مسئولیتهای سنگین و خطیر امامت ، که
در جهادش بخاطر عظمت اسلام ، و در پیشوائی مسلمین ، و در نصیحت

هفتاد و دو _____ مقدمه

و مشورتش بخلفاء که کرارا آنها را از هلاکت و سقوط نجات داد ، جلوه گر بود ، راست درآمد .

و همان طور که کائری و فاعلیت این جنبش بدنبال این حادثه بزرگ آغاز شد ، جنبشهای ضد آن هم توأم با آن جان گرفت و فعالیت خود را در بطن و متن سیاست و در پهنه حوادث اسلامی که بعد از عهد پیغمبر پدید آمد ، مستقیماً آغاز کرد .

این دو جنبش متضاد در دو خط مخالف که در آن سیاست و عقیده با هم در نبرد بودند دوام داشت که در نهایت امر ضرورت قیام و اصلاح را ایجاب کرد .

در طول خلافت ، به تصفیه اوضاع و روی دادهائی که منجر به گمراهی و انحراف عده کثیری از فرق مسلمین میشد ، از صراط مستقیمی که اسلام برای آنها معین کرده بود غایت خاصی بکار می برد ، در سایه این خلافت ، نهضت تشیع ناچار از نمو و شکوفائی و باروری و ازدیاد ثمرات بود الا اینکه نیروهای مخالف که از سرچشمه سیاست های اموی آب می خوردند با تمام تلاش و توانائی خود ، بنا بر روی واز بین بردن آن جنبشها می کوشید شروط مصالحه را با آن جنبشها نقض کردند ، همان شروط و قراردادی که با امام حسن علیه السلام داشتند و سیاست اموی آنرا زیر پا گذاشت و علیه آن شورید .

در این مبارزه و جهت گیری شدید يك نقش عظیم رهبری برای از خود گذشتگی و فداکاری نمایان شد ، که در هر زمان و نسلی ، مسابقه انحراف و رویارویی با فساد عقیده رامهار کند و جریان و حرکت تاریخ را به يك مسیر روشن و صحیح که رسالت او ایجاب میکند راهبری کند و کثافات و

از استاد سید مرتضی حکمی _____ هفتاد و سه

ناپاکیها را در این مسیر بزداید و بدنبال این گندزدائی و فساد زدائی؛ این نهضت را در جریان صحیح قرن‌ها و اجتماعات بریزد، بدنبال این تحولات، جنبش تشیع در نهضت امام حسین علیه السلام به تکامل رسید و از يك، سجدیه حادث و تند فکری بمرحله تعیین سرنوشت رسانید؛ قهرمانی‌ها و ازجان گذشتگی‌ها پرتو افشانی کرد که تخته‌های ظلم و جور را بلرزه درآورد و کاخ‌های برافراشته را با خاک یکسان کرد و تمام موانع را که سد راه پیشرفت رسالت و نهضتش بود از میان برداشت.

جنبش و نهضت تشیع در تمام ادوار و مراحل خود يك حرکت مثبت و مبتنی بر اندیشه و خرد و عقیده بوده و نقش سازنده خود را در پی افکندن کاخ رفیع دانش و مدنیت اسلامی بخوبی بازی کرده و در مدمرسه عقیده و اندیشه ساز امام صادق علیه السلام آنرا واقعیت بخشیده است که الهام بخش علم و معرفت و سرچشمه فیضانات فقه و حدیث، مرکز دانش و دانشمندی بوده که تا امروز پاسداران گنجینه‌های علم و استوانه‌های محکم دین تا به روزگار ما بوده و خواهند بود.

این جنبش و نهضت مقدس راه‌ريك از ائمه دوازده گانه مدام تعقیب و پیگیری کرده تا برسد بامام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه که اصولی را بنیان نهاده که موجب تداوم و بقا این حرکت میباشد، بعد از غیبت کبری امام غائب علیه السلام، اصول نیابت عامه را بنیان نهاد که شیعه در هر زمان و عصری در تمام شئون و حوادث روزگار بآنها مراجعه کنند از عوامل فعال و بنیانی که حرکت تشیع را باین تداوم و بقا و گسترش پذیری سوق داد - نقش سازنده علماء و دانشمندی که بحق در اداء رسالت آسمانی ائمه علیهم السلام بجهاد دائم برخاسته و قلم و فکر و خون و جان خود را در راه

هفتاد و چهار _____ مقدمه

نشر افکار شیعه و قوام و دوام آن بیدریخ برکف دست نهاد و نثار کرده اند یکی دیگر از علل و عوامل مثبت و سازنده در انتشار و پیشرفت ، و گسترش افکار شیعه در جهان پیدایش حکومت‌های شیعه بود که حکومت خود را در نقاط مختلف دنیا گسترش داده و آثار دانش و تمدن درخشانی را از خود بیا دگار گذاشتند که هنوز هم مسلمانان از برکات آن بهره مند می شوند ، از باب نمونه : دانشگاه قدیمی و تاریخی " الازهر " را مثال میزنیم که مسئولیتهای فکری و فرهنگی گسترده‌ای را در ابعاد نامحدود در سراسر جهان اسلام بعهدہ گرفته است ، با اینکه سیاستهای شومی بین شیعه و سنی دوری و فاصله آفریده و در افکار هر دو فرقه اختلاف عمیقی توأم با تعصب و کشمکش نامعقول مذهبی پدید آورده ، باز می بینیم که در خلال اینها دعوت مهربانانهای که تلاش دارد این دو گروه را بهم نزدیک کند و به یگانگی و اتحاد فراخواند بگوش میخورد این دعوت جانانها را بکلمه " توحید و توحید کلمه و به همبستگی فیما بین و تصالح و آشتی و برادری اسلامی فراخوانده و از تفرق و دو دستی بر حذر میدارد ، وسعی دارد رشته ارتباط و تفاهم را آنچنان محکم و استوار کند که گسیختگی و پاره‌گی بدنبال نداشته باشد .

در این کتاب

این کتاب ، گذشته از هر چیز سهم ذی قیمتی در حرکت همبستگی بین مسلمین دارد که در آن تصویرهایی از افکار بنیانی و نمونه‌هایی از چاره اندیشیها برای پایان دادن باین مبارزات فکری است ، که عزت و سعادت مسلمانان در طول تاریخ مطمح نظر بوده است .

بار دیگر در برابر خود کسی را می بینیم که در این مسیر فکری ، و

از استاد سید مرتضی حکمی _____ هفتاد و پنج
عقیدتی گام برداشته ، بمسائل مذهبی صریح در يك مذاکره باز و آزاد
می پردازد .

پیشوای فقید و جاوید امام شرف الدین ، در زمان خود ، مسائل
مهم اسلامی را با سبک بحث و مذاکره بسیار عمیق ، با شیخ ازهر مطرح
کرد ، و در تعقیب همان هدف - استاد رضوی چندی از مسائل تاریخی
و عقیدتی را با روش و اسلوب دیگر با بسیاری از رجال علم و اندیشه در
میان گذاشته و در نهایت امر به نتیجه روشنی از تفاهم و همبستگی -
نائل آمده است .

در نشست و برخاست و مذاکره خود با طبقه ممتازهای از رجال علم
و طرح مسائل جاری مذهبی با آنها ، گفتارها و اعترافات بسیار پرارزشی
که ممتاز و منحصر بفرد است ، و در خصائص و امتیازات فقه شیعه ، و
ویژگیهای مسائل اعتقادی آن که بر پایه عقل و منطق استوار بود موهوبیت
و شناسنامه این طائفه و امتیاز ویژه آن بر سائر طوائف مختلف اسلامی
است ، از این بزرگان بزبان و قلم آمده است .

خامه توانای این برجستگان علم و اندیشه در پیرامون ویژگیهای
طائفه بزرگی از طوائف مسلمین بگردش در آمده ، که تاریخ کینه توزانه به
محو نشانه ها و آثار آن پرداخته و معارف آنرا منکر شده است ولی اینها
توجه خود را میزدول داشتند که مافات راجبران کنند و در صد دیرآمدند که
خصائص شیعه را در فقه و حدیث و عقیده و تاریخ باز گویند .

یکی دیگر از عوامل اساسی که این هدف مطلوب راجامه تحقیق
پوشانده : دوراندیشی و تفکر منطقی این دسته از رجال علم و فرهنگ
است که نوشته ها و نظرات و آراء آنهاغذای فکری کتابخوانان و اهل -
مطالعه جهان عرب است ، همانطور که یکی از عوامل مهم در این باب

هفتاد و شش _____ مقدمه

بودن این گفت و شنود و مذاکره صریح در سرزمین پربرکتی است ، که سرشار است از ثروتهای مدنیّت و اندیشه — سرزمین کثانه — که تمدن آن با عمر تمدن اصیل بشریّت با ملتش پیوند خورده و نهضت و حرکت تشیّع آن بعصر حکومت فاطمیّین که ولّا اهل بیت علیهم السّلام و این فکر، آن زمان بارور و به اوج خود رسیده بود منتهی میشود .

و بخاطر همین پیوندها و ارتباطات عمیق است که : مؤلف استاد این سرزمین را با عدهای از دانشمندان در قاهره انتخاب کرده که این موضوع مهمّ اسلامی را با آنها در میان گذارد .

مذاکره کننده ، در انتخاب این سرزمین بابرکت که ذخائر و ثروتش از این مغزهای بزرگ علمی و مبتکر تشکیل میشود که با فکر و اندیشه متعهد و مسئول و با ادراک صائب و روشن ، تحولات و دگرگونیهای جهان علم و اندیشه را به تجزیه و تحلیل می کشند ، زرنگی بخرج داده است .

در محتوای این مذاکرات نکته های هوشیارانه و منصفانه ای است که محصول جوّ فکری سالم و اذهان صائب است که بژرفنای حقائق و موضوعات که تابحال سدها و موانعی در جلوی آنها قرار داشت ، نفوذ و رسوخ کرده است .

و این جوّ مساعد بوده که این محقق هوشیار و محاوره کننده تیزبین را ، در این گفت و شنود و محاوره که تعدادی از مسائل بارز اسلامی را محور بحث و گفتگوی خود قرار داده ، یاری کرده است و این کار ، کارو عمل خالصانه هوشیار مردی است که توانسته با ذکاوت خاصّ خویش این تصریحات و حقائق اصیل واقع بینانه را انتزاع کند .

خواننده واقع بین که با امعان نظر و دقّت ، کتاب را بمطالعّه بگیرد

کتابخانه

از استاد سید مرتضی حکمی ————— هفتاد و هفت

روح انصاف را که در ضمیر این مردان بزرگ علم و فرهنگ ریشه دارد ، و در زبان و قلم شان هنگام نوشتن از اسلام و آنجا که تذکار میدهند شیعه و سنی باید روح عطوفت و تسامح و مهربانی باهم داشته باشند بخوبی مشهود است احساس خواهد کرد .

با این وجود ، چه انگیزه‌ای موجب شده که هر فرد مسلمان بسلاح مهلك و مرگبار تعصب متوسل شود ؟ و یا با تمام وجود از مذهب خود به دفاع برخیزد و یاد را آن جمود بورزد ؟

تشکیل دهنده ستون طبقه بندی این کتاب پیرارج محاوره ای — صریح و سازنده‌ای است که يك سلسله از مسائل مذهبی را که شایسته بحث و گفتگو است و این رجال نامور خواسته‌اند بصراحت و روشنی هرچه تمامتر آراء و نظرات خود را درباره آنها با آگاهی مسلمین برسانند ، دربر میگیرد ، این دانشوران در صدد آنند که واقعیت و حقیقت نهضت بزرگ تشیع و ابعاد و حدود آنرا — باندازه توانائی خود — لمس و درك کند ، که این راه صحیح و قویمی است که مسئولیت خود را در پاسداری اسلام و توجیه و تصحیح عقائد مسلمین ، در سرزمین پربرکتی که جایگاه اندیشه و تمدن بشری و مرکز پرورش نبوغ و ادراك است بخوبی بانجام برسانند .

مؤلف مجاهد گرانقدر آقای سید مرتضی رضوی ، تمام هدفش در این رسالت خطیر و در تمام مسائل اسلامی جز این نیست که از کیان تشیع دفاع کرده و کژیها و نارساییها و مقتریات را از آن و اختلاف و دودستگیها و آثار ضعف را از امت اسلامی بزداید .

والله الموفق للصواب ، و

الهادی الى سواء السبيل

مرتضی — حکمی

بیستم ذوالقعدة ۱۳۹۴ هـ

اساد خطیب سید حواد شیر

از سخنوران و خطباء بارز و بنام عراق و دارای
تألیفات و آثار ارزنده و جاوید که از جمله آنها
است : ادب الطّف ، در متجاوز از هشت
جزو بزرگ که در آن تراجم و قصائد شعرائیکه
در مقتل امام حسین (ع) است تدوین کرده
است .

تاریخ ۲۲ / ۲ / ۱۳۹۷ هـ

تلفن منزل : ۳۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

سید شریف و بزرگوار ، فرع شجره طیبهای که : أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا
فِي السَّمَاءِ تُوْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا .
سید مجاهد مادر راه حق آقای سید مرتضی دامت ایّامه و ارتفعت
اعلامه .

کتاب شما " بامردان اندیشه در قاهره " تأثیر بزرگی در من گذاشته
است و اگر انتشار آن در مقیاس وسیعی گسترش پیدا کند ، می تواند برای
هفتاد و هشت

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— هفتاد و نه

ابناء زمان و نسل جوان نقشی ارشاد کننده داشته باشد ، زیراوی کتابی است که نهال عقیده را در سرزمین دل‌های نشاند و موجب بیداری و آگاهی افکار می‌شود .

” بار خدایا ! چهره زیبای حق را آنچنان که هست بمانما ، تادر پیرویش بکوشیم ، باطل را نیز بهمان زشتی و نازیبائی و قیافه کربهی که دارد نشانمان ده ، تا از آن اجتناب کنیم ، همانند و متشابه‌شان قرار نده ، تا بدون هدایت تواز خواهشهای نفسمان پیروی کنیم .

در سخنرانیها و خطابه‌های خود ، هماره جوانان دختر و پسر را به مطالعه اصل الشیعه ، عقائد الشیعه ، المراجعات ، والفصول المهمّة : سید شرف الدّین و کتاب شما که در ردیف آنها است راهنمائی کرده و می‌کنیم . از هم اکنون فال نیک زده و پیش بینی میکنم که : این کتاب نفیس و ارزنده شما بارها و بارها زیر چاپ خواهد رفت و در عین حال امید دارم ، در پاره‌ای موارد جزئی تجدید نظر نمائید .

۱- این سخن که : مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ از ابو حنیفه

است نه از مالک (۱) .

۲- تخمیس والد مرحوم شما از بیات شیخ بهاء الدّین عاملی : ((فَدَع عَنْكَ قَوْلَ الشَّافِعِيِّ وَمَالِكٍ — وَأَحْمَدَ الْمَوْرِيَّ ۰۰۰ تا آخر بیات)) که شما می‌گوئید نمیدانم از کیست ؟ بسیاری از جمله مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه گفته اند که : از شیخ بهائی است (۲) .

(۱) بمانما این سخن مراجعه کردیم و همانطور که استاد اشاره فرمود از ابو حنیفه است . مؤلف

(۲) به ترجمه احوال شیخ بهائی در : اعیان الشیعه ج ۴ از صفحه

هشتاد ————— بامردان اندیشه رقاهره

۳- امید و انتظار دارم درباره : تفضیل ائمه بر انبیاء غیر اولوالعزم
و تفصیل موضوع در این باب که عدّه کثیری هم در این مورد بسط مقال داده اند
تحقیق تامّ و شایسته انجام دهید . *

د رود ها و سلام مراب تمام کسانی که مورد عزّت شما هستند ابلاغ فرمائید
هماره مؤید و سالم باشید .

بادعاء : جواد شیر :

← ۲۱۶ تا ۲۵۹ مراجعه شد و ابیاتی که آقای شمّار اشاره کرده اند پیدا
نشد ، احتمالا ایشان در جای دیگری دیده باشند . مؤلف

* - قندوزی حنفی مینویسد : احمد بن حنبل در : مسند و احمد
بیهقی در : صحیح ، از ابوالحمراء نقل کرده و می نویسند : رسول خدا (ص)
فرمود : هر آن کس که بخواهد ، آدم را در علم ، نوح را در عزم ، ابراهیم
را در حلم ، موسی را در هیبت ، و عیسی را در زهد و پارسائی اش ببیند
بعلی بن ابی طالب نظر کند ، این حدیث در : شرح المواقف والطریقه
المحمدیه نقل شده است . ر . ک : ینابیع الموده ۱ / ۲۱ چاپ آستانه
باب چهلّم در اینکه علی همانند انبیاء علیهم السلام است و فضائلش افزون
از شمار .

۲- ابو جعفر محمد بن حسن صفّار متوفّای سال ۲۹۰ هـ با سناد خود
از حسین بن عوان از : ابو عبد الله علیه السلام نقل میکند که او هم فرمود :
خداوند انبیاء اولوالعزم را آفرید و با علم تفضیلشان داد و ما را وارث علم و
فضل آنها کرد و ما را در علمشان بآنها برتری داد و رسول خدا (ص) را آموخت
چیزی را که بآنها نیا موخته بود و ما را آموخت علم رسول (ص) و علم آنها را ، باز
از حسین بن علوان این روایت را با افزودن الفاظی نقل کرده است .

۳- صفّار با سناد خود از عبد الله بن ولید روایت می کند که وی گفت
ابو عبد الله فرمود : اصحاب و یاران شما درباره امیرالمؤمنین علیه السلام
و عیسی و موسی چه میگویند ؟

کدامین آنها را علمند ؟ میگوید : عرض کردم : احدی را از اولوالعزم

←

آراء و نظرات نویسندگان پیرامون این کتاب ————— هشتاد و یک
بقیه پاورقی :

— مقدم نمیشمارند ، فرمود : می توانستی از کتاب خدا با آنها احتجاج
کنی ، میگوید : عرض کردم : این در کجای کتاب خدا هست ؟
فرمود : خداوند ، درباره موسی (ع) فرموده : وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً ، و نفرموده : كُلِّ شَيْءٍ .
و درباره عیسی فرموده : وَلَا يَبَيِّنْ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَ
نفرموده : كُلِّ شَيْءٍ .
و درباره دوست شما فرموده : كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ —
عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ .

بصائر الدراجات ص ۲۲۷ چاپ تبریز سال
۱۳۸۰ هـ

باب : امیرالمؤمنین و اولوالعزم ایهم اعلم ؟

۴ — صفار با سنا د خود از : عبدالله بن ولید آسمان روایت می کند که
وی گفت :

ابو جعفر علیها السلام بمن فرمود : شیعه درباره علی (ع) و موسی
و عیسی چه میگوید ؟

عرض کردم : فدایت شوم ، چه بگویم در مورد آنها ؟

فرمود : بخدا ، اواز آن دو داناتر است .

سپس فرمود : آیا نمیگویند ؟ آنچه را که رسول (ص) از علم دارد ،
علی دارا است ؟

میگوید : عرض کردم : بلی .

فرمود : پس در این باب با آنها احتجاج کن و ادامه داد : خداوند
تبارک و تعالی بموسی فرمود : ((وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ)) (سوره
اعراف آیه ۱۴۵) .

خداوند در اینجا اعلام میفرماید که : همه امور را بوی تبیین نکرده است
ولی بمحمد (ص) فرمود :

((وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا أَعْلَى هَؤُلَاءِ ، وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ
شَيْءٍ)) — (سوره نحل آیه ۸۹) .

هشتاد و دو ————— بامردان اندیشه در قاهره

دنباله پاورقی :

۵ — کلینی با سناد خود از عبد الله بن جندب روایت میکند که :
حضرت رضا علیه السلام بوی نوشت :
اما بعد :

محمد (ص) امین خدادرمیان خلق بود و چون آنحضرت بقاء الهی
شتافت و رحلت فرمود ، ما اهل بیت ورثه او گشتیم ، پس ما ایم امناء خدا
در روی زمین و نزد ما است علم مرگ و میر و علم انساب عرب تا
آخر حدیث .

اصول الکافی ۱ / ۱۲۳ باب : الائمة

ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء والاوصیاء —

الذین من قبلهم .

۶ — کلینی با سناد خود از ابو جعفر علیه السلام روایت کرده و میگوید
ابو جعفر علیه السلام فرمود : آب کمی را می نوشند ، و نه بر بزرگی زارها
می کنند !

بحضرتش عرض شد نه رکدام است ؟ فرمود : رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم و علمی که خداوند به آنحضرت عطا کرده است .

خدای عزوجل همه سنن انبیاء را از آدم گرفته تا محمد (ص) —
همگی را در محمد (ص) جمع کرده است .

عرض شد این سنن کدام است ؟

فرمود : همه علوم انبیاء است و رسول خدا (ص) همه آنها را به امیر
المؤمنین (ع) منتقل کرد .

مردی بحضرتش عرض کرد : یا بن رسول الله ، امیرالمؤمنین اعلم
است یا بعضی از پیامبران ؟

ابو جعفر علیه السلام فرمود : بشنوید آنچه را که وی میگوید : خداوند

گوش کسی را که بخواهد باز و شنوا میکند ، من حدیثی را بوی گفتم که :
←

خاتمه پاورقی :

— خداوند همه علوم پیامبران را در محمد صلی الله علیه وآله وسلم جمع کرده و آنحضرت همه آن علوم را به امیرالمؤمنین (ع) منتقل کرد ، او باز از من میپرسد : امیرالمؤمنین اعلم است یا بعضی از پیامبران؟ .

اصول الکافی : ۱ / ۲۲۲ — باب : آن

الائمة علیهم السلام ورثة العلم ، یرث

بعضهم بعضا العلم .



دکتر محمد حواد خلیلی

نامهای است ارزنده از استاد خلیلی مقیم
فعلی کانادا و قاضی عالی رتبه سابق داد -
گستری در طهران *

از کانادا :

یا ملهماً للانتصار علی الطلیقه واللصیقه
یا کاشفاً وجه الصواب بما أنار بها طریقہ
ومقرباً الأندار بالحسنی واخبار وثیقہ
یا منذراً خوف التردی فی محاورها السحیقہ
المرتضی وسلیله خیر الهدایة الی الحقیقه
برادر گرامی و خویشاوند بزرگوارم ، نبیره طه ، پسر مرتضی ، دوده
پیشوایان هدایت و اهل بیت علم و حکمت و عصمت که خدایشان از ناپاکی
پاک و مطهر و از لغزش حفظ فرمود ، قائدان بخیر و ناجیان ازیدی و شر .
کتاب : " مع رجال الفکر " تو که بمن اتحاف و اهداء نموده ای ، کتابی
است سهل و ممتنع و خصم افکن و مخالف قانع کن ، که علماء و متفکران بزرگ به
حقائق آن اقرار و اعتراف نمود ه اند ، آنهایی که در هر رشته و فنی از علوم و
ادبیات ، صاحب نظر و از مقام و منزلت والا و رفیعی برخوردارند ، صاحبان
خبرت و درایت و حافظان حدیث و روایت که سؤال شما از آنان الهام ، و
هشتاد و چهار

اجابت وجوابگوئی شان بحقیقت احکام است خداوند از این سعی و تلاش که توداری ، بهدفت نائل و از این برونیکوکاریت بمنافع و خیرات آن واصل گرداند ، وبوسیله توبستت جدّ کریم و بزرگوارت دریچهای باز کند و پرده ها را برافکند وبوسیله توجهره حقیقت را که بدست اغیار و مغرضان مستور و پنهان شده مکشوف بدارد و پرده شبّهات و ابهام را بدرد و بدور اندازد ، هماراهل خیر و نیکی باشید و برای درك افاضات و سعادات راه گشا ، آنکه بتو و بدعوت آل بیت توایمان دارد و در محبتشان مخلص است .

۱۸ ذوالقعدة ۱۳۹۶ هجری

جواد — خلیلی

ن : سید مرتضیٰ رضوی

گفت و شنود

با

مردان اندیش

در قاهره

ترجمہ : ابو ذبیہ

مقدم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیدارهاییکه در این کتاب از آنها سخن خواهد رفت ، ضمن سفرهائی دست داده که برای نشر اندیشه و فرهنگ اسلامی و ملاقات بامفکران رجال فرهنگ و دانش و معرفت و دین باعده‌ای از اندیشمندان در مسائل عمومی داشته‌ام و این گفت و شنودها محصول آن میباشد ، که از يك سلسله تحقیقات و بررسیها در پیرامون عقائد و آراء متعدّد و نشر کتب و مصادر بدست آمده ، بهتر آن دیدم که این موارد ، ماجراها و نکات جالب را که در این دیدارها وجود داشت و خالی از لطف و تجربه نبود یادداشت کنم و در دسترس خوانندگان بگذارم که بسیار مفید و سودمند باشد ، این دیدارها گاهی با تجارب تلخ و دردناکی همراه بود ولی بهره‌هایی که از این سفرها میگرفتم ، تلخیها و مرارت‌های آنرا از بین میبرد و بسکون و آرامش خاطر مبدّل میکرد ، در نظر داشتم فعالیت خود را در این جهت گسترش دهم و قصد پخش و نشر آنرا نداشتم الا اینکه برادر محترم آقای حاج کریم آقاانصارین که در این زمینه‌ها می‌اندیشد مرا توجّه داد که نشر این افکار ، خود خدمتی در جهت حرکتها ، و فعالیت‌های اسلامی است ، بنظر ایشان این کار موجب آشنائی جوانان مسلمان با این افکار خواهد شد و در آنها شور و علاقه ایجاد خواهد کرد که با روح همکاری نزدیک فعالیت‌های مثبتی در این مسیر مبارک اسلامی انجام دهند .

بعد که این فکر را با خود پروراندم ، از حافظه خود مدد گرفتم و حوادث و مناسبات زمانی و مکانی و بحث و گفتگویی را که در طی آن اتفاق

با مردان اندیشه —————
 افتاده تکمیل کردم ، دانشمند با فضیلت سید مرتضی حکمی این فکر را تحسین
 و تأکید نمود که در نشر آنها بکوشم و در این راه با تنظیم و ترتیب ، و
 نوشتن یادداشتها و نشر آن کمکهای شایانی نمود .

در اسامی شخصیت‌هایی که موضوع کتاب را تشکیل می‌دهند مناسب‌تر
 آن دیدم که بترتیب حروف الفبائی باشد ، تا استفاده از محاورات آنها در
 مطاوی کتاب بشکل طبیعی و آسان صورت گیرد .

جالب است بگویم : هنگامیکه وارد قاهره شدم و مدتی در آنجا ماندم
 با بسیاری از اساتید و دانشمندان ارتباط گرفتم ، یکبار هم با : شیخ محمد
 ابوزهره که قبلاً او را ندیده بودم با تلفون تماس گرفتم و این موقعی بود
 که چاپ دوم کتاب " عبد الله ابن سبا " را آغاز کرده بودم ، قبل از نشر و
 توزیع کتاب ، فهرستی از اسامی علماء و دانشمندان و اساتید و مدرّسین
 در " الأزهر " و غیره را آماده کرده بودم که از کتاب بعنوان هدیه همراهی
 ایشان بفرستم ، شب بود خوابیدم و در عالم رؤیا دیدم ، در هتل
 میامی و در اطاق شماره ۲۴ که طی سالهای ۱۹۵۲ - ۱۹۵۸ در حدود
 ده ماه و نیم در آن جا منزل کرده بودم ، هستم ، به پشت روی تخت
 افتاده‌ام و نزدیک تخت يك صندلی هست ، شیخ محمد ابوزهره وارد شد و
 سلام کرد و روی صندلی نشست و گفت :

شیخ آمده است ؟

گفتم : کدام شیخ ؟

گفت : شیخ محمد محیی الدین عبد الحمید .

گفتم : نه .

و من اسم او را در فهرست . با اسم شیخ محمد محیی الدین عبد

سید مرتضی رضوی _____ ۷
الحمید یاد داشت کرده بودم با اسامی تعداد زیادی از اساتید و علماء •

بعد گفت : شیعه از من چه میگوید ؟

گفتم میگویند : شیخ محمد ابوزهره مردی است عنود ، بدون استقامت
در رأی و متعصب بی انصاف •

گفت : چرا ؟ و سرش را پائین انداخت •

گفتم : میگویند : او از شیعه مثل کسی که اصلاً کتابهای آنها و آثار
ایشان را مطالعه نکرده است چیز مینویسد با اینکه کتابهای زیادی از آثار شیعه
در دسترس دارد که میتواند آنها را مطالعه کند و با استناد بآنها بنویسد ،
لکن او بگفته دشمنان شیعه و تفوهات آنها استناد میکند ، ساکت شد ، و
نتوانست جواب دهد •

از خواب بیدار شدم و رو*یا را با چند تن از علماء و اساتید در میان
گذاشتم و یکی بخداوند سوگند یاد کرد و گفت : راست گفتم او مردی عنود است
این فکر بر من غلبه داشت و حتی در خواب هم از من دست بردار
نبود بطوریکه این رو*یای جالب را بخواب دیدم و بی مناسبت ندیدم که در مقدمه
کتاب از آن یاد کنم •

از خداوند یاری و مزید توفیق مسئلت دارم و اتّکال و بازگشتم بسوی
او است •

و از درگاه ربوبیتش مسئلت دارم که این خدمت ناچیز مورد رضایت
پیشگاه بلند پایه امام غائب ما عجل الله تعالی فرجه قرار گرفته و توشه ای باشد
برای روزی که : لَا يَنْفَعُ فِيهِ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ، إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ •

سید مرتضی رضوی

۰۱۳۹۴ / ۸ / ۳ هـ

قاهره : ۰۱۹۷۴ / ۸ / ۲۱ م



گفت و شنودیا :

استاد ابو الفضل ابراهیم

رئیس انجمن اعیان و ارباب اسلامی
در مجلس اعلای شئون اسلامی قاهره

ولادت او : در سوهاج در قریه شندویل مصر علیا ، سال ۱۹۰۴ میلادی چشم بجهان گشود .

تحصیلات او : در دارالعلوم ، تحصیلات خود را بپایان برد ، و در اثنای تحصیلات دانشجویی با عده ای از همفکران جمعیت الشبان المسلمین :

جوانان مسلمان را پی ریزی کرد ، سال ۱۹۳۲ میلادی .

مهمترین آثار قلمی او : قصص القرآن ، که با شرکت چند تن از دوستان نوشته است ، اطوار الثقافة الإسلامية که نیز با مشارکت دوستانش نگارش او را بپایان برده است .

در این اواخر دست بچاپ تازه ای از کتاب الأغانی تألیف ابوالفرج اصفهانی زده است که در نوع خود ممتاز خواهد بود .

کتابهای زیادی را تحقیق و تذیل کرده است که از جمله آنهاست : شرح نهج البلاغه : ابن ابی الحدید ، تاریخ الطبری ، امالی المرتضی ، انباه الرواة ، اعلام النبلاء ، البرهان فی علوم القرآن ، ثمار القلوب ثعالبی

استاد ابو الفضل ابراهیم ————— ۱۰

ثمرات الاوراق : ابن حجة ، طبقات النحویین : زبیدی ، الصناعتین : ابو هلال عسکری .

تحقیقات باارزشی در کتب و متون مهم دیگری انجام داده است که در این مورد بکتاب "مفکرون و ادباء" اثر استادان نورالجندی ، شرح حال وی صفحه ۱۶ مراجعه شود .

در قاهره بسال ۱۹۵۷ اتفاق دیدار و آشنائی او دست داد .
از دانشمندان و محققانی است که احیاء موارث ارزنده اسلامی را وجهه همت خود قرار داده اند .
تحقیقات وی بسیار است که دلیل وسعت اطلاع و دانش عمیق او می باشد .

بارها با هم دیدار داشته ایم ، ولی آشنائی با ایشان نخست در دارالکتب المصریه اتفاق افتاد و بعد در خانه اش در مصر دید این دیدارها تکرار شد .

یکبار در دارالکتب المصریه که او هم آنجا آمده بود گفتگوی مختصری داشتم که در آن جا از انتسابش باهل بیت علیهم السلام سخن بمیان آمد که در اینجا استاد محمد ابو الفضل ابراهیم اظهار داشت که : از ابناء امام امیرالمؤمنین علیه السلام است و مرا بخانه اش در خیابان قایت بای مصر جدید دعوت کرد تا کتابی را که در انساب چاپ شده و نسب او در آنجا مندرج است نشان دهد .

یکروز با فرزندش خالد در هتل میامی واقع در خیابان عبد العزیز مقابل ساختمان عمرافندی از من دیدار کرد و در این کتاب کتب زیور که در قاهره انتشار داده بودم بحضرتش تقدیم داشتم :



گفت و شنود با :

استاد ابو الفضل ابراهیم

رئیس انجمن احیاء و ارث اسلامی
در مجلس اعلای شئون اسلامی قاهره

ولادت او : در سوهاج در قریه شندویل مصر علیا ، بسال ۱۹۰۴
 میلادی چشم بجهان گشود .

تحصیلات او : در دارالعلوم ، تحصیلات خود را بپایان برد ، و در
 اثنای تحصیلات دانشجویی با عده ای از همفکران جمعیت الشبان المسلمین
 جوانان مسلمان را پی ریزی کرد ، سال ۱۹۳۲ میلادی .
 مهمترین آثار قلمی او : قصص القرآن ، که با شرکت چند تن از دوستان
 نوشته است ، اطوار الثقافة الإسلامية که نیز با مشارکت دوستانش نگارش او
 را بپایان برده است .

در این اواخر دست بچاپ تازه ای از کتاب الأغانی تألیف ابوالفرج
 اصفهانی زده است که د و نوع خود ممتاز خواهد بود .

کتابهای زیادی را تحقیق و تذیل کرده است که از جمله آنهاست :
 شرح نهج البلاغه : ابن ابی الحدید ، تاریخ الطبری ، امالی المرتضی
 انباء الرّواة ، اعلام النبلاء ، البرهان فی علوم القرآن ، ثمار القلوب ثعالبی

استاد ابو الفضل ابراهیم ————— ۱۰

ثمرات الاوراق : ابن حجة ، طبقات النحویین : زبیدی ، الصناعتین : ابو هلال عسکری .

تحقیقات باارزشی در کتب و متون مهم دیگری انجام داده است که در این مورد بکتاب "مفکرون و ادباء" اثر استادان نورالجندی، شرح حال وی صفحه ۱۶ مراجعه شود .

در قاهره بسال ۱۹۵۷ اتفاق دیدار و آشنائی او دست داد .
از دانشمندان و محققانی است که احیاء موارث ارزنده اسلامی را وجهه همت خود قرار داده اند .
تحقیقات وی بسیار است که دلیل وسعت اطلاع و دانش عمیق او می باشد .

بارها با هم دیدار داشته ایم ، ولی آشنائی با ایشان نخست در دارالکتب المصریه اتفاق افتاد و بعد در خانه اش در مصر جدید این دیدارها تکرار شد .

یکبار در دارالکتب المصریه که او هم آنجا آمده بود گفتگوی مختصری داشتم که در آن جا از انتسابش باهل بیت علیهم السلام سخن بمیان آمد که در اینجا استاد محمد ابو الفضل ابراهیم اظهار داشت که : از ابناء امام امیرالمؤمنین علیه السلام است و مرا بخانه اش در خیابان قایت بای مصر جدید دعوت کرد تا کتابی را که در انساب چاپ شده و نسب او در آنجا مندرج است نشان دهد .

یکروز با فرزندش خالد در هتل میامی واقع در خیابان عبد العزیز مقابل ساختمان عمرافندی از من دیدار کرد و در این کتاب کتب زیر را که در قاهره انتشار داده بودم بحضرتش تقدیم داشتم :

۱- وسائل الشيعة و مستدرکاتها در ۵ مجلد

۲- اصل الشيعة و اصولها

۳- عقائد الامامية

۴- عبد الله ابن سبا (چاپ دوم)

۵- الوضوء في الكتاب والسنة

۶- المتعة و اثرها في اصلاح الاجتماعى

۷- مصادر نهج البلاغة و اسانیده

کتاب اخیر را که از عراق با آن مصاحب و مانوس بودم تألیف ، سید عبدالزهره خطیب حسینی است که در عراق چاپ شده و چهار مجلد از آن تا کنون انتشار یافته است و از این کتاب تعدادی را به اساتید و دانشمندان در قاهره اهداء کردم .

استاد ابوالفضل ابراهیم وقتی کتاب " عبد الله ابن سبا را دید ، گفت من از این کتاب که تألیف استاد مرتضی عسکری است ، بهره‌های فراوانی برده‌ام ، هنگامیکه مأخذ تاریخ طبری را که برای دارالمعارف مصر تحقیق می‌کردم ، مراجعه می‌نمودم ، در پاره‌ای احادیث توقف می‌کردم و بدستی نمی‌توانستم در مورد آنها دآوری کنم تا اینکه چاپ اول این کتاب بدستم رسید و بسیاری از مشکلاتم راحل کرد ، قصد دارم بوسیله توهدهای با استاد عسکری بفرستم .

در پیرامون تحقیق بعضی از کتابها با وی گفتگو کردم ، گفتند : اگر مایل باشی و بخواهی من حاضرم در باره تحقیق کتاب " روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات " خوانساری با وی قرار دادی ببندم .
گفتم : من بسیار شائق و راغیم که تحقیق پیرامون کتاب " انوار الربیع

استاد ابوالفضل ابراهیم _____ ۱۲

فی انواع البدیع " تألیف سید علیخان مدنی معروف به ابن معصوم انجام گیرد
او تألیفات زیادی دارد که به سی جلد بالغ میشود از جمله وی صاحب کتاب
سلافة العصر است که کتابخانه^۱ الخانجی در قاهره چاپ کرده است .
در یکی از دیدارهایم که در منزلش اتفاق افتاد فرمودند: اگر خواسته
باشی کتاب " انوار الریبع " را برای تو تحقیق کنم ، این تحقیق باین صورت
خواهد بود ، سپس کاغذی درآورد و نمونه ای از تحقیق را که خواهد کرد روی
ورقه نوشت .

۱- شرح احوال مؤلف (ابن معصوم) روزگار او ، تصنیفات او .
۲- مقدمه ای در علم بدیع و کتابهاییکه در آن زمینه نوشته شده امتیاز
انوار الریبع در میان این کتب .

۳- فهرست عمومی برای کتاب که شامل :

۱ = موضوعات

۲ = اعلام

۳ = شعر

۴ = کتابهاییکه مؤلف از آنها نقل کرده است .

۵ = مراجع کتاب ، و دنباله آن انواع فهرس

۶ = تحقیق کتاب بصورت زیرین خواهد بود :

۱ = بکتابهاییکه مؤلف از آنها نقل کرده است هر قدر ممکن باشد

مراجعه خواهد شد .

۲ = شعر بر دیوان شعراء

۳ = شرح غریب از الفاظ ابیات

۴ = در هر باب از کتاب به کتبی که در این فن تألیف شده مراجعه

خواهد شد .

مثل :

الصّناعتين ، الوساطة ، المثل السائر ، العمدة ، الشّرح الكبير
تحرير التحبير ، بديع القرآن ، ابن ابی الاصبغ نهاية الادب (قسمت
بديع) شرح الشّریسی للمقامات ، خزانه الأدب بغدادی وابن حجة ، کتاب
البديع : ابن منقذ (که زیر چاپ است) کتاب البديع : سیوطی ، کتاب الطراز
وکتب بلاغت از متقدّمین بطور عموم نظیر : جرجانی ، جاحظ ، ابن المعتز
ابن منقذ .

وازمأخرین امثال : خطیب و شارحین آن ، سیوطی ، نابلس ، و

حملای .





گفت و شنود با ، استاد شیخ محمود ابوریه از دانشمندان و محققین تبریز

ولادت او : در دهکده المندره مرکز اجا استان د قهلیه در ۱۵ دسامبر ۱۸۸۹ میلادی چشم بجهان گشود .

تحصیلات او : تحصیلات وی جامع بین تحصیلات امروزی و مدارس دینی است که هم در مدارس دینی و هم در مدارس ابتدائی و دبیرستان به تحصیل پرداخته است .

اکثر ایام عمر خود را در شهر منصوره گذرانده و در اواخر زندگی به شهر جیزه رحلت کرده و بقیه ایام عمر خود را در آنجا سپری کرده و در همانجا در یازدهم دسامبر ۱۹۷۰ میلادی بداعی حق لبیک گفته است .

مهمترین آثار قلمی او : علی و مالقیه من اصحاب الرسول (خطی)
اضواء علی السنة الحمّدية سه بار چاپ شده ، ابوهریره شیخ المضیره سه بار چاپ شده ، السید البدوی ، حیاة القری ، صیحة جمال الدین الافغانی ، رسائل الرافعی ، جمال الدین الافغانی ، دین الله واحد وقصة الحدیث

المحمدی •

آشنائی باوی : بسال ۱۹۵۸ م با او آشنا شدم •

از دانشمندان اهل تحقیق قاهره است •

تحقیقات عمیقی در سنت نبوی انجام داده و مشتی آنهایی را که بجعل و تحریف و وارد کردن خرافات و اسرائیلیات دست زده اند باز کرده است، سبک تحقیق وی مخصوص است ، حدیث نبوی را با تاریخ مقید ساخته و با روشنگری تمام حدیث را ذکر میکند •

در نوشته های خود پیاری اهل بیت و بیان نظرات آنهایی پردازد •
مقدمه ای بر کتاب " احادیث ام المؤمنین عائشة " نوشته و در آن بفتنه و آشوبی که عائشه بر پا کرده و اختلاف و نفاق و ستیزی که بین مسلمین ایجاد کرده متعرض شده است •

در راه عقیده اسلامی خود صدمات و آزار فراوانی متحمل شده و تا آخرین لحظات حیات و زندگی خود مستمراً در راه حق و حقیقت با صداقت و ایمان مبارزه کرد ، خداوند غریق رحمت و اسعه خود فرماید •

در سفر دوم بقاهره مانند سفر پیشین که بقصد نشر کتب و آثار شیعه در کشور دوست مصر ، در هتل میامی سابق الذکر اقامت کردم •

با این هتل بوسیله برادر محترم صالح حسن شاگرد مدیر غذاخوری "المنظر الجمیل" مقابل ساختمان عمر افندی در شارع عبدالعزیز آشنا شدم •
اتفاقاً بایک دوست عراقی که در قاهره برخورد کرده و از قصد خود در مورد طبع و نشر بعضی کتب اسلامی و اینکه بیک خطاط و کلیشه ساز محتاج خواهم بود مطلعش کرده بودم ، ایشان مرا پیش برادر محترم حسین محمد کاظم صاحب زنگرافا النصر برد و او را بمن و مرا بایشان معرفی نمود دفتر

او را مثل يك، مجلس بزرگ دیدم که چاپخانه داران آنجا و خطاطان و مدیران مؤسّسات انتشارات، روزنامه نگاران و دانشمندان و بسیاری از اساتید و ادباء را آنجا دیدم و با آنها آشنا شدم که آنجا رفت و آمد میکردند و در دفتر وی همدیگر را می دیدند.

و در آنجا بود که با برادر استاد محمد برهومه روزنامه نگار و نویسنده روزنامه "المساء" و نویسنده ارزنده استاد عبد الهادی مسعود ابیاری متفکر تیز بین و نگارنده آثار نمونه و استاد بزرگ دکتر حامد حفنی داود مؤلف تاریخ الأدب العربی العباسی و الصّاحب بن عبّاد بعد الف عام که با این کتاب بد ریافت درجه لیسانس و الکتابة الدیوانیة فی العراق که با این کتاب درجه دکتر را احراز کرد آشنائی حاصل کردم.

از جمله خوشنویسانی که در آنجا با آنها آشنا شدم: خطاط هنرمند حسنی شامی و پسرانش: فاروق، نبیل، استاد مکاوی، محمد و عبد المنعم بودند که نمونه خطشان را نگاه داشته ام، همچنین با شیخ سلیمان وکیل صاحب مطبعه دار التّألیف.

آقای حسین محمد کاظم صاحب این دفتر یا انجمن از من و شیخ سلیمان وکیل و استاد محمد برهومه برای ناهار روز جمعه در دفتر خود دعوت به عمل آورد، از نزدیکترین ناهار خوری دستور داد ناهار آوردند، بعد از صرف غذا، چنّائی، قهوه، خرما، تازه، کازوز و قلیان حاضر کرد صحبت از همه جا جریان داشت، پس از آشنائی با استاد محمد برهومه نویسنده روزنامه المساء، علاقه خود را بنشر يك، آگهی در یکی از روزنامه های مصر برای ایجاد بخش مخصوص کتب شیعه امامیه در تالار مراجعین دارالکتب المصریّه با اطلاع وی رساندم، استاد برهومه وعده داد که خود ترتیب انتشار

این اعلان را بدهد .

بعد : شیخ سلیمان وکیل گفت : من مطبعه‌ای دارم و کتابهائی را هم چاپ کرده‌ام آماده هستم که کتابهای شما را چاپ کنم (۱) بعد اضافه کرد علامه شیخ محمود ابوریّه هم کتابی دارد که در چاپخانه ما چاپ میکند و اسم کتاب وی : *اضواء علی السنّة المحمّدیة* می باشد و آمدن شما را بقاهر موی گفته اند و علاقه مند است با شما مربوط باشد و اگر لطفاً بمطبعه ما بیاید ایشان فردا صبح قبل از ساعت ده بآنجا خواهند آمد و نشانی مطبعه چنین است : بعد میدان لاظوغلی بالمالیّة ۸ — بشارع یعقوب ، مطبعة دار التّألیف ، صبح روز بعد ، بچاپخانه رفتم ، و درست ساعت ده بود که رسیدم ، شیخ سلیمان دم در ایستاده بود داخل شدم و سلام کردم ، جواب سلام را دادند ساعت را نشان دادم ، گفتم : درست است کاملاً مضبوط .

منظورم این بود که ایشانرا متوجه کنم که سر و عده حاضر شده‌ام ، پس از ورود شیخ وقور و سنگینی را که طرف راست وی نشسته بود دید موی سلام کردم و او جواب سلام را داد ، شیخ سلیمان صاحب چاپخانه بهمان شیخ وقور و سنگین اشاره کرد و گفت ایشان شیخ محمود ابوریّه هستند که دیروز در مورد ایشان با شما حرف زدم ، نزد ایشان نشسته و ادای احترام کردم اظهار محبت نمودند ، سر سخن را باوی باز کردم و گفتم : مولا ناشما بکدام مذهب از مذاهب اربعه متمسک هستید ؟ جواب داد :

من مسلمانم و بکتاب خدا و سنت پیغمبر وی عمل میکنم و بهیچ کدام از مذاهب چهارگانه خود را مقید نمی دانم و ضمناً گفتم : خود من داناتر از شافعی و ابوحنیفه هستم .

نظرشان را در مورد صحاح پرسیدم گفتم : صحاح پیش معتقدینش صحاح

۱ — در مطبعه ایشان کتاب : *الوضوء فی الکتاب والسنّة* را بطبع رساندم

است! گفتم: نظر سرکار عالی در مورد بعضی از رواة که حدیث بسیار نقل کرده اند چیست؟ گفت: مقصودتان کیست؟ مثلاً کدام؟ گفتم ابوهریره، گفت: ابوهریره مرد جعّال و دروغ پردازی است.

گفتم: امام شرف الدین عاملی، کتابی در باره این روایت پرداز پرگو تألیف کرده بنام "ابوهریره" استاد ابوریّه دست برد بجامه دانی که همراه داشت و کتاب "ابوهریره" تألیف: امام شرف الدین عاملی را در آورد که چاپ اول صیدای لبنان بود و گفت: این کتاب را خود امام شرف الدین به من اهداء فرمود، نسخه را بمن داد که جمله اهداء کتاب را بخط امام شرف الدین پشت کتاب دیدم که در آن چند سطر، بجهد تلاش و کار استاد ابوریّه اشاره کرده و از وی تجلیل نموده بود.

بایشان درگذشت و ارتحال این مصلح بزرگ را اطلاع دادم که در تاریخ ۱۱/۳۰/۱۱۰۰ — ۱۹۵۷ میلادی برابر ۸/۶/۱۳۷۷ هجری یک هفته پیش، روز دوشنبه به رحمت واسعه الهی پیوسته و جنازه اش با آخرین سر منزل آن فقید سعید در نجف الاشرف منتقل شده و در جوار جدّش امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از غرفه های محیط بصحن شریف در روز چهارشنبه ۱۰/۶/۱۳۷۷ هجری برابر ۱/۱/۱۹۵۷ م دفن شده است. از شنیدن این خبر بسیار متأثر و اندوهگین شد و گفتم: من قصد داشتم: کتاب "الاضواء" رابعه از چاپ خدمتشان اهداء نمایم (۱) سپس از شیخ سلیمان فورمهای چاپ

۱ — اضاء علی السنّة المحمّدیّة، سه بار به چاپ رسیده، چاپ اول در مصر در مطبعه دارالتألیف و تحت نظر مؤلف بسال ۱۹۵۸ میلادی و چاپ دوم بسال ۱۹۶۴ میلادی در صور لبنان که اغلاط چاپی زیاد دارد که بالغ بر هزار تا میشود! مؤلف گرامی همین چاپ دوم را بمن دادند و گفتند میخواهم شما بدقت نسخه را از نظر گذرانده و آنرا برای من تصحیح کنی، که

بامردان اندیشه ————— ۲۰

شده کتاب الاضواء را خواست که آورند ، پانزده فورم و در حدود ۳۴۰ صفحه چاپ شده بود گرفتم و ورق زدم ، تا رسیدم بعنوان "المهدی" دیدم که استاد ابورپه از ابن خلدون بربری نقل کرده و میگوید : ابن خلدون احادیث المهدی را طعن و تخطئه می کند (ص ۲۰۹ هاشم الاضواء چاپ اول) گفتم : مولانا ، این بربری ابن خلدون از دشمنان و مخالفان شیعه است صحیح نیست که از مخالف چیزی نقل شود ، روشن است که گفتار مخالف حجت نیست .

اگر احتیاجی با احادیث المهدی داشته باشید ، من کتابی دارم بنام : منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر تألیف : دانشمند بزرگ لطف الله صافی که مؤلف در آن کتاب از بزرگان و محدثین اهل سنت ، مطالب خود را نقل میکند و من حاضرم کتاب مزبور را حضورتان تقدیم کنم که مخصوص این موضوع است بعد نشانی خانهاش را پرسیدم ، فرمود : الجیزة ۹۰ ، شارع قرة بن شريك شماره تلفن را هم یادداشت کنید : ۸۹۵۴۵۶ وعده دادم که با اطلاع قبلی بمنزلشان خواهم آمد و برگشتم ، چند روز گذشت بایشان تلفن زدم ، و تعیین وقت کردم و سر موعد بمنزلشان رفته و کتاب : منتخب الاثر را اهدا کرده و ساعتی نشسته و برگشتم .

مدتی بعد برای حضور در منزلش به ایشان تلفن زدم و وقت معین کردم چون بد منزل رسیدم و در زدم ، خودش آمد و در را برویم باز کرد و با

➡ اضافات و ملحقاتی هم دارم میخواهم باین چاپ اضافه کرده و خالی از اغلاط بمطبعه تحویل دهم ، در مصر که بودم قسمتی از کتاب را تصحیح کردم ، بعد با خود بعراق آوردم و بعد از مراجعه و تصحیح بوسیله پست سفارشی بایشان فرستادم بعد از مدتی نامه ای رسید که وصول کتاب را اطلاع داد و سپاس گذاری کرده بود . چاپ سوم که توأم با زیادات و تحقیقاتی است بسرمایه دارالمعارف در مصر ضمن سلسله انتشارات دارالمعارف بسال ۱۹۶۹ میلادی بچاپ رسیده است .

محبت از من استقبال نمود و بفاصله کوتاهی قهوه و چائی آورد و در باب کتاب "احادیث المهدی" و کتاب منتخب الاثر، بگفتگو پرداختم، هردو کتاب را جالب یافته و استفاده کرده بود، خواستم که در اطراف این موضوع نامه‌ای بآقای عسکری بنویسد و گفتم:

موضوعاتی که خاص شیعه است و شما می‌خواهید در آن باب چیزی بنویسید لازم است بمصادر رو مأخذ خود شیعه مراجعه کنید و در این موضوعات درست نیست که بکتب مخالفین استناد کرد، محقق لازم است نخست نصوص متعلق به هر دسته را بدقت بکاود و اگر بخواهد از غیر منابع آن دسته مطلبی نقل کند بصحت آن اعتماد داشته باشد، بهمین لحاظ من حاضرم باشم همکاری کنم و کتابهای مورد نیاز شما را از منابع شیعه (۱) برای شما بفرستم بعد گفتم: آقای عسکری از مؤلفین بزرگ عراق و نزد علماء نجف الاشرف - معروف است، ممکن است بایشان بنویسید و هرچه مربوط بموضوع باشد از ایشان دریافت نمائید، بعداً استاد ابوریّه بآقای عسکری مراجعه نمود که در سومین چاپ "الأضواء علی السّنة المحمّدية" طبع دارالمعارف مصر که زیر نظر خود وی انجام گرفته بهمین مطلب اشاره کرده است.

درباره خلافت اسلامی و خلفاء نیز سخن بمیان آمد و اینکه مسلمین به انحطاط و عقب ماندگی گرائیده‌اند و انگیزه و سبب آن که تسلط استعمار باشد و اینکه استعمار آنها را بگروه‌ها و احزاب تقسیم کرده و صفوف آنها را از هم پاشیده است.

۱- بعد از مراجعت بعراق متجاوزاً زینجاه جلد کتاب بایست سفارشی بایشان فرستادم، در یکی از نامه‌های خود بمن نوشت: این همه کتاب که مأخذ تحقیق و مراجعه من خواهد بود کافی است، دیگر خود را بزحمت نیندازید.

بعداً رشته سخن را بمذاهب اربعه کشاندم و گفتم: این مذاهب است که استعمار در آغوش خود پرورانده و در برابر امام صادق از ائمه اهل بیت علیهم السلام از آنها ترویج کرده است و افزودم: اهل سنت اینها را می بینند و با اینهمه استناد می کنند، گفت: من باشما هم عقیده ام.

سپس از این نظری و اینکه لازم است سنت نبوی که اساس و پایه اسلام است از پیرویه ها و خرافات مبرا باشد سؤال کردم، این استاد دلسوز از خرافات و اسرائیلیاتی که در کتابهای درسی از هر موجود است آتش گرفته بود و از این جهت بود که به پیراستن سنت نبوی از این همه خرافات و بازکردن مشت آنهایی که این اباطیل را که یهودیت که در وجود کعب الاحبار و ابو هریره متمثل شده و داخل سنت نبوی کرده دامن همت یکمزد هست.

در حقیقت این کتاب وی طلعه قیام علیه باطل و طرفداری از حق و راهگشائی بسنت صحیح نبوی است که استاد ابوریّه قاطعانه و بیک سخن نظر خود را این چنین ابراز نمود: این کتاب را بمنظور اینکه به پیشگاه والا و مقدس رسول اعظم صلوات الله علیه تقدیم بدارم، نوشته ام و آنطور که در شأن احادیث نبوی است برای خشنودی خاطر نازنین و ارجمند آنحضرت و تقرب بمپروردگار وی بروزی که: لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ سوره ۲۶- آیه ۸۹ وَالْأَقْيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا سوره ۹۱ آیه ۷۶.

با این درخشی ایمان راستین و خدمت بی پیرایه در راه دین دست به نگارش این کتاب زده است که خداوندش از اسلام بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

بعد، مجموعه ای از کتبی را که در قاهره چاپ کرده بودم به معظم له اهداء کرده و برگشتم.

در یکی از سفرهایم به قاهره ، بقصد دیدارشان بخانهشان رفتم که کتابهایی چند نیز که از عراق برایشان آورده بودم با خود بردم ، از جمله : احادیث عائشه نوشته مؤلف کتاب عبداللّه بن سبا آقای عسکری و از ایشان خواستم نظر خود را درباره این کتاب جاوید بنویسد .

پس از آنکه کتاب را با دقت و تعمق مطالعه میکند بشگفتی می آید و مورد تحسین وی قرار می گیرد ، مقالت زیر را می نویسد که اینک می آوریم :

عامّه و اشباه عامّه ، اغلب می پندارند که واقعاً چیزی میدانند که : تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ دوره اول همه درست است و از مرحله شك و تردید بیرون و رجال تاریخ صدر اسلام هم همگی ثقه و مورد اعتمادند و هرگز دروغ نمیگویند و بدین لحاظ هر خبری را که از این دوره دریافت بدارند بدون چون و چرا می پذیرند و این همه احادیثی را که کتب مشهور حدیث از آنها پر و مشحون است و از غث و سمین گرفته تا صحیح که قلیل و اندک و معمول و دروغ که بسیار و خارج از شمار است همه چیز در آن پیدا میشود در بست قبول میکنند !

درجه اعتماد و وثوقشان با حدیث این کتابها باندازه ای است که هر کسی در یکی از این احادیث شك کند بعقیده آنها فاسق است ! !

خداوند عقل و خردی را که بآنها داده تا با آن بفهمند و فهمی که با آن بسنجند با این همه ، این مواهب را بصرف تقلید کورکورانه و پیروی از گزشتگان تعطیل کرده اند .

و اگر با واقع بینی و حقیقت نگری بآنها بنگری و راه صحیح را نشان بدهی بمجادله بر میخیزند و در عقائد خود ایستادگی و اصرار ورزیده و در عناد و لجاج خود باز میمانند .

با این همه کاش از زخم زبانان مصون بمانی ، شتم و دشنام و سبّ ادامه خواهد داشت و با زبان زهر آگین شان نیش خواهند زد ، من همه اینها را آزمودم ، آری هنگامی که الاضواء علی السنّة المحمّدیّة را انتشار دادم با همه آنچه که گفتم روبرو شدم ، در این کتاب ، حدیث را بقید تاریخ آورده و از کیفیت و چگونگی روایت و اینکه چگونه روایتی جعل و وضع و ساخته و پرداخته میشود و چگونگی تدوین روایت و مباحث مربوط به اینها که ذکر و بیان آن واجب است پرده برداشتم ، کتاب منتشر شد و سیل فحش و دشنام و سبّ و شتم از هر ناحیه و هرسوا از مصر ، حجاز و شام بطرف من سرازیر گشت ، از اینها باک و واهمه ندارم و چون در راه حق گام میزنم از سرزنش خار مغیلان غمی بدل راه نمی‌دهم .

خیلی عجیب و شگفتی آور است کار آنهائی که در قبال حق می‌ایستند و از ظهور آن جلوگیری میکنند و از پرتو افکنی دانش صحیح مانع می‌شوند اینها نمی‌دانند در وراء این جمود شان چه جنایت بزرگی را مرتکب میشوند زبان مندی این جمود ، در جنایت بدین و دانش خلاصه نمیشود ، بل که این جنایت همچنان تداوم و استمرار خواهد داشت .

نسل جوان و تازه بدوران رسیده امروز از مسلمان و غیر مسلمان که در نتیجه تحقیقات علمی و آکادمیک بجائی میرسند که چیزی نمی‌فهمند مگر اینکه همین طور و کورکورانه قبول کنند و آنچه که در اثر دانش خود بدان میرسند سیمای زشت و نفرت آوری است که شیوخ ازهر برای آنها ترسیم و نقاشی کرده‌اند ، نتیجه این میشود که : نسل جوان بکلی از دین روگردان شود .

بدین لحاظ : علماء و دانشمندان و محققان را که خود را از زنجیرهای

محکم قرون و اعصار تقلید و تبعّد و دنیا له روی رهائی بخشیده اند فرض و واجب است آستین همت بالا بزنند و گرد و غبار شوائب تعصبات و باطایل را از چهره تاریخ اسلامی مابزدایند و در این راه از سرزنش ملامت گران نهراسند .

بایکد نیا خوشوقتی و مسرت ، از مجاهدات دانشمند محقق بزرگی از علماء عراق سخن بگویم که برای انجام وظیفه‌ای که در پیشگاه دین و دانش دارد قیامی جانانه کرده و بنحوی خستگی ناپذیر کتب ارزشمندی را که همچون آئینه تابناک، که مسلمین و غیر مسلمین تاریخ پرافتخار اسلام را در اولین دوران‌های زیباترین صورتی می‌توانند در آن مشاهده نمایند چاپ و نشر داده است او استاد "مرتضی عسکری" است که قبلاً کتاب عبد الله بن سبا را منتشر کرده که در آن با ادله قاطع و براهین واضح اثبات شده که این ناموجود خارجی نداشته و این سیاست شوم و لعنتی بوده که این نام را برای دگرگونی ، و زشت نمودن سیمای تاریخ بوجود آورده است ، این دانشمند عراقی روشن میکند که شیخ مؤرخین در نظر دانشمندان که طبری باشد در تاریخ و روایات خود بکسی اعتماد کرده که همگان بدو غگوئی آن اجماع دارند .

بسیار جای تعجب است که در تمام مؤرخین بعد از طبری روایات خود را بدون نقد و ارزیابی از ابن جریر نقل میکنند و او از مردی دروغ‌پرواز که سیف بن عمر تمیمی باشد .

علامه عسکری بعد از کتاب نفیس "عبد الله بن سبا" کتاب نفیس دیگری به نام "احادیث عائشة" نوشته که نفاستش از آن بیشتر است این کتاب شامل تاریخ حیات این بانواز افق و دیدگاه حقیقت است ، نه آن طور که سیاست و حبّ و تعصّب معرفی می‌کنند ، نویسنده کتاب را بقلمی منزّه و با رعایت

حرمت علم و حق دانش نوشته و حق مطلب را ادا کرده و در راه خدا از سرزنش و ملامت ملامتگر هراسی بخود راه نمی دهد .

استاد در مقدمه کتاب خود باختلاف فاحش موجود بین این و آن حدیث که به پیامبر نسبت داده شده و نیز باختلافات پاره‌ای از احادیث و آیات قرآن که دشمنان اسلام آنرا دستاویزی برای طعن و انتقاد به پیامبر اسلام قرار داده اند اشاره می کند .

بعد مؤلف روشن کرده که این احادیث جز مجموعه‌های مختلفی که از روایات مختلف روایت شده نیست بنا بر این پژوهشگر دانشمند منزّه را لازم است که این روایات را بانسبت بروایات آنها تضعیف کند سپس احادیث هر يك از آنها را بطور علیحده مخصوصاً احادیث روایت پرگوا مثال "عائشه" ابوهریره " و ابن عمر را با تحقیق کامل در زندگی راویان آنها و مکان و زمانشان مورد بررسی قرار دهد سپس میگوید : تاریخ اسلام از بعثت رسول اکرم تا بیعت یزید ابن معاویه دقیقاً دانسته نمیشود مگر اینکه تحقیق جامعی در احادیث ام المؤمنین بعمل آید ، مؤلف استاد که خود در صد نگارش تاریخ صدر اسلام بوده بلحاظ اهمیت موضوع ، این تحقیق را بسایر تحقیقات لازم مقدم داشته است .

بعد که به بیان مشکلات و سختیهای که در راه این تحقیق وجود دارد میپردازد و تبعات و عواقب آنرا بر می شمرد بموضوع تحقیق شروع میکند و نسب و مولد و ازدواج عائشه را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکایک تشریح می کند و اینکه رفتار مکر و حيله آمیز وی با پیامبر بعنوان يك زن که : " کید هن عظیم " بقول شوقی ، چگونه بوده است بیان میشود ، و نیز زندگی هشت سال و اندی او با پیامبر .

بعد میگوید : عائشه از خلفاء پیامبر (ابوبکر ، عمر و عثمان) د ریدو خلافتش تأیید میکرد ، بعد از روش خود منحرف شده و ریاست و رهبری مخالفان را علیه خلیفه بعهدہ گرفت تا کارش بجائی رسید که تشویق و تحریک بسہ کشتن خلیفه میکرد تا اینکه خلیفه بعلت خروج و انحراف از روش دو خلیفه گذشتہ و واگذاشتن کار بقوم و عشیرہ خود کہ بمیل و خواستہ خود ہر کاری کہ دلشان میخواست انجام میدادند بقتل رسید .

تائوبت بعلی رسید و شورش و تحریکات عائشه نیز آغاز شد ، منتہا مبارزہ و معارضہ اش باعلی خیلی شدید و بیسابقہ بود . اولین چیزی کہ در مقابل امام عظیم و بزرگ از وی بظہور پیوست ، این بود کہ ہنگامی کہ از بیعت مردم بعلی آگاہ شد ، نالہ اش بلندگشت و فریاد کشید : این کار ممکن نیست ! ولو اینکه این (اشارہ بآسمان) بر زمین فرو ریزد ! اندکی نگذشت تا طلحہ و زبیر دور و برش را گرفتند و ہر سہ لشگر عظیمی بسیج کردہ و رہبری آنرا برای جنگ باعلی رضی اللہ عنہ دروغای جمل بعہدہ گرفتند ، در این واقعہ و غوغا عائشہ از مدینہ تا بصرہ سوار بر شتر بود و چون این معرکہ و بلوا با ریختن خونہائی بیایان رسید و سرنجام طلحہ ہم کشتہ شد علی رضی اللہ عنہ اورا با اعزاز و اکرام مدونہا بیکہ کمترین زیان ویدی بوی رسیدہ باشد بمدینہ برگرداند ، ولی عائشہ این خوبی و حرمت را پاس نہ داشت و از تحریکات و کج روی و کج اندیشیہایش باز نایستاد و بہر وسیلہ ای کہ توانست علیہ حکومت حقّاً مام فروگزاری نکرد ، تا اینکه در جنگہای معاویہ باعلی رضی اللہ عنہ بہشتیانی معاویہ برخاست و نالہ ہا و فریادش آرام نہ شد تا اینکه علی کشتہ شد و آتش فروزان خشم و ناآرامی درون وی نیز بخا موشی گرائید و در قتل علی بگفتہ : شاعر تمثیل کرد :

فألفت عصاها واستقر بها النوى كما قرعنا بالاياب المسافر
سرچشمہ این شورشہا و فتنہ انگیزیہا ، حسد و کینہ اش بعلی رضی اللہ

عنه و آن کینه‌ای که از علی بخاطر همسری فاطمه دختر خدیجه در دل داشت بود ، موقف علی در حدیث افک نیز در این قضایابی تأثیر نبود ، که شاعر بزرگ اسلام احمد شوقی با زیباترین تعبیری در شعر والای خود خطاب به علی رضی الله عنه از آن یاد میکند .

یا جبلا تأبى الجبال ما حمل	ماذا رمت عليك ربّة الجمل؟
اثار عثمان الذی شجاها	ام غصّة لم ينتزع شجاها؟
ذالك فتق لم یکن بالبال	کید النساء موهن الجبال
وانّ امّ المؤمنین لامرأة	وان تک الطاهرة المبرأة
اخرجها من کنّها و سنّها	مالم یزل طول المدی من حنقها

این چند بیت قسمتی از شعر شاعر اسلامی در باره علی رضی الله عنه و کارهای ناهنجاری که عائشه در موردش انجام داده بود میباشد .

علی رضی الله عنه در نامه ای که در اثناء واقعه جمل ، خطاب به عائشه و طلحه و زبیر نوشته و فرستاده بود اگر باحسن قبول و تعقل و تدبّر عائشه مواجه میشد ، قطعاً ندامت و پشیمانی وی را همراه میداشت و از خدا برای جرم عظیمی که مرتکب شده بود استغفار می کرد ، اگرچه ظنّ قریب بیقین این است که خدا او را نمی بخشد علی در نامه خود چنین مینویسد: و تو ای عائشه از خانه خود بیرون آمدی در حالت عصیان بخدا و رسول او و کاری میخواهی که از تو برداشته شده است ، و بزعم خود قصد داری بین مسلمین اصلاح کنی ، بمن بگو ، که زن کجا و فرماندهی سپاه کجا؟ ! و خروج بر مردان کجا؟ ! واقعه تراشی و فتنه انگیزی بین اهل قبله و ریختن خونهای که حرام است چرا؟! عثمان مردی از بنی امیه و تو از تیم هستی؟ از اینها گذشته مگر تو نبودی که دیروز در اجتماع اصحاب رسول خدامی گفתי: این

استاد شیخ محمود ابوریّه _____ ۲۹

پیر خرفت گفتار را بکشید کافر شده است؟! و امروز بخون خواهش برخواستی
از خدا بترس و بخانهات برگرد و ستر و پوشش و حجاب و حرمت خود را محفوظ
دار و السلام .

این بود لمعه‌ای گذرا از محتویات کتاب "احادیث عائشه" و اگر بخوایم
تفصیلی را که این دانشمند محقق در این کتاب که تا بحال بی سابقه بوده
انجام داده مشروحاً بیان نمائیم ، بکتاب مستقلی در این باب نیاز خواهیم
داشت .

در ختام این گفتار مختصر با اخلاص تمام میگوئیم : هرآن کس بخواد
بحقیقت اسلام از مستهلّ تاریخ خود تابعیت یزید و قوف و اطلاع حاصل کند
لازم است که هر دو کتاب این دانشمند (عبداللّه بن سبا و احادیث عائشه)
را با تعمق هر چه بیشتر بخواند که مؤلف در نگارش این کتاب و در ادماطلب
سنگ تمام گذاشته است .

و از مؤلف دانشمند هم انتظار داریم که روش خود را در راهیکمپیش
گرفته اند بپایان برسانند .

و از خدا توفیق و پیروزی و پشت کار او را سائل و آرزو مند م . إِنَّهُ سَمِيعُ
الدُّعَاءِ .

قاهره : جیزه الفسطاط شب جمعه ۸ رمضان ۱۳۸۱ هـ

محمود ابوریّه

و چون قاهره را ترك گفته و بسوریه و لبنان و عراق آمد استاد با فضیلت
شیخ محمود ابوریّه را بگروهی از اساتید و دانشمندان و نویسندگان نظیر استاد

بامردان اندیشه ————— ۳۰

صد رالدین شرف الدین (۱) علامه شیخ محمد جواد مغنیه (۲) وآیه الله خوئی (۳) و دانشمند استاد شیخ احمد وائلی (۴) و استاد رشید صفّار در سوریه و لبنان و عراق معرفی نمودم .

۱- دارنده و صاحب امتیاز مجله "النّهج" منتشره در صور لبنان و مؤلف کتاب "هاشم و امیه و حلیف مخزوم" و جز اینها .
۲- تفسیر الکاشف ، شرح نهج البلاغه ، فقها امام الصادق ، الفقه علی المذاهب الخمسة ، الاسلام والعقل ، مع الشيعة الإمامية فضائل الامام علی ، امامه علی و القرآن ، معالم الفلسفة الاسلامیة ، اصول الاثبات فی الفقه الجعفری ، الأحوال الشخصیة علی المذاهب الخمسة و چندین اثر ارزنده دیگر از اوست .

۳- از بزرگان نعماء و مراجع شیعه امامیه در عالم اسلامی و مقیم نجف الاشرف عراق است ، کتاب البیان فی تفسیر القرآن و معجم رجال الحدیث که در بیست جلد است و تاکنون هفده مجلد از آن چاپ و انتشار یافته از آثار و تألیفات پر ارزش ایشان است .

۴- یکی از بزرگان و شاعران نامی در عراق و از خطباء و گویندگان کم نظیر آن دیار است . از دانشکده فقه نجف الاشرف فارغ التحصیل شده و درجه دکترا را از دانشگاه زهره قاهره دریافت داشته است و فعلاست استادی - دانشکده فقه نجف الاشرف را بعهده دارد . و دیوان شعرو تألیفات ذی قیمت او مورد استفاده اهل کتاب و مطالعه است ایشان کتاب الغدیر را در ۱۱ مجلد بشیخ محمود ابو ریه فرستاده است که در نامه آینده شرح آن خواهد آمد و بنده هم قبل از پایان سال ۱۹۶۹ م بعلامه بزرگ ابو ریه فرستاده و از ایشان خواستم که هر آنچه از کتاب شیخ المصیره "بوهریره" نزد خود دارد برایم بفرستد که نامه مورخ ۱۹۷۰/۲/۲۲ م را در جواب در خواست من فرستاد که اینک میآوریم : بسم الله الرحمن الرحیم

برادر مکرم استاد فاضل سید مرتضی رضوی حفظه الله ، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

امسال و هر سال بشما و خاندان گرامیتان مبارک باد ، بعد دیروز بدارالمعارف رفتم که وعده داده بودند تعداد درست نسخه های باقیمانده " شیخ المصیره " را با صورت حسابهای دیگری که معمولاً میدهند بدهند .

میان ایشان و سید صد رالدین شرف الدین نامه هائی رد و بدل شد و از شیخ خواست که بمبادله نامه ادامه دهد ، فصولی از کتاب شیخ المضیره را بوی فرستاد و ایشان این فصول را در شماره هائی از مجله خود " النهج " منتشر کرد ، این موضوع سبب شد که رشته ارتباط میان آنها محکم تر گردد ، که بعد از آن مبادله نامه بین آنها افزایش یافت تا جائیکه استاد صد رالدین توانست کتاب شیخ المضیره او را چاپ کند: چاپ اول : صور لبنان (۱) همینطور نامه هائی بین او و شیخ محمد جواد مغنیه در پیرامون چاپ کتاب شیخ المضیره ابوهریزه مبادله شد که قبل از بستن قرار داد چاپ با سید صد رالدین شرف الدین بود و نیز مکاتباتی هم بین او و آیت الله خوئی و استاد رشید صفار صورت گرفت .

— صورتی بمن دادند و گفتند که صورت درست و قابل اعتمادی است که بعد از تسویه حساب سالیانه آنها بدست آمده و بتاريخ ۳۰ / ۱۲ / ۱۳۹۶ میلادی است که آخرین روز سال است طبق این صورت بقایای کتاب شیخ المضیره در تمام شعبه های دارالمعارف در مصر و سایر کشورها ۱۲۳ نسخه است که ۵۴ نسخه آنرا که برای شفا فرستاده ایم از آن کم میکنیم که بقیه ۶۹ نسخه می ماند و تردید نداریم که این حساب قابل اعتماد است .

و منتظر موصول ۵۴ نسخه اخیر را بمن اعلام فرمائید ، تا مطمئن شوم . و ضمناً مایه خوشحالی شما خواهد بود که از دو کار خوب سرکار را آگاه نمایم یکی اینکه اخیراً تفسیر " التبیان " شیخ الطائفه طوسی را که در ده مجلد بقطع بزرگ است و هدیه دانشمند فاضل حاج عبدالرزاق عویناتی است و دیگری کتاب " الغدیر " را که تألیف عالم بزرگ شیخ عبدالحسین امینی نجفی است و در یازده مجلد که در حقیقت میتوان گفت : دائرة المعارفی است دریافت نمودم ، خود را بخواندن و مطالعه آن مشغول کرده ام زیرا که در نگارش کتابی که درباره علی علیه السلام دارم مرا کمک بسیار خواهد کرد و از خدا می خواهم در خواندن و استخراج مطالب آن یارم دهد که خواهشمندم از هردو این آقایان از طرف من سپاسگزاری نمائید .

←

و در ۱۲/۱۰/۱۹۶۳ يك بسته از دائره پست نجف دریافت داشتم که مرسله استاد ابوریّه بود از قاهره و در آن بسته سه نسخه از کتاب : «ابوهریره راویة الاسلام» بقلم : عجاج خطیب شامی قرار داشت که این کتاب ضمن سلسله «اعلام العرب» منتشر شده و بتاريخ ۷/۱۱/۱۹۶۳ بپا زار عرضه شده بود و کتابها به بنده و آقای عسکری و استاد رشید صفار (۱) اهدا شده بود ، این بسته در ۱۰/۱۱/۱۹۶۳ پست و ارسال شده بود و علت ارسال کتابها توسط من آقای عسکری و استاد صفار این بود که من وسیله ارتباط و آشنائی میان آنها بودم .

و در یکی از سفرهایم بقاهره بود که اتفاقاً با استاد رشید صفار برخورد کردم که ایشان هم با من بمنزل استاد شیخ محمود ابوریّه میرفت . آیه الله خوئی محض اینکه نامه های شیخ محمود ابوریّه بایشان می رسید مطلع میفرمود و اغلب خود نامه را جهت اطلاع بنده از مضمون آن میفرستاد .

روزی آقای سید عماد نوه آیه الله خوئی نزد من آمد و گفت : جدّم میخواهد که پیش ایشان بروید از قضاء عده ای هم پیش من بودند و چون آنها رفتند به

— پیش از آنکه نامه خود را بپایان برم انتظار دارم در مورد آنچه از سرکار خواسته ام آگاهم فرمائید .

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

جیزه : ۲۲/۲/۱۹۷۰ محمود ابوریّه

چاپ دوم کتاب زیر نظر مؤلف در دارالکتاب العربی مصر که متعلق به حاج محمد حلمی منیاوی است و چاپ سوم نیز در چاپخانه دارالمعارف — قاهره با نظارت مؤلف بطبع رسیده است .

۱ — رئیس نظار حقوق در مصرف کشاورزی مرکزی ، محقق دیوان الشریف المرتضی که در ۳ جلد چاپ مصر و کتاب : جمل العلم والعمل تألیف شریف سرتضی که در نجف چاپ شده است .

منزل ایشان رفته و چون داخل شدم سلام کرده و نشستم ایشان متوجه من شده و فرمودند: در آمدن تأخیر کردی و من نامه را بوسیله آقای سید مرتضی حکمی (۱) برای شما فرستادم، اندکی نشسته بودم که آقای سید مرتضی حکمی

۱- از سلاله هاشمی و خانواده علم و دین و سیادت است زیر سایه تربیت پدر مجتهد خود آیه الله سید محمد حسین دزفولی بزرگ شده است که بفضل و اجتهاد مرحوم آیه الله دزفولی استاد العلماء امام نائینی و مراجع دیگر در عصر ما گواهند.

تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف الاشرف آغاز و ادامه داده است در تحصیلات کلاسیک نیز بدیافت درجه لیسانس در رشته شریعت و لغت از دانشکده فقه نجف نائل آمده است.

از ملازمان امام شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء صاحب اصل السیعة و اصولها بوده در اداره مرجعیت آن فقید علم و دین مشارکت داشت و همینطور ارتباط خاصی با علامه شیخ قاسم محی الدین یکی از بزرگان علماء در نجف الاشرف داشت و کتاب اورا بنام: البیان فی غریب القرآن تحقیق کرده است.

بسمت عضو جمعیت التحریر الثقافی انتخاب و سپس بمدیریت آن انجمن برگزیده شد در این سمت فعالیت های چشمگیر فرهنگی از خود نشان داد با اهتمام و پشت کار وی مجله ای بنام "النشاط الثقافی" که نمایانگر گونه های مختلف فعالیت های دینی و فرهنگی بود که سرمقاله و مقالات اساسی و بخش های مهم را خود مینوشت و از دیدگاه خاص علمی مسائل گوناگون اجتماعی و ادبی را تجزیه و تحلیل میکرد.

بدنبال مدتی فترت در فعالیت های خود، با تمام قدرت و نیرو و ابتکار خود بحمايت و اداره حوزه علمیه نجف در عهد آیه الله خوئی که در حل مشکلات عمومی حوزه مورد اعتماد معظم له بود پرداخت، دو مقدمه علمی بدو کتاب امام خوئی دام ظلّه نوشته است:

مقدمه ای بر کتاب: «البیان فی تفسیر القرآن» و مقدمه ای دیگر بر کتاب معجم رجال الحدیث که در تنظیم و تنسیق هر دو کتاب و انتشار آنها سهم عمده ای دارد.

آمد ، آیت الله خوئی خطاب بایشان فرمودند : سید آمده است ، نامه شیخ را بایشان بده تا از آن مطلع شود ، نامه را گرفته و خواندم که اینک پاره‌ای از آنرا می‌آوریم : تصمیم کردم کتابی باسم : امیرالمؤمنین علی و مالمقی هو و بنوه من اصحاب رسول الله بنگارم : نخست اینکه : ثالث اول (سه‌تای نخستین) ابوبکر ، عمر ، و عثمان کیستند ؟

دوم اینکه : ثالث ثانی و سه‌تای دوم ، عائشه طحله و زبیر کیستند ؟ و مصیبت و بلیه بزرگی که بدست عثمان در جهان اسلام پدید آمد و آن تأسیس دولت اموی بود که پایان کار این شد که امر خلافت بدست شراب خواره فاسد الاخلاق کثیفی افتاد که خود و پدر و جدش لعنت شده خدا و رسول بودند *

و هم اکنون مشغول استخراج مصادر و مأخذی هستم که در نوشتن این کتاب کمکم کنند و همه آرزویم این است که خداوند برای انجام این کار بهترین وجه ، توفیق دهد *

قاهره : ۱۰/۱۲/۱۳۸۷ هـ محمودابوری

← بکتاب دیگر علمی و فکری هم در زمینه‌های مختلف فقه و اصول و تاریخ و ادبیات و ... مقدّمه‌هایی نوشته‌ام و معرفی و شناساندن آنها ابتکار جالبی بیرون داده است ، نوشته‌هایم را با زبان بلیغ و رسامینویسد و از این لحاظ ممتاز است ، امتیاز دیگرش اینست که نوشته‌هایم در زمینه‌های مختلف طوری است که اختصاص بخود وی دارد *

دارای تألیفاتی در فلسفه ، ادبیات و تاریخ است ، مقالات و مباحث سودمندی هم در مجلات گوناگون از وی در زمینه‌های مسائل فکری و عقیدتی از وی چاپ و منتشر شده است *

نام وی در اکثر مصادر مهم نظیر : نقباء البشر تألیف شیخ آغا بزرگ طهرانی معارف الرجال ، معجم المطبوعات النجفیة ، و معجم رجال الفکر آمده است ، و ←

بتاریخ ۵/ ۱۱/ ۶۹ نامه‌ای از استاد ابوریّه بدستم رسید که مؤرخ ۲۶/ ۱۰/ ۱۹۶۹ بود و از قاهره ، در آن نامه چنین میگوید : کتاب قصّة الحدیث المحمّدی ، که وزارة الثقافة ، ده سال پیش از من خواسته بود تا بطبع آن اقدام نماید و الاّ زهر مانع انتشار آن بود ، خدا خواست که کسوت طبع ببوشد و برغم مانع تراشیه‌های الازهریس از آنکه دکتر طه حسین آنرا خواند و به ارزش و اهمّیتش گواهی داد انتشار یافت .

و باین زودی چند جلدی برسم هدیه برایتان خواهم فرستاد که چند نسخه‌ای هم به اصدقاء و دوستان ارجمند هدیه بدهید ، هر نسخه‌ای یاد داشت چاپ شده ای را از من همراه خواهد داشت .

در بیستم ماه ۱۱/ ۱۹۶۹ بود که پستی سه نسخه از کتاب ، قصّة الحدیث المحمّدی را بمن داد که یکی بنام من و دومی بنام آقای عسکری و سومی بنام استاد رشید صفّار بود و هر نسخه‌ای همراه با یاد داشت چاپ شده‌ای بود که متن آن را ذیل می‌آویزم :

بخاطر حقیقت و تاریخ

این کتاب (قصّة الحدیث المحمّدی) حقّ این بود که ده سال پیش چاپ و منتشر میشد ، که وزارت فرهنگ مصر از من خواسته بود کتاب : أضواء علی السنّة المحمّدیّه را که چاپ اوّل آن بسال ۱۹۵۸ م در آمده بود تلخیص کنم تا در سلسله انتشارات وزارت فرهنگ منتشر شود ، قبل از اقدام با انتشار به الازهر عرضه کرده بودند تا نظر خود را درباره کتاب اظهار کنند این کتاب

همچنین در بسیاری از مجلات و کتب که بر خواننده متّبع پوشیده — نیست .

حالیّه ساکن طهران است و مسائل فکری و عقیدتی را کماکان در نوشته و آثار خود دنبال میکند .

در آنجا بود که از هر نظر خود را اظهار کرد و کتاب را متهم داشت که مخالف دین است ، و خواستار عدم انتشار آن شد که در معرض تبادل افکار مسلمین قرار نگیرد (۱) و این وزارت هم نتوانست مخالفت امر از هر نماید زیرا آنچه را که از هر در زمین میکند با آسمان مربوط میشود ! در این سنین متمادی این تصمیم که کتاب بین مردم منتشر نشود (۲) همینطور باقی بود ، تا اینکه اخیراً یاور دین و اندیشه دکتر طه حسین از قضیه مسبق شد و کتاب را از وزارت فرهنگ خواست و چون آنرا خواند و از مطالبش آگاه شد کتاب را بمن برگردانید و آن را ستود و نسبت از هر را رد کرد ، و بالصراحه گفت : که کتاب موافقت تامی با دین دارد و بهیچ وجه مخالفتی با دین نداشته و در هیچ چیز مابینتی با آن مطلقاً ندارد .

بعلاوه که در علم حدیث ، کتاب سودمند و با فائدہ ای است و انتشار آن بسیار مفید و خوب است ، با این نظر قاطع دکتر طه حسین غائله خوابید و کار پایان گرفت و حق روشن شد ، و کتاب راه خود را بصورت چاپ شده به سوی مردم گشود که از آن بهره گیرند و منتفع شوند .

۱- شخصی که استاد ابو ربیع برمرز و اشار را از آن سخن میگوید : شیخ محمد ابو زهره است که ایشان در یکی از سفرها بمقاہرہ بمن گفتند و این شیخ از علماء از هر و استاد شریعت و قانون دانشکده حقوق دانشگاه قاهره است .

۲- الا زهره در قبال نشر این کتاب مانع ایجاد کرد همینطور که مانع انتشار دو کتاب مآشد : یکی کتاب : دین الله واحد و دومی کتاب : صیحة جمال الدین و بخاطر این غوغائی برخاست و نامه هائی بمجله الا زهره و مجلات دیگر فرستاد ه شد ، اهتمام مردم بر این بود که این غوغا و هیاهو پایان گیرد ، زیرا که عواقب زیانباری را بر آن مترتب می دیدند ، از این نظر که از هر با تمام قدرت و نیروی خود بمبارزه با ما برخاسته بود و ما در این گیرودار تنها بودیم و کسی از ما طرف داری نمیکرد و لکن خداوند سبحان که یار و پشتیبان حقیقی اوست یا ورما بود و پیروزی را از آن ما کرد و با تأییدات حق تعالی همه سروصدا های مخالف و حملات همه جانبه یکجا فروکش و یا شکست مواجه شد . وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا کَثِيرًا .

استاد شیخ محمود ابوریّسه _____ ۳۷
و بلحاظ اہمّیت اظہار نظر دکنر علّہ حسین ، صورت آنرا در پشت
جلد کتاب چاپ کردیم .

محمود ابوریّسه

۱۳ / ۱۰ / ۱۹۶۹





گفت و شنود با: استاد شیخ محمد زکی ابراهیم سرپرست مشیروء محمدیة جمهوری عربی مصر

- ولادت او: در قاهره بروز ۱۳ / ۸ / سال ۱۹۱۶ متولد شد.
- از طریق امام حسین علیہ السلام بخاندان نبوت نسب می‌رساند.
- قرآن کریم را با تمام قرائات وارده حفظ کرده است.
- تحصیلات او: بعضی علوم ازهریه را پیش پدر خود فرا گرفته و برای ادامه تحصیل به ازهر شریف وارد و از آنجا فارغ التحصیل شده است.
- در تصوف اسلامی، علم حدیث و تاریخ اسلام صاحب نظر و متخصص است.
- خدماتی با دبئیات عرب و زبان قرآن انجام داده است، تحقیقاتی در زمینه شعر، نقد و فن خطابه دارد.
- بحکم وراثت و تخصص، خود را بخدمت تصوف اسلامی درآورد و است از هدفهای او یکی اینست که: کنگره جهانی تصوف تشکیل یابد
- اندیشه انتشار دائرة المعارف صوفیه را هم در سر میپروراند.

سمتها و اشتغالات او : در وزارت آموزش و پرورش کار خود را آغازو
بسمت بازرس بخشی از آن وزارتخانه منصوب و بعدها به تحقیقاتی در زمینه
مباحث عالیّه اسلامی پرداخته است .

بیست و پنج سال تمام مجله "المسلم" را بدون وقفه انتشار داده و
هم اکنون عضویت بیشتر از ده هیئت رسمی و ملی را بعهده دارد .

مهمترین آثار قلمی او : مزارات اهل البیت ، الرسائل الصوفیة الثلاث
عصمة النبی ، قضیة الوسيلة و الخلاف علیها بین المسلمین ، مع القرآن الکریم ،
الصیحة و جزاینها بیش از بیست رساله و تحقیق و نوشته های اسلامی از
او در روزنامه ها و مجلات : لواء الاسلام ، الشبان المسلمین و منبر الشرق
منتشر شده است ، رسالات دیگری در فقه و اصول دارد که منتشر نشده است
یاد داشت هایی با پیشروان اندیشه و روشن فکران و صاحب نظران
دارد که در روزنامه های الجمهوریّه و الأخبار چاپ و نشر شده است .

آشنائی با وی : بسال ۱۹۵۸ میلادی در مقرّ العشیره المحمدیه با
وی آشنا شدم .

وی پیشوای اندیشمند و متفکر عشیره محمدیه است و به همبستگی
بین مذاهب اسلامی دعوت میکند .

هدف این عشیره در تمام فرصتها اینست که روح ولاء اهل بیت را در
مسلمین زنده کند و منزلت آنها را بشناساند و مسلمین را به تمسک بآنها و
و تعالیشان سوق دهد .

طوائف اسلامی را بوحدت و مبارزه در راه حق و بازگشت به تعالیم
اسلام تشویق می کند .

این استاد بزرگ را در مقرّ عشیره محمدیه در جامع

البنات واقع در شارع بورسعید ، در معیت استاد شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی دیدار کردم ، و چون نشستیم ما را بابهترین درودها خوش آمد گفت و چند شماره از مجله سودمند المسلم را بمن اهداء نمود .

کمی نشستیم و مجموعه ای از کتابهایی را که در قاهره انتشار داده — بودم بایشان تقدیم داشتم که همان وقت در شماره ماه بعدی ضمن کتابهاییکه بمجله اهداء میشود ، مطالبی در معرفی آنها انتشار داد و یکجلد از کتاب ارجمند مصادر نهج البلاغة و اسانیده تألیف علامه محقق سید عبدالزهره خطیب را نیز بوی اهداء نمودم .

و چون ایشان مطلع شدند که مؤسسه انتشاراتی بنام مکتبه النجاح در نجف الأشرف دارم ، مطلبی درباره من در یکی از شماره های مجله نوشتند که : این مجله از نماینده ما در عراق آقای سید مرتضی رضوی مدیر مکتبه النجاح خواسته شود ، از ایشان خواستم : مقدمه ای بر کتاب الزهره اثر علامه بزرگ سید محمد جمال هاشمی که از عراق با خود آورده بودم و قصد داشتم در قاهره با مقدمه یکی از بزرگان منتشر کنم بنگارند ، بعد کتاب را به ایشان دادم تا مقدمه را بنویسند ، مدتی گذشت و باتلفن با ایشان ارتباط گرفتم که گفتند : مریض هستند و مقدمه کوتاهی نوشته اند که اینک نوشته ایشان را می آوریم :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادر دینی من استاد با ایمان ، مجاهد موفق شریف و دانشمند
آقای سید مرتضی رضوی ۰۰۰ که خدایش از وی خشنود باد .
وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته چه قدر شما را دعا کنم و بستانم
که در مورد من حسن ظن فرموده اید که سپاسگزارم و پیش گفتاری که به
خوانندگان دانشمند خود تقدیم خواهید داشت از من خواسته اید که به کتاب
الزّهراء نوشته نویسنده محقق سید محمد جمال هاشمی بافصول جدیدیکه
برای تکمیل موضوع و استیفاء اطراف بحث که در عین اجمال مفصل ، و در
تفصیل خود مجمل است و همواره راهگشائی و شکوفائی و ایمان و غیرت و
محبت و صفاست بآن اضافه فرموده اید بنگارم ، این اشتیاق مقدّس سرکار
با اینکه از یک بیماری ناراحت کننده که فوق تحمل و طاقت است و توانائی
آنکه کتاب و مقاله ای مطالعه کنم یا آنکه از جدّه خود بتول عذراء جگر گوشه
پیامبر و همسر شمشیر کشیده و برنده خدا ، مادر محبوب ترین امت به نبی
امت دو آقای جوانان بهشت و دو ریحانه دودمان مقدّس نبوت ، جدّ ما
ابو محمد حسن مجتبی و جدّ ما امام ابو عبد الله حسین سلام الله علیهما
چیزی بنویسم ندارم .

نوشتن از اهل بیت خود عبادت است که باید بشایستگی حقّش اداء
شود ، بیاد آنها بودن زندگی است و فوق زندگی ، خود را به خدمت

بامردان اندیشه _____ ۴۳

تاریخشان در آوردن توفیق عزیزی است ، اندیشه و تفکر خالصانه در باره آنها مددی است که بآسانی بدست نمی آید ، و جز مردان خدا کسی را بآن دسترسی نیست .

باندازه ای که مزاجم اجازه میداد سطور بعضی صفحات را به مطالعه گرفتم ، و توانائی مقدّمه نویسی را که خودم را راضی کند و خدا و رسول و اهل بیت شریف از من خشنود باشند در خود ندیدم ، اینطور نوشتن که بدین و دنیا ، گذشته و حال و آینده و سپس بجنبشهای عقول و احساسات و اسرار بل که بیاوراء اسرار ارتباط پیدا میکند ، از عهده شخصی همچون من که بیمارهای جسمی و ناراحتیهای روحی که هر دو خرد کننده است او را احاطه کرده است ساخته نیست .

بهمین جهت از برادر ارجمندم اعتذار کرده و تأسّف و شرمندگی خود را بهمان اندازه که زحسّن ظنّ و لطف ایشان شاکر و سپاسگزارم و بیایه ای که از صمیم دل دعاگوی ایشانم که بنیکی ها و خوبیها توفیق یابند ابراز میدارم .
والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نیازمند رحمت الهی — محمّد زکی ابراهیم

از عشیره^۱ محمّدیّه

۲۰ ربیع الثانی سال ۱۳۸۵ هجری

قاهره :

۱۹ اوت ۱۹۶۵ میلادی

بادکتر حامد حفنی داود استاد ادبیات عرب در دانشکده^۲ زبان خواستیم عشیره^۳ محمّدیّه را از نزدیک ببینم که رفتیم ولی پیشوای عشیره^۴ زکی ابراهیم^۵ آنجا نبود و معاون ایشان آقای احمد ابوالتقی حضور داشتند شماره^۶ اخیر مجله را بمن اهداء نمود گرفته و صفحاتش را ورق میزدیم ، بایشان گفتم

این مجله شما که بنام "العشيرة المحمدية" در دفاع از اهل بیت گرامی پیامبر اسلام سلام الله عليهم منتشر میکنید با این وصف چرا بایغمبر صلی الله علیه وآله در صفحات متعدد مخالفت می‌ورزید ، تعجب کرد و گفت : چطور ؟
گفتم : رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، از همجو صلواتی نهی فرموده و بصلوات بتراء (۱) (دم بریده) نامیده است ، ابن حجر در صواعق خود روایت کرده و می‌گوید : از کعب بن عجره روایت شده که او میگوید چون این آیه نازل شد ، گفتیم : یا رسول الله فهمیدیم که چگونه بشما سلام کنیم بیان فرمائید چگونه صلوات بفرستیم فرمود : بگوئید : اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ (۲) و فرمود صلی الله علیه وآله وسلم : صلوات دم بریده بمن نفرستید گفتند : یا رسول الله صلوات دم بریده چیست ؟ فرمود : آنست که بگوئید :
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ اِبْرَاهِيمَ .

بگوئید : اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ اِبْرَاهِيمَ وَ اٰلِ اِبْرَاهِيمَ ، صلوات ابراهیمی در تمام کتب مناقب ذکر شده است در این هنگام ایشان گفتند : کلیشه صلی الله علیه وآله وسلم در مصر موجود نیست ، اطلاع داد که این کلیشه در حروف ریزی الحرّیة در خیابان الامام الشافعی هست و من بیکی از کلیشه سازان سفارش داده‌ام که مقداری از این کلیشه‌ها را برای چاپ کتاب وسائل الشیعة و مستدرکات‌ها برای من بسازد ، وی بلافاصله با حروف ریزی تماس گرفت و در حدود یک کیلو از این کلیشه را خواست و من در قاهره بودم که شماره‌ای از مجله منتشر شد و هر آنجا که اسمی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده بود ، این کلیشه را بجای کلیشه اولی که کلمه آل

۱- در گفت و شنود با استاد محمد عبد المنعم خفاجی خواهد آمد.

۲- نگاه کنید : الصواعق المحرقة ص ۱۴۴ .

علیهم السّلام رانداشت گذاشته بودند و مجلّه تاکنون بهمین ترتیب انتشار می یابد ، در پشت جلد مجلّه هم ، بالا طرف راست شعار " حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ " و طرف دیگر هم : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ را چاپ کرده بودند .

بایشان گفتم : شما اگر حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ را به حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ — تبدیل میکردید بهتر می بود ، زیرا که یکی از بهترین اعمال سعی در نشر و مطالعه و پخش و توزیع و اهداء این مجلّه است که منتشر میکنید ، سخن که باینجا رسید دکتر حامد خطاب بمن گفت : این مجلّه سالیان متمادی است باین شکل منتشر میشود و نخستین شماره آن هم باین شکل انتشار یافته است و تغییر و تبدیل آن ممکن نیست ، آن شماره را گرفته و روی میز پرت کردم و گفتم : استاد چه میفرمائید ؟ دانشمندان و اهل نظر و اساتید انجمن تشکیل داده و قوانینی برای دولت وضع میکنند زمانی نمی گذرد که این قوانین ملغی و دستخوش تغییر و تبدیل و حتی بدور انداخته میشود ! .

سخن پایان یافته بود که استاد دکتر حامد دست مرا گرفت و از آنجا بیرون آمدیم در حالی که آقای سید احمد ابوالتقی از پیشوایان عشیره در دل های ما احترام و ارج و منزلت بزرگی گذاشته و از گذشته پرافتخار وی در مبارزه در راه نشر دعوت اسلامی خاطرات و مطالب جالبی باز گفته بود .





گفت و شنود با : استاد عزالدین ابوالعزائم پیشوای طریقت عزیمه

ولادت او : در شهر سقا از ولایت مینا در نوامبر سال ۱۹۲۶ میلادی
بدنیا آید .

تحصیلات او : از دانشکده حقوق دانشگاه قاهره بسال ۱۹۵۳م فارغ
التحصیل شد .

اشتغالات او : مدیر اداره قضایا در شرکت نفت مصر است .
مهمترین آثار قلمی : تحقیق آثار جدش " ابوالعزائم اسرار القرون
اصول الوصول لمعیه الرسول ، بخش خاص عبادات و معاملات در فقه و جز
اینها .

آشنائی با وی : در سال ۱۹۷۵ در قاهره با او آشنا شدم .
* شیخ طریقه عزیمه است .

* از اساتید نامدار و معروف مصر است .

* بتقارب و همبستگی بین شیعه و سنی دعوت میکند .

* بنظری کتب شیعه از مهمترین کتب بوده و بحث و تحقیق در آنها سودمند

ولازم است .

* بمطالعه و آگاهی و اطلاع از کتب امامیه تشویق میکند .

* پداشتن روح انصاف و ولا^۱ اهل بیت علیهم السلام امتیاز دارد .

* بنظر و عقیده^۲ وی : امامت باید بنص یا باشاره باشد نه باجماع .

بسال ۱۳۹۵ هـ = ۱۹۷۵ م که بقا هره سفر کرده بودم و در یکی از شبهای ماه مبارک رمضان که پیش برادر فاضل آقای رفائی بودم و عده ای هم آنجا حضور داشتند ، بغل دست استاد مهندس محمد عزت مهدی (۱) که از آن دم بقا هره مطلع شده و تا آن روز اتفاق نیفتاده بود که با هم دیدار و گفتگوئی داشته باشیم نشستیم بودم که بگرمی هر چه تما متر بامن خوش ویش کرد ، و گفت :

کتاب : " مع رجال الفكر فی القاهرة " تو را خوانده ام ، کتابی است ارزنده و بسیار جالب ، چند روز بعد ، نسخه ای از کتاب را تهیه کرده و بمنزل وی رفتم در آنجا سخن از استاد عزالدین ابوالعزائم بمیان آمد استاد او را بسیار ستود و گفت : وی از موالیان اهل بیت پیامبر علیهم السلام است و آنها را بزرگ میدارد چند روز گذشت و استاد مهندس ، وسائل دیدار و گرد همائی را در شب دو شنبه ۱۳ اکتبر برابر دهم شوال سال ۱۳۹۵ هجری با ایشان فراهم کرد ، در نخستین دیداری که در منزل وی دست داد بگرمی از ما استقبال کرد و بعد از مبادله تعارفات و درود و تحیات محبت آمیز ، در مورد امام مهدی منتظر سؤالی مطرح کرد و گفت :

راز غیبت حضرتش چیست ؟ وجه فایده ای بروجودش مترتب است ؟
گفتم : امام دوازدهم مهدی از خلفاء و عترت طاهره رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیهم می باشد پیغمبر (ص) فرموده است (۲) : خلفاء و جانشینان

۱- مدیر کل شرکت " القاهرة للمقاولات " رئیس جمعیت اهل البيت در قاهره

۲- حدیث " خلفائی بعدی " ضمن گفت و شنود با استاد عبد الرحیم احمد -

استاد عزالدین ابوالعزائم ۳۹

من بعد از من دوازده تن بعد از نقباء بنی اسرائیل خواهد بود : اول آنها علی و آخرشان مهدی است و اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز ، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا مهدی ظهور نماید و روی زمین را با قسط و عدل پر نماید همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد .

امام مهدی را دو گونه " غیبت " هست نخستین " غیبت صغری " که در آن چهار تن سفراء برای خود معین فرموده است : خلائى ، حسین بن روح ، محمد بن عثمان سمري و عثمان بن سعید سمري که در ایام غیبت صغری شیعه امامیه بآنها مراجعه میکردند و آنها را اخذ احکام شرعی و قضایا و جزاینها بین امام و شیعه امامیه واسطه بودند .

دومی : " غیبت کبری " است که در آن ائمه اهلبیت علیهم السلام صفات خاصه ای معین فرموده اند تا شیعه بآنها رجوع نماید ، صفات آتیه در کسی که به هنگام عدم دسترسی و امکان وصول بائمه بیشتر باشد شایستگی مراجعه را دارد و آن صفات این است : " من كان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه مخالفاً لهواه ، مطيعاً لأمر مولاه فللعوام ان يقلدوه " :

آنکس از فقهاء که نگه دارنده نفس ، حافظ دین خود ، مخالف هوی و مطیع امر مولا باشد دعوام را است که از وی تقلید کند : یعنی در اخذ احکام شرعی و حلّ قضایا اسلامیه بآنان رجوع نماید .

و بدین لحاظ است که شیعه امامیه در این عصر " غیبت کبری " بفقهاء و یکسانی که صفات سابق در آنان جمع باشد رجوع میکنند .

و محکمترین و استوارترین دلیل بر وجود امام مهدی علیه السلام حدیث الثقلین " است که آنحضرت میفرماید : " لن يفترقا حتى يردا على الحوض " بناءً
براین امام مهدی زنده و موجود است زیرا که قرین و همراه او است و آن قرآن کریم

است که موجود است .

ونزد ما شیعه امامیه تقلید افقه اعلم واجب است و تقلید میت ابتدائاً جایز نیست و باب اجتهاد مفتوح است و برای همین است که شیعه امامیه در فهم احکام با روح زمان و تکامل و تطور روزگار سازگار و متمم می باشد .

بعد بایشان مجموعه ای از مطبوعات خود را که در قاهره چاپ کرده بودم با کتاب ۳ المراجعات و " تحت رایة الحق " (۱) و جزاینها تقدیم کردم و از ایشان در مورد خلفاء بعد از رسول و بهترین و افضل آنها نظرخواهی کرده و پرسیدم ، گفتند :

چند روز پیش در کتابی خواندم که : عبد الله بن احمد بن حنبل گفته است که بپدرم گفتم : چه میگوئی در باب تفضیل ، گفت : در خلافت : ابوبکر ، عمر و عثمان افضلند گفتم : پس علی را چه میگوئی ؟

گفت : پسر من ، علی از خانواده ای است که نمیتوان کسی را با آنها مقایسه کرد ! (۲) .

سپس استاد گفت :

امام علی خود رسول الله است و خداوند آنرا در آیه مباهله ذکر کرده است : " و انفسنا و انفسکم " و لذا علی خود رسول الله (ص) است .

سپس بوی گفتم : آیا از کتب شیعه امامیه چیزی خوانده اید ؟ و در این صورت نظرتان درباره آنها چیست ؟

-
- ۱- دکتر حامد حفنی داود رئیس بخش ادبیات عرب دانشگاه عین شمس مصر برای کتاب مقدمه ای نوشته و در آن از دکتر احمد امین انتقاد کرده (در چاپ چهارم) و بلغزشها و خطاهای فراوانی که در کتاب فجر الاسلام مرتکب شده است اشارت کرده ، چاپ : دارالتوفیق للطباعة بالأزهر .
 - ۲- تاریخ بغداد ۴۱ / ۲ و طبقات الحنابلة ۲ / ۱۲۰ .

گفت: "عقائد الامامیه" و "المراجعات" را بارها خوانده ام و کتابی در باره "متعه" و "اصل الشیعه و اصولها" (۱) را دارم.

گفتم: نظرتان درباره آنها چیست؟

گفت: از مستدل ترین کتب هستند که نوشته شده و مأخذ مهمّ شان از کتب اهل سنت است.

سپس گفتم: آیا زیارت مراقدائمه^۲ اهل بیت در عراق رفته اید؟

گفت: حمد بر خدای که توفیق زیارت بمن عنایت فرمود، و توانستم کاظمین، ونجف و کربلا را زیارت کنم و خداوند در این زیارت موقّع فرمود که با استاد اسماعیل قطمیش در عراق آشنا شوم و این آشنائی در سفر سامراء که زیارت امام علی الهادی و امام حسن عسکری و محلّ غیبت امام مهدی مشرف بودم دست داد.

بعد، از استاد پرسیدم که: نظر شما درباره امامت چیست؟ و آیا امامت بانص است یا باجماع؟

در جواب گفت: درست نیست که امامت با انتخاب صورت گیرد، بلکه باید بانص یا اشاره رسول الله باشد، سپس اضافه کرد: همه مصریان محبّ و دوستدار امام علی و اهل بیت او هستند ولی سایرین اینطور نیستند.

سؤال کردم: از کتب فقه شیعه^۳ امامیه چیزی خوانده اید؟

پاسخ داد: بلی، از کتب فقهیه شیعه "المختصر النافع" را که وزارت اوقاف مصر در قاهره چاپ و منتشر کرده است خوانده ام چیزی که مخالف اصول دین باشد در آن ندیدم.

سخن بموضوع خلافت کشید و اینکه شایسته خلافت و جانشینی پیامبر

۱ — کتابهایی که استاد بر می شمرد از سلسله انتشارات مآذره میباشند.
مؤلف.

کیست ؟ استاد در این باب سخن گفت که مؤدای آن اینست که : قرار قبلی بین ابوبکر و عمر پیرامون موضوع خلافت وجود داشت و خود وی در مجله "لواء الاسلام" خوانده است که یکی از حضار بعمر که نامه ابوبکر را دایر بر اینکسوی بخلافت برگزیده است میخواند گفت : دیروز او تو را خلیفه کرده و آن روز تو او را خلیفه کرده بودی ! ! .

از استاد ابوالعزائم خواستم که درباره این مجله آگاهی بیشتر بمن بدهد . برخاست مجله را آورد ، مطلب باین قرار بود : عمر در مسجد ایستاده بود و نامه ابوبکر را که سر بسته بود بمردم نشان میداد که گفت : این نامه ابوبکر است یکی از حاضرین برخاست و باو گفت :

میدانی در آن چیست یا عمر ؟ گفت : نه .

گفت : ابوبکر امسال تو را بخلافت انتخاب کرده و تو او را سال اول خلیفه کرده بودی . هیچکدام از جماعت حاضر در مسجد از گفتن آنچه در دل داشت خود داری نکرند

بعد نامه باز شد و حقیقت امر روشن شد که عمر نامه خلافت خود را از ابوبکر در مسجد آورده است (۱) .

بعد استاد ابوالعزائم شروع کرد بخواندن شعری که جدش خطاب باهل بیت علیهم السلام سروده است :

یا کراماً اذا سئلتم اجبتهم	ولیوثاً اذا استغثتم اغثتم
ویحاراً للمکرمات وغوثاً	وحصوناً من امکم آویتهم
وفنوزاً للسائلین ادأما	یمموا فضلکم لهم اغدقتم
واماناً للخائفین وکهنفاً	وعیاناً للمستجیرین اجرتم
وملاذاً للعائذین وعوناً	من دعاکم لشدّة لبیتهم (الخ)

باز از سروده‌های جداواست در روضه مطهره امام حسین علیه السلام:
 یا بن بنت النبی جئتک، ارجوا یا غیاشی ومنجدی واعتمادی
 و رجائی منك القبول فجدلی یا غیاث الوری بنیل مرادی
 یا شموّس الهدی لمن جاء یرجوا و بحار العطا یا لمن جاء صادی
 سپس قصیده‌ای خود ند که مطلع آن این است :

مولای یاسبط الرسول	یا بن الوصی ابن البتول
فی الذکر آی بینت	فضل الحسین ابن الرسول
فی انما لی حجّة	تنبئی بانوار الاصول
انت الوسیلة سیدی	انت الغیاث لدی المحول

..... تا آخر (۱)

سپس افزود که : می‌خواهم کتابی درباره امام حسین بنویسم و ضمن آن
 قصائدی را که جدّم درباره امام حسین (ع) سروده است بیاورم ، بعد گفت که :
 کتابی در موضوع " جفر " تألیف کرده و برخاست نسخه‌ای برداشت و بمن اهداء
 نمود که گرفته و سپاسگزاری کرده و خدا حافظی نمودم و برگشتم .

۱- آیه : اِنَّمَا یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ
 تَطْهِیرًا ، سوره احزاب آیه ۳۳ .
 نزول این آیه را درباره اهل بیت علیهم السلام ، علامه ابن حجر هیثمی
 در الصواعق المحرقة ضمن آیات وارده در شأن اهل بیت بتفصیل ذکر کرده
 است .



گفت و شنود با :

استاد شیخ احمد بن باقوری

وزیر اوقاف سابق جمهوری عربی مصر

- ولادت او : وی از متولدین " باقور " در مصر علیا است .
- تحصیلات او : از فارغ التحصیلان دانشگاه الأزهر بوده و امروزه یکی از علما بنام الأزهر بشمار میآید .
- بارها کاندیدای عضویت در مجلس ملی مصر بوده است .
- با اینکه سابقاً عضو حزب الإخوان المسلمین بوده مورد اعتماد حکومت مصر میباشد .
- بعد از انقلاب مصر بسال ۱۹۵۲ بوزارت اوقاف مصر منصوب شد و با موفقیت تام وزارت اوقاف را بمدّت طولانی اداره کرد .
- اهم آثار قلمی او : مع کتاب الله ومع الصّائمین .
- در نشر کتاب " المختصر النافع " که در فقه شیعہ ایمانیه است سعی بسیار مبذول داشت .
- از اوست مقدمه کتاب " العلم يدعو للإيمان " مشارکت دامنه داری در مقالات دینی ، ادبی و گفتارهای گوناگون در رادیو و تلویزیون داشته است .
- آشنائی با او : در قاهره بسال ۱۹۵۸ میلادی در وزارت اوقاف مصر با وی آشنا شدم .
- از بزرگان رجال فکر اسلامی و از دعوات همبستگی بین مذاهب اسلامی است که خود نیز از عاملین بآن است .
- برای نشر کتب شیعہ تلاشی پی گیر دارد که برادران اهل سنت به

بامردان اندیشه _____ ۵۶

عقائد شیعه وقوف حاصل کنند تا راهی برای از بین بردن اختلاف بین شیعه و برادران سنی باز شود .

مقدمه " سودمندی بر کتاب " وسائل الشیعه و مستدرکاتها " که از مهمترین دائرة المعارفهای حدیث است نوشته است .

عقد متعه را درست میدانند و بجواز و شریعت آن فتوی داده است .
بنظر او کتاب " الخلاف " تألیف : شیخ الطائفه طوسی کتابی است موضوعی ، که در آن بمنظره مذاهب فقهی بر پایه صحت و درستی نقل از آنها رفته ، و بمناقشه فقهی پرداخته است .

آشنائی با این استاد بزرگ در وزارت اوقاف مصر در ۵ / ۳ / ۱۹۵۸ حاصل شد و این دیدار من با ایشان بعد از انتشار مجلد اول کتاب " وسائل الشیعه و مستدرکاتها " دست داد .

يك نسخه از کتاب را برداشته و بوزارت اوقاف وارد شدم روزارخانه رئیس دفتر وزیر آقای عبدالکریم خطیب (۱) مراجعه کرده و از آوردن کتاب و تقدیم آن با آقای وزیر سخن بمیان آوردم ، تلفنی با آقای وزیر تماس گرفت و پس از چند دقیقه ملاقات با آقای وزیر صورت گرفت ، وی بگرمی مرا پذیرفت و تقدیر شایانی کرد ، کتاب " وسائل الشیعه و مستدرکاتها " بوی اهداء کرده و ساعتی بگفتگو نشستم و چون خواستم مراجعه کنم از جای خود برخاست و تادم در بدرقه‌ام کرد و خود در اطاق را باز و از من خداحافظی نمود . و من برگشتم .

بعد از چند روز پیش او رفتم ، و کتابهایی را که در قاهره چاپ کرده

۱- در حرف خا از او سخن خواهد رفت .

بودم با کتاب "مصادر نهج البلاغه" علامه محقق سید عبد الزهراء خطیب به وی اهداء کردم ، خیلی خوشحال شد و گفت : مجله الزهر مال همه مسلمین است ، لذا از عموم علماء و اساتید شیعه انتظار دارم که مقالات و نظرات خود را برای نشر در مجله بفرستند که موجب تقدیر و تشکر خواهد بود .

روزی از روزها استاد حومانی (۱) تلفنی با من تماس گرفت و گفت : دیروز پیش استاد باقوری بودم ، مریض بود و حال خوشی نداشت و من بعیادتش رفته بودم ، از تو گفتگو بمیان آمد مایل است او را ببینی ، عصر روز دوم با استاد حومانی قرار گذاشتیم که در ساعت معین آنجا حاضر باشیم ، بعد از آمدن استاد حومانی بوی اظهار داشتیم که من کتاب "المتعة و اثرها فی - الإصلاح الاجتماعی" تألیف : توفیق فکیکی (۲) را که با مقدمه استاد عبید الهادی مسعود مدیر فهارس عام در دارالکتب المصریة بچاپ رسانده ام و امروز از چاپ خارج و منتشر شده است چطور است با استاد باقوری اهداء کنم؟ گفت : هیچ اشکالی ندارد که یکجمله برای تقدیم با استاد باقوری با خود برداری .

نسخه ای از کتاب را برداشتم و در معیت آقای حومانی بمنزل شیخ باقوری رفتم ، وقتی وارد شدیم بگرمی خوش آمد گفت ، بعد از نشستن کتاب "المتعة" را تقدیمش کردم کتاب را گرفت و گفت : بعضی از جوانها که از طرف دولت برای تحصیل بخارج رفته اند از من پرسیده اند : ماکه از زنها و

۱- ادیبی است لبنانی دارای تألیفات کثیره و اوین شعری جالب از مؤلفات اوست : دین و تمدن که پنج جزء آن منتشر شده ، وحی الرافدین و دیوان انتانت .

۲- مؤلف کتاب "الرأعی والرعیة" شرح فرمان علی علیه السلام به مالک ، اشتر ، یکبارد رنجف و باردوم ریغداد چاپ شده است .

د یار خود دور افتاده ایم در د یار غربت چه کار کنیم؟! ومن فتوی دادم که متعه کنند ، سپس با استاد باقوری گفتم :

بسیار شائقم تحقیقی در کتاب " الخلاف " شیخ طوسی در فقه ، بر مذاهب پنجگانه صورت گیرد و میخوام به چهار تن از اساتید و دانشمندان اینجابه هم که تحقیق را انجام دهند :

مسائل فقهیه مذهب حنفی را يك حنفی

مسائل فقهیه مذهب شافعی را يك شافعی

مسائل فقهیه مذهب مالکی را يك مالکی

مسائل فقهیه مذهب حنبلی را يك حنبلی

در پاسخ گفتند : امان که مالکی هستم .

و از جا برخاست و يك نسخه از " خلاف " را برداشت که چاپ نخستین بود و گفت : این نسخه را امام بروجردی موقعی که در ایران بزیارت ایشان رفته بودم بمن هدیه کردند ، کتاب را بدقت مطالعه و بررسی کرده ام مواردی را که از فقه مالکیه نقل میکند عیناً و مویمو با کتابهای ما مطابقت میکند .

گفتم : بلی میدانم که درست است ، لکن اگر تحقیق شود و بمصادر و مأخذ اشاره شود بهتر خواهد بود ، بعد از ایشان خواستم : گفتاری بعنوان مقدمه برای جلد دوم کتاب " وسائل الشیعه " و مستدرکاتهای نگارنده از درخواست من حسن استقبال کرد و وعده نمود که در دیدار دوم ، در وزارت اوقاف آن را بمن بدهد پس از چند روز که با استاد عبدالکریم خطیب رئیس دفتر وزیر اوقاف برای مقدمه مورد نظر مراجعه کردم گفتند : حاضراست ، بعد تایپ شده آنرا که با ماشین تحریر روی کاغذهای نشانه دار وزارت اوقاف ماشین شده بود بمن داد . این است مقدمه :

بسم الله الرحمن الرحيم

جنساب استاد سید مرتضی رضوی

السّلام علیکم ورحمة الله وبعد بسهم خودم از زحمتی که سرکار
در چاپ و نشر کتاب "وسائل الشیعة و مستدرکاتها" متقبّل شده اید سپاس
گزار و شاکرم و نیز از نیت پاک و هدف عالی تان از نشر این کتاب که امیدوارم
طلیعه‌ای برای بازگشودن راهی جدید از راههای همبستگی میان طوائف
مسلمین باشد .

علّت جدائی و تفرقهٔ مسلمانان در گذشته همین گوشه‌گیریه‌ها و عزلت‌ها
بوده است که منجر بقطع روابط میان آنها شده است ، و این قطع ارتباط بد
گمانیهائی را موجب شده و در این جاراهاى جز این نیست که برای شناخت
حقیقت در این قضیه از عقائد همدیگر اطلاع حاصل کرده و مذاهبه‌ی که میان
فرق اسلامی وجود دارد و آراء و عقائدشان بدست داده شود و در معرض
داوری همگانی قرار گیرد : لیهلک من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة
و اکثر اختلافات میان سنّی و شیعه ناشی از نداشتن علم است ، زیرا که اغلب
پیروان این دو فرقه علم و اطلاعی بر ادله و آراء فرقهٔ دیگر ندارند .

پخش و نشر فقه شیعه میان سنّیان و همچنین فقه اهل سنّت در میان
شیعیان ، بهترین و نیرومندترین وسیله برای آب کردن یخهای اختلاف بین
این دو گروه است ، و اگر اختلافی نیز بعد از آن مبتنی بر رأی باقی باشد
برای هر دو گروه محترم و ارزشمند خواهد بود .

بامردان اندیشه _____ ۶۰

و بدین جهت نشر نظیر این کتاب برای همچو هدف مقدّسی عملی
است که شایسته است از سپاس و قدر شناسی همگان برخوردار باشد .

والسّلام علیکم و رحمۃ اللّٰه وبرکاته

۱۹۵۸ / ۳ / ۱۵

وزیر اوقاف

احمد حسن — باقوری

XXXXXXXXXX



گفت و شنود با :

استاد ابو الوفاء غنیمی تنهازانی

مدرس فلسفه اسلامی در دانشگاه ادبیات دانشگاه قاهره

ولادت او : روز ۱۶ / ۴ / ۱۹۳۰ میلادی در قاهره تولّد یافت و به
 بهترین تربیت و پرورش اسلامی زیر سایه تربیت پدرش پرورش یافت .
 تحصیلات : تحصیلات خود را در رشته فلسفه دانشگاه ادبیات
 ادامه داد و بسال ۱۹۶۱ میلادی بدریافت درجه دکتری نائل آمد .
 سمتها و اشتغالات او : استادیار مرکز مطالعات اسلامی در دانشگاه
 مک گیل کانادا (سالهای ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶) یکسال بدعوت دولت اسپانیا
 برای مطالعه کتب خطی در زمینه فلسفه و تصوف در اسپانیا گذرانیده مدتی
 هم رساله های دکتری فارغ التحصیلان دانشگاه قاهره را بررسی کرد .
 مهمترین آثار او : علم الکلام و بعض مشکلات ابن عطاء الله السکندری
 والتصوف عبد الحق بن سبعین و فلسفته الصوفیه و مباحث علمی زیادی او در مجله
 عالم الفکر ، مجله الوعي الاسلامی هردو چاپ کویت ، منبر الاسلام چاپ قاهره
 و نیز در اکثر روزنامه ها و مجلات مصری مقالاتی از او منتشر شده است .
 آشنائی با وی : بسال ۱۹۶۱ میلادی در قاهره روی داد .
 وی شیخ یکی از طریقتهای صوفیه و از شخصیت های فکری و فلسفی است
 مقدّم های بر کتاب وسائل الشیعة و مستدرکاتها " جز سوم نوشته که

استاد ابوالوفا غنیمی تفتازانی ————— ۶۲

در آنجا بعلم الهامی امام و اصالت فقه شیعه^۱ امامیه متعرض شده در آنجا می آورد که قد است عقائد شیعه بحدی است که معتقدین آن آبرو از سرچشمه^۲ گوارای اسلام بدست می آورند *

* * *

آشنائی با ایشان را بواسطه^۳ برادر ارجمند شیخ حسن زیدان طلبه (۱) بدست آوردم و بارها برای حضور در مجالس دینی ای که ایشان در اعیاد و مناسبات دینی در یکی از مساجد محلّه^۴ الازهر برپا می داشت ، دعوت

۱- او پدر شیخ زیدان (ابوالکارم) مؤلف کتاب بناء اقتصاد اسلامی است ، او را موقعی که بمحلّ کار دوستم حاج سعد خضر صحاف هنرمند در درب سعاده ، نزدیکی محکمه^۵ مختلط در قاهره مراجعه میکردم دیدم بعد دأما در دارالکتب المصریه و بهمراهی استاد بزرگ سید صقر محقق شهیر - مصری میدیدم ، این شیخ در کتابت خطّ عربی استادی و مهارت داشت ، و خطّ مغربی را بخوبی میخواند ، استاد صقر کتابی را که بخطّ مغربی نوشته شده بود بوی داد ، تا بخطّ عربی برگرداند و او این کار را با حسن وجه انجام داد و دوبار برای صرف نهال بمنزل خود از من دعوت کرد ، یکبار خانه ای که سابق در آنجا سکونت داشت محلّه^۶ الازهر * باردوم بمنزلی که اخیراً بد آنجا نقل مکان کرده بود : ورشة البلاط ، خیابان عیسی بن یزید ، کویری قبه * رغبت عجیبی به تصحیح کتاب در مطایع دارد و بخاطر همین اخلاقی و فضل او بود که برای تصحیح کتاب " وسائل الشیعه و مستدرکاتها " که احتمال غلطهای مطبعی زیادی

داشت و سایر کتبی که در قاهره بچاپ آنها دست زده بودم او را برگزیدم و از برکت آشنائی با او بود که با بسیاری از استادان و دانشمندان که تفصیل آنها در صفحات آینده خواهد آمد آشنائی و ارتباط برقرار کردم او را برفاقت و دوستی همیشگی انتخاب کردم و از بهترین فضلاء و کسانی است که در مصر شناخته ام *

می‌شدم *

دکتر تفتازانی در این مجالس لباس مخصوصی که خائزین در جهه کتراهنگام
 اخذ گواهینامه از دست رئیس دولت میپوشند در برمی‌کرد *

خود دکتر تفتازانی هم ، شیخ یکی از طریقه‌های صوفیه در جمهوری
 عربی مصر است ، وی در مراسم دینی داخل مسجد می‌ایستاد و بوار دین و
 مهمانان خوش آمد میگفت و پذیرائی میکرد *

در این قبیل مجالس ، یکی از شیوخ برای خواندن اشعار و قصائد
 مناسب حضور می‌یافت ، تا مجلس را گرم کند و حاضرین را بشوق آورد ، در اثنا
 قرائت اشعار ، مستمعین شانه‌ها و سرهای خود را باهنگ تازی تکان داده
 و باقاری با صدای بلند هم‌آواز می‌شدند ، جذبه و وجد از آهنگ خواندن
 این شیخ وقور بآنها دست میداد و اغلب یکی پس از دیگری از خود بیخود شده
 و از شدت وجد بزمین می‌افتادند *

یکبار زنی را دیدم که در مدخل مسجد ایستاده بود ، در بیرون از
 کثرت عابریں از دحام عجیبی بود ، این زن فارغ از ازدحام و عابریں ، سرو
 شانه خود را حرکت میداد و خود را بچپ و راست می‌پیچاند و گاه بحالت رکوع
 در می‌آمد این حالت در این زن در اثر شعر و قصیده خوانی این شیخ باوقار
 پدید آمده بود *

در مراسم دینی‌ای که استاد تفتازانی برگزار میکرد ، اکثر بزرگان امثال:
 شیخ باقوری و عده‌ای از اساتید "الأزهر" شرکت میکردند *

پس از پایان مراسم که خواندن اذکار و سرودهای دینی باتمام میرسید
 از حاضرین باچای و شیرینی پذیرائی می‌شد ، و پس از صرف چای و شیرینی
 مجلس خاتمه می‌یافت و حضار متفرق میشدند *

در این مراسم بدعوت دکتر تفتازانی کراراً حاضر می‌شدم ایشان کارت
 خود را یا بوسیله پست یا بآدرس هتل ، یا بواسطه شیخ حسن زیدان که

باوی در ارتباط دائم بود مرتباً میفرستاد ، روزی برادر ارجمند شیخ حسن زیدان بمن گفت : مایلم استاد را از نزدیک ببینم یکبار در معیت وی دیداری از ایشان در خانه اش : خیابان انصار در : دق ، کتابهایی را که در قاهره انتشار داده بودم به همراه بردم تا بایشان اتحاف کنم ، ضمناً خواستم که مقدمه ای بر جلد سوم " وسائل الشیعة و مستدرکاتها " بنویسند ، با تشکر پذیرفت ، و مقدمه ای را نوشت که در اول جزء سوم یکی از دائره المعارف های فقهی که جامع احادیث شیعه است بنام " وسائل الشیعة و مستدرکاتها " نشر دادم . سال ۱۹۶۷ میلادی پس از وصول بقاهره ، بخانه شیخ حسن - زیدان رفتم و او را از اقامتم در هتل میامی که معمولاً آنجا وارد می شدم آگاه کردم ، شیخ حسن ، ایامی را که در قاهره میگذراندم ارتباط دائمی بامن داشت ، روزی طبق معمول ، به هتل مراجعه میکند و مراندیده بر میگردد آن روز من در دفتر دکتر حامد حفنی داود ، شماره ۱۹ خیابان عبدالعزیز بودم دفتر کار ایشان نزدیک هتل میامی بود ، بآنجا آمد و گفت : اگر مایل باشی که بمنزل دکتر تفتازانی برویم ، تلفنی تماس بگیر ، از دفتر دکتر حامد به ایشان تلفن زدیم و با شیخ حسن زیدان بخانه شان رفتم ، در زدیم که خود باستقبال ما آمد و بگرمی پذیرفت و با طاق پذیرائی رهنمون شد پس از نشستن و تعارفات ، شیخ حسن رو بدکتر تفتازانی کرد و گفت : دکترس فوقیه حسین محمود (۱) سلام رساند و از گفتار دیشبی تان در تلویزیون ابراز مسرت کرد دکتر

۱ - دکترس فوقیه حسین محمود : استاد دانشکده دختران دانشگاه عین شمس قاهره است ، شیخ حسن زیدان پیش ایشان از من سخن به میان میآورد و او اثر تازه خود " الجوینی امام الحرمین " را با این عبارات : بدانشمند - فاضل سید مرتضی رضوی ° باد رود و تقدیر و احترام ۱۲ / ۱ / ۱۹۶۷ م ° فوقیه حسین محمود اهداء کرد مبود .

تفتازانی اظهار داشت : این را بحساب آقای رضوی بگذارید .

شیخ حسن گفت چطور ؟

باسخ داد : در اداره تلویزیون بودم که یک نفر در صفحه تلویزیون ظاهر شد و در پیرامون تاریخ اسلام داد سخن داد تارشته سخن را به "شیعه" کشاند ، و در باره شیعه و آراء و عقائدشان اقوال دشمنان را باز گفت : به شخصی که حاضر بود خبر دادم که گوینده از آراء و عقاید شیعه بی اطلاع است ، و من در این زمینه از او وارد ترم از کتب شیعه مقداری مطالعه کرده ام که مرا بحقیقت آنها واقف کرده است ، گوینده که گفتار خود را بی پایان رسانید همین وقت دعوت شدم که در صفحه تلویزیون ظاهر شوم ، پذیرفتم ، و از موضوعاتی که گوینده بآنها اشاره کرده و در پیرامون آنها داد سخن داده بود سخن بمیان آورده و ادا^۱ مطلب کردم ، دکتر تفتازانی کیفیت گفتار خود را در تلویزیون بی پایان برد ، خادمه چائی و قهوه آورد ، بعد دکتر برخاست و یکی از تألیفات خود را بنام "علم الکلام و بعض مشکلاته" که چاپ آن در ماه مه ۱۹۶۶ پایان یافته بود برداشت و نوشت ، اهدا^۲ به سید مرتضی رضوی با خالصانه ترین درود ها و آرزوهای مؤلف .

۱۵ / ۱ / ۱۹۶۷ م ابوالوفاتفتازانی

و کتاب را بمن داد ، پس از صرف چائی از ایشان اجازه خواسته و برگشتم ، اینک متن مقدمه ای که :

استاد تفتازانی بر کتاب "وسائل الشیعه و مستدرکاتها" نگاشته اند . (۱)

بسیاری از پژوهشگران ، خواه در شرق و خواه در غرب چه در گذشته

۱- این مقدمه را در اول جزء سوم از کتاب "وسائل الشیعه و مستدرکاتها" که چاپ آن در دارالقومیة العربیة شماره ۱۶ خیابان نزهت ، میدان جیش قاهره بانجام رسیده است آورده ایم .

و چه در دوران معاصر ، در بسیاری از احکام شیعه راه خطا پیموده‌اند
 قضاوت و داوریشان در احکام شیعه مستند بدلیل و شاهد نقلی قابل اعتماد
 نبوده و نیست ولی بعضیها این مطالب را بدون اینکه از صحت و سقم آنها
 جويا شوند اینجا و آنجا نقل کرده و میکنند .

یکی از عواملی که سبب شده آنان در باره شیعه منصف نباشند این
 است که بمصادر و مأخذ شیعه آگاهی نداشته و اکتفاء بمنابع و مراجع مخالفان
 کرده‌اند .

شك نیست هر محققى كه دست بتحقیق در پیرامون : تاریخ ، عقائد
 و فقه شیعه میزند قبل از هر چیز و در مرحله نخست در تحقیقات خود لازم
 است بمدارك خود شیعه مراجعه نماید ، علاوه براین شایسته است برای پی
 بردن بصحت روایات تاریخی که در کتب مخالفان شیعه پیدا میکند عمیقاً غور
 و بررسی کند ، تا بحقیقت دست یابد ، علاوه براین ، خود را کاملاً از هرگونه
 تعصب مذهبی که مانع بینش حقیقی است و او را به پیش داوریهای ناشی
 از این تعصب میکشاند بدور نگاه دارد تا در اصدار احکام راه خطا نیماید .
 از بین سایر علل و عواملی که موجب شده ، در باره شیعه رعایت
 انصاف نشود ، میتوان استعمار غرب را نام برد ، استعمار غربی در دوران
 معاصر همواره در صدد بوده که با دامن زدن باختلافات میان سنی و شیعه
 امت اسلامی را گرفتار آفت گروه بندى و جدائی و تفرقه کند ، در این باب به
 عمّال و مزدوران خود که خاورشناسان باشند اشاره کرده که این فن را بشکل
 يك بحث آزاد آكادميك جلوه گر سازند ! چیزی که موجب تأسف عمیق است این
 است که : پاره‌ای از محققین مسلمان در دوران معاصر از آراء مستشرقین پیروی
 کرده و مقاصد و نیات پلید و اهریمنی آنها را که در لافافه این بحث آزاد آكادميك

نهفته است در نمی یابند .

شیعه . از قدیم اسمی بوده و بکسانی که از علی (رضی الله عنه) پیروی کرده و به امامت او و ذریه او بعد از خودش نصّاً و وصایه قائل بودند اطلاق می شده و فعلاً باثنی عشریه اطلاق میشود .

و عموم شیعیان در تشیّعشان بامام علی (رضی الله عنه) بشواهدی از کتاب و سنت استناد میکنند .

اتفاق و یگانگی میان سنی و شیعه در اصول عقائد بخوبی ظاهر و آشکار است ، باستثناء مسئله امامت که اهل سنت آنرا یک قضیه مصلحتی و منوط با انتخاب عموم میدانند ، ولی شیعه آنرا قضیه اصولی میدانند و معتقد است که امام منصوص علیه عبارت از علی (رضی الله عنه) است و امامت از فرزندان او بیرون نیست و اگر بیرون شود یا بظلم است و یا بتقیّه .

و امامت نزد شیعه منحصر بدوازده امام است .

اتفاق میان سنی و شیعه در احکام فقهی هم معلوم است ، باستثناء اختلاف در پاره ای از احکام فرعیه مثل نکاح و متعه ، که نسخ آن پیش سنّیان ثابت است ولی نزد شیعه ثابت نیست .

و چرا اتفاق و یگانگی در اصول عقائد و احکام فقهیه میان سنی و شیعه نباشد ؟ در صورتی که سرچشمه هر دو که عبارت از کتاب و سنت است یکی است .

اختلاف موجود میان سنی و شیعه که از آن بحث میکنیم از اختلاف میان دو مذهب امام مالک و پیروان او که تابع حدیثند و امام ابوحنیفه النعمان که اهل رأی و قیاسند بازتر نیست .

پس از آنکه دانستیم که همه اهل سنت مقرر بفضل و علم و تقوای اهل

بیت اطهار هستند و میدانند که آنانرا رتبت و منزلتی هست که احدی ریا یاری نزدیکی بآن نیست و تقرّب بآنها کمال دین و بابی برای نزدیکی بخدا است و شواهدی از کتاب و سنّت در این باب هست ، آنگاه میدانیم که اختلاف میان سنی و شیعه چیز مهمی نیست ! و با همه اینکه تشیّع در اساس بشواهدی از کتاب و سنّت استناد میکند الا اینکه بعضی از محقّقین بی انصاف تلاش می کنند : اساس تشیّع را بیک منبع غیر اسلامی منتسب کنند عدالت و انصاف ایجاب میکرد که : این پژوهشگران هنگامی که تاریخ شیعه و عقائد و مذاهب آنرا روی صفحه کاغذ می آورند این شواهد را نیز از حساب آنها دور نریزند . در اینجا مجالی نیست که : این شواهد را اینجا نقل کنم ، کسانی که طالب اطلاع و تفصیل بیشتری هستند بکتاب معتبر که در علم حدیث نزد اهل سنّت نوشته شده نظیر : صحیح بخاری ، صحیح مسلم و جز آنها ، بخش مناقب مخصوص اهل بیت رضوان الله علیهم مراجعه کنند .

در اینجا مناسب است گفته شود : ایرادی که بعضیها بتشیّع گرفته اند که : آن دخیل بر اسلام است ! متوجّه تصوّف اسلامی نیز هست ، در حالی که پاره ای از محقّقین در گذشته و حال تصوّف را از منبع غیر اسلامی میدانند حالا خواه این منبع غیر اسلامی ایران ، هند ، یونان و یا مسیحیت باشد ، در صورتی که تصوّف از این جهت که علم بمقامات و احوالی است که بر اعماق دل متعبّدان و سالکان راه خدا عارض میشود ، مانند : توکل ، رضا ، زهد ، محبّت صبر ، یقین ، معرفت ، انس بخدا ، خوف ، رجاء علم اخلاق دینی است و قبل از هر چیز مستند بکتاب و سنّت است ، قابل ذکر است که بین تصوّف و تشیّع وجوه ارتباط بسیار قوی وجود دارد و امام علی (رضی الله عنه) را نزد صوفیه منزلت رفیعی است که او را مثل اعلی و نمونه کامل در زهد ، پارسائی

ورع ، صبر ، یقین ، رضا و توکل میدانند و کتابهایشان پر است از فضائل و مناقب او و ذراری طاهرینش رضی الله عنهم اجمعین .

قابل تأمل است که مشایخ صوفیه از اصحاب طریقت مانند : رفاعی و بدوی و دسوقی و گیلانی و غیرهم از اجله علماء اهل سنت در اسناد طریقت خودشان بآئمه اهل بیت اطهار و از طریق سند آنها بامام علی (رضی الله عنه) و از آن طریق به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم استناد میکنند ، این روایت هم از این طریق یکی از مستندات آنهاست که نبی اکرم (ص) فرمود : **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيُّ بَابُهَا** : که من شهر علم علیم در است ، و این نزد صوفیه دارای خصوصیتی در علم حقیقت ، علم مکاشفه و علم باطن است که بجز امام علی کرم الله وجهه کسی واجد این خصوصیت نیست .

در این مقام در اکثر کتب اهل سنت شواهد فراوانی برای خصوصیت امام علی در علم وجود دارد که روایت زیر را بعنوان نمونه حصر میآوریم .
از عمر (رض) وارد شده که : **بِزِيَارَتِ حَجْرِ الْأَسْوَدِ آمَدَ وَأَنَابَ بُوْسِيدٌ وَكَفَتَ** : من میدانم که تو سنگی بیش نیستی نه سودی داری و نه زیان میرسانی ، و اگر ندیده بودم که پیغمبر (ص) تو را می بوسید نمی بوسیدمت .

علی که حاضر بود گفت : **يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ! اَوْهَمُ سَوْدٌ وَهَمُ زِيَانٌ** میرساند و این در تأویل کتاب است که فرمود : **وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ** ، و وقتی اقرار بر پروردگاری خدای عزوجل و بندگی خود کردند ، خداوند پیمان آنان را روی صفحه ای ثبت کرد و داخل این سنگ بود یعت گذاشت ، این سنگ روز قیامت برانگیخته خواهد شد در حالیکه دو چشم و دوزبان و دولب دارد و بسود آنهائی که وفا بعهده کردند گواهی خواهد داد ، این سنگ امین الهی در کتاب خداست

عمر چون این بشنید گفت : لا ابقانی الله فی ارض لست فیها یا ابا الحسن :
(۱) در سرزمینی که تو آنجا نباشی خداوند مرا زنده نگذارد یا ابا الحسن ! *

پس عمر بطوری که از این روایت برمیآید به تبعیت از رسول اکرم (ص) حجرالأسود را می بوسید و این کار را هر مسلمان به پیروی از رسول اکرم (ص) باید انجام دهد ، اما امام علی ، میدانند که حجرالأسود از این جهت که سنگ است نفع و ضرری ندارد ، ولی از لحاظ علم مکاشفه نیز میدانند : که وقتی خداوند اراده کرد او را سود یازیان رساند باراده الهی هم سود میرساند و هم ضرر ، و چطور چنین نباشد ؟ در حالیکه راز و سرّ عهد دیرین که خداوند با ارواح بنی آدم در عالم ذرّ قبل از اینکه پابعرصه هستی بگذارند بست همین است *

و او بروز رستاخیز شاهد بنی آدم خواهد بود (۲) *

معترضی با اعتراض برخاسته و می گوید : این کار با میزان عقل و خرد جور در نمی آید ، جوابش اینست که : بسیاری از احکام شرع با توجیه عقل تعلیل نمیشود ، زیرا که بالاتر و برتر از ادراک عقل است ، دلیلش این است که نمیتوان برای مناسک حج علتی تراشید و آنرا توجیه کرد ، مثلاً حجرالأسود با این منزلت که گفتیم ، طواف را از خود حجر شروع نمیکنیم باز چرا : سنگها برای سنگباران ابلیس از خود مزد لفه جمع آوری میشود؟ علت اینها را نمیدانیم

۱- همه صحاح این روایت را ضبط کرده اند ، حاکم : فقال علیّ ۰۰۰ الخ را افزوده است نگاه کنید : الجامع لاصول احادیث الرسول ، تألیف شیخ منصور علی ناصیف ج ۲ ص ۱۴۹ چاپ قاهره سال ۱۳۵۲ ه .

۲- از ابن عباس رض : از پیامبر (ص) که درباره حجرالأسود فرمود : سوگند بخدا که خداوند روز قیامت او را بر خواهد انگیخت که در چشم خواهد داشت که با آن خواهد دید و زبانی که با آن سخن خواهد گفت و گواهی خواهد داد در حق کسی که او را بحق و راستی ببوسد ، بروایت ترمذی نگاه کنید : نفس المرجع ج ۲ ص ۱۴۹ .

و این میرساند که : هر چیزی راسری و حکمتی و هر مکانی را خصوصیتی است .
در این جاد را اعتقاد و تشریع اموری هست که امام علی رضی الله عنه
و ذریه او بعد از خودش بعلم آنها اختصاص داده شده اند : وَذَالِكَ فَضْلُ
اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَّشَاءُ .

و بهمین جهت است که شایسته نیست مسلمانان غیر شیعه ، از ارزش
میراث شیعه در فقه و عقائد غافل بمانند این میراث ارزشمند از اهل بیت رضی
الله عنهم روایت میکند که پیشوایان فقه و تشریع و رهبرانی هستند که فضل و
موقعیت خاصی در قلوب مسلمین با همه اختلافاتشان دارند ، بدین جهت
بسیار مشعوف و خرسندم از جنبش پربرکت و ارزنده ای که دوست و برادرم
سید مرتضی رضوی مؤسس و بنیانگذار مکتبۃ النّجاح — نجف الأشرف در عراق
بانشر کتب مهم شیعه در فقه و عقائد بوجود آورده و روز بروز آن را قوت بخشیده
و بارور و پر ثمر میسازد ، استمرار و تداوم این جنبش موجب خواهد شد که
پرده های ضخیمی که روی موارث گرانبهای شیعه کشیده شده بکنار رود ، و
برادران اهل سنت حقیقتی را که از آنها پوشیده بود بخوبی ببینند .

از این کتب مهم و پراچ یکی کتاب " وسائل الشیعة الی تحصیل
مسائل الشریعة " تألیف : فقیه بزرگ شیخ محمد ابن حسن مشهور به حرّ
عاملی است و دیگری " المستدرک علی الوسائل " تألیف ، محقق نامی میرزا
حسین نوری است که در این چاپ جدید یکجا تقدیم خوانندگان میشود هر دو
کتاب مربوط میشود با حکام فقهیه و آدابی که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله
طبق روایات ائمه اهل بیت رضی الله عنهم اسناد داده میشود .

این دو کتاب پراچ هر دو از کتب مرجع محسوب میشود ، و از اهمیت
ویژه ای برخوردار است که محققین و پژوهندگان تاریخ ، عقائد و فقه شیعه

در شرق اسلامی ، اروپا و آمریکا از آن بی نیاز نیستند .
 با اخلاص تمام امیدوارم که نشر این دو کتاب و امثال آنها به هدف
 نزدیکتر کردن میان سنی و شیعه و ایجاد حسن تفاهم میان این دو گروه
 برادر کومک نماید تا هرقه‌ای بدیده^۱ انصاف و تقدیر بدیگری بنگرد .
 از خدای سبحان مسئلت داریم که مسلمانان را به آنچه خیر آنها در آن
 است ، و برای تقویت مبانی مودّت و محبّت و برادری بمصدق آیه^۲ کریمه^۳ : اِنَّمَا
 الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ مَوْقَّق فرماید ، وَاللّٰهُ وَلِيّ التَّوْفِیْق .

دکتر ابوالوفا غنیمی تفتازانی

قاهره : ۶ جمادی الثانیه ۱۳۸۱ هـ

در یکی از سفرهایم بقاهره ، دکتر تفتازانی را در منزلش دیدم و از
 کتابهایی که خودم بچاپ و نشر آنها در قاهره اقدام کرده بودم با کتاب
 " مصادر نهج البلاغه و اسانیده " بقلم : علامه^۴ محقق سید عبدالزّهراء خطیب
 نجفی از عراق با خود آورده بودم بایشان اهداء نمودم ، بعد که استاد کتاب
 اخیر را مطالعه کرده بود اظهار داشت که : از آن استفاده^۵ شایانی کرده‌است .

گفت و شنود با :

شیخ حافظ تجانی
شیخ طریقه تجانیہ

آشنائی با وی : در قاهره بسال ۱۹۶۷ میلادی با او آشنا شدم .
در مذهب خود متعصب است و نسبت به معتقدات شیعه امامیه حساسیت
عجیبی از خود نشان می دهد از پیشوایان طریقه^۱ تیجانیه است و مجله ای بنام
طریق الحق منتشر میکند . توجه و اهتمام خاصی بطریقه های صوفیه دارد .

استاد محمد سید جاد الحق مرا باین شیخ معرفی نمود چندین بار از
او صحبت بمیان آورد و تعریف و تمجید کرد ، قرار شد ساعت ده یکی از شبها
بدیدارش برویم و رفتیم ، موقع رفتن مجموعه ای از کتابهای را که در قاهره
منتشر کرده بودم برداشتم و بایشان هدیه کردم بخانماش در مغربین داخل
(۱) شدیم از ما استقبال کرد و خوش آمد گفت و پرسید : شما شیعه هستید؟ گفتم :
بلی . عده ای تسبیح بدست نشسته بودند و زیر لب چیزی زمزمه می کردند یا
ورد معینی میخواندند و اثنای خواندن سر و شانها^۲ خود را تکان میدادند ،
سپس شیخ بمن گفت : شیعه به نجاست اهل سنت (۲) قائل است ؟

۱ - مغربین نام یکی از محلات قاهره ۲ - شیعه در فقه خود میگوید : نواصب
مثل کفار محکوم بنجاستند نواصب همانهایی هستند که تخم عدوت اهل بیت (ع)
را در دل کاشته اند .

گفتم : هرگز

و بشدت منكر شدم ، لیوانی آنجا بود بآن اشاره كردم و گفتم :
شما در این لیوان آب بخورید و بقیه را بمن بدهید تا من هم بخورم
این چه افترائی است به شیعه بسته‌اند ؟ ! شیعه هرگز بهمچو چیزی قائل
نیست .

در گفته خود پافشاری كرد و تلفن را برداشته و شماره‌ای گرفت ، و
گفت : آری ، شما (مقصودش شیعه بود) قائلید كه سنی نجس است .
و چون گوشی را كمی نزدیک آورد ، شنیدم كه باخانم استادی كه قبلاً
در عراق معلّم بوده و اخیراً بمصر برگشته است حرف میزند ، شیخ حافظ از
او پرسید و گفت :

بمن نكفتی كه شیعه بنجاست سنی قائل است ؟
جواب داد : نه ، و چون من نزدیک شیخ بودم مكالمه آنها را بخوبی
می‌شنیدم و گفت :

من بشما گفتم : یکی از دانشجویان دختر روزی مرا بمنزلش دعوت كرد
و گفت : مادر من پیر شده است و اگر از او چیز غریبی دیدید نا راحت
نشوید ، من جز این بشما چیزی نگفتم .

شیخ را بطوری كه دیگران نیز بشنوند مخاطب قرار داده و گفتم :
مولانا ، درست نیست شیعه را با این اتهامات متهم كنند ، من صدای
خانم معلّم را شنیدم كه گفته شما را منكر شد و این افتراء است و از امثال شما
بعید است .

بعد گفت : شما شیعه‌ها معتقدید كه ائمه از انبیاء و مرسلین برترند .
گفتم : بلی درست است .

گفت: ائمه را حتی بر اولوالعزم تفضیل مید دهید؟ (۱)

گفتم: بلی، جز نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم.

گفت: در کتابهای خودتان هست و کتابی که این نص در آن هست

پیش من موجود است.

گفته‌اش را رد کردم و منکر شدم و گفتم: کتاب را بیار، ممکن نیست —

همچو چیزی در آن وجود داشته باشد.

آری: شیعه ائمه را بر انبیاء جز نبی اکرم حضرت محمد صلی الله علیه

وآله تفضیل میدهد.

این را که گفتم: شیخ برخاست و از جیب خود کلیدی درآورد، و يك

صندوق چوبی را که نزدیکش بود گشود و رساله: الشریعة السمحاء تألیف آية

الله میرزا حسن لواسانی، چاپ مطبعة العرفان، صیدا — لبنان را درآورد.

بشیخ گفتم: مولانا کتاب را بمن دهید.

کتاب را از او گرفتم و باز کردم، صفحه دهم کتاب درآمد که آنجا میگوید:

این ائمه اثنی عشر علیهم السلام هستند که همه‌شان از تمام ذنوب و

معاصی معصوم و از تمام رذائل و عیوب مبرا و از رجس و پلیدی در حسب و

نسب مثل انبیاء سابق طاهر و مطهر بلکه از همه آنها جز نبی اکرم حضرت

محمد صلی الله علیه وآله افضل بودند.

گفتم: نگفتم افتراء است؟!!

جائز نیست، مولانا، چیزی را که مانگفته‌ایم بمانسبت دهند ما هیچ

وقت ائمه را بر نبی اکرم صلی الله علیه وآله تفضیل نداده‌ایم، خیلی متأثر

شد و حاضرین تسبیح بدست نیز متأثر و ناراحت شدند. ساعت دوازده شب

بود برخاستم استاد شیخ محمد سید جادا الحق نیز برخاست و اجازه گرفتیم و برگشتیم.

۱ — انبیاء اولوالعزم پیغمبران صاحب شریعتند و عبارتند از نوح، ابراهیم
موسی، عیسی، و محمد (ص).



گفت و شنود با :

استاد حسن جاد حسن

استاد دانشکده لغت عرب در دانشگاه الازهر

- ولادت او : در ده قهلیه سال ۱۹۱۴ میلادی دیده به دنیا گشود .
- تحصیلات او : در الأزهر بتحصول برداخته و از دانشکده لغت عرب فارغ التحصیل شده و دکترای ادبیات و بلاغت را بدست آورده است .
- اشتغالات و سمتهای او : بطور مداوم استادی کرسی لغت عرب را در دانشگاه الأزهر بعهده دارد .
- مهمترین آثار قلمی او : دیوان شعری است که در ایام تحصیلات دبیرستانی منتشر کرده ، و دیوان بزرگ خطی که برای چاپ آماده میکند .
- این کتابها از او است : الأدب العربی فی المہجر ، الأدب المقارن ابن زیدون ، الأدب العربی بین الجاهلیة والاسلام ، الأدب العربی فی ظلال المؤمنین والعباسیین ، میزان الشاعر که در عروض است .
- آشنائی با او : بسال ۱۹۵۷ م در قاهره با او آشنا شدم .
- از استادان بنام ادبیات و زبان و فکر و تحقیق است .
- از دعوت کنندگان به همبستگی و از هواداران وحدت بین طوائف اسلامی است .

مقدمه ای بر کتاب " وسائل الشیعه و مستدرکاتهما " نوشته و در آن تأکید کرده که فقه شیعه امامیه فقه اهل بیت علیهم السلام است . که از جد خود سید المرسلین بارث برده و بمسلمین افاده و افاضه کرده اند و این عقیده و

احساس لطیف راضی شعر جالب و جذّابی بیان نموده‌اند .

با ایشان بواسطه^۱ شیخ محمد عبد المنعم خفاجی (۱) که دوست و همکار او در دانشکده^۲ زبان عربی است آشنا شدم و به‌مراهی وی بود که به منزل ایشان رفتم که ما را به‌مدیگر معرفی و اضافه کردند که : من در عراق مرکز نشری دارم و در قاهره نیز مطبوعاتی منتشر کرده‌ام و قصد دارم بعضی از کتب و آثار اسلامی را نیز بطبع برسانم ، استاد کمی غائب شد ، بعد با چائی و قهوه و میوه برگشت و از ما پذیرائی کرد .

بار دوم : به تنهایی بخانه^۳ استاد رفتم و کتابهایی را که خود منتشر کرده بودم ، با خود بردم و به‌ایشان هدیه نمودم خانه‌اش در : درب — الجمّامین خیابان لبودیّه — نزدیک خیابان السّیده زینب علیها السلام کوی عبد الباقي واقع است ، کتابها را که تقدیم کردم خواستم مقدّمه‌ای برجز^۴ دوم " وسائل الشّیعه و مستدرکاتها " بنویسند و نظر خود را درباره^۵ این هائره^۶ المعارف فقهی جاویدان باز گویند و عده دادند که بنویسند و بوعده^۷ خود هم عمل کردند .

بعد از آن یکبار هم بخانه^۸ ایشان که آباد باد رفتم ، مقدّمه ای را که پیرامون کتاب " وسائل الشّیعه و مستدرکاتها " نوشته و آماده کرده بود بمن داد که سابقاً در صفحه^۹ چهارم جلد دوم کتاب چاپ شده است ، این است مقدّمه :

د رود يك شاعر

دوست گرامی ما آقای سید مرتضی رضوی در نشر کتاب وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة تألیف: علامه فقیه عاملی و مستدرکات آن تألیف علامه نوری سعی بلیغ، جهد مشکور و عمل مبروری انجام داده اند.

این دائرة المعارف بزرگ در: فقه احکام، سنن و آداب و اخلاقی که سندش به پیامبر بزرگ صلوات الله و سلامه علیه از طریق روایات ائمه که از دودمان گرامی آنحضرتند میرسد، وی بانشر این کتاب خدمت بزرگی انجام داده است، کتاب شامل فقه صحیح و ادب اصیل است، شبهات مغرضین را ببطلان میکشد، سوراخ و سنبه ها را بروی معاندین و هر راهی را بر آشوبگران و فتنه انگیزان و نفاق افکنان و تفرقه اندازان بین مسلمین می بندد. اختلاف کوچک و ناچیز در میان شیعه و اهل سنت را بجیزی نباید شمرد، اصل یکی و سرچشمه و منبع یکی و اصول دین یکی است و اینهاست که فاصله ها را نزدیک کرده و مسلمین را در صف واحد قرار می دهد.

ابیات زیر را که از احساسات درونی ام حکایت می کند بعنوان ارمغان يك

شاعر ارمغان ناشر گرامی میکنم.

ولا یصدّک من اعراضا
بین البرایا والوجوه الوضا
وعطر الأفق بهم والفضا
عبادة لله فیها الرضا
وآخی من آثارهم ماضی
فی الدین لن تجفی ولن ترفضا
ما جف فی يوم ولا غیضا

اهتف بآل البيت یا مرتضی
عتره خیر الخلق اهل التقی
و اروضاً الروح من هدیهم
ولا و لهم قریبی و فی حبهم
فانشر علی الناس هدی فقههم
(وسائل الشیعة) موسوعة
بالفقه والاخلاق ینبوعها

مبسوطاً للناس من عهدهم	وسوف تبقى الدهر لن تقبضاً
دَعَّ قَوْلَ مَنْ يَغْلُوْ مِنْ دَسِّهِ	اشعل بالفرقة نار الغضا
حقيقة الشيعة في دينها	حقيقة السنة لن تنقضا
جداول من منبع واحد	وان بدا الخلف لمن اغمضا
لم تَبَقْ بعد اليوم من فرقة	ذالك عهداً قد مضى وأنقضى

قاهره — حسن جاد

استاد دانشکده لغت عرب در دانشگاه الازهر



گفت و شنود با : استاد شیخ محمد سید جواد الحق

ولادت او : در شهر " الحسنة " مرکز طی ولایت سوهاج بسال ۱۵ / ۱۰
۱۹۰۴ میلادی تولّد یافت .

تحصیلات او : در ازهر شریف تحصیلات خود را ادامه داد و به سال
۱۹۳۳ از آن دانشگاه فارغ التحصیل شد .

اشتغال او : از سال ۱۹۴۹ به تألیف و نگارش و تحقیق پرداخت .
واز سال ۱۹۴۹ امامت جامع السّیّدة زینب بنت امیرالمؤمنین علی
علیه السّلام بمدّت پانزده سال بعهدہ وی گذاشته شد .
مهمترین آثار قلمی او : تاریخ السّیّدة زینب ، عقود الجواهر من خطب
المنبر و نفحة العنبر من خطب المنبر .

کتابهای زیادی را مورد تحقیق قرار داده است از جمله : الدرر الكامنة
فی اعیان المائة الثامنة تألیف ابن حجر در ۵ مجلد ، معرفة القراء تألیف :
ذهبی در ۲ مجلد ، تلخیص فہوم اهل الأثر تألیف : ابن الجوزی در ۲ مجلد
الفصول المهمة تألیف : ابن الصّباغ مالکی ، الحطة فی ذکر الصّحاح الستة :
تألیف صدیق حسن خان ہندی و شرحی بر : معانی الآثار تألیف طحاوی .
آشنائی با او : بسال ۱۹۶۱ میلادی در قاهرہ با وی آشنا شدم .
از علماء ازهر شریف ، از محققین و خبرگان در علم الرجال است .

در تحقیقات خود بزیور اعتدال و واقع نگری آراستماست .
اطلاعات کامل و مبسوطی در تراجم بزرگان غرب دارد و از طلب حقیقت
در تمام مظان آن باز نمی ایستد .

در کتابخانه دارالکتب الحدیثه که مؤسّسش توفیق عفیّی عامر است
با او آشنا شدم که این استاد برای این مؤسسه چند کتاب را (۱) تحقیق کرده است و اغلب که
میخواستم راهی منزل شوم استاد را در آنجا می دیدم ، چندین بار هم در منزل
حاج نجیب الخانجی دیدم ، ارتباط دائم فیما بین برقرار شد ، و از من
خواست الفصول المهمّة فی معرفة احوال الائمة : ابن صباغ مالکی (۲) را بوی بدهم که
شائق بودند این کتاب را تحقیق نموده و با ذکر مأخذ و مصادر جان تازه ای
بکتاب بدهند و نشر کنند ، وعده دادم که تهیه کنم ، بعد از بازگشت به
عراق از کتابفروشیها سراغ این کتاب را گرفتم ولی موجود نبود و لذا نتوانستم تهیه
و بایشان بفرستم و چون بایران منتقل شدم و در تهران اقامت گزیدم باز
برای پیدا کردن این کتاب به تمام کتابفروشیها و حتی بکتابفروشیهای اصفهان
و مشهد و قم کراجعه کردم که مع الأسف پیدا نشد .

روزی که بزیارت فاطمه معصومه دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام
مشرف بودم بمنزل دانشمند بزرگ شیخ کلباسی رفتم سخن از کتابهایی به
میان آمد که درباره اهل بیت علیهم السلام بخامه علمای اهل سنت نوشته
شده ایشان گفتند من در این باب ، الفصول المهمّة فی معرفة احوال الائمة

۱- در صفحه ۴ این کتاب ضمن معرفی آثاری قلمی وی نام کتابهایی که به
تحقیق ایشان چاپ شده است ذکر شد .

۲- این کتاب برای نخستین بار در ایران و برای بار دوم در نجف الأشرف
عراق بطبع رسیده است .

شیخ محمد سید جاد الحق ————— ۸۳

تألیف: ابن صباغ مالکی را دارم ، بایشان اطلاع دادم که شیخ محمد سید جاد الحق شائق است این کتاب را تحقیق نموده و در قاهره منتشر نماید و مدّتی است خود من سراغش را میگرفتم و پیدا نمیکردم ، علامه^۱ استاذ کلباسی نشانی شیخ محمد سید جاد الحق را از من خواست و من نشانی ایشان را که از مکتبه^۲ خانجی گرفته بودم بایشان دادم . ۸۴ کعبه

ایشان بعد ها سفری بقاهره کرده و با همان نشانی با استاد جاد — الحق تماس گرفته و کتاب را داده بودند ، استاد جاد الحق تحقیق کتاب را آغاز کرده و آماده^۳ چاپ و نشر مینماید ، خدایش از اسلام جزای نیکو عنایت فرماید .



گفت و شنود با، دکتر طه حسین پیشوای ادبیات عرب در قرن بیستم

- ولادت او : در جنوب قاهره در اسنان "مينا" بسال ۱۸۸۹ میلادی
۱۳۰۷ هجری دیده بجهان گشود .
- تحصیلات او : در ازهر شریف بتحصیل پرداخت بعد پیه دانشگاه
"الأهلیة" پیوست بسال ۱۹۱۸ میلادی از دانشگاه سورین فرانسه بدریافت
درجه دکترا نائل آمد .
- سمتهای او : مدیر و رئیس هیئت تحریریة مجله "الکاتب المصری" .
مهمترین آثار قلمی او : الأیام در ۲ جلد که متضمن تاریخ زندگی او
است ، الأدب الجاهلی ، الشعر الجاهلی ، تجدید ذکر ابی العلاء
الفتنة الكبرى در ۲ جلد و دهها نوشته و تألیفات دیگر .
- آشنائی با او : بسال ۱۹۶۵ میلادی با او آشنا شدم .
- از مشاهیر رجال ادب و فکر در جهان عرب است .

امتیاز او: بآزاداندیشی و شجاعت ادبی در اظهار آراء خود ممتاز است .

عبداللّه ابن سبارا شخصیت افسانه‌ای و اسطوره‌ای میدانند و هنگام تحلیل شخصیت پنداری عبداللّه ابن سبا کاملاً شیعه را تأیید میکند و معتقد است خروج عائشه بجنگ امام علی علیه السّلام ، بجنگ قرآن رفتن و زیر پا گذاشتن وصایای پیامبر بود .

و نیز عقیده دارد : عثمان قاعدولی شایسته این امر نبود! بعضی از صاحب نظران عرب در باره دکتر طه حسین و تحلیل شخصیت او نظراتی دارند که خوانندگان لازم است از آن مطلع باشند .

میان اساتید و نویسندگان ، از دکتر طه حسین گفتگویی رفت که دکتر حامد حفنی داود هم پیش من بود از او خواستم که با دکتر طه حسین تماس گرفته و وقتی را برای دیدار با ایشان تعیین کند ، دکتر حامد تماس گرفت و گفت :

ناشری از عراق آمده و کتابهایی را از شیعه همراه دارد و میخواهد شما را ببیند و کتابها را اهداء نماید ، دکتر طه حسین ساعت شش شب چهارشنبه را برای این دیدار معین نمود ، بعد دکتر حامد مرا از جریان آگاه کرد و وقت ملاقات را باز گفت ، در وقت مقرر برای دیدارشان در ویلای مسکونی حضور یافتم و چون زنگ ویلا را فشار دادیم ، استاد فرید شحاته نویسنده بلند پایه مصری در را بروی ما گشود .

دکتر حامد گفت : ماقبلاً برای این ساعت ، باحضرت دکتر طه حسین

دکتر طه حسین _____ ۸۷'

وعدۀ ملاقات گرفته ایم ، ایشان ما را بگرمی پذیرفت و بسالن پذیرائی که دکتر طه حسین در آنجا حضور داشت راهنمایی کرد بعد که سلام کردیم و ایشان جواب سلام را دادند ، مرا مخاطب قرار داده و گفتند :

سرکار از کجائید ؟

گفتم ، از نجف الاشرف ، عراق

گفتند : شیعه هستید ؟

گفتم : طبیعی است که بلی .

بعد گفتم : شیعه معتقد است که امام امیرالمؤمنین علی (ع) مظلوم و حقش غصب شده و خودش مورد تعدی قرار گرفته و نص رسول اکرم را در باره او نادیده گرفته اند .

دکتر طه حسین گفت : اگر ما بوجود نص قائل باشیم باید همه صحابه را کافر بدانیم !

گفتم : خدا گفته : **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ** (۱) و جناب دکتر از صحابه جز تعداد معدود و انگشت شمار کسی باقی نمانده بود .

در پاسخ گفتند : نه ، نه ، از این بیشتر نبود .

در گفتار دکتر طه حسین ملاحظه کردم که منزلت خاصی به دو خلیفه (ابوبکر و عمر) قائل است .

گفتم : عمر بر عمل خدا تجرّی کرد و بمعارضه با حضرتش برخاست هنگام وصیتش ایستادگی کرد و در بیماریش چیزهایی بحضرت نسبت داد بخاری از سعید بن جبیر و آن از ابن عباس روایت میکند که او میگوید : روز پنجشنبه

عجیبی بود که در دشت به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم هجوم آورد و در اثنای این قضیه بود که آنها در محضر رسول که جای کشمکش و نزاع نیست (۱) به کشمکش برخاستند و گفتند : بیهوده میگوید (۲) باشدند و رفتند تا آخر حدیث (۳) .

طه حسین گفت : از عمر بعید است که همچو حرفی بزند ، این حدیث نادرست است .

در جواب گفتم : آقای دکتر حدیثی که موافق طبع شماست می پذیرد و اگر خلاف طبع شما باشد رد میکنید و بعدم صحت آن حکم میکنید نمیدانم گفته بخاری را قبول دارید یا اینکه بعدم صحت آن حکم میکنید و به آن استشهاد نمیکند؟ ابن عباس بود که میگفت : الرزیه ، الرزیه میان رسول خدا و آنها چه حائل شد که نگذاشتند این نامه را بنویسد ؟

دکتر در جواب گفت : ابن عباس سخنش حجیت ندارد .

گفتم : شیعه هم نمیگوید که همه روایات ابن عباس صحیح است ، لکن ابن عباس جزء امت است و مراد پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم از نوشتن این نامه خیر و صلاح امتش بود که این نامه را بنویسد و آنها بعد از پیغمبر بگمراهی و ضلالت نیفتند . عمر گفت :

۱- خداوند سبحانه از این کار نهی کرده و فرموده : لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ ، وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ، سوره حجرات آیه ۲۰ .

۲- نگاه کنید النهایه : ابن اثیر ج ۵ ص ۲۴۶ ماده " هجر " هجر بضم فقتار و حرکت زشت . و از آن است حدیث : مرض النبی صلی الله علیه وآله وسلم ما شأنه ا هجر که گوینده اش عمر بود .

۳- نگاه کنید : صحیح بخاری ج ۶ ص ۱۱۱ باب مرض النبی ، امام غزالی

حسبنا کتاب الله (۱) .

میپرسم : آیا عمل بکتاب تنها امکان دارد ؟ آیا سنت بیانگر کتاب نیست خداوند فرموده است : *وانزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهم* ، سوره نمل آیه ۴۴ . و حضرتش صلی الله علیه وآله فرموده : *انّی تارک فیکم الثقلین* کتاب الله و عترتی اهل بیتی و آنها را بفرموده حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفوننی (۲) .

و عترت : مفسر کتاب الله جلّ شأنه است و نسبت هدیان و پریشانگوئی به پیغمبر صلی الله علیه وآله چیزی است که خداوند از آن راضی نیست خداوند سبحانه پیامبر خود را از این نسبتها منزه داشته و فرموده : *وَ مَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْیٌ یُّوحِی سوره ۴ آیه ۵۳* .

در کتاب خود : سرّ العالمین و کشف مافی الدّارین . برگ ششم باب ترتیب خلافت می نویسد : و چون پیغمبر رحلت کرد ، قبل از وفات فرمود : برای من قلم و کاغذ بیاورید تا مشکل کارتان را برطرف کنم و شایسته خلافت را بعد از خود برایتان بازگویم . عمر رضی الله عنه گفت : مرد را ترکش کنید که بیهوده و هدیان میگوید ، مراجعه کنید : فهرست دارالکتب المصریه جلد اول ، بخش تصوف و اخلاق دینی ص ۳۱۶ مجامیع شماره ۱۰۸ که کتاب کنز العلوم : ابن تومرت ضمیمه آن و تاریخ نسخه سال ۱۱۳۳ هجری است .

۱- نگاه کنید : صحیح بخاری ج ۶ ص ۱۱ که از ابن عباس رضی الله عنه نقل میکند که وی میگوید : چون موقع رحلت حضرت رسالت پناهی فرا رسید عده ای از رجال دور و بر آن حضرت نشسته بودند ، حضرت فرمود : بیاورید تا نامه ای بنویسم که بعد از آن گمراه نشوید ، بعضی از آنها گفت : لازم نیست شدت درد پیغمبر را ناراحت کرده و کتاب خدا برای ما کافی است ، اهل خانه چون بشنیدند سر و صدا بلند کردند و باره ای گفتند : بیاورید تا نامه را بنویسد تا بعد گمراه نشوید و بعضی جزاین گفتند و چون پریشانگوئی و اختلاف بطول انجامید حضرت فرمود برخیزید و بروید ، عبد الله میگوید : ابن عباس را دیدم که با تأثر می گفت : *الزّیة کل الزّیة* ، این اثر را سبب چه شد ؟ که اینقدر اختلاف و بیهوده گوئی کردند و کاغذ و قلم نیاوردند تا رسول خدا نامه معهود را بنویسد (۲) حدیث الثقلین متواتر است و روح صحاح و مسانید و کتب و تواریخ کرا را نقل شده است .

سپس نظر دکتر را درباره عثمان پرسیدم ، گفت :

كان عثمان يقاد كالثور!

بعد از ام المؤمنین عائشه سؤال کردم گفت :

یکی از اساتید می‌گفت : اگر دستم بعائشه می‌رسید آنقدر کتک می‌زدم تا

مجبور از خانه نشینی شود زیرا که خدای فرموده : وَقَرَنَ فِي بُيُوتِكِنَّ ، وَلَا

تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ، سوره ۳۳ آیه ۳۳ .

سپس اضافه کرد : چون خبر خلافت امام علی بعائشه رسید گفت :

کاش آسمان بر زمین فرو می‌ریخت و این خبر را نمی‌شنیدم و چون خبر مرگش را

دریافت بسیار شاد و خوشحال شد و باین بیت تمثّل کرده و گفت :

فَأَلَقْتُ عَصَاهَا وَأَسْتَقَرَّ بِهَا النَّوَى كَمَا قَرَّ عَيْنَا بِالْأَيَّامِ الْمُسَافِرِ

بعد از آن مجموعه کتبی را که در قاهره چاپ کرده بودم با کتاب: الأسلام

تألیف استاد و علامه بزرگ شیخ محمد امین زین الدین و کتاب: مصادر نهج

البلاغه و اسانیده تألیف: علامه محقق سید عبد الزهراء خطیب بایشان اهداء

کردم و نام یکایک کتب را بایشان باز گفتم تا بکتاب عبد الله ابن سبا رسیدم و

دکتر از من پرسید : الفتنة الكبرى را مطالعه کرده‌ای ؟ در پاسخ گفتم : خیر

گفت : در قضیه عبد الله بن سبا شما را یاری کرده‌ام و در : الفتنة الكبرى گفته‌ام

عبد الله ابن سبا شخصیت پنداری است که مخالفان شیعه برای طعن بآنها

آنها بوجود آورده‌اند (مافیش حاجة اسمها عبد الله ابن سبا) خوانند موجودی

بنام عبد الله ابن سبا نیافریده‌است .

در جواب گفتم : بلی ، این رأی و نظر از شماست استاد .

اینک ، متن نوشته دکتر طه حسین را از الفتنة الكبرى جلد ۲ ص ۸۸

چاپ دارالمعارف سال ۱۹۵۳ میلادی در این جامی آوریم ، کمترین چیزی که

د در مورد اعراض مؤرخین از موضوع سبئیة وابن السّوداء در جنگ صفین می شود گفت این است که : موضوع سبئیة موضوعی است مجعول و ساختگی ، و تاریخ جعل و اختراع بآن جامی رسد که آتش جدال بین شیعه و سائر فرق اسلامی شعله ور بود .

مخالفان شیعه و تشیع در اینجا با تردستی خواسته اند که باصول این مذهب يك عنصر یهودی وارد کنند و تمام چاره اندیشی ها و طرح ریزی ها را از فکر او بدانند ، اگر قضیة ابن السّوداء اساس درست و تاریخ صحیحی داشت ، طبیعی است که اثر نقشه کشی و طرح ریزی وی در جنگ صفین که يك جنگ پیچیده و طولانی و مفصل بود و همچنین در مسئلة حکومت که مورد اختلاف بین اصحاب و یاران علی و دیگران بود و نیز در تشکیل این حزب جدید که از صلح و آشتی گریزان و کسی را که تمایل بصلح و آشتی داشت و یا مشارکتی در صلح میکرد کافر میدانست آشکار و ظاهر میشد .

با همه این احوال در مسئلة خوارج اثری از ابن السّوداء مشاهده نمی کنیم و چه علتی باین اهمال و سهل انگاری میتوان تصور نمود ؟ یا غیبت ابن سبا را در واقعه صفین و در تشکیل حزب جدید چگونه میتوان توجیه کرد ؟ .

من علت این دو موضوع را در يك چیز میدانم و آن اینست که ابن السّوداء جز وهم و خیال چیز دیگر نیست ، اگر هم بوده آنطور که مؤرخین تصویر میکنند و نقش او را در روزگار خلافت عثمان بزرگ قلمداد میکنند و با کلان نمای قلم خود نقشی سازنده از او در سال اول خلافت علی میآفرینند نبوده و اساساً چیز مهمی نبوده است ! و خلاصه کنم که مخالفان شیعه این شخص را فقط برای کوبیدن خود شیعه ذخیره کرده اند نه خوارج الی آخره .

دکتر طه حسین با وسعت اطلاع و ژرف نگری خاص خود در تاریخ با جرأت و شهامت هرچه بیشتر توانسته است که بگوید: عبد الله ابن سبا شخصی است خیالی و موهوم همانطور که در ملاقات و دیدارم با او صراحتاً بمن گفت و او برای نخستین بار، و اولین کسی است که این قضیه را ذکر کرد مود رکتاب خود الفتنة الکبری ج ۲ ص ۹۸ آورد ما ست *

بعد از انتشار الفتنة الکبری و در اثر آن بود که آقای عسکری تحقیق در این باب را با تفصیل بیشتر آغاز کرد و اثری تحقیقی را عرضه کرد که جلد اول آن بعنوان مقدمه در سال ۱۳۷۵ هجری در نجف الأشرف عراق به چاپ رسید و با اضافه کردن تحقیقات و تعلیقات جدید کتابخانه "النجاح" ضمن انتشارات خود در قاهره بسال ۱۹۶۵ میلادی چاپ و منتشر کرد بعد مؤلف تحقیقات خود را ادامه داد و با تلاش خستگی ناپذیر موضوع را دنبال کرد تا توفیق یافت جلد دوم را نیز تکمیل کند که در سال ۱۹۷۲ میلادی، در طهران بچاپ رسید *

بعد بدکتر گفتم: دکتر حامد کتابی در باره صاحب ابن عبّاد تألیف کرده است و من مایلم جناب استاد مقدمه ای بر این کتاب بنویسند که صاحب ابن عبّاد در نیمه دوم قرن چهارم و جناب استاد بعد از هزار سال پیشوا و رئیس ادبیات عرب هستند، تبسم شیرینی کرد و گفت: کتاب را بیارتا بخوانم کتاب را همراه داشتم و بایشان دادم، تا بخواند و مقدمه ای بنویسد، پس اجازه خواستم و برگشتم *

کتاب "الصاحب ابن عبّاد بعد الف عام" رساله دکترای دکتر حامد بود که بدانشگاه تقدیم داشته و باخذ درجه دکترانائل آمده بود *

پس از چند روز بمنزل دکتر حامد رفتم و از ایشان خواستم تا بدکتر

طه حسین تماس بگیرد و گفتم: شاید دکتر تابحال مقدمه را تمام کرده باشد
دکتر حامد تماس گرفت و برای دیدار مجدد تعیین وقت کرد که در معیست
دکتر حامد راهی منزل ایشان شدیم و چون وارد شدیم سلام کردیم و نشستیم
من سر سخن را باز کرده و سخن را بکتاب مورد نظر کشیدم، گفت:
کتاب فکر و چیز تازه‌ای نداشت، و اگر هم خواسته باشی که مقدمه‌ای
بنویسم همین نکته را یادآور خواهم شد.
نپذیرفتم و گفتم: نمیخواهم و کتاب را گرفته و برگشتم.

* * *

یادداشت‌های خود را با دکتر طه حسین با استاد بزرگ عبدالهادی
مسعود نشان دادم و ایشان لطف کردند و پاره‌ای مطالب را که درباره شخصیت
دکتر طه لازم بود دانسته شود نوشتند و شاید مصلحت باشد که خوانندگان ما
نیز از آن مطلع باشند که ضمن سپاسگزاری از ایشان قسمتی از نوشته‌ایشان را
ذیلاً می‌آوریم:

نوشته‌استاد رضوی را درباره گفت و شنود با دکتر طه حسین خواندم
مطلبی که درباره شخصیت دکتر طه حسین مفید باشد در آن نیافتم چند چیز
از طه حسین نظر مرا جلب کرده است که یکی از آنها مطلبی در کتاب الأیام
است که خواسته است درباره قرآن چیز بنویسد و طعن وارد کند و فرازهایی
از زندگی و حیات او نیز نظرم را بخود معطوف داشته که متأسفم فرصت
اشاره بآنها در این مختصر نیست، دکتر طه در بخش نخست کتاب الأیام
(چاپ چهارم) چاپ انجمن تألیف و ترجمه و نشر مصر سال ۱۹۳۶ ص ۶۹/

۷۱ که از خودش سخن میگوید می‌نویسد : چون او درس خوانده از هر بود علم فرا گرفته الفیه ، جوهره و حزیده را از بر کرده بود ! این کودک چرا خوشحال نشود که می بیند علم یاد میگیرد و بپایه برادرش میرسد از همسالان و رفقایش جلو میزند ، کسب امتیاز میکند ، چرا چون الفیه ، جوهره و حزیده را حفظ کرده است ؟ ! ! راستی چه قدر خوشحال و مغرور شده بود هنگامی که دید از فردای یعنی از روز شنبه ، بایک نسخه از کتاب الفیه ، بمکتب خواهد رفت ! این نسخه با همه کثیفی و کوچکی و پارگی جلدش مقام و مرتبه کودک را بسیار بالا میبرد ! چون با تمام کوچکی و پارگی در نظر کودک باینجاه قرآن از همان قرآنهایی که همسالان او همراه خود بمکتب می‌بردند برابر می‌نمود قرآن که تمامش را این کودک از بر کرده بود و هیچ بهره‌ای از حفظ آن عایدش نشده بود ، در آنجا جوانان بسیار دیگر نیز قرآن را حفظ میکردند ولی کسی بآنان توجه و اعتناء نمی‌کرد ، و مردم برای ایراد خطبه در روز میلاد پیامبر بسراغشان نمی‌رفتند و انتخابشان نمیکردند

أما الفیه ، تو نمیدانی الفیه چیست ؟ خاطرت جمع باشد آخوند حتی يك حرف آنرا از بر نیست ، یقین داشته باش که خلیفه مکتب نیز نمی‌تواند حتی ابیات اول آنرا بخوبی و راحتی بخواند ، الفیه شعراست ولی در قرآن شعر نیست .

راستی کودک از خواندن و شنیدن این بیت :

قَالَ مُحَمَّدٌ هُوَ ابْنُ مَالِكٍ أَحْمَدُ رَبِّي اللَّهُ خَيْرُ مَالِكٍ

چقدر فرحناک و مشعوف می‌شد که نظیر آن وجد و شعف را در برابر

هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن در خود احساس نمیکرد .

گفتار طه حسین در صفحه ۷۱ کتاب الايام ، در این جا بپایان میرسد .

این گفتار دلیل استتار و پنهانکاری او است

میان من و استاد رضوی در پیرامون این کلمات گفتگوئی شد ، استاد رضوی گفت : این گفته‌ی وی دلیل آنست که : دکتر طه حسین بقرآن ایمان ندارد و بدنبال آن افزودم : علی رغم آنچه مدّعی است که مدافع اسلام است ، وی گفتار خود را با کمال دهاء و زرنگی که جزء ساختمان وجودی او است در پوشش و لُفّافه گفته است و این زرنگی از او چیز غریبی نیست ، طه حسین این — عبارات را طوری میگوید که گویا احساسات يك، كودك، است ، ولی باید دقت کرد که وی نظر خود را در کمال آگاهی و در عین حال که يك، نویسنده مشهور و بنام است بیان میکند ، این مقدار کافی است که او این احساسات را از او ان کودکی در گنجینه هوش و حافظه ذخیره کرده و بعدها در این کتاب خود که خود تألیفش میدانند و منتقدین ترجمه احوال این دوره از سنین عمر طه حسین می شمارند که بشهرتش رساند تا بد رجه وزارت آموزش و پرورش که منصب مهمی است نائل آمد و این کتاب بیانگر اصل و فصل و عقیده و نسب و نظر و فکر طه حسین است کتاب الایام تاکنون چهار بار بیچاپ رسیده و این گفتار همچنان در همه چاپها باقی است و او نخواسته که در آن تغییری دهد یا اصلاحی بعمل آورد و کسی ملتفت نشده که وی در این عبارات مستقیماً به قرآن تاخته است و این در کشور ما (مصر) جای دریغ و افسوس است

این لغزشها از مکنون ضمیر گوینده آن حکایت می کند از ضمیر کسی که از قرآن دلخوش نیست و میخواهد منزلت قرآن را تنزل دهد و این کاری است نابخشودنی گرچه در باره اسلام هم تألیفاتی کرده باشند ، زیرا که جرجی زیدان هم در قالب داستان اسلامی دهها کتاب نوشت ، که همه آنها پراز وارونه گوئی در باره تاریخ اسلام و عقائد اسلامی بود .

این قبیل نویسندگان بامحکم کاری ماهرانه اهداف خود را طوری پنهان میکنند که برعکس مخفی باشد و این امری است که باید متوجه آن بوده و انظار را هم متوجه کنیم .

از اموری که در شخصیت طه حسین میتوان بآن اشاره کرد یکی هم این است که : طه حسین در کتاب الشعر الجاهلی، باسلام خرده گرفت و در آن موقع ازهر را علیه خود بشورانید ، جز اینکه روزنامه‌ها به دعوی آزادی افکار و عقائد بیاری او برخاستند و از او جانبداری کرده و افکار را گمراه نمودند لازم است ماهیت روزنامه‌هایی که بطرفداری از طه حسین بداعیه دفاع از آزادی عقیده و قلم برخاستند دانسته شود .

متن گفته‌ی وی و جوابیه‌ای که دانشمندان داده‌اند در آثار ومؤلّفات عدیده موجود است که برخی از آنها چاپ ومنتشر شده‌است ، اینها و اتباع و پیروان شان فکر حمله و تاخت بر اسلام و قرآن را پی ریزی کردند و مخالفان اسلام و قرآن را یاری نمودند تلاش بزرگی آغاز کردند که خود شان را بشهرت رسانند تا در سایه این شهرت بتوانند بتخریب اسلام و عقائد اسلامی و تفرقه انداختن در صفوف مسلمین بهر طریق که امکان پذیر شود بکوشند .

و شاید خوشحالی و فرح بیش از اندازه طه حسین بخواندن القیه ابن مالک ، خوشحالی‌ای که خودش میگوید : از خواندن هیچ سوره‌ای از قرآن باو دست نمیداده ، منشاء خوشحالی و شعف باعضای روزنامه‌های مصری نیز در آن زمان می بوده و آنها هم در پی ریزی اساس این فکرشريك . و سهیم بوده و در يك خط متوازی و دوشادوش هم بجنگ اسلام بسیج میشده‌اند چون که کفار همیشه باشمشیر بجنگ اسلام نرفته‌اند بلکه اغلب باحریه کتاب و مجله و مطبوعات که ترویج و اشاعه الحاد و فجور و انحراف از جان و دل کومک

می کرده‌اند در هر زمان و روزگاری بمحاربهٔ اسلام رفته‌اند . . .

گذشته از اینها نخستین دکترائی که دانشکدهٔ ادبیات زیر نظر دکتر طه حسین بیک فارغ التحصیل داده اسرائیل و فلسطین است که هم اکنون رئیس دانشگاه هاداسای تل‌آویو است که کتاب القبائل اليهودیة فی البلاد العربیة را بعنوان رسالهٔ دکترانوشته و بدانشکدهٔ ادبیات داده بود ، و دانشکده هم بخاطر نوشتن این کتاب درجهٔ دکترابنا مبرده اعطا کرد ! ! .

دکتر طه همان طوری که معروف است بایک خانم فرانسوی بنام سوزان ازدواج کرده .

و دکترای خود را از دانشگاه سوربن فرانسه گرفته است .

مدیر و سردبیر و رئیس هیئت تحریریهٔ مجلهٔ الکاتب المصری است که مهاجرین یهودی در مصر از بدو انتشار آن در مصر چاپ و منتشر میکنند .

عده‌ای از اساتید خارجی را که بعضی شان یهودی بودند و همگی با اسلام سرچنگ داشتند یا در اصالت اسلام شک داشتند در دانشکدهٔ ادبیات استخدام کرد .

هم‌او بود که مقرر کرد یک خاخام یهودی بنام حاییم ناحوم افندی را در مجمع لغوی مصر عضویت پذیرفتند ، تا آزادانه کارهای صاحب نظران ، و لغت شناسان را زیر نظر بگیرد و در پاره‌ای موارد که تحقیق و زحمت نمیخواست و هیچگونه فائدهٔ علمی در برداشت برای خود وجهه‌ای کسب کند ! ! .

و وقتی بهممه آنچه گفته شد اضافه کنم که پدرش بجنوب قاهره از شهر نامعلومی از مغرب آمده و در نظر بگیریم که شغل پدرش قیانداری یک شرکت پخش و فروش شکر متعلق بیهودیه بوده ، آنگاه لازم می‌آید در مورد رهبران فکری و اجتماعی خود کمی دقیق باشیم و هویت و نسب رجالی را که زمامدار

امور کشور ما هستند روشن نمائیم تا ماهیتشان معلوم شود و نتوانند در داخل کشور خرابکاری کنند که سیاست و خطّ مشی یهود همانطور که در کتابهایشان نیز مسطور است همین راه یافتن بمجامع علمی و اقتصادی و سیاسی و سپس خرابکاری است ، این نسب شناسی و پی بردن به هویت همچو اشخاصی را دین بمافرض و واجب کرده است که از آن غفلت کرده ایم ، کما اینکه از بسیاری از موارد گرانبهای خود نیز غافل بوده ایم .

قاهره — ۱۹ / ۹ / ۱۹۷۴ م

عبدالهادی مسعود



گفت و شنود با :

استاد محمد عبدالغنی حسن

مدیر مؤسسه المطبوعات الحديثه در قاهره

مهمترین آثار قلمی او : الخطب والمواظ ، التراجم والتسیر ، الشریف الرضی ، حسن العطار وابن الرومی .
 آشنائی با او : بسال ۱۹۶۱ میلادی در قاهره با وی آشنا شدم .
 صاحب آثار پر ارزش ادبی و فرهنگی در سطحی عالی است .
 در مبحث " غدیر " که مهمترین موضوع عقیدتی است ، همواره با نظم و نثر و نوشته های خود شیعه امامیه رایاری میدهد .

* * *

باشیخ محمد عبدالمنعم خفاجی استاد دانشکده زبان عربی دانشگاه ازهر بقصد دیدار استاد بمؤسسه " المطبوعات الحديثه " رفتیم ، به گرمی ما را پذیرفت و چائی آماده کرد ، گفتگو از کتاب و مطبوعات بعیان آمد ، از استاد درباره " دائرة المعارف تاریخی " الغدیر " اثر جاوید علامه نامدار شیخ عبدالحسین احمد امینی نظر خواهی کردم و گفتم :

استاد نظر سرکار در مورد کتاب الغدیر چیست ؟

گفت : الغدیر ، دائرة المعارف بزرگ اسلامی است الا اینکه بعضی چیزها در آن هست .

پرسیدم که آنها چیست ؟

پاسخ داد : آقای امینی ، چهل عمر خنیفه دوم را در سر صفحه -

۱۰۰ ————— بامردان اندیشه در قاهره

عنوان نوشته خود قرار داده است که این عنوان باین شکل ضرورت نداشت زیرا که آنرا در متن هم ذکر کرده بود .

بابشان گفتم : بنظر شما کار بدی کرده ؟ و آیا آنچه آقای امینی — نوشته در کتابهای شما وجود ندارد ؟

گفت : عدیث راطعن نمیکم ، ولی در عین حال خوش ندارم همچو عنوانی در سر صفحه قرار گیرد !

گفتم : برعکس شما من هیچ مانعی نمی بینم ، اهل تحقیق باید در نوشته های خود صریح و بی نظر باشد .

استاد محمد عبد الغنی تقریظی بر کتاب الغدیر نوشته که در صفحات نخستین جلد اول ، چاپ شده است وی در این تقریظ با شعرونشر موضوع کتاب رامی ستاید و ارزش شایان علمی و تاریخی آن را بسبکی که ویژه خود او است توأم با اعجاب و تقدیر فراوان تذکار میدهد .

زیر سایه غدیر

در این عنوان اثر و نشانه ای از روح شاعرانه ، یا گرایش بجاز به های خیال دور پرواز ، یا تمایلی به ابراز آنچه در خاطر خسته و دردمند میگردد با تعبیراتی غریب و شگفت آور نیست . . .

بل ، بیان حقیقتی است روشن ، از آنچه که خواننده " الغدیر " آنگاه که کتاب را بمطالعه میگیرد بزیر سایه آرامبخش آن پناه میبرد و در آنجا آسایش و آرامش اطمینان و حلاوت و شیرینی آرام و قرار رامی یابد همچون مرد از ره رسیده

* غدیر : آبگیر ، تالاب جای جمع شدن آب سیل و باران در بیابان —
ر.ك : فرهنگ فارسی : محمد معین

و خسته‌ای که پس از تحمل زحمت و رنج مسافرت به بیابانی پهناور و پراز بیراهه به آبادی سرسبز رسیده و در سایه درختان آن از قرار و آرام خاطر و سلامت منزل و راحتی جایگاه بهره ور شود .

در این سخن به افسونگریهای خیال‌گرایی نخواهم داشت و در گفتن آن در فضای تصوّرات بی‌پی و بنیان که فکر و قلم را برگردش و چرخش در می‌آورند پسرواز نخواهم کرد ، لکن من از این " غدیر " گذرگاهی برای اندیشه خواهم ساخت و در صفحات آن که سرشار از بحث و پژوهش و تحقیق و آکندماز فکر و اندیشه است بدقت نظر خواهم انداخت تا مروریدهای ناب و گرانبه‌ای که ثمره این جستجو و مطالعه و دقت نظر در مباحث گوناگون آن است استخراج کنم .

من در این وقوف و تأمل در کرانه‌های این غدیر بآن عرب بادیه نشین می‌انم که حیران و مشتاق بر کنار آثار برجای مانده از دیاری کهن که گذشت طولانی قرون و اعصار هنوز آنها را ازین نبرده است بایستد .
مجلّد نخست " الغدیر " از آنچنان آراستگی و پیراستگی برخوردار بود که پنداشتم کوشش مؤلف در آن بنهایت خود رسیده و در صفحات بلحاظ شماره مطابقت با روزهای سال شمسی داشت که از این حیث نیز بیان مطلب بمنتهای کمال خود رسیده است .

علامه پرتلاش و سخت‌کوش و گرانقدر استاد عبدالحسین امینی راهمان کافی بود که بحث " حدیث غدیر " را در یک یاد و سه جلد بی‌پایان بردودر آن سه مجلد درباره " روایات " حدیث غدیر " از اصحاب پیغمبر (ص) ، و تابعان و طبقات روایات از علما تا عصر و زمان ما و احتجاج بحدیث و تحقیق

سند و دلالت آن بتأکید مقام ولایت امام علی — کرم الله وجهه — چه از راه استناد به الفاظ حدیث که پیامبر (ص) در حضور و مسمع و مرآی یاران خود بر زبان آورد ، و چه از آیات قرآن که همراه با حدیث نازل شده است بخوبی با تمام برساند .

آری ، علامه امینی را هنگامی را که بحث غدیر — غدیر خم — را احتجاج میکرد و هنگام تحقیق در روایت و سند آن ، این مقدار کافی بود .
 لکن وی در بحث " غدیر " از این فراتر رفته و تحقیق و پژوهش را به هنگام تألیف از آنچه سایر محققان و مؤلفان معمول میدانند آن سوی تربوده است .
 امینی بزرگ و بزرگوار ، در بحث و تحقیق خود از کوره راههای صعب العبوری گذر کرده است که هر راهی نیز بشاخه های دیگری و بادشواریهایی و مشکلات دیگری همراه بوده است ، و این عبور از راههای پریچ و خموی را در ادامه راه ثابت قدم تر و ساختار میکرده است ، مانند ماه در چهاردهمین شب خود که هر چه بیشتر در آن نزار کنی تلاء و حلو و جلال آن افزونتر میشود آنچه از " الغدیر " تا بحال بنظر رسیده نه جلد بزرگ است که تعداد صفحاتش بچندین هزار بالغ میشود . و این کتاب مدام در انتظار بردباری و تلاش و کوشش علامه " عبدالحسین " در پژوهش و تحقیق است تا به هدفی که مؤلف آن در مد نظر دارد برسد و این اثر ارزنده آن چنانکه خدا و علم صحیح و وجدان پاک از آن راضی و خشنود باشند بپایان رسد .
 علامه امینی بادلای سرشار از دوستی امام علی و شیعیان او تمام وجود و نور چشمان خود را فدای میکند تا بدان وسیله بسوی خاندان بزرگ

علوی راهی پیدا کند ۰۰۰ و در این کار بندای مذمبی که پای بند به آن است لبیک اجابت میگوید ۰۰۰ زیرا که عشق آنچنان رشته محکم برگردن عاشق می افکند که دیگر جای هیچگونه واکنش و اعتراضی باقی نمی ماند . ولی حقیقتی که نباید کتمان کرد این است که علامه استاد : "عبد الحسین امینی "عاشق افراطی و دوستدار متعصب و پیرو هوای نفس نیست بل ، دانشوری است که علم خود را در خدمت عشق و دوستی خود بعلی و شیعیان وی قرار داده است و پژوهشگری است که امانت علم و بی غرض بودن در بحث و تحقیق را اعتباری بالاتر از عواطف و احساسات قائل شده است .

و دوستدار و عاشق را که دوست می دارد و عشق می ورزد و در - عشق و دوستداری افراط و زیاده روی میکند و بسختی و تعب می افتد نمی شود سرزنش و ملامت کرد .

جای ملامت آنگاه است که انگیزه های عشق و دوستی عاشق را از جاده حق و راه درست دور کند و به بیراهه بکشد ۰۰۰ و استاد گرانقدر ما هرگز این چنین نبوده است . بل . مدام حق را در نظر میداشته و آن میخواست که پرده از رخسار زیبای حقیقت برگیرد و بی هیچ حجاب و حایلی بانفس حق رویارو شود .

در مجلد اول " الغدير " از روایات حدیث " غدير " از اصحاب پیامبر رضی الله عنهم - سخن بمیان می آید که مؤلف بطریق حروف تهجی در

۱۰۴ ————— بامردان اندیشه در قاهره

بارهٔ آنان بی‌بحث و تحقیق پرداخته است که شمارهٔ آنان یکصد و ده تن از —
اجلهٔ یاران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌رسد که از ابوهریره آغاز و
به : ابومرازم یعلی بن مرّه بن وهب ثقی انجام می‌یابد .
مؤلف در اینجا ، تنها بذکر نام روایات صحابه اکتفا نمی‌کند بل از
کتابهایی که در آن ها این حدیث با اسناد بصحابی مورد نظر آمده است نامی
بمیان می‌آورد و باین نیز بسنده نمی‌کند ، بل بذکر کدامین جلد کتاب و شمارهٔ
صفحات دقیقاً می‌پردازد .

و اینجا آنکس که در "الغدير" به تورق پرداخته است بسیلی خروشان
بل دریائی پربرکت از کتابهایی همچون : أسد الغابة ، الاصابة ، تهذيب
التهذيب ، البداية والنهاية : ابن کثیر ، الاستيعاب ، تاريخ بغداد :
خطیب ، تهذيب الکمال ، تاريخ الخلفاء : سیوطی نخب المناقب مسند
احمد ، سنن ابن ماجه و دهها کتاب حدیث و تفسیر و تاریخ که در آنها
روایات حدیث از صحابه ، حدیث "غدير" را روایت کرده‌اند .

هنگامیکه مؤلف از ذکر طبقات روایات از صحابه فراغت یافته به روایان
تابعین سپس به ترتیب بعلماء حدیث و از آنان هم بر حسب تاریخ وفات قرن
بقرن ، پرداخته که از : ابن دینار جمعی شروع و با علماء معاصر که حدیث
"غدير" را روایت کرده اند خاتمه می‌یابد .

و چون واقعهٔ "غديرخم" از حقائق مسلمۀ ای است که جدل‌پذیر
نیست و حدیث آن — حدیث غدير — هم از جمله احادیثی است که امت
اسلامی از : شیعه و سنی در آن اجماع دارند ، استناد و احتجاج بآن در
بین یاران پیغمبر و تابعان ایشان نیز صورت گرفته است .

استاد محمد عبد الغنی حسن ————— ۱۰۵

ولذا علامه "عبدالحسین" فصلی را بهمین احتجاجات اختصاص داده است .

از جمله کسانی که باین حدیث احتجاج کرده عبارتند از : حضرت فاطمه دختر پیامبر ، و امام حسن و امام حسین ، و عبد الله بن جعفر و عمر ابن عبدالعزیز ، و مأمون خلیفه عباسی .

و چون حدیث "غدير" از لحاظ صحت و تواتر و قوت سند بدرجه ای است که نیازی باثبات و تأیید ندارد ، مؤلف بزرگوار ، نیازی نداشته که فصلی را بصحت اسناد حدیث مختص کند زیرا در آن دهان درست نخواهد بود برای روز بودن روز دلیلی آورده شود که : آفتاب آمد دلیل آفتاب — ولی مؤلف در روش علمی خود بر روش درست و راه راست رفته و در ص ۲۶۶ (جلد اول ، چاپ نجف) صفحات بعدی سخنان روایت و حفاظ را در پیرامون سند این حدیث آورده است .

مثلاً "ترمذی" در کتاب "صحیح" خود گفته است : "این حدیث نیکو و صحیح است" .

"حافظ ابن عبدالبر قرطبی" پس از ذکر حدیث "مواخات — برادری" و دو حدیث "رایت" و "غدير" میگوید : همه اینها آثار و روایات ثابت و استوار است "همینطور در این فصل بحث را دوام میبخشد تا همه سخنان حفاظ در مورد سند حدیث "غدير" بیایان خود میرسد .

و علی رغم اینکه صحت حدیث "غدير" اجماعی است ، باز بعضی از رجال مسلمین نظری نسبت بآن ابراز داشته اند که خلاف اجماع به نظر

۱۰۶ ————— با مردان اندیشه در قاهره

میآید ۰۰۰۰ و در این جا است که صاحب کتاب "الغدير" در چهره يك ده ستار صادق خشمگين ظاهر ميشود ۰۰۰۰

خشمگين بر مخالفين خود ، كه آنان را بداوري و محاکمه می كشد تاجائی كه فسلای كوينده و سختگیرانه به "ابن حزم اندلسی" اختصاص میدهد كه پيرامون صحت اين حديث باب شك و تردید را گشوده است .

و اگر كتاب "الغدير" احتجاجی برای حديث "غدير خم" و تأييدى برای صحت آن و تبیانی برای روات و طرق روايت آن در طول قرون و اعصار و اثباتی بر آنچه از معنی ولایت و امامت بر امام علی مستفاد ميشود ، در ادای اين مقصود کافی بود ولی علامه استاد "عبدالحسين امينی" خواستماست كه از "الغدير" دریائی موج و جوشان بسازد و آنرا بصورت دائرة المعارف بزرگی درآورد كه پيرامون كلمات ظاهره پیغمبر - صلى الله عليه وآله وسلم - درباره امام علی - كرم الله وجهه - بحث میکند .

بعد ، مؤلف ، بذکر شاعرانی پرداخته است كه ضمن قصائد خود از "غدير" یاد کرده ، و اشعار خود را با اين یاد معطر و بویا ساخته اند - مؤلف پرتلاش و خستگی ناپذیر ما از زمان حضرت رسول صلوات الله عليه ببعده قرن بقرن با اين شاعران در موکب شكوه مندی مصاحب و همراه بوده است .

وی شاعران "غدير" را در هر قونی با ذکر غديره هايشان در كتاب نام برده و باين نیز اکتفاء نکرده و شرح حال هر شاعر را بصورتی نوشته كه هيچ محقق یا تاريخ نویسی یا ادیبی از دانستن آنها بی نیاز نتواند بود .

استاد محمد عبدالغنی حسن ۱۰۷

باز ، باین هم بسنده نکرده و از منابع متعدّدی که در مورد این شاعر مطلبی نوشته اند ذکری بمیان آورده است .

خواننده از این منابع و مراجع بگنجینه‌ای از کتابشناسی که برای محققین دسترسی به آنها کمتر میسر تواند بود دست می یابد .

من در تقدیر و اراج گزاری باین زندگی نامه‌ها را بمبالغه نپیموده‌ام از باب نمونه شرح حال "کمیت" از شاعران "غذیر" در قرن دوم هجری - حدود سی صفحه از مجلد دوم کتاب رافرا گرفته که خیلی بجا است ، برای تحقیق در باره "کمیت" کتاب مستقل و جداگانه ای باشد زندگی نامه سید حمیری شاعر ، در همین جلد دوم بالغ بر شصت صفحه است که همه گفتنی‌ها را در باره آن شاعر در بردارد و او در چهارچوبه ای که خاص او است در میان شاعران معاصری قرار میدهد .

و شرح حال "ابن الرومی" در جلد سوم "الغذیر" بیست و شش صفحه است ، بحث در باره دیگر شاعران نیز بر همین منوال است .

شرح و تفصیل زندگی نامه‌ها ، تعداد و زیادی صفحات نظر مرا جلب نکرده است ، بل ، آنچه که بیشتر جالب توجه است بردباری ، و حوصله عجیبی است که مؤلف در نوشتن زندگینامه شاعران از خود بخرج داده است .

مثلاً علامه جلیل و بزرگوار مادر نوشتن شرح حال "ابن الرومی" بدها کتاب قدیم و جدید رجوع کرده و اخبار و نوادر مربوط وی را از منابعی بدست آورده که اغلب مردم از وجود آنها اطلاعی ندارند و میشود

گفت: کتابی که ذکرى از "ابن الرومى" بخير يا بشر بعيان آورده از وفوت نشده است حتى مجله "الهدى" منتشره در عراق و كتاب "استاد عباس محمود العقاد".

حالا كه ذكرى از مراجع و مآخذ بعيان آمده است ، دلم ميخواهد كه به حق اين سخن را گفته باشم كه مؤلف گرانقدر "الغدير" در اين باب احاطه و وسعت اطلاع را بجائى رسانده كه اين موهبت جزيكسى كه خداوند توانائى و صبر و حسن اطلاع را در دسترسى بمصادر روزى اوكرده باشد داده نشده است .

مثلاً آنجا كه در جلد دوم "الغدير" هنگام نوشتن شرح حال ابو تمام "شاعر ، از كسانى نام ميبرد كه : "ديوان حماسه" او را شرح کرده اند كه شماره آنها به بيست و هفت تن ميرسد كه نخستين آنها "ابو عبد الله محمد بن القاسم" و آخرين ايشان "شيخ سيد بن على مرصفي" از رجال ادب معاصر است . و هنگامي كه مؤلفان اخبار "ابو تمام" و ترجمه او را شرح ميدهد ، از دههاتن نام به ميان مي آورد كه از : ابو الفضل احمد ابن طاهر از نويسندگان قرن سوم آغاز و به دكتور عمر فروخ پايان مي يابد .

اين است : "الغدير" درنگاهى عجلولانه و گذرا و اگر مشغله روزگار و گرفتاري حوادث فرصت و مجال مي داد ، دلم ميخواست كه مطالعه در آن را طولاني کرده و دقيقتر در آن بنگرم . ولي جاي آن دارد علامه بزرگ و بزرگوار ما "استاد عبدالحسين احمد اميني" دوست سني مصري خود را براي تصور و كوتاهي در آنچه كه ضيق وقت موجب آن بوده است ببخشد .

استاد محمد عبدالغنی حسن ————— ۱۰۹

از خدا می‌خواهم که : این غدیر (آبگیر) صاف وزلال را وسیلهٔ صفای
اخوت اسلامی بین سنی و شیعه قرار دهد ، تا آن چنان شود که بصورت
جماعتی متحد و بنیانی استوار و محکم در آیند و به زندگی آزاد و برخوردار
از مجد و عظمت و کرامت که اسلام با آن بقوت و شرکت برسد و به جایگاه و
مقام والا و رفیع خود در جهان دست یابد .

محمد عبدالغنی حسن

قاهره : ۲ ربیع الاول ۱۳۷۷

۲۵ نوامبر ۱۹۵۲

گفت و شنود با :

شیخ محمد محمود حجازی

از علی، الزهر

ولادت او: در دهکده کفر الحمام از بخشهای شهرزقازیق به سال ۱۹۱۶ دیده بدنیا گشود *

تحصیلات او: تحصیلات خود را در مرکز دینی شهرزقازیق فرا گرفت و بسال ۱۹۴۲ از دانشکده اصول الدین در ازهر شریف فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۶۸ دریافت درجه دکترا نائل آمد *

سمتهای او: مدیر انجمن دینی منصوره است و به تدریس در بخش— تفسیر دانشکده اصول الدین اشتغال دارد *

مهمترین آثار او: التفسیر الواضح درسه مجلده مکراً بچاپ رسیده و کتاب: الوحدة الموضوعية للقرآن الکریم و تألیفات دیگر *

آشنائی با وی: بسال ۱۹۶۵ با وی آشنائی پیدا کردم * از علماء و دانشمندان ازهر شریف و از رجال زبردست و میرز تفسیر است *

در موضوع خلافت با وی به بحث پرداختم و احساس نرمش و حسن تفاهم کردم در مورد متعه و جواز آن نیز گفتگو نمودم چیزیکه مانع از قبول و اعتراف وی باشد در وی ندیدم *

کتاب التفسیر الواضح وی تفسیری است که بقلم روان و ساده و همه فهم نوشته شده و برای عاشقان قرآن کریم ارمنان ارجمندی است .
آشنائی با این استاد در کتابخانه برادر محترم محمود الزناری واقع در ارض شریف در نزدیکی چاپخانه سابق السنة المحمدية دست داد و بارها در دفتر شیخ الأزهر با وی دیدار داشته و در موضوع خلافت و امامت بعقیده شیعه امامیه و شایستگی و اولویت امیرالمؤمنین علیه السلام بخلافت و اینکه از طرف خداوند عزوجل در غدیر خم (۱) با امامت و خلافت نصب شده بحث و گفتگو کرده ام ، مسئله امامت و خلافت امام امیرالمؤمنین علیه السلام را حسن ابن ثابت بدین نحو در این ابیات توصیف کرده است :

ینادیهم یوم الغدیر نبیهم	بخم واسمع بالرسول منادیاً
وقال فمن مولاکم و ولیکم	فقالوا ولم یبدوا هناك التعامیاً
الهک مولانا وانت ولینا	ولن تجدن منا لك الیوم عاصیاً
فقال له قم یا علی فاننی	رضیتک من بعدی اماماً و هادیاً
فمن کنت مولاہ فهذا ولیہ	فکونوا له انصار صدق موالیاً
هناک دعا اللہم وال ولیہ	وکن للذی عادى علیاً معادیاً

پیامبر پس از شنیدن ابیات فرمود : هماره مؤید بروح القدس باشی
ای حسان ما دام که بازبان خود مارا یار باشی .

ابو تمام طائی ضمن قصیده ای میگوید :

و یوم الغدیر استوضح الحق اهلہ	بضحاء ما فیہا حجاب ولا ستر
عدّ بضیعہ و یعلم انه	ولی و مولاکم فهل لکم خبر
فکان له جہر باثبات حقہ	وکان لهم فی بزہم جہر

باز : میگوید رحمه الله تعالی :

و یوم الدوح دوح غدیر خم ابان له الخلافة لو اطيعا
ولکن الرجال تبایعوها فلم آر مثلها خطیراً مبیعاً
ولم آر مثل ذاک الیوم یوماً ولم آر مثله حقاً اُضیعاً

بعد ، باستاد گفتم : خداوند متعال علی را در کتاب عزیز خود ، خود
و نفس رسول اکرم (ص) قرار داده است و این قضیه هنگامی روی داد که وفد
نصارای نجران خدمت رسول اکرم (ص) برای مباحله آمدند ، خداوند فرمود :
قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۱) و امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از
اهل بیت است که خداوند پلیدیها را از آن ها دور و طاهر و مطهرشان فرموده
است ، علی خود و نفس پیامبر است بنص آیه مباحله که گذشت .

آلوسی در تفسیر آیه کریمه : إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً میگوید : صحیحاً وارد شده که عموم اهل بیت در این
جا مراد نیست ، و ترمذی و حاکم آنرا نقل کرده و گفته اند که : مقصود عموم اهل بیت
نیست ، ابن جریر ، ابن المنذر ، ابن مردویه و بیهقی در سنن خود از ام
سلمه رضی الله عنها از طرق گوناگون روایت میکنند که ام سلمه میگوید : آیه انما
یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت در خانه من نازل شد و در خانه
فاطمه ، علی ، حسن و حسین حاضر بودند ، سپس رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم با کسائی که داشت پوشانید سپس فرمود : اینها اهل بیت منند
خدا یا پلیدی را از آنها بزدای و آنها را مطهر و پاکیزه گردان .

در بعضی روایات آمده است که او علیه الصلوة والسلام دست خود را از کساء در آورد و دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت: بار خدا یا اینها اهل بیت و مخصوصان منند، رحمت و پلیدی را از آنان بزدای و طاهر و پاکیزه شان فرمای و سه بار تکرار کرد.

در بعضی دیگر وارد شده که او علیه الصلوة والسلام، کساء روی آنها انداخت بطوریکه زیر کساء قرار گرفتند. بعد دست خود را روی آنها گذاشت و گفت: خدا یا اینان اهل بیت منند (بلفظ آل محمد هم آمده است) پس رحمت و برکات خود را بآل محمد فرو فرست همانطور که بآل ابراهیم نیز فرو فرستادی، انک حمید مجید.

در روایت دیگری که طبرانی از ام سلمه نقل کرده است آمده است که او میگوید: من نیز کساء را برداشتم تا خود را در جمع آنها وارد کنم که پیامبر اکرم (ص) آنها را از دست من کشید و فرمود: انک علی خیر؛ تو در خیر هستی و در روایت دیگری که ابن مردویه از ام سلمه نقل میکند آمده است که وی گفت آیا من از اهل بیت نیستم؟ پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: انک الی خیر، انک من ازواج النبی صلی الله علیه وآله وسلم؛ تو در خیر و خوبی هستی، ای ام سلمه و تواز همسران پیغمبری.

در آخرین روایت، ترمذی و گروهی از عمرین ابی سلمه ربیب پیغمبر علیه الصلوة والسلام نقل میکند که وی میگوید:

ام سلمه گفت: یانبی الله من هم با آنها هستم فرمود: تو بر جای خود باش، تو بر خیر و خوبی هستی.

اخبار وارد کردن پیغمبر صلی الله تعالی علیه و سلم علی و فاطمة و دو فرزندش را رضی الله تعالی عنهم بزیر کساء و فرمایش آن حضرت علیه

الصَّلوة والسلام که : اینها اهل بیت منند و دعاء حضرتش بآنها وارد نکردن ام سلمه را افزون از شمار است ، و این روایات مَخْصَصِ عمومیت اهل البیت است ، بیت بهر معنی گرفته شود .

بنا بر این مراد از آنها کسانی است که زیر کساء باشند و همسران پیغمبر صلی الله تعالی علیه وسلم داخل اهل بیت نیست ، در اینجا آنچه آلوسی در تفسیر خود جلد ۷ ص ۴۴ - ۴۵ چاپ مطبعه امیریه سال ۱۳۰۱ هجری نقل کرده بود بآنها رسید .

و چون بآخر این حدیث بانصوص قاطع و غیر قابل ردّی که در باره اش وارد شده است رسیدم ، دیگر استاد را مجال جواب و ردّ نماند . پس از نقل اینها با استاد حجازی، مطبوعاتی را که در قاهره چاپ و انتشار داده بودم بایشان اهداء کردم (۱) .

§ § § § § § § §



گفت و شنود با :

استاد خالد محمد خالد

از علی، الأرمسر

خالد محمد خالد

ولادت او : در دهی از استان شرقی " محافظة الشرقيّه " سال ۱۹۲۰ میلادی چشم بجهان گشود .

در سال ۱۹۴۲ نیز در وزارت فرهنگ اشتغال داشت در الأزهر تحصیل کرده و فارغ التحصیل آنجا است .

بعد از فارغ التحصیل شدن از ازهر شریف وقت خود را با تألیف — می گذراند .

آثار قلمی او : تألیفات اسلامی او متجاوز از پنجاه جلد است که بعنوان نمونه آثار زیر را نام می بریم :

من هنانبدأ ، رجالٌ حول الرسول ، ابنا الرسول فی كربلاء ، لا تحرثوا فی البحر ، كما تحدّث القرآن ، كما تحدّث الرسول ، افکار فی القمّة ، الدّین فی خدمة الشعب و آثار و کتب با ارزش دیگر .

آشنائی باوی : در قاهره بسال ۱۹۶۵م با او آشنا شدم .
 از نویسندگان و اندیشمندان بزرگ و صاحب نظر است .
 امتیاز او : امتیازش این است که منصف است ، در نظر دارد دایرة
 المعارفی که شامل عقائد ، تاریخ ، فقه ، فرهنگ امامیه باشد تدوین کند که
 سهل الفهم باشد .

ایشانرا بیشتر در مکتبه خانجی میدیدم ، گفت و شنودی بسیار باوی
 داشتم که گاه ناچار از اظهار نظر میشدم و نظر خود را میگفتم و ایشان نظر
 میخواستم .

در کتابخانه دارالکتب الحدیثه ، گفتگویی با ایشان داشتم پیرامون
 امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و غصب حق او ، و اینکه چقدر مورد ستم و
 اذیت و آزار قرار گرفت ، با اینکه این همه نص و حدیث در باره او از ناحیه
 رسول اکرم (ص) مخصوصاً در غدیر خم و در حجة الوداع وارد شده که علی بعد از
 پیغمبر معیناً وصی و مولی و خلیفه است .

گفتم : حاکم با سند خود از ابوطیفیل و آن از زید بن ارقم رضی الله عنه
 روایت میکند که وی گفت : چون پیغمبر (ص) از حجة الوداع برگشت و در منزل
 غدیر خم فرود آمد (۱) امرو فرمود برایش منبری ترتیب دادند که در بالای آن
 خطاب بجمعیّت فرمود : کأنتی قد دعیت فاجبت انّی ترکت فیکم الثقلین
 احدهما اکبر من الاخر کتاب الله و عترتی فانظروا کیف تخلفونی فیهما فانّهما

۱- غدیر خم : محلی است بین مکه و مدینه نزدیک جحفه (ها مش المستدرک) .

لن یفترقا حتّٰی یرد علیّ الحوض ، سپس فرمود : اِنَّ اللّٰهَ عزّوجلّ مولای وانا مولا کُلّ مؤمن ، بعد دست علی را گرفت و فرمود : من کنت مولاہ فہذا ولیّ اللّٰہم وال من والاہ وعاد من عاداہ ، و حدیث را بہ تفصیل آورده و میگوید : این حدیث صحیح است کہ شیخین خود نیز آن را قبول دارند و باینکہ طولانی است — چیزی از آن کم نکرده اند (۱)

فخر رازی در تفسیر آیه : يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲) می نویسد :

دہم : این آیه در فضل علیّ ابن ابی طالب نازل شدہ است و چون این آیه نازل شدہ ، دست علی را گرفت و فرمود : من کنت مولاہ فعلیّ مولاہ اللّٰہم وال من والاہ وعاد من عاداہ ، عمر رضی اللّٰہ عنہ علی را دید و گفت : گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب کہ مولای من و مولای ہرموہ من و مؤمنہ شدی و این قول ابن عباس و برای ابن عازب و محمد ابن علی است .

عائشہ بنت سعد میگوید : از پدرم شنیدم کہ گفت : از پیغمبر شنیدم کہ : روز جمعہ دست علی را گرفت و بلند کرد و فرمود : ہذا ولیّی و یوّدی عنّی دینی و انا موالی من والاہ و معادی من عاداہ (۳)

زید بن ارقم رضی اللّٰہ عنہ میگوید : در حضور رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ و سلّم خارج شدیم تا بغدادیر خم رسیدیم فرمود : از رفتن باز ایستیم و توقّف

- ۱- حاکم در: المستدرک علی الصحیحین ، جلد ۳ ص ۱۰۹ و نسائی در: الخصائص العلویة ص ۲۱ با اندک اختلافی در عبارت نقل کرده اند .
- ۲- نگاه کنید : تفسیر کبیر فخر رازی جلد ۲ ص ۴۸ ، ۴۹ چاپ عصر
- ۳- نگاه کنید : الخصائص العلویة ، نسائی ص ۴ .

کنیم ، روزی بود بی نهایت گرم ، که روزی بگرمی آن ندیده بودیم ، سپس خدا را حمد و ثناء گفت و فرمود :

ای مردم ، هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر اینکه نصف آنچه پیغمبر سابق در حیات بوده و من نیز نزدیک است داعی حق را اجابت کنم ، و من میگذارم در میان شما چیزی را که بعد از آن گمراه نشوید و آن کتاب خداست بعد میگوید : دست علی رضی الله عنه را گرفت و فرمود : مردم کیست اولی تر بشما از خودتان ؟ گفتند : خدا و رسولش بهتر میدانند (۱) فرمود : هر کس که من مولای او هستم علی مولای او است ، و این حدیثی است که سندش صحیح است (۲)

ابوسعید خدری میگوید : آیه : یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ، روز غدیر خم در فضل علی ابن ابی طالب نازل شد (۳)

گفتگوی خود را با ایشان ادامه دادم و گفتم : محمد حسین هیکل می نویسد : پس از سه سال که از بعثت گذشته بود خداوند بر رسول اکرم امر فرمود : که امر مخفی را آشکار و دستور خدا را ظاهر نماید ، وحی نازل شد أَنْ أُنْذِرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ أَخِفُضَ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ قُلْ

۱- از اینجا این عبارت افتاده است : الست اولی یکم من انفسکم قالوا بلی نگاه کنید : هاشم المستدرک ، باتلخیص جلد ۳ ص ۵۳۳ ، سید قزوینی در کتاب خود : فدک ، چاپ اول سال ۱۳۵۲ هـ مینویسد : مراد از : مولی در این حدیث اولی به تصرف است چون قبلاً فرموده است : الست اولی بالموءمنین من انفسهم و این صراحت دارد در ریاست عامه دینی و دنیوی *

و همانطور که پیغمبر از خود موءمنین بخودشان اولی تر است همینطور علی ابن ابی طالب بعد از پیامبر این اولویت را دارا است چون اتحاد بین منزل و منزل علیه را آنچه تنزیل بخاطر آن واقع شده لازم است مثل اینکه بگوئیم : زید کالا سد ، بلکه تنزیل در حدیث صریحتر از این مثال است در دلالت بولایت مطلقه علی (ع) *

۲- نگاه کنید : المستدرک علی الصحیحین جلد ۳ ص ۵۳۳ (۳) نگاه کنید : اسباب النزول : واحدی چاپ مؤسسه حلبی مصر *

إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ، فَأَصْدَعُ بِمَاتُومَرِّ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمَشْرِكِينَ .

محمدؐ عشیره خود را دعوت کرد که در خانه او طعام بخورند ، بعد که حاضر شدند خواست آنها را بخدا دعوت نماید که عمویش ابولهب سخنش را قطع کرد و با کلمات درشت حاضرین را متفرق ساخت ، فردا مجدداً این کار تکرار شد و محمدؐ آنها را فراخواند که طعام بخورند و چون از غذا دست کشیدند فرمود احدی را در عرب سراغ ندارم که بهتر از آنچه من بشما آورده‌ام آورده باشد خیر و خوبی دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام ، خداوند بمن امر فرموده که شما را بسوی او فرا خوانم ، کیست از شما که در این امر مرایاری دهد؟ (۱) و وصی و خلیفه من در میان شما باشد؟ (۲) چون این سخن را از او شنیدند خواستند که بروند ، علی برخاست در حالی که کودک بود و ببلوغ نرسیده بود گفت: من یا رسول الله (۲) یاری تو خواهم کرد ، دشمنم با کسی که دشمن تو باشد (۳) بحث و اظهار نظر خود را بنقل از احادیث شریفه ادامه داد و گفت:

- ۱- بین الهلالین در چاپ اول هست و در چاپهای بعدی حذف شده است ، حیات محمد: هیکل ، در مطبعه دارالکتب المصریه سال ۱۹۵ م تجدید طبع شده و توی پرائنتز مطلبی را که آورده‌ایم حذف کرده‌اند .
- ۲- نگاه کنید: حیات محمد: استاد محمد حسین هیکل چاپ اول ص ۱۰۴ طبع مطبعه مصر سال ۱۹۵۴ م . جمعی از اساتید و نویسندگان معروف استاد هیکل را بابت انتقاد و اعتراض گرفتند که چرا این حدیث را در کتاب خود نقل کرده است وی جواب نوشت که: این حدیث در کتب سیر و حدیث ذکر شده است ، جواب ایشان در جریده السیاسة المصریه ضمیمه شماره ۲۷۵۱ روزشنبه ۱۲ ذو القعدة ۱۳۵۰ هـ برابر ۱۹ مارس ۱۹۳۲ م ستون دوم ص ۵ مندرج است در آن جا اضافه میکند: محمد دست خود را بگردنوی حلقه کرد و گفت: این است برادر و وصی و خلیفه من در میان شما ، بنی‌هاشم بعضی تبسم و بعضی بقیقه خندیدند و بعضی با استهزاء نگاه خود را از ابوطالب گرفته و پیسرش متوجه میکردند مؤلف
- ۳- نگاه کنید: المسند احمد ابن حنبل جلد ۴ چاپ اول ص ۲۸۱ .

براء ابن عازب میگوید: در یکی از سفرها در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بودیم که در غدیر خم فرود آمدیم، منادی ندای نماز جماعت در داد، پیغمبر زیر دوتا درخت ایستاد و نماز ظهر را بجای آورد آنگاه دست علی رضی الله عنه را گرفت و گفت: آیا نمی دانید که من از هر مومنی به نفس خودش اولی ترم؟ گفتند: بلی میگوید: دست علی را بالا برد و فرمود هر کس را من مولا هستم پس علی مولای او است، خدا یا ایدوست بدار کسی را که علی را دوست ندارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن ندارد میگوید عمر بعد از این واقعه علی را دید و گفت: گوارا باد بر تو ای پسر ابوطالب که ولایت هر مومنی و مومنه ای بر تو مقوض شد (۱)

بعد از اینکه همه اینها را شرح دادم سؤال خود را متوجه این مؤرخ، و نویسنده کرده و پرسیدم: آیا این همه نصوص بر اثبات خلافت امام علی علیه السلام دلیل نیست؟

ساکت شد و گفت: علی از خلفاء راضی بود.

در جواب گفتم: اگر امام علی علیه السلام چنانکه میگوئید از خلفاء راضی بود، در خطبه شفشقیه که در نهج البلاغه آمده است نمی گفت: فصیرت وفی العین قذی، وفی الحلق شجی، اری تراشی نهبا (۲)؛ سرانجام صبر در

۱- نگاه کنید: شرح نهج البلاغه جلد ۱ ص ۵۰ چاپ مؤسسه حلبی

۲- وجه خوب گفته عبد الله ابن احمد معروف بابن خشاب در تعقیب

این موضوع و در پاسخ آنها یکپنداشته اند این خطبه از ساخته های شریف رضی است که بعلی علیه السلام نسبت داده است، که: سید رضی و دیگران کجا و این روح و روش کجا؟! ما نوشته های سید رضی را خوانده ایم و سبک او را در فن نویسندگی می شناسیم، بخدا این خطبه را در کتابهائی که دو بیست سال قبل از ولادت سید رضی نوشته شده دیدیم و ما خط هائیکه من می شناسم و معروفترین خط علماء و اهل ادب است و وقتی نوشته شده که تعقیب احمد پد رسید رضی هنوز بدینا

پیش گرفتیم همچون کسی که ریگی در چشم و استخوانی در گلو گیر کرد باشد که بالعیان میدیدم میراث و هستی ام غارت و تاراج میشود .

و دلیل اینکه وی از خلفاء خشنود نبوده و از آنها ناراضی بوده همین خطبه است که آن هنگام ایراد فرموده و اگر ادعای شهادت بود، ممکن نبود که این طور نظر خود را در باره خلفاء برای مردم اظهار کند .

بعد ، کتاب مصادر نهج البلاغه و اسانیده را که همراه داشتم با مجموعه ای از کتابهایی که در قاهره چاپ و منتشر کرده بودم بایشان اهدا کردم که بسیار تشکر و امتنان کرد و مرا بخانه اش دعوت نمود که کتابخانه اش را ببینم . و ضمناً گفتند : از شما میخواهیم کتابی باین نام تألیف کنید :

این است شیعه .

و کتاب شامل این بخشها باشد :

- ۱- نموداری از عقیده و فلسفه شیعه و تکامل آن در تاریخ .
- ۲- نموداری از مدارس و رجال و اعلام شیعه .
- ۳- نقاط اختلاف میان شیعه و اهل سنت و روشنگری این اختلاف که یعنی شیعه مخالف اسلام نیست و عین اسلام است . و موارد اختلاف با مذاهب اربعه .
- ۴- بیان مطالب منحرف کننده ای که بنام شیعه معروف و طفیلی آن شده است .

۵- فرهنگ شیعه ، و در اینجا بکتابهایی که از شیعه و فرهنگ آن به

نیامده بود ! شرح نهج البلاغه ، مجلد اول ص ۶۹ چاپ اول - مؤسسه حلبی مصر . بهمین مقدار اکتفاء میکنیم طالبان تفصیل بیشتر به الغدیر جلد ۲ ص ۸۲ و ۸۵ مراجعه نمایند .

درستی و دقت نام برده‌اند، اشاره کند *

۶. از ما چه می‌گویند ؟ و چرا و بچه دلیل با اهل سنت اختلاف دارند ؟

بعد از مراجعت بعراق از قاهره با عده‌ای از علماء و اساتید در این باب تماس گرفتم از جمله :

علامه استاد سید محمد باقر صدر

دانشمند معظم شیخ محمد امین زین الدین (۱)

دانشمند معظم سید جمال خوئی

دانشمند معظم شیخ محمد مهدی آصفی

دانشمند معظم عبدالهادی فضلی

و اقتراح استاد خالد را با آقایان در میان گذاشتم، و از هر یکی خواستم

که نوشتن موضوعی از مواضع مذکور را بعهده بگیرند و تاکنون هیچ‌کدام از آقایان

این اقتراح و موضوعات مورد نظر را آماده نکرده‌اند *

ممکن است بر مبنای این نظر خواهی عده‌ای از نویسندگان و دانشمندان

مطالعاتی بکنند و مطالبی بنویسند *

۱- مؤلف کتابهای : الاسلام : ینابیعہ ، مناهجہ و غایاتہ، العفاف

بین السلب والایجاب ، الاخلاق عند الامام الصادق ، مع الدكتور احمد امین ،

فی حدیث المهدی والمهدویة و آثار و کتب دیگر *



گفت و شنود با : استاد عبد‌الکریم خطیب

ولادت او : در منطقه سوهاج مصرعلیا ، در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۲۰ میلادی دیده بدنیا گشود .

تحصیلات او : تحصیلات اولیه خود را پیش مکتب دار قریه فراگرفت .
قرآن کریم را از بر کرد و سپس از مدرسه المعلمین فارغ التحصیل شد
تحصیلات خود را هم در دارالعلوم بسال ۱۹۳۷ به پایان برد و بدریافت
گواهینامه پایان تحصیلات از دارالعلوم با امتیاز عالی نائل آمد .
سمتهای او : بوزارت اوقاف انتقال یافت و بسمت سکرتیر پارلمانی و
رئیس دفتر وزیر بسال ۱۹۵۳ م مشغول بکار شد .

در سال ۱۹۵۹ م از کارهای اداری منصرف شد و اوقات خود را صرفا
بتألیف و تصنیف اختصاص داد .

مهمترین آثار قلمی او : التفسیر القرآنی للقرآن در ۱۶ مجلد ، قضیه
الالوهیه در دو بخش ، علی بقیه النبوة و خاتم الاوصیاء ، التعریف بالاسلام
المسیح فی القرآن والتوراة والانجیل ، القضاء والقدر ، بین الفلسفة والدين و
السیاسة والاسلام .

آشنائی با او : بسال ۱۹۵۸ م با او آشنا شدم .

مؤلفی است فاضل و مفسری است نام آور و زبردست .

امتیاز او : پشتکار و استمرار عجیبی در کارهایش دارد از افکار جدید

استقبال میکند و محترم میشمارد •

خدمات ارزنده‌ای در پهنهٔ تفسیر قرآن کریم انجام داده‌است •

این استاد را از آن هنگام که رئیس دفتر وزیر اوقاف ، علامهٔ بزرگ شیخ احمد حسن باقوری بود شناخته و آشنائی پیدا کرده‌ام ، در ماه رمضان ۱۳۷۷ هجری بود موافق با ۱۹۵۸ م که مرا بعد از اساتید و دانشوران بوزرات اوقاف دعوت کرد ، در هر سفری که بقاہرہ میکنم ، در خانہ اش واقع در شماره ۳۰ شارع عبد العزیز از او دیدن میکنم •

روزی بخانہ اش رفتم و از ایشان خواستم مرا بیک مرکز انتشاراتی معرفی کنند تا با آنها وارد معامله شوم ، مرا بحاج عبد المنعم خضری مدبر دار الفکر العربی راهنمایی کرد ، یکبار با خود شان بآنجا رفتم که مرا بپہد دیگر معرفی کرد و بمن گفت : از هر کتاب خود تعداد معینی را اینجا بگذارد تا کتابهایت شناخته شود و در سفر آینده بهای بفروش رفته آنها را بگیر ، همینطور هم کردم •

چند سال گذشت و اتفاق سفر بقاہرہ روی داد کہ ماه مبارک رمضان بود دلم خواست استاد را ببینم پیش از ظهر بود کہ بمنزلش رفتم و در زدم ، طبق معمول بگرمی ازم استقبال کرد و با طاق استراحت راهنمایی کرد ، بعد از تجدید دیدار و گفتگو خواستم برگردم گفت : مایلم امشب افطار را پیش ما بمانی خواسته ایشان را اجابت کردم ، و نزدیکیهای غروب بود کہ راهی خانہ ایشان شدم و چون وارد شدم سلام کردم و در سالتی کہ مخصوص پذیرائی مهمانان بودنشستم ، بیش از حد گرم گرفت و چند دقیقه بیرون رفت و مرا تنہا گذاشت

و باظرفی پر از خرما و پسته برگشت ، یکی را بدهان گذاشت و دومی را بر-
داشت و بمن تعارف کرد و گفت : بفرمائید .

گرفتم و روی میز گذاشتم ، گفت : بفرمائید افطار کنید ، چرا افطار نمیکنید؟
گفتم : خدا میفرماید : *وَأَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ* : روزه را تا شب بپایان
برید ، و حالا که شب نرسیده است میشود شب نامید ؟
گفت : نه

گفتم : پس چرا افطار کنم ؟

بعد گفتم : استاد ، این حمزه مشرقیه را نگاه کن که هنوز هست و ما
شیعه امامیه در این وقت افطار نمیکنیم و منتظر میشویم که سرخی از سینهء
آسمان مشرق برود ، وجود این سرخی دلیل این است که قرص خورشید هنوز
در سیاهی فرو رفته و غروب فرانسیده است ، وقتی سرخی ز اثل شد جائز
است که افطار کنیم و ما متأسفیم که برادران سنی مادر طول روز از خوردن و
آشامیدن امساك میکنند ولی این چند دقیقه را منتظر نمی شوند که این سرخی
برود .

ایشان در پاسخ گفتند : من از این ساعت باشما خواهم بود و بعد از
این افطار نخواهم کرد مگر اینکه حمزه مشرقیه برود و چون افطار کردیم و چائی
و میوه خوردیم از ایشان خدا حافظی کرده و برگشتم .

در یکی از سفرهایم بقاهره ضمن یکی از دیدارهایی که در خانه ایشان
دست داد از من خواست که : تفسیر مجمع البیان تألیف : امین الاسلام شیخ
ابوعلی فضل بن حسن طبرسی طاب ثراه را بایشان بفرستم و چون بعراق بر-
گشتم ، تفسیر را با پست سفارشی فرستادم ، وصول کتاب را طی نامه ای اعلام
داشتند .

اینك متن نامه :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادر عزیزم ، استاد سید مرتضی رضوی

السلام علیکم ورحمة الله ، و بعد

باتشکر فراوان ، تفسیر امام طبرسی را که در پنج جلد برایم فرستاده
برنید دریافت داشتم ، این لطف و مرحمت را همیشه بیاد خواهم داشت ، از
خدا بزرگ خواهانم که پاداشی نیک بشما کرامت فرموده و این اخلاق زیننده
و مردانگی و جوانمردی و دیانت والا را بسرکار مبارک گرداند .

ایام معدودی که گاه‌گاه در قاهره باما هستی خاطره‌خوش و توشه
معنوی و ذخیره‌ارزنده‌ای است که تادیدار مجدد ، دل خود را با آن مشغول
کرده و با خاطره‌دلپذیر آن زندگی میکنیم .

امیدوارم این دیدار در آینده‌نزدیکی که بقاهره سفر خواهید کرد
تجدید گردد و این بار امید چنان دارم که ایام اقامتتان طولانی‌تر باشد تا
بتوانیم بیشتر از دیدارتان بهره‌ور شویم .

خواهشمند است هرچمازمصر خواسته باشید بمن بنویسید ، در انجام
اوامر و خدمت بسرکار هر لحظه آمادگی و اشتیاق دارم .

بادرود و اشتیاق و آرزوهای بهتر :

عبد‌الکریم خطیب

قاهره : ۱۲ / ۲ / ۱۹۶۷ م



گفت و شنود با : استاد شیخ محمد عبد المنعم خجایی استاد دانشکده زبان عربی در دانشگاه ازهر و رئیس دانشکده زبان در اسیوط

ولادت او : در دهکده‌ای از توابع مرکز المنصوره بنام (تلبانه) بتاريخ
۲۷ / ۷ / ۱۹۱۵ میلادی چشم بجهان گشود .
تحصیلات او : بسال ۱۹۴۰ م از دانشکده زبان عربی دانشگاه ازهر
فارغ التحصیل شد و بسال ۱۹۴۶ م بدریافت درجه دکترادر نقد و ادب نائل
آمد .

اشتغالات و سمتهای او : در دانشگاههای عربستان سعودی و لیبی
بکار مشغول بوده و هم اکنون سمت ریاست دانشکده زبان عربی دانشگاه
ازهر شعبه اسیوط را بعهده دارد . با همکاری استاد مصطفی عبداللطیف
سحوتی ، در حدود ربع قرن پیش " رابطه الادب الحدیث " را در قاهره
تأسیس کرد . در بسیاری از انجمنهای علمی و ادبی شرکت کرده و سهم خود
را در پیشرفت ادبیات در میهن خود با تلاشهای عظیمی ایفاء و در مجلات و
روزنامه‌های گوناگون مصری ، عربی و اسلامی مقالات و نوشته‌های سودمندی
نوشته است ، علاوه بر اینها در زمینه احیاء میراث اسلامی سهم ارزنده‌ای -
دارد .

استاد شیخ محمد عبد المنعم خفاجی ————— ۱۳۰

مهمترین آثار قلمی او: الاسلام والحضارة الإنسانية، الاسلام ونظريته الاقتصادية، الاسلام وحقوق الإنسان، سيرة رسول الله در چهار جلد، فی مواكب النبوة، الشعر الجاهلي، ابو عثمان الجاحظ، تفسير القرآن در سیزده مجلد، الادب العربي الحديث ومدارسه، الخفاجيون فی التاريخ شرح الأيضاح که در علم بلاغت است در شش جلد، البحوث الأدبية، شرح صحيح البخاری در ده جلد، قصّة الأدب فی مصر در پنج جلد، قصّة الادب فی ليبيا در سه جلد و قصّة الأدب فی الحجاز در سه جلد.

آشنائی با وی: بسال ۱۹۵۷ م در قاهره با وی آشنائی پیدا کردم. بوحدة و همیستگی تشریعی بین طوائف اسلامی فرامیخواند و عقیده دارد که فرقه‌ها و تفاوت‌های فقهی چیزی نیست که موجب اختلاف و سبب تشدید مبارزات مذهبی باشد.

از یاوران فقه شیعه امامیه است و بخوبی دریافته است که فقه شیعه بدین جهت که از سرچشمه گوارای عترت طاهره علیهم السلام منشاء می‌گیرد از اصالت خاصی بهره وراست.

دوست و برادرم استاد عبد الرحیم محمد علی (۱) در نجف الاشرف مرا بایشان معرفی کرد، موقعی که در نجف بودم در باره سفر بقاهره برای طبع و نشر بعضی کتب اسلامی بایشان گفتگو کردم، گفتند: دوست مهربانی در

۱- تألیفات عدیده‌ای از ایشان بچاپ رسیده است از جمله: القرآن والترجمة، الکاظمی شاعر العرب در چند مجلد. رباب الکاظمی مصاد والدولة عن النجف الاشرف والشيخ الطوسي و جزاینها.

۱۳۱ ————— با مردان اندیشه

قاهره دارم که استاد دانشکده^۶ زبان عربی دانشگاه ازهر و یکی از بنیان‌گزاران "رابطة الأدب الحديث" و صاحب تألیفات بسیار و تحقیقات به‌کثبی در نحو صرف، عروض و بلاغت است و با چاپخانه‌ها و مؤسّسات انتشاراتی در قاهره ارتباط دارد.

برادر ارجمندم عبدالرحیم نامه‌ای با استاد خفاجی نوشت و ضمانت‌ذکر داد که من مرکز نشری در نجف‌الاشرف دارم و شائقم بعضی از کتب اسلامی را در قاهره منتشر نمایم.

پس از ورود بقاهره، در هتل جرین واقع در میدان اپرا منزل نموده و چند روزی در آنجا اقامت کردم ایّام کوتاهی هم سفری به اسکندریه کردم تا آثار تاریخی و دیدنیهای شهر را ببینم، کلید اطاق هتل را با خود برده بودم چون بقاهره برگشتم بهمان هتل رفتم که کلیدش بامن بود داخل هتل که شدم بطرف اطاق خود راه افتادم، مدیر هتل جلو آمد و کلید اطاق دیگر را بمن داد و گفت: در اطاق شما دانشجوئی سکونت داشت که مدتی بود به خارج قاهره مسافرت کرده بود، دیروز برگشته و اطاق خود را از ما خواست و مائاث شمارا باطاق دیگری منتقل کردیم که کلیدش را بشما می‌دهیم صورت حساب هتل را پرداخته و ااث خود را برداشته و به هتل می‌امی رفت‌م و آنجا در حدود یازده ماه در عرض دو سال ۱۹۵۷ — ۱۹۵۸ اقامت نمودم، ااث خود را جمع و جور کرده و آنجا را برای ماندن برگزیدم. کارتی چاپ نموده و آدرس خود را در آن هتل نوشتم، بعد بدانشکده^۶ زبان عربی در محله ازهر شریف بقصد دیدار استاد خفاجی که نامه^۷ ایشانرا نیز در دست داشتم رفتم استاد را که دیدم نامه^۸ آقای عبدالرحیم محمد علی را که از نجف‌الاشرف نوشته بود بایشان تسلیم داشتم، بعد از تعارفات، بصرف ناها را بمنزل خود در

استاد شیخ محمد عبد المنعم خفاجی ————— ۱۳۴
 الحلیه شارع بورسید دعوت کرد ، بعدها دائماً با استاد خفاجی دیدار
 داشتم و اغلب در چاپخانه بسفور ، پشت شارع الصنادقه در شارع الأزهر
 همدیگر را میدیدیم ، این چاپخانه که گفتم محل اجتماع اساتید و دانشمندان
 و ادباء است که در آنجا برای صرف چائی و قهوه و قلیان و بسا شوخی و
 لطیفه گوئی جمع میشدند و گاهی دیدارمان در چاپخانه " المختلط " در
 میدان القبة الخضراء .

روزی که سه شنبه بود در چاپخانه با استاد خفاجی بودم از ایشان
 خواستم چاپخانه‌ای را بمن معرفی کند ، چاپخانه دار العهد جدید را که
 صاحبش کامل مصباح است بمن معرفی نمودند ، در معیت ایشان به مطبعه
 رفتم که قسمت اصول کتاب وسائل الشیعه و مستدرکاتها جلد اول را همراه
 داشتم ، بمطبعه که وارد شدیم ، آقای عطوه استاد کار فنی این مطبعه را
 دیدیم و کتاب را بوی نشان داده و نزد او گذاشتیم و همان وقت به مدیر
 چاپخانه آقای کامل مصباح مراجعه کردم و برای دستمزد چاپ فورمهای
 کتاب و روزی را که کار چاپ آغاز خواهد شد تراز داد بستیم و بروز شنبه اول
 هفته موکول شد .

آقای عطوه گفت : پاره‌ای کار داریم که تا آخر هفته تمام خواهد شد کار
 شما را از روز شنبه انشاء الله شروع میکنیم .

روز جمعه که بمکتبه " مجاهد " در خان جعفر در محله ازهر شریف رفتم
 که از آنجا دیوانی خریدم صبح روز شنبه بمطبعه مراجعه کردم ، اتفاقاً دیوان را
 نیز همراه داشتم ، آقای عطوه تکیسین چاپخانه را دیدم و پرسیدم شروع به
 حروف چینی فورم اول کتاب کرده‌اید که خودتان امروز را برای شروع کار معین
 کردید ؟ جواب داد کار شما را از فردا شروع خواهیم کرد امروز کار سابق خود را تمام

می‌کنیم، شروع کار انشاء الله از فردا خواهد بود.

در دیوان خریداری من هم ابیاتی بود باین نحو: که دو نفر با هم
بروز شنبه وعده می‌گذارند ولی یکی از آنها روز شنبه بوعده خود عمل نمی‌کند
و بروز یکشنبه موکول می‌کند، بیت آخر شعر می‌گوید: قد طال فی الوعد الا مد از روز
شماری خسته شدم. این قصه را که کاملاً با قضیه من باتکیسین چاپخانه
تضییق می‌کرد. بعد از ای از جمله استاد بزرگ شادروان شیخ أحمد عارف
الزین مؤسس مهنه العرفان در صیدا باز گفتم، آن مرحوم قصه را در یکی
از شماره‌های مجله، سال چاپ کتاب "وسائل" در باب قصص چاپ کرده و همان
وقت يك شماره هم بمن که در قاهره بودم فرستاد.

در اثناء چاپ کتاب احتیاج بیول پیدا کردم و قاهره را ترك گفته و به
بیروت آمدم تا برای ارسال حواله بانکی با عراف ارتباط بگیرم چند روزی برای
این کار در بیروت توقف کردم و در خلال آن ایام روزی بکتابخانه "العرفان"
متعلق بحاج ابراهیم زین عاصی در خیابان سوربای بیروت سری زدم، که
استاد بزرگ شیخ احمد عارف الزین مؤسس مجله "ارزشمند" العرفان در صیدا-
لبنان را در کتابخانه دیدم که نزد صاحب مکتبه نشسته بود و چون بکتابخانه
وارد شدم برخاسته و خوش آمد گفتند، حاج ابراهیم فوراً فرمود برایم چایی
آوردند که خوردم.

استاد شیخ احمد عارف الزین از من بمنزلشان دعوت کردند که: با
ایشان رفتم و چند روزی مهمان ایشان بودم، بعد به بیروت آمد و بیول را گرفته
و تبدیل بچك بانك مصر کرده و مراجعت بقاهره کردم.

قبل از مراجعت بقاهره که در منزل مرحوم مدیر "العرفان" آنچه را
که در مطبعه بامدیر فنی آن آقای عطوه و تعیین وقت برای شروع چاپ کتاب

استاد شیخ محمد عبد المنعم خفاجی ————— ۱۳۲
 اتفاق افتاده بود با ونقل کردم ، مگو جریان را عیناً تحت عنوان ثوادرخواظر
 در شماره ۳ / ۲۹۵ سال ۱۳۷۷ هـ کانون ثانی سال ۱۹۵۸ م چاپ کرده بود.
 بقاهره برگشتم و مشغول تصحیح فورمهای کتاب " وسائل الشیعة و
 مستدرکاتها " شدم که شماره معهود " العرفان " را آوردند که جریان را بدین
 تفصیل چاپ کرده بود :

آقای رضوی صاحب مکتبة النّجاح نجف الاشرف در معیت استاد محمد
 عبد المنعم خفاجی کتاب را روز پنجشنبه بمطبعة دارالعهدالجديد ، در
 قاهره دادند و صاحب مطبعة وعده داد که روز یکشنبه چاپ کتاب را شروع
 خواهند کرد ، روز یکشنبه فرا رسید و از وعده خبر نشد و آقای رضوی ابیات
 زیر را از دیوان وزیر چاپ مصر ص ۲۳ برایش خواند :

قد طال فی الودع الأمد	والحرّ یجزّ ما وعد
و وعدتّنی یومَ الخمیس	فلا خمیس ولا الأحد
و اذا اقتضیتک لم تزد	عن قول ای واللّه غد
فأعد ایاماً تمّر	وقد ضجرت من العدد

* * *

در اثناء طبع کتاب که در مطبعة بودیم با استاد خفاجی گفتم میخوایم
 کلیشه صلی الله علیه وآله وسلم را بجای صلی الله علیه و سلم که در چاپخانه
 بل که در تمام چاپخانه های اینجا موجود است داشته باشیم ، وعده دادند
 که تهیه کنند و صاحب مطبعة را ملزم داشت که از حروف ریزی الحرّیه در
 خیابان الامام الشافعی تهیه نماید ، قبلاً گفتیم : استاد نزار الزین مدیر

مجله گرامی^۱ العرفان^۲ (۱) در لبنان هم از استاد خفاجی ارسال مقداری از این کلیشه را خواستار شده بود و ایشان کلیشه را در حروف ریزی^۳ الحرّیّه^۴ در خیابان الامام الشافعی برایشان ساخته بود .

آقای عطوه از علّت کوشش و اهتمام در مورد این کلیشه پرسید ، در جواب گفتم که : پیغمبر (ص) از آن سخن گفته و از غیر آن نهی فرموده و بصلوات بتراء و دم بریده ، نامیده است . (۲)

* * *

و از استاد خواستم از اساتید کسی را بمن معرفی کنند تا فورمهای کتاب را در مطبعه تصحیح کند ، خواهر زاده خود را برای این کار معرفی کردند که در قبال دستمزد معینی این کار را صورت دهد .
بعد از اتمام جلد دوم کتاب (الوسائل) گفتاری در پیرامون کتاب

۱- آقای نزار الزین از مردان ادب و از روزنامه نگاران نامی و معروف به دفاع از حقّ و عقیده می باشد بعد از درگذشت شاد روان استاد بزرگ علامه شیخ احمد عارف الزین ، با جهد و تلاش قابل تحسین انتشار مجله را بعهده گرفت و اینکار را با شایستگی و کفایت و خلاص در عمل ادامه داده و می دهد و فقها لله تعالی امرضیه و جزاه خیر جزاء الحسنین .
۲- در حدیث از رسول اعظم (ص) وارد شده است که فرمود : برایم صلوات بتراء نفرستید عرض کردند : یا رسول الله صلوات بتراء چیست ؟
فرمود : اینکه بگوئید : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَتَوَقَّفْ كُنَيْدَ ، بگوئید : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ و صلوات ابراهیمی در همه کتب مناقب آمده است .

استاد شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی ————— ۱۳۶

نوشت که در گفت و شنود شماره ۱۹ کتاب شرح آن رفت ، از استاد خفاجی خواسته بودم مقدمه‌ای بنویسند که در آن اهتمام شیعه باخذ حدیث از اهل بیت وحی که هم سنگ و هم پایه قرآنند ذکر شده باشد که نوشت و در جلد اول کتاب (الوسائل) بچاپ رسید .

بعد از اتمام چاپ دو جلد از (الوسائل) بعراق برگشتم در آن زمان در قاهره بودم که انقلاب ضد رژیم سلطنت ملک فیصل در عراق صورت گرفته بود در سال ۱۹۵۸ م) .

در ۱۰ / ۸ / ۱۹۷۴ برای تکمیل بعضی از گفتارهای مربوط به این کتاب (گفت و شنود با مردان اندیشه در قاهره) ، بقاهره آمدم که عکسهای لازم و بیوگرافیهای رجال و مقدمه کتاب را که بخامه یکی از بزرگان و معارف مصر باشد و شرح احوالش در این کتاب آمده باشد گرد آورم .

در ۱۲ / ۸ / ۱۹۷۴ بکتابخانه " القاهرة " در کوی الأزهر که صاحب آن حاج علی یوسف است رفتم و در آنجا با استاد خفاجی دیدار کردم که برای فردای آن روز برای صرف ناهار بمنزل خود از من دعوت کرد .

که رفتم و بعد از صرف ناهار در پیرامون چاپ و انتشار و تحقیق پاره‌ای از کتابهای مربوط بادبیات و بلاغت گفتگو کردیم . از من خواست که کتاب " انوار التریع فی انواع البدیع " تألیف : سیدعلیخان مدنی معروف به ابن معصوم را چاپ کنم ، گفتم : اتفاقاً این کتاب را قبل از سال ۱۹۶۵م بهمین منظور با آقای دکتر حامد حفنی داود استاد ادبیات عرب در دانشکده عین شمس داده‌ام ، سپس اضافه کردم : که مع الاسف امروزه بهره‌دهی و انتاج ادبی و اسلامی مثل سابق نیست و خیلی کم شده است در پاسخ گفت : تنها

بامردان اندیشه _____ ۱۳۷

سببش مسئله کاغذ و گرانی قیمت آن است و این مشکل هم باین زودیها
بر طرف میشود انشاء الله .

بعد ، استاد خفاجی کتاب محمد رسول الله و الخفاجيون فی التاريخ
را بمن اهداء نمود .

بسال ۱۹۵۸ م قبل از اینکه قاهره را بقصد عراق ترك گویم ، ساکی
راکه بعضی از کتب و مجلات و قسمتی از دو جلد وسائل الشیعه در آن بود
در چاپخانه دارالتألیف پیش شیخ سلیمان وکیل گذاشته بودم ، استاد
خفاجی ، نوشته ای از من گرفت تا کتابها را از شیخ سلیمان بگیرد و گفت
هر چیزی که احتیاج داری در يك محل بگذار تا خاطر جمع باشی یا دداشتی
نوشتم که کتابها را بایشان تحویل دهند ، بعد قاهره را بقصد عراق ترك
گفتم ، اینك آنچه را که ایشان سابقاً بعنوان مقدمه بر کتاب وسایل الشیعه
و مستدرکاتها نوشته و در جلد اول کتاب (الوسائل) بسال ۱۹۵۸م چاپ
کرده ایم ، این جامیآوریم :

(۱)

مقدمه ای بر کتاب وسائل الشیعه و مستدرکاتها

بسم الله الرحمن الرحيم ، والحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام

علی اشرف المرسلین و علی آله و اصحابه اجمعین .
بعد ، این کتاب وسائل الشیعه را لی تحصیل مسائل الشریعه ، تألیف : شیخ فقیه محدث
دانشور ، محمد بن الحسن الحرّی عالمی ، که خداوند ما را از دانش و برکات وی منتفع
گرداند که کتاب مستدرک الوسائل اثر : محقق بزرگ میرزا حسین نوری رحمة الله علیه
پیوست آنست در مجلدات متوالی از طرف مکتبه النجاح در نجف الاشرف در این
چاپ زیبا و جالب و ممتاز که بهترین چاپ این کتاب پیرارج و سودمند که

اصل عظیمی از اصول فقه شیعه جعفریه^۱ امامیه است انتشار می یابد .
 کتاب (الوسائل) بجهت اهمیت خاص آن کراراً بطبع رسیده و کتاب
 «المستدرک» جداگانه یکبار چاپ شده است ، ولی در این چاپ هردو کتاب
 برای خدمت بخوانند موافقت کرده در یکجا چاپ رسیده است .
 در این مورد باید از آیت الله آقای سید محمد فرزند آیه الله میر سید
 مهدی شیرازی نفعنا الله بعلمه یاد کرد که فکر جمع دو کتاب در یک جا به
 این طرز سودمند بایشان مربوط است .
 کتاب (الوسائل) بگفته مؤلف تفسیر المیزان (۱) یکی از اصول و مأخذ
 و مصادر جامع است که مباحث فقه روی آن دور میزند و سه قرن است که فقهاء
 شیعه بآن توجه کرده و در شمول و جامعیت آن و در نقل و استناد به آن
 اتفاق و اجماع دارند ، این کتاب از لطیف ترین مصادر فقه شیعه محسوب
 میشود .

مؤلف در این کتاب بسیاری از احادیثی را که از رسول خدا و وصی
 او و ائمه علیهم السلام در زمینه احکام ، فرائض، سنن و آداب وارد شده جمع
 کرده است و احادیث زیادی را از کتب اربعه که همیشه و در تمام امصار مورد
 استناد و مأخذ بوده و استخراج نموده و احادیث دیگری را هم از کتب معتبره
 أصحاب امامیه بآن اضافه کرده است .

کتاب با این وصف ، جامع سنت نبویه بوده است و در استنباط مسائل
 شرعیه و فروع فقهیه محلّ مراجعه است و بقول مؤلف عالیقدر تفسیر المیزان
 از بزرگترین مصادر حدیث است ، و مؤلف آن در جمع و تهذیب و تحقیق
 آن در حدود بیست سال تمام کار کرده است و زحمت کشیده ، که در انجام و
 پایان کتاب بآن اشاره نموده است .

۱- تفسیر المیزان در ۲۰ مجلد منتشر شد و در بیروت هم تجدید چاپ شده
 است ، خداوند مؤلف گرانقدرش را از قرآن و عالم اسلام جزای خیر کرامت فرماید .

کتاب محتوی و شامل چندین کتاب است از جمله : الطّهارة ، الصلوة الزکات ، الصّوم ، الحجّ ، الجهاد ، الوصایا ، النکاح ، تا آخر اللقطة و الموارث و الدّیات که همه این کتب شامل بحث و تحقیق جامع است .

(۲)

مؤلف کتاب : شیخ محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن الحسن الحرّ العاملی است که بتحقیق و تدقیق و تبحر در علم و جمع اخبار و آثار شهرت و معروفیت دارد .

شیخ حرّ عاملی موصوف بسلامت نفس ، جلالت قدر ، متانت رأی ، و اصالت طبقه است (۱) پدر ، جدّ و جدّ پدرش و همچنین عمویش : شیخ محمد بن علی بن محمد الحرّ العاملی از فقهاء و محدّثین بنام بوده اند .
شیخ حرّ عاملی در قریه مشغره از قراء جبل عامل ، شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳ هجری متولّد شد ، خود وی ترجمه احوال خود را در کتاب أمل الامل که از تألیفات او است بتفصیل شرح داده است .

اطلاعات و معارف دینی خود را در «مشغرة» از پدر خود و نیز از عسّم دانشمندش محمد الحرّ و دائی پدرش شیخ علی بن محمود ، شیخ زین الدّین بن محمد بن الحسن بن زین الدّین و شیخ حسین ظهیری فرا گرفته شیخ اجازه روایتش علامه مجلسی است که آخرین کسی است که بوی اجازه روایت داده است ، شیخ بزرگوار مشهد رضوی را برای توطن و اقامت برگزید و در آنجا مقیم شد ، در این شهر بوده که بمنصب قاضی القضاة و شیخ الاسلامی رسید .

۱- نگاه کنید : روضات الجنات چاپ اول ص ۶۱۶ ، لؤلؤة البحرين ص ۶۱ ، مقابیس الانوار ص ۲۳ و مقباس الهدایة ص ۱۲۰ .

استاد شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی ————— ۱۲۰

از شاگردان و تلامذه بنام آن مرحوم میتوان : سید نورالدین جزایری
متوفی ۱۱۵۸ هـ ، شیخ محمود بن عبدالسلام ، بحرانی ، سید محمد بن
سید ابراهیم موسوی عاملی ، شیخ محمود میمندی ، علی بن الحسن برادر
او ، شیخ حسین بن حسن عاملی و دیگران را نام برد .
وفات وی در بیست و یکم ماه رمضان سال ۱۱۰۴ هجری اتفاق افتاد .

(۳)

شیخ بزرگوار رضوان الله علیه درای تألیفات کثیره ای است که از آنها
کتب زیر را نام میبریم :

- ۱- این کتاب (وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة) در فروع
و احکام و سنن و آداب است بترتیب کتب فقه که بنام :
تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل الشریعة ، هم نامیده میشود که
باختصار (الوسائل) هم گفته میشود .
- ۲- فهرست وسائل الشیعة .
- ۳- الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة .
- ۴- هدایة الامة الی احکام الائمة در ۳ مجلد .
- ۵- الفوائد الطوسیة .
- ۶- الفصول المهمة فی اصول الائمة .
- ۷- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات در ۲ جلد .
- ۸- الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة .
- ۹- رسالة فی الرد علی الصوفیة .
- ۱۰- أمل آمل که ترجمه احوال خود شیخ است .

- ۱۱- رساله الجمعة •
 - ۱۲- نزهة الاسماع فی حکم الاجماع •
 - ۱۳- كشف التعمية فی حکم التسمية •
 - ۱۴- رساله فی الرجال •
 - ۱۵- رساله فی احوال الصحابة •
 - ۱۶- رساله فی تواتر القرآن •
 - ۱۷- بدايه الهداية فی الواجبات والمحرمات المنصوصة •
 - ۱۸- رساله فی تنزيه المعصوم عن السهو والنسيان •
 - ۱۹- كتاب العلوية واللغة المروية •
 - ۲۰- منظومة فی المواريث •
 - ۲۱- منظومة فی الزكاة •
 - ۲۲- منظومة فی الهندسة •
 - ۲۳- منظومة فی تاريخ النبی والائمة •
 - ۲۴- ديوان شعر •
 - ۲۵- رساله فی خلق الكافر •
 - ۲۶- ديوان شعری كه به بيست هزار بيت بالغ ميشود د رمذح پيامبر
اکرم و ائمه صلوات الله عليهم •
 - ۲۷- تحرير الوسائل •
 - ۲۸- اجازات زيادی كه بمعاصرین خود داده است •
- که مهتمترين و بزرگترین آنها كتاب وسائل الشیعه است در چندین
مجلد بزرگ که محور شریعت و دوزان می چرخد و مأخذ مهم فتاوی علماء طائفه
است و وقتی مستدرک عظیم و جلیل ارزنده شیخ مانوری که کماً و کیفاً باصل

استاد شیخ محمد عبد المنعم خفاجی ————— ۱۴۲

آن نزدیک است بآن ضمیمه شود باید گفت: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يُلْتَقِيَانِ ، اغلب محققین بعد از مراجعه بهر دو کتاب با هم فتاوی خود را صادر میکردند (۱).

(۴)

کتاب و مستد و کش که در اصول مصاد رفقه امامیه است ، مرجع سودمند و پرفائده و پربرکتی در اطلاع با سرار تشریع و دقائق احکام و جوامع سنن میباشد .

و مذهب امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام یکی از مذاهب فقهی موروثی است که شیعه امامیه در احکام خود و فقه تشریع خود بآن رجوع میکند مذهب شیعه ، بروایت ائمه که از پیامبر صلوات الله و سلامه علیهم آنها رسیده بواسطه کسانی که حدیث نبوی را روایت کرده و اشارات آنرا فهمیده و از سلسله راویان از جدشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، برای احکام شریعت و اسرار دین محسوب گردند ، شیعه امامیه با این وسیله بیک فقه که فقه امامان آنها باشد و مأخوذ از کتاب و سنت است اجماع دارند و این فقه را فقه جعفری می نامند بدین جهت که امام جعفر صادق میدان و مجال بزرگ و وسیعی برای نشر فقه خود پیدا کرده بود و آنچه تلامذه ، و شاگردان وی اصولی و در فقه تدوین کرده اند مأخذ همگی آنها از امام جعفر ابن محمد علیه السلام است .

جلد اول کتاب وسائل الشیعه از مقدمه عبادات و در طهارت و کیفیت وضوء بحث میکند که در استقصاء و دقت و عمق و احاطه و تحلیل و تفصیل در در اوج کمال است ، جلد های دیگر آن هم در سائر ابواب و احکام فقه

۱- نگاه کنید : الغدیر ج ۱ ص ۳۶۶ تألیف: علامه جلیل شیخ عبد

الحسین امینی .

بامردان اندیشه _____ ۱۴۳

شیعه است و این فقه در اکثر موارد با مذاهب اربعه تلاقی دارد ، و موارد اختلافش بسیار کم است .

یکی از موارد اختلاف این است که : شیعه^۱ امامیه^۲ دو شاهد عادل را در وقوع طلاق شرط میدانند و بدون شاهدین عدلین طلاق را واقع نمیدانند به مدلول آیه کریمه^۳ : فَأُمْسِكُوهُمْ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارْقُوهُمْ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ .

دو دیگر اینکه آنها : سه طلاق را بیک لفظ یا پشت سرهم در مجلس واحد باشد واقع نمیدانند و نیز طلاق با حلف نزد شیعه منعقد نمیشود .

از این اختلاف مانند ها نکاح متعه است که شیعه حلالش میداند ، و غیر شیعه حرام ، شیعه در این مورد بآیه کریمه^۴ : فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ استناد میکند ، علاوه بر این شیعه بشرطی این ازدواج را جائز میدانند که زن کاملاً از موانع شرعی خالی باشد و ضمانت عقد و مهر را لازم می‌شمارد و بر این عقید میراث فرزند را مترتب میکند ، عدّه^۵ زوج را هم با انقضای مدت یا انفصال .

فی الجمله : اگر اختلاف بین شیعه و اهل سنت را در موضوع ولایت و امامت یا خلافت استثناء کنیم مذهب شیعه در اصول و بسیاری از فروع ، با مذاهب اربعه اتفاق داشته و در بعضی از فروع با آنها اختلاف دارد .
هیچ مسلمان و محقق از اطلاع باین ثروت فقهی ارجمند که مأخذ پر ارزشی از مأخذ تشریع اسلامی شمرده میشود بی نیاز نیست .

(۵)

وقتی با امعان نظر بمطالعه^۶ فقه شیعه و مذاهب اربعه می‌پردازیم که : این مذاهب پنجگانه ثروت معنوی عظیمی را که در هیچ تشریعی مانند و نظیری

ندارند تشکیل میدهند .

مطالعهٔ فقه مذاهب خمس به فرصت خواهد داد که در اصول قانونگذاری نوین از آنها یاری گرفته و بر پایه و اساس آنها زندگی اجتماعی فعلی خود را بنیان نهیم .

این فقه و قوانین مفصل آن با هیچ یک از قوانین ممالک عالم که از نظر پیشرفت و تمدن و تکنیک در سطح عالی هستند بهیچ وجه قابل قیاس نیست آری اینگونه است تشریع فقهی اسلامی ای که اهمیت و اعتبار خود را از دین حنیف اسلام و از کتاب حکیم و جاوید الهی که پایه و اساس نخستین تشریع نزد همهٔ مسلمین است گرفته ، کتاب الهی ای که رسول اکرم در بارهٔ وی میفرماید : رشتهٔ محکم الهی و او است صراط مستقیم ، و او است که هر کس بآن عمل کند مأجور و هرانکس که با آن حکم کند عادل ، و هرانکس که مردم را بقرآن فراخواند بصراط مستقیم فراخوانده است .

و از حدیث پیامبر صلوات الله علیه و علی آله و اصحابه و ذریتها جمعی که دومین منبع و مأخذ از مأخذ تشریع فقهی نزد همهٔ ائمه است و قول و فعل و تقریر او سنت است که از اخذ و استمداد از آنها گریزی نیست .

شیعه ، روایت حدیث را از طریق ائمهٔ اهل بیت علیهم السلام بجهات زیادی شرط میداند که یکی از شروط این است که آنها معتقدند ائمهٔ شناخته‌شدهٔ مردم به سنت نبوی و داناترین آنها با سرار دین هستند .

شیعه ، تأسی و پیروی از اهل بیت میکند و آنها را امامانی راهنما بخیر و حق و راه راست و صراط مستقیم میداند و این باین جهت است که فضل و فطانت و فهم بلند و دانش بیکران آنها بشیعه ثابت شده است .

علاوه بر آنچه گفتیم : مبداءٔ خلافت و ولایت است که ممیزین شیعه و

اهل سنت است ، این دو طائفه‌ای که دشمنان حیلہ گرمیخواهند مدام و در طول قرن‌ها برای پیشبرد اهداف و اغراض پلید و کثیف خود میان آنها تفرقه و جدائی بیاندازند و لکن خداوند در کمین کسانی است که با سلام و مسلمین نیت بدی داشته باشد ، کاملاً ممکن است که هر طائفه‌ای صیغه و روش ویژه خود را با رعایت موازین اخوت اسلامی و احترام هر فرقه بگروه دیگر حفظ کند و از خدا می‌خواهیم : که مسلمین را برای اعلاء کلمه حق و خیر و خوبی و سلم و سلام متحد گرداند .

(۶)

استاد سید مرتضی رضوی مؤسس مکتبۃ النّجاح در نجف الأشرف عراق این کتاب ارجمند (الوسائل) را با خود بقاهره آورده و امکانات خود را برای چاپ آن بطرز نفیس و زیبا بسیج کرده است ، در این جهد و تلاش و اقدام و عملشان که خدمتی است بمیراث عزیز و عظیم اسلامی ما مشکور و مأجورند و این حسنہ گرامی برای همیشه از او بیادگار خواهد ماند از خدا می‌خواهیم که توفیق و تأیید ایشان را در این راه مزید و روز افزون گرداند و او را در انتشار همه مجلّات کتاب یار و یاور باشد ، بمنّه و کرمه ، انّه خیر مأمول و اکرم مسئول . و ما توفیقنا الاّ باللّٰه علیہ نتوکّل و الیہ نُنسِبُ .

قاهره : محمد عبد المنعم خفاجی

استاد دانشکده زبان عربی در دانشگاه ازهر



گفت و شنود با :

استاد امین خولی

از اساتید بنام و متفکر عالیه در معاصر

ولادت او : از متولدین سال ۱۹۰۴ میلادی است .
 سمتهای او : دارای اجازه قضاوت شرعی و از نخستین استادان دانشکده
 ادبیات دانشگاه قاهره است ، و پس از سال ۱۹۵۰ مشاوره دارالکتب المصریه
 است ، وی از بارزترین و درخشان ترین چهره های مجلس اعلای دارالکتب
 المصریه است که از بزرگان رجال اندیشه و فکر و نویسندگان نامدار مصر تشکیل
 میگردد .

اهم آثار قلمی او : فی اموالهم ، که کتابی است در اقتصاد ، و اقتصاد
 را از دیدگاه قرآن بررسی کرده است ، از نوشته های معروف او یکی (فن
 القول ، هنر سخنوری) است که بحثی است فنی و تخصصی در گفتارهای
 رائج و مقوله های جایی در ادبیات عرب ، دهها تألیف در زمینه های اسلام
 و ادب دارد .

در دفتر کار خودش در - الامنا - خیابان جمهوریت قاهره بسال
 ۱۹۶۵ آشنا شدم .

از بزرگان علم و از اساتید صاحب نام و از رجال فکر و نظر است .
 به همبستگی بین اهل سنت و پیروان شان شیعه امامیه دعوت میکند .

راه این همبستگی را در این میدان که هر يك از دوطائفه از مسائلی که ممکن است از آنها پائین بیایند بعد راه اتفاق را بسوی سائر مسائل بازکنند.

استاد خولی دفتری دارد — الامناء — بعد از میدان اوپرا ، شب یکشنبه هر هفته انجمنی دارد که اکثر استادان و دانشمندان و ادباء ، و دکترهای معروف در آن حضور می یابند ، استاد خولی بحثی بمیان میکشد و بعضی از حاضرین اظهار نظری در آن میکند ، مناظره ادامه می یابد و حاصل این مذاکرات و محاضرات در مجله مخصوصی بنام "الادب" که زیر نظر ایشان منتشر میشود چاپ می رسد .

روزی با آقای دکتر حامد حنفی داود استاد ادبیات عرب در دانشکده زبان دانشگاه عین شمس در این انجمن حاضر شدم و کتاب "ابوهریره" به قلم : آیه الله سید عبدالحسین شرف الدین راهم با خود برده بودم ، استاد یعقوب مدیر مجله استاد خولی طرف چپ ایشان نشسته بود — وقتی وارد دفتر شدم — پیش از آنکه بنشینم نظرش بر کتاب "ابوهریره" افتاد و گفت :

از ابوهریره چه میگوید ؟

گفتم : میگوید : مردی است جعّال و دروغپرداز !

گفت : اعوذ بالله ، چرا ؟

گفتم : کتاب راهمینجامیگذارم تا سرفرصت مطالعه کنی و نظر خود را به

من باز گوئی .

گفت : بسیار خوب ، کتاب را گذاشتم و از آنجا خارج شدم .

با استاد خولی ارتباط دائمی داشتم ، يك هفته ياد و هفته يك بار .
 بدیدارش میرفتم ، یکبار طبق معمول برای حضور در انجمن شب یکشنبه
 رفتم ، پس از ورود استاد یعقوب را در طرف چپ استاد خولی نشسته دیدم
 بعد از سلام و تعارف از کتاب پرسیدم و نظرش را در باره آن جویا شدم ،
 نشسته بود از جای خود برخاست و گفت : کتاب بزرگ و عظیمی است ، بعد
 نشست ، گفتم : استاد ، پس کتاب را لطف کنید ، استاد خولی متوجه من شد
 و گفت : کتاب را پیش من بگذار تا مطالعه کنم و کتاب را از استاد یعقوب
 گرفت .

با استاد خولی گفتم : يك هفته پیش در حضور دکتر طه حسین بودم که
 از ابوهریره صحبت شد ، بدکتر گفتم : امام شرف الدین عاملی (۱) کتابی در
 باره ابوهریره نوشته و بهمین نام نیز نامیده است کتاب را قبلأندیده بود از
 من خواست و قول دادم که برایش ببرم .

استاد خولی گفت : ممکن نیست کتاب را بتو پس بدهم چون استاد
 یعقوب از آن بسیار تعریف کرده اند کتاب را گذاشته و اجازه گرفته و برگشتم .

۱- امام شرف الدین عاملی مؤلف این آثار است : المراجعات ۲۰ بار
 چاپ شده ، النص والاجتهاد ۵ بار ، ابوهریره ۳ بار ، الفصول المهمة فی
 تألیف الائمة ، ۵ بار ، الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء ۴ بار ، مؤلفوا الشیعة
 فی صدر الاسلام ۲ بار ، اجوبة مسائل جارا لله ۳ بار ، الی المجمع العلمی -
 العربی بدمشق ۳ بار ، مسائل فقهیة ۴ بار ، فلسفة الميثاق والولاية ۴ بار
 مقدمة المجالس الفاخرة ۲ بار ، المجالس الفاخرة ۱ بار ، ثبت الاثبات فی
 سلسلة الرواة ۲ بار ، کلمه حول الرواية ۱ بار ، عقيلة الوحی السیدة زینب
 بنت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱ بار بطبع رسیده ، و بیاری خدا بزودی همه
 این کتب در پنج مجلد بنام : "موسوعة الامام شرف الدین الاسلامیة" در
 قاهره بچاپ خواهد رسید .

يك شب طبق معمول بدفتر استاد خولی وارد شدم ، این بار دفترش از اساتید و فرهنگیان باندازه‌ای پر بود که جایی برای نشستن من نبود استاد خولی در صدر مجلس نشسته و میزی جلوی خود گذاشته بود ، خادم را صدا زد صندلی بیاور .

صندلی آورد و نزد يك ميز استاد گذاشت ، نشستم ، مرا مخاطب قرار داده گفت : با سید محمد تقی حکیم (۱) صحبت کردم که ماسنّیان و شما شیعیان کمی پائین بیائیم و در بعضی اشیاء با هم اتفاق کنیم و یک دست باشیم به شما نیز همان را میگویم .

در جواب گفتم : استاد! تفاهم و اتفاق آنگاه امکان پذیر خواهد بود که رجال صدر اوّل را در ترازوی حساب بگذاریم و بسنجیم زیرا امور اختلافی بسیاری از خود بمیراث گذاشته‌اند که قابل اغماض نیست و ترك آن بدون چاره اندیشی بهیچ وجه درست بنظر نمی‌رسد که قطعاً بعد از آن اتحاد و اتفاق در مورد هر چیز آسان خواهد بود .

استاد خولی سکوت کرد ، ولی حاضرین ناراحت شدند بطوریکه چشمانشان از شدت غضب قرمز و رگهای گردنشان متورّم گشت ، جواب من مثل عذابی بود که بر آنها نازل شد .

بعد از ختم جلسه اجازه خواستم و برگشتم .

۱- سید محمد تقی حکیم رئیس و استاد فقه در دانشگاه نجف اشرف و استاد دانشگاه بغداد است اکثر رساله‌های دکتری و سائر مدارک علمی فارغ التحصیلان دانشگاه را بررسی میکند و نیز عضو مجمع علمی عراق و مجمع لغوی مصر است ، تألیفاتش : الاصول العامة و فقه مقارن چاپ بیروت الزواج الموقت مالک الاشر و آثار دیگری که بعضی بچاپ رسیده و پاره‌ای نرسیده است .



گفت و شنود با : استاد سید احمد خری بک از دانشمندان و محققین نامی

ولادت او : در اسکندریه ، محله محرم بك بسال ۱۳۲۴ هـ برابر ۱۹۰۷ زاده شد .

تحصیلات او : تحصیلات خود را در مدارس دولتی و پیش چند تن از بزرگان و فضلا به پایان برد .

قرآن کریم را حافظ است و حفظ آن را بسال ۱۳۵۲ هـ با تمام رسانده است .

در علوم : شرع ، حدیث ، فقه ، اصطلاحات ، بلاغت ، لغت ، و تاریخ تبخّری تأم داشت و در آن رشته ها شاخص بود .

شوق عجیبی بغراگیری زبانهای زنده دنیا : عربی ، انگلیسی ، فرانسوی ایتالیائی ، و ترکی داشت و این زبانها را میدانست .

با اکثر دانشمندان و فضلا در نقاط مختلف کشورهای اسلامی مکاتبه داشت .

وفات او : بروز سه شنبه ششم رجب در گذشت و چهارشنبه هفتم رجب ۱۳۸۷ هـ برابر با ۱۲ / ۱۰ / ۱۹۶۷ م در باغ شخصی خود نزدیکی خانه اش بخاک سپرده شد ، خداوند غریق رحمت و اسعه خود فرموده و با اهل بیت علیهم السلام محشور گرداناد !

آشنائی من باوی: در باغ شخصی او که درد سونس داشت به سال ۱۹۶۵ میلادی دست داد .

- دانشمندی بزرگ محقق خبیر ، مؤلفی فاضل و شاعری زبردست بود .
- امتیازش در تحقیقات عمیق و در دقت نظر در نوشته هایش بود .
- نسبت بمعاویت ابن ابوسفیان شدیداً حساسیت داشت .
- اهل بیت پیامبر (ص) را دوست میداشت و آنانرا بدیده تقدیس می نگریست .

با او بوسیله دکتر حامد حفنی داود ، پس از ورود بقاهره بسال ۱۹۶۵ میلادی آشنا شدم ، دکتر حامد نامه ای به علامه استاد خیری بك نوشت و در آن ورود مرا بقاهره بایشان اطلاع داد ، جواب نامه رسید که در آن از من و دکتر حامد بباغ خود درد سونس — البحیره دعوت کرده بود ، چند روز بعد تلگرامی فرستاد که تأکید در دعوت و رفتن بباغ خیری پاشا بود بعد از دریافت تلگرام تصمیم کردیم باسکندریه برویم ، روز پنجشنبه بود که باسکندریه رسیدیم و اندکی توقف نمودیم ، و اتومبیلی کرایه کرده و به دسونس — البحیره راه افتادیم و بباغ خیری پاشا رسیدیم داخل باغ که شدید از اتومبیل پیاده شده و قدم زنان بخانه اش رسیدیم ، چون ما را دید از جابر خاست و به استقبال ما شتافت و خیر مقدم و خوش آمد گفت ، و چون نشستیم چائی و قهوه و میوه حاضر کرد و از ما پذیرائی نمود ، بعضی قصائدی را که در باره اهل بیت علیهم السلام سروده بود برای ما خواند ، قبل از ظهر جمعه بود که وارد شده بودیم جلسه ما بگرمی ادامه داشت ، برای ناها رگوسفندی برای ما کشتند ،

میهمانی مفصل بافتخار ما برگزار شد ، آنروز ناهار را در منزل ایشان در باغ صرف کردیم .

استاد خیری سگ سیاهی داشت که خود تعلیم داده بود و بنام مخصوصی صدا میکرد و نامیگفت : بیا ! سگ محض شنیدن صدای استاد هر جا که بود ولو دورتر ، مثل باز شکاری حاضر میشد و چون میگفت : برو ، بهمانجا که آمده بود بر میگشت ، این سگ سر خود را روی زانوی استاد خیری می گذاشت موقعی که غذا آماده شد و ما سر سفره برای صرف ناهار نشستیم ، سگ را بنام صدا زد که فوراً حاضر شد و نزد استاد ایستاد ، قطعاً بزرگی از گوشت بریان را در دست گرفت و بسگ اشاره کرد که بخور ! سگ هم گوشت را همانطور در دست استاد خورد از صرف ناهار و میوه فارغ شدیم که برای ده برابر ما کفایت میکرد و ایشان فقط برای ما آماده کرده بود و این دلیل کرم و طیب نفس و انتساب^ن بخاندان پیامبر (ص) بود و بس .

بعد از ناهار برای استراحتمان اطاقی آماده شد رختخوابی گسترده اند استراحتی کردیم ، عصر بود که برای نماز بمسجدی که داخل باغ قرار داشت رفتیم ، نماز خواندیم و بعد از فراغ از نماز ، بکتابخانه مفصل استاد در داخل باغ سری زدیم ، هفده هزار مجلد کتابهای نفیس چاپی ، کتب خطی کمیاب کتابهایی که بخط خود استاد بود داشت ، کتب نادر و آثار پرازش و قیمتی دیگری را نشان داد که در نوع خود بی نظیر بود و ارزش بیشتری داشت .

مجموعه ای از تألیفات و آثار و قصائد خود را بمن هدیه داد و من کتاب حدیثی را که در قاهره بسال ۱۹۵۸ در پنج مجلد چاپ و منتشر کرده بودم (و^نائل الشیعة و مستدرکاتها" با کتاب " مصادر نهج البلاغه و اسانیده سید عبدالزهره خطیب که از نجف الاشرف عراق ، با خود آورده بودم بایشان

اهداء کردم و نیز کتابهایی را که در قاهره منتشر کرده بودم . بعد ، خدا حافظی کرده و برگشتیم .

بعد از مراجعت بعراق نامه‌های متعددی از ایشان دریافت کردم که در یکی خواسته بود تا شرح حال : سهروردی و آیه الله سید حسین بروجردی و چند تن دیگر را بوی بفرستم .

آخرین نامه‌ای که از سکریتر و منشی وی استاد عبدالسلام النجار به دست من رسید ، از مرگ و ارتحال وی خبر میداد خداوند غریق رحمت فرماید و بایشوایان حق وعدالت اهل بیت پیامبر رحمت علیهم السلام محشور گردانند



فهرست اعلام

الف:

- | | |
|------------------------------|---|
| ابن صباغ مالکی: ۸۳ | ابراهیم، خلیل الله ع: هشتاد، ۷۵ |
| ابن عباس، عبدالله: ۷۰، ۸۷، | |
| ۸۸، ۸۹، ۱۱۹ | ابراهیم، ابوالفضل: ده، چهارده، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۱۵ |
| ابن عبدالبر قرطبی، حافظ: ۱۰۵ | ابراهیم، شیخ محمد زکی: ۴۳، ۳۹ |
| ابن عبدالحمید، محمد | |
| محبی الدین: ۶ | ابن جبیر، سعید: ۸۷ |
| ابن علوان، حسین: هشتاد | ابن جندب، عبدالله: هشتاد و دو |
| ابن عمر: ۲۵ | ابن حجر هیثمی، ابوالعباس |
| ابن مردویه: ۱۱۳، ۱۱۴ | احمد بن محمد: ۵۳ |
| ابن منذر: ۱۱۳ | ابن حزم اندلسی: ۱۰۵ |
| ابن منظور، جمال الدین مگرم: | ابن دینار جمحی: ۱۰۴ |
| پنجاه و دو | ابن سیاء، عبدالله: ۶، ۸۶، ۹۰، ۹۲ |
| ابن معتر: ۱۳ | |
| ابن منقذ: ۱۳ | ابن السوداء: ۹۱ |
| ابن ولید، عبدالله: هشتاد | |

- ابوبکر، عبدالله ابن ابی قحافه: ۲۷، ۳۴، ۵۰، ۵۲
 ابوالثقی، احمد: ۴۳، ۴۵
 ابوتمام، حبیب بن اوس: ۱۰۸
 ابوتمام طائی: ۱۱۲
 ابوجعفر محمد بن حسن صفار: هشتاد، هشتاد و یک
 ابوحنیفه، نعمان بن ثابت: هفتاد و نه
 ابوریه، محمود: پنج، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷
 ابوزهره، محمد: ۶، ۷، ۳۶
 ابوسعید خدری: ۱۲۰
 ابوطالب، عبد مناف بن عبدالمطلب: ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲
 ابوظفیل: ۱۱۸
 ابو عبدالله، محمد بن قاسم: ۱۰۸
 ابوالعزائم، غزالدین: ۴۷، ۴۸، ۵۲
 ابولهب، عبدالعزیز: ۱۲۱
- ابومرازم یعلی بن مرّة بن وهب ثقی: ۱۰۴
 ابوالنصر، فکری: چهل و چهار، چهل و هفت
 ابوهریره: ۱۹، ۲۲، ۲۵، ۱۰۴، ۱۴۸، ۱۴۹
 آدم، صفی الله ع: هشتاد
 احمد بن حنبل: هفتاد و نه، هشتاد
 آصفی، محمد مهدی: ۱۲۴
 آل کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین: پنج، ۳۳
 امین، احمد: ۵۰
 امین جبل عاملی، سیدمحسن: سیدمحسن: هفتاد و نه
 انصارین، کریم: ۵
 اهل سنت: پنج، چهل و دو، پنجاه، ۲۰، ۲۲، ۵۵، ۵۹، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۸، ۸۲، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۵

ب:

- با قوری، احمد حسن: پنج، ده، سیزده، شانزده، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۳، ۱۲۶
 بحرانی: ۱۴۰

- | | |
|----------------------------|-----------------------------|
| بخاری، ابو عبد الله محمد | حسین طباطبائی: ۵۸، ۱۵۴ |
| بن اسماعیل بخارائی: ۸۷ | بنت الشاطئ، دکترس عالشه: |
| بدوی: ۶۹ | چهارده، شانزده |
| براء بن عازب: ۱۱۹، ۱۲۲ | بیهقی، احمد (احمد بن علی بن |
| برهومه، محمد: ۱۷ | محمد بیهقی): هشتاد، ۱۱۳ |
| بروجردی، آیت الله سید محمد | |

ت:

- | | |
|--------------------------------|----------------------|
| تفتازانی، ابوالوفاء غنیمی: ده، | عیسی: ۷۰، ۱۱۳، ۱۱۴ |
| چهارده، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۲ | تیجانی، حافظ: ۷۳، ۷۴ |
| ترمذی، ابو عیسی محمد بن | |

ج:

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر: | جرجانی، سید علی بن محمد (میر |
| ۱۳ | سید شریف جرجانی): ۱۳ |
| جاد حسن، حسن: ۷۶ | جزایری، سید نورالدین: ۱۴۰ |
| حاد الحق، محمد: ۸۱، ۸۳ | جعفر بن محمد: هفتاد و نه |

ح:

- | | |
|-----------------------------|---------------------------|
| حاکم، ابو عبد الله محمد بن | علی بن محمد بن حسن (مؤلف |
| عبد الله نیشابوری: ۱۱۳، ۱۱۸ | وسائل الشیعه): ۱۳۹ |
| حجازی، محمد محمود: ۱۱۱، | حرّ عاملی، محمد بن علی بن |
| ۱۱۵ | محمد (عموی مؤلف وسائل |
| حرّ عاملی، محمد بن حسن بن | الشیعه): ۱۳۹ |

- حسان ابن ثابت: ۱۱۲
 حسن ابن علی ع: سی و نه،
 هفتاد و دو، ۴۲، ۱۰۵، ۱۱۳
 حسن عسکری ع: ۵۱
 حسن، محمد عبدالغنی: پنج،
 ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۹
 حسین ابن علی ع: هفتاد و سه،
 هفتاد و هشت، ۳۹، ۴۲، ۵۳،
 ۱۰۵، ۱۱۳
 حسین ابن حسن عاملی: ۱۴۰
- حسین، دکتر طه: پنج، ده،
 چهارده، شانزده، سی و هشت،
 ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۸۵، ۸۶، ۸۷،
 ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶،
 ۹۷، ۱۴۹
 حکمی، سید مرتضی: شصت و
 پنج، هفتاد و هفت، ۶، ۳۳
 حکیم، سید محمد تقی: ۱۵۰
 حملاوی: ۱۳
 حومانی: ۵۷

خ:

- خالد، محمد خالد: شانزده،
 ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۴
 خدیجه بنت خویلد بن اسد: ۲۸
 خضر، سعد: ۶۲
 خضری، عبدالمنعم: ۱۲۶
 خطیب، سید عبدالزّهراء: ۴۱،
 ۵۷، ۷۲، ۹۰، ۱۵۳
 خطیب، عبدالکریم: یازده،
 دوازده، سیزده، پانزده، هفده،
 بیست و چهار، ۵۶، ۵۸، ۱۲۵،
 ۱۲۸
 خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن
- علی بن ثابت: ۱۳
 خفاجی، دکتر محمد عبدالمنعم:
 سی و پنج، سی و هفت، ۴۰،
 ۴۴، ۷۷، ۹۹، ۱۲۹، ۱۳۱،
 ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۵
 خلیلی، دکتر محمد جواد: هشتاد
 و چهار، هشتاد و پنج.
 خنیزی، عبدالله: چهل و هشت،
 پنجاه و سه
 خوئی، آیه الله حاج سید
 ابوالقاسم موسوی: ۳۰، ۳۱، ۳۲،
 ۳۳، ۳۴

- خوئی، سیدجمال: ۱۲۴
 خولی، امین: ده، سیزده،
 شانزده، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹،
 ۱۵۰
 خیری بک، سید احمد: ۱۵۱

د:

- داؤد، دکتر حامد حفنی:
 سی وهشت، چهل، ۱۷، ۴۳،
 ۴۵، ۵۰، ۶۴، ۸۶، ۹۲، ۹۳،
 ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۵۲
 حسین: ۳۳
 دسوقی، ابراهیم ابن عبدالعزیز
 (برهان الدین ابراهیم ابن ابی المجد
 عبدالعزیز): ۶۹
 دنیا، دکتر سلیمان: ده، چهارده،
 دزفولی، آیه الله سید محمد

ر:

- رضا، علی ابن موسی ع: هشتاد و
 دو
 رفاهی: ۴۸
 رفاهی، احمد (سید ابوالعباس
 احمد بن علی رفاهی): ۶۹

ز:

- زید ابن ارقم: ۱۱۸، ۱۱۹
 زیدان، جرجی: ۹۵
 زبیر ابن العوام: ۲۸، ۳۴
 الزناری، محمود: ۱۱۲
 زینب بنت امیرالمؤمنین علی ع:
 ۷۷، ۸۱
 زین الدین، محمد امین: ۱۲۴

س:

- سحرتی، مصطفی عبداللطیف:
 ۱۲۹

السّمان، محمّد عبد الله: سیزده،
هشتاد و یک
سیّد بن علی مرصفی: ۱۰۸
سیّد حمیری، ابوهاشم، اسماعیل
بن محمّد: ۱۰۷
سیوطی، جلال الدّین (ابوالفضل،
عبدالرحمن ابن ابوبکر): ۱۳

ش:

شافعی، محمّد ابن ادریس:
هفتاد و نه
شاگرد، صالح حسن: ۱۶
شبر، سیّد جواد: هفتاد و هشت،
هشتاد
شحاته، فرید: ۸۶
شرف الدّین موسوی، صدرالدّین:
۳۰، ۳۱
شرف الدّین موسوی، سیّد
عبدالحسین: هفتاد و پنج، هفتاد
و نه، ۱۹، ۱۴۹
شریف رضی، ابوالحسن
محمّد بن حسین بن موسی
موسوی: ۱۲۲
شلتوت، شیخ محمود: پنج
شمس الدّین، محمّد مهدی:
شصت و یک، شصت و سه.
شیخ بهائی، محمّد ابن عزالدّین
حسین ابن عبدالصمد جعی
عاملی: هفتاد و نه
شیرازی، سیّد محمّد: ۱۳۸

ص:

صاحب ابن عباد: سی و هشت
صادق، جعفر بن محمّد ع: هفتاد
و سه، ۲۲، ۱۴۲
صافی، لطف الله: ۲۰
صدر، آیه الله سیّد محمّد باقر:
پنج، ۱۲۴
صفار، رشید: ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵
صقر: ۶۲

ض:

ضیف، دکتر شوقی: ده، چهارده، شانزده.

ط:

طبرانی: ۱۱۴
طبری، ابوجعفر محمد ابن جریر:
طلحه ابن عبیدالله: ۲۷، ۲۸، ۳۴
طریحی: پنجاه و دو

ظ:

ظهیری، شیخ حسین: ۱۳۹

ع:

عائشه بنت ابی بکر: ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۸۶، ۹۰
عائشه بنت سعد: ۱۱۹
عارف الزین، احمد: ۱۳۳، ۱۳۵
عامر، توفیق عفیفی: ۸۲
عبدالله بن جعفر: ۱۰۵
عبدالحمید، محمد محیی الدین:
ده
عبدالرحیم محمد علی: ۱۳۰، ۱۳۱
عبدالمقصود، عبدالفتاح: پنج، بیست و پنج، بیست و نه
عثمان ابن عفان: ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۵۰، ۸۶، ۹۰، ۹۱
عرابی، عبدالرحیم احمد: ۴۸
عسکری، سید مرتضی: ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۳۵، ۹۲
علوی، عبدالله یحیی: سی و یک، سی و چهار

علی ابن ابی طالب ع: چهل و پنج، شصت و هشت، شصت و نه، هشتاد، هشتاد و یک، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۵۰، ۵۷، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲	علی ابن حسن: ۱۴۰ علی الهادی ع: ۵۱ عمر ابن ابی سلمه: ۱۱۴ عمر ابن خطاب: ۲۷، ۳۴، ۵۰، ۵۲، ۶۹، ۷۰، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۹، ۱۱۹ عمر ابن عبدالعزیز: ۱۰۵ عویناتی، حاج عبدالرزاق: ۳۱
--	--

ف:

فاطمه بنت محمد ص: ۲۸، ۱۱۴	فضل الله، سید محمد حسین: پنجاه و چهار، شصت
فاطمه بنت موسی بن جعفر ع: ۲۸	فضلی، عبدالهادی: ۱۲۴ فکیکی، توفیق: ۵۷
فخام، دکتر محمد: پنج	فیروز آبادی، مجد الدین ابوطاهر
فخر رازی، فخرالدین محمد بن	محمد بن یعقوب: پنجاه و دو
عمر بن حسین رازی: ۱۱۹	فیصل ۲ ابن غازی: ۱۳۶
فروخ، دکتر عمر: ۱۰۸	

ق:

قطمیش، اسماعیل: ۵۱

ک:

کاظم، حسین محمد: ۱۶، ۱۷	کامل مصباح: ۱۳۲
-------------------------	-----------------

- کعب الأخبار: ۲۲
کلینی، ابوجعفر محمد بن
یعقوب: هشتاد و دو
کمیت بن زید بن خنیس اسدی:
۱۰۷

گ:

- گیلانی (جیلانی)، عبدالقادر،
ابومحمد عبدالقادر بن ابوصالح
گیلانی: ۶۹

م:

- مأمون، خلیفه عباسی: ۱۰۵
مجلسی، ملا محمد باقر ابن
ملا محمد تقی: ۱۳۹
محمد ابن عبدالله ص: شصت و
هشت، هشتاد و دو، هشتاد و
سه، ۷۵، ۸۷، ۱۲۱
محمد ابن علی: ۱۱۹
محمود ابن عبدالسلام: ۱۴۰
محمود، دکتر فوقیه حسین:
۶۴
محبی الدین، شیخ قاسم: ۳۳
مسعود، عبدالهادی: ده، دوازده،
چهل و یک، چهل و سه، ۱۷،
۵۷، ۹۳، ۹۸
معاویه ابن ابی سفیان: ۲۷،
۱۵۲
مغنیه، محمد جواد: ۳۰
منیاوی، محمد حلمی: ۳۲
مهدی، حجة ابن الحسن ع: ۴۸،
۴۹، ۵۱
مهدی، مهندس محمد عزت:
۴۸
موسی ابن عمران. کلیم الله:
هشتاد، هشتاد و یک، ۷۵
موسوی عاملی، سید محمد ابن
سید ابراهیم: ۱۴۰
میمندی، محمود: ۱۴۰

ن:

- نائینی، آیه الله میرزا محمد
حسین: ۳۳

- | | |
|------------------------------|----------------------------|
| نابلسی، عبدالغنی ابن اسماعیل | التَّجَّار، عبدالسلام: ۱۵۴ |
| ابن عبدالغنی ابن اسماعیل | نزار الزَّین: ۱۳۴ |
| ابن احمد: ۱۳ | نوح ع: هشتاد، ۷۵ |
| ناحوم افندی، حاییم: ۹۷ | نوری، میرزا حسین: ۱۴۱ |

هـ:

- هیکل، دکتر محمد حسین: ۱۲۰

و:

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| واثلی، شیخ احمد: ۳۰ | ولفسون، دکتر اسرائیل: ۹۷ |
| وکیل، سلیمان: ۱۷، ۱۸، ۱۳۷ | |

ی:

- یزید ابن معاویه: ۲۹

فهرست: امکنه، قبائل، مذاهب، کتب، جرائد، مجلات و جمعیت ها:

الف:

- ابن الرومی، علی بن عباس: ۱۰۷، ۹۹
عبد الغنی حسن: ۷۶
ابن زیدون: ۷۶
ابن عطاء الله السکندری و
التصوف: ۶۱
أبناء الرسول فی کربلا: خالد
محمد خالد: ۱۱۷
أبوطالب مؤمن قریش: چهل و
هشت
أبو عثمان الجاحظ: نجفاجی: ۱۳۰
أبوهریوة: شرف الدین موسوی: ۱۴۹
أبوهریرة راویة الإسلام: ۳۲
- أبوهریرة شیخ المضیرة: ۳۰، ۱۵
إثبات الهداة بالتصووص
والمعجزات: شیخ حرّعاملی: ۱۴۰
أجوبة موسى جارالله:
شرف الدین موسوی: ۱۴۹
أحادیث أم المؤمنین عائشة: ۱۶،
۲۹، ۲۳
أحادیث المهدی ع: ۲۱
الأحوال الشخصية علی المذاهب
الخمسة: ۳۰
الأخبار، روزنامه: ۴۰
الأخلاق عند الأمام الصادق ع:
محمد أمين زين الدين: ۱۲۴

- إخوان المسلمين، حزب: ٥٥
الأدب، مجله: ١٤٨
الأدب الجاهلي: ٨٥
أدب الطف: هفتاد و هشت
الأدب العباسي: سى و هشت
الأدب العربي بين الجاهلية والإسلام: ٧٦
الأدب العربي الحديث و مدارسه: خفاجي: ١٣٠
الأدب العربي في ظلال الأمويين والعباسيين: ٧٦
الأدب العربي في المهجر: ٧٦
الأدب المقارن: ٧٦
ادواؤنا: چهل و هشت
الأزهر، مجله: سيزده، ٣٦، ٥٧
أسباب النزول: واحدی: ١٢٠
اسپانيا: ٦١
الإستيعاب: ابن عبد البر: ١٠٤
أسد الغابة في معرفة الصحابة: ابن الأثير: ١٠٤
أسرار القرآن: ٤٧
اسکندر يه: بیست و نه، ١٣١، ١٥٢، ١٥١
الإسلام: محمد أمين زين الدين: ٩٠
الإسلام والحضارة الإنسانية: خفاجي: ١٣٠
الإسلام والعقل: ٣٠
الإسلام ونظريته الاقتصادية: خفاجي: ١٣٠
الإسلام: ينابيعه، مناهجه و غاياته: محمد أمين زين الدين: ١٢٤
اسيوط: ١٢٩
الإصابة في تمييز الصحابة: ابن حجر عسقلاني: ١٠٤
اصفهان: ٨٢
أصل الشيعة وأصولها: هفتاد و نه، ١١، ٥١
أصول الإثبات في الفقه الجعفري: ٣٠
الأصول العامة في الفقه المقارن: محمد تقى حكيم: ١٥٠
أصول الوصول لمعية الرسول ص: ٤٧
أضواء على السنة المحمدية: ١٥، ١٨، ١٩، ٢٠، ٢١، ٢٤، ٣٥
أطوار الثقافة الإسلامية: ٩
أعلام التبلاء بتاريخ حلب

أمل الأمل: شيخ حرّ عاملى :
١٣٩
إنباه الرواة على أنباه التحاة:
جمال الدين ابن القفطى : ٩
اندونزى: سى ويك
أنوار الربيع فى أنواع البديع: سيّد
عليخان مدنى: ١٢، ١٣٦
الأهرام، روزنامه: چهل و چهار
الأيام: طه حسين: ٨٥، ٩٣،
٩٤، ٩٥
ايران: ٦٨، ٨٢
الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على
الرّجعة: شيخ حرّ عاملى: ١٤٠

الشّهباء: محمّد راغب الطّبّاخ: ٩
أعيان الشيعة: سيّد محسن امين:
هفتاد و نه
الأغانى: أبو الفرج إصفهانيّ: ٩
أفكار فى القمّة: خالد محمّد
خالد: ١١٨
ألفيّة: ابن مالك: ٩٤، ٩٦
إلى المجمع العلمى العربى بد
مشق: شرف الدين موسى: ١٤٩
أمالى المرتضى: ٩
إمامة علىّ والقرآن: ٣٠
إماميّة جعفرى، مذهب: چهل و
چهار
إماميّة، علماء: سى و دو

ب:

بديع القرآن: ١٣
البرهان فى علوم القرآن: ٩
بصائر الدرجات: هشتاد ويك
بغداد: ٥٧
بنوأميّة: ٢٨
البيان فى تفسير القرآن: ٣٠، ٣٣
البيان فى غريب القرآن: ٣٣
بيروت: شصت و سه، ١٣٣

باقور: ٥٥
البحوث الأدبيّة: خفاجى: ١٣٠
بداية الهداية فى الواجبات و
المحرّمات المنصوصة: شيخ حرّ
عاملى: ١٤١
البداية والنهاية: ابن كثير: ١٠٤
البديع: ابن منقذ: ١٣
البديع: سيوطى: ١٣

- بین الفلسفة والدين والسياسة
والإسلام: عبدالکريم خطيب:
١٢٥

ت:

- تاريخ الأدب العربي العباسي:
١٧
تاريخ بغداد: خطيب بغدادی:
١٠٤، ٥٠
تاريخ الخلفاء: جلال الدين
سيوطي: ١٠٤
تاريخ السيدة زينب ع: ٨١
تاريخ الطبري (تاريخ الرسل و
الملوك): ١١، ٩
تحت راية الحق: ٥٠
التحرير الثقافي، جمعيت: ٣٣
تحرير التعبير: ١٣
تحرير الوسائل: شيخ حرّ عاملی:
١٤١
تجديد ذكرى أبى العلاء: طه
- حسين: ٨٥
التراجم والتسير: عبدالغنى
حسن: ٩٩
تشيع: پنج، شش، چهل و پنج،
چهل و شش، پنجاه و هشت،
شصت و هشت، هفتاد، هفتاد و
دو، هفتاد و سه، هفتاد و شش،
هفتاد و هفت، ٦٨، ٩١
التعريف بالإسلام: عبدالکريم
خطيب: ١٢٥
تفسير التبيان: شيخ الطائفة
طوسي: ٣١
تفسير القرآن: خفاجي: ١٣٠
تفسير الكاشف: ٣٠

ت:

- تفسير الميزان: سيد محمد حسين
طباطبائي: ١٣٨
التفسير الواضح: محمد محمود:
حجازي: ١١١، ١١٢
تلقيح فهوم أهل الأثر: ابن
- الجوزي: ٨١
تهذيب التهذيب: ١٠٤
تهذيب الكمال: ١٠٤
تهران: ٣٥، ٨٢
تيم: ٢٨

ث:

- ثبت الإثبات فى سلسلة الرواة: ثمار القلوب: ثعالبي: ٩
شرف الدين موسى: ١٤٩
الثقلين، حديث: ٨٩
ثمرات الأوارق: ابن حجة: ١٠

ج:

- الجامع لإصول أحاديث الرسول: الجمهوريّة، روزنامه: ٤٠
منصور على ناصيف: ٧٠
جبل عامل: ١٣٩
جمال الدين الأفغانى: ١٥
جمل، جنگ: ٢٨، ٢٧
جمل العلم والعمل: ٣٢
الجواهر السنّية فى الأحاديث
القدسيّة: شيخ حرّعاملى: ١٤٠
الجوينى إمام الحرمين: ٦٤
جيزه: ١٥، ٢٩، ٣٢

ح:

- حجر الأسود: ٦٩، ٧٠
حسن العطار: عبد الغنى حسن: ٩٩
الحسنه: ٨١
الحطة فى ذكر الصحاح الستة:
صديق حسن خان هندی: ٨١
حليف مخزوم: صدرالدين شرف
الدين موسى: ٣٠
حنبلی: ٥٨
حنفى: ٥٨
حياة القرى: ١٥
حياة محمدص: دكتور محمد حسين
هيكل: ١٢١

خ:

- خاورشناسان: چهل وشش
خزانة الأدب: ١٣

- الخصائص العلویة: نسائی: ۱۱۹
الخطب و المواعظ: عبدالغنی
حسن: ۹۹
الخفاجیون فی التّاریخ:
خفاجی: ۱۳۰، ۱۳۷
الخلاف: شیخ الطائفه طوسی:
۵۸، ۵۶
خوارج: ۹۱

د:

- الدّار، يوم: شصت و نه
دارالتألیف، مطبعه: ۱۷، ۱۸،
۱۳۷، ۱۹
دارالتقریب، جمعیت: شش
دارالتوفیقۃ بالأزهر: ۵۰
دارالعهد الجدید، مطبعه: ۱۳۲،
۱۳۴
دارالفکر العربیّ، کتابخانه:
۱۲۶
دارالقومیّة العربیّة، مطبعه: ۶۵
دارالکتاب العربیّ، کتابخانه:
۳۲
دارالکتب الحدیثه، کتابخانه:
۱۱۸، ۸۲
دارالکتب المصریّة، کتابخانه:
چهل و یک، چهل و سه، ۱۰،
۱۷، ۵۷، ۶۲، ۸۹، ۱۲۱، ۱۴۷
دانشکده اصول الدّین: ۱۱۱
دانشکده زبان اسیوط: ۱۲۹
دانشکده زبان عربی دانشگاه
الأزهر: ۱۳۱، ۱۴۵
دانشکده زبان دانشگاه عین
شمس: ۱۴۸
دانشکده فقه نجف اشرف: ۱۵۰
دانشکده لغت عرب، قاهره: ۷۶،
۷۷، ۷۹
دانشگاه الأزهر: چهل و چهار،
هفتاد و چهار، ۶، ۲۴، ۳۰، ۳۵،
۳۶، ۳۹، ۵۵، ۶۲، ۶۳، ۷۶،
۷۹، ۸۱، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۱۱۱،
۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۶
دانشگاه الأزهر، کتابخانه: چهل
و پنج
دانشگاه الأهلیّة: ۸۵
دانشگاه سوربن، فرانسه: ۸۵،
۹۷

ديوان أنت أنت: ٥٧	دانشگاه عين شمس: سى و
ديوان حماسه: أبوتمام: ١٠٨	هشت، ٥٠، ١٣٦، ١٤٨
ديوان الشريف المرتضى: ٣٢	دانشگاه قاهره: ٣٦، ٦١، ١٤٧
دين الله واحد: ١٥، ٣٦	الذّرر الكامنة فى أعيان المأة
الذّين فى خدمة الشعب: خالد	الثامنة: ابن حجر: ٨١
محمّد خالد: ١١٨	الدّول العربيّة، جامعة: سى و
دين وتمدين: ٥٧	يك

ذ:

ذكر يات خالدة: چهل و چهار

ز:

١٤١	الرّاعى و الرّعيّة: ٥٧
رسالة فى خلق الكافر: شيخ	رباب الكاظمى: عبدالرحيم
حرّعاملى: ١٤١	محمّد على: ١٣٠
رسالة فى الرّجال: شيخ	رجال حول الرّسول: خالد محمّد
حرّعاملى: ١٤	خالد: ١١٧
رسالة فى الرّدّ على الصّوفيّة: شيخ	رسائل الرّافعى: ١٥
حرّعاملى: ١٤٠	الرّسائل الصّوفيّة الثلاث: ٤٠
روضات الجنّات فى أحوال	رسالة الجمعة: شيخ حرّعاملى:
العلماء والسّادات: سيّد محمّد	١٤١
باقر خوانسارى: ١١، ١٣٩	رسالة فى تنزيه المعصوم عن
	السّهو والتّسيان: شيخ حرّعاملى:

ز:

- زقازیق: ۱۱۱
 الزهراء: محمد جمال هاشمی:
 الزواج الموقت: محمد تقی حکیم: ۱۵۰
 ۴۲، ۴۱

س:

- سامراء: ۵۱
 سبئية: ۹۱
 ستی: چهل و شش، چهل و هفت: هفتاد و چهار، ۴۷، ۵۶، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۲، ۷۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹
 سوریه: ۲۹، ۳۰
 سوهاج: ۸۱، ۱۲۵
 السیاسة المصریة، روزنامه: ۱۲۱
 السید البدوی: ۱۵
 سیرة رسول الله: خفاجی: ۱۳۰
 سرالعالمین و کشف ما فی الدارین: أبو حامد غزالی: ۸۹
 سعودی: چهل و هشت: ۱۲۹
 سنت، علماء: سی و دو، چهل و پنج
 السنة المحمدیة، مطبعة: ۱۱۲
 سنن ابن ماجه: ۱۰۴

ش:

- شافعی، مذهب: ۵۸
 الشبان المسلمین، جمعیت: ۹
 الشبان المسلمین، مجله: ۴۰
 شرح الإيضاح: خفاجی: ۱۳۰
 شرح الشریسی للمقامات: ۱۳
 شرح صحيح البخاری: خفاجی: ۱۳۰
 شرح معانی الآثار: طحاوی: ۸۱
 شرح المواقف: هشتاد
 شرح نهج البلاغة: ابن أبی الحديد: ۹، ۳۰، ۱۲۲، ۱۲۳
 الشريعة السمحاء: آية الله ميرزا حسن لواسانی: ۷۵
 الشریف الرضی: عبدالغنی حسن: ۹۹
 الشعر الجاهلی: طه حسين: ۸۵

۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۸،	۹۶
۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۴،	شقشقیه، خطبه: ۱۲۲
۱۰۹، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۳،	شندویل: ۹
۱۴۴	شیعه، مذهب: چهل و دو، پنجاه
شیعة إمامیه، مذهب: سی و	وهشت، شصت و هشت،
هشت، سی و نه، چهل و پنج،	هفتاد، هفتاد و چهار، هشتاد و
۴۷، ۴۹، ۵۰، ۷۳، ۹۹، ۱۱۲،	یک، ۷، ۱۷، ۲۱، ۳۰، ۴۷،
۱۳۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴	۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۷،

ص:

الصّناعَتین الکتابه والشعر:	الصّاحب ابن عبّاد بعد ألف عام:
أبوهلال عسکری: ۱۰، ۱۳	۹۲، ۱۷
الصّواعق المحرقة: ۴۴، ۵۳	صحيح بخارى (الجامع
صور: ۳۱	الصحيح): ۶۸، ۸۸، ۸۹
صیحة جمال الدین الأفغانی:	صحيح ترمذی: ۱۰۵
۱۵، ۳۶	صحيح مسلم: ۶۸
صیدا: ۷۵، ۱۳۳	صفین، جنگ: ۹۱

ض:

ضوء فی الظلّ: چهل و هشت

ط:

الطريقة المحمدية: هشتاد	طبقات الحنابلة: ۵۰
طهران: ۳۵، ۸۲	طبقات التّحويين: زبیدی: ۱۰
	طريق الحق، مجله: ۷۳

ع:

- عقائد الشيعة: هفتاد و نه
 عقود الجواهر من خطب المنبر:
 ٨١
 عقيلة الوحي السيدة زينب بنت
 أمير المؤمنين ع: شرف الدين
 موسى: ١٤٩
 العلم يدعو للإيمان: ٥٥
 علم الكلام وبعض مشكلاته:
 ٦٥، ٦١
 علي بقیة النبوة وخاتم الأنبياء:
 عبد الكريم خطيب: ١٢٥
 علي ومالقيه من أصحاب
 الرسول: ١٥
 العمدة في صناعة الشعر ونقده:
 أبو الحسن بن رشيق القيرواني: ١٣
- عالم الفكر، مجله: ٦١
 عبدالله ابن سبا: سيد مرتضى
 عسكري: ٢٩، ٢٥، ٢٣، ١١
 عبدالحق بن سبعين وفلسفته
 الصوفية: ٦١
 عراق: هفتاد و هشت، ٢١، ٢٥،
 ٢٩، ٣٠، ٥١، ٧١، ٧٧، ٨٢،
 ١٢٧، ١٣٦، ١٤٥، ١٥٣، ١٥٤
 العربي، مجله: پانزده
 العرفان، كتابخانه: ١٣٣
 العرفان، مجله: دوازده
 العشيرة المحمدية، مجله: ٤٤
 العفاف بين السلب والإيجاب:
 محمدا مين زين الدين: ١٢٤
 عقائد الإمامية: ١١، ٥١

غ:

- غدير ختم: ١٠٤، ١١٢، ١١٣،
 ١١٨
 غديرية: ١٠٦
- غدير، حديث: ١٠٤، ١٠٥، ١٠٦
 الغدير: علامة اميني: ٣١، ٩٩،
 ١٠٠، ١٠١، ١٠٢، ١٠٣، ١٠٦،
 ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩، ١٢٣، ١٤٢

ف:

- فاطميان: شش، هفتاد و شش
 الفتنة الكبرى: طه حسين: ٨٥،

- ٩٢، ٩٠
فجر الإسلام: ٥٠
فدك: سيد قزويني: ١٢٠
فرهنگ فارسي: محمد معين:
١٠٠
الفصول المهمة: شرف الدين
موسوي: هفتاد و نه: ١٤٩
الفصول المهمة في اصول الأئمة:
شيخ حرّ عاملي: ١٤٠
الفصول المهمة في معرفة أحوال
الأئمة: ابن صباغ مالكي: ٨١،
٨٢
فضائل الإمام عليّ ع: ٣٠
- فقه الإمام الصادق ع: ٣٠
الفقه على المذاهب الخمسة: ٣٠
فلسفة الميثاق والولاية: شرف
الدين موسوي: ١٤٩
فن القول: أمين خولي: ١٤٧
فهرست وسائل الشيعة: شيخ حرّ
عاملي: ١٤٠
الفوائد الطوسية: أمين خولي:
١٤٧
في أموالهم: أمين خولي: ١٤٧
في حديث المهدي والمهدوية:
محمد امين زين الدين: ١٢٤

ق:

- قاهره: ده، دوازده، شانزده،
بيست و چهار، ٩، ١٠، ١٦،
١٨، ٢٢، ٢٣، ٢٩، ٣٠، ٣٤،
٣٩، ٤١، ٤٤، ٤٨، ٥١، ٥٢،
٥٥، ٥٦، ٦٢، ٦٤، ٧٢، ٧٧،
٧٩، ٨٣، ٨٥، ٩٠، ٩٢، ٩٧،
٩٨، ١٠٩، ١١٥، ١٢٣، ١٢٦،
١٢٧، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٠، ١٣٣،
١٣٦، ١٣٧، ١٤٥، ١٥٣، ١٥٤
القاهرة، كتابخانه: ١٣٦
- القبائل اليهودية في البلاد
العربية: اسراييل ولفنسون: ٩٧
القرآن والترجمة: عبدالرحيم
محمد علي: ١٣٠
قصة الأدب في الحجاز:
خفاجي: ١٣٠
قصة الأدب في ليبيا: خفاجي:
١٣٠
قصة الأدب في مصر: خفاجي:
١٣٠

- قصّة الحديث المحمّديّ: ١٦، ٣٥
 قصّة الألوهيّة: عبدالكريم
 خطيب: ١٢٥
 قصص القرآن: أبو الفضل إبراهيم: ٩
 قصّة الوسيلة والخلاف عليها بين
 المسلمين: ٤٠
 القضا والقدر: عبدالكريم
 قم: ٨٢
 خطيب: ١٢٥

ك:

- الكاتب المصري، مجلّه: ٨٥، ٩٧
 كلمة حول الرؤية: شرف الدين
 موسى: ١٤٩
 الكاظميّ شاعر العرب:
 الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء:
 عبد الرحيم محمّد عليّ: ١٣٠
 شرف الدين موسى: ١٤٩
 كانادا: هشتاد و چهار
 كتاب العلويّة واللغة المرويّة:
 كما تحدّث الرسول: خالد محمّد
 شيخ حرّ عاملي
 خالد: ١١٨
 الكتابة الديوانيّة في العراق: سيّ
 كما تحدّث القرآن: خالد
 وهشت، ١٧
 محمّد خالد: ١١٨
 كشف التعمية في حكم
 كنانة: هفتاد وشش
 التسمية: شيخ حرّ عاملي: ١٤١
 كنز العلوم: محمّد بن تومرت: ٨٩
 كوير: شش، پانزده، ٦١
 كفر الحمام: ١١١

ل:

- لا تحرثوا في البحر: خالد محمّد
 شصت ويك، ٢٩، ٣٠، ١٣٥،
 خالد: ١١٧
 لجنة التأليف والترجمة والنشر:
 لبنان: نه، دوازده، پنجاه و چهار،

لیبی: ۱۲۹

۹۳

لواء الإسلام، مجله: ۴۰، ۵۲

م:

- مالک الأشتر: محمدتقی حکیم: ۱۵۰
 مزارات أهل البيت ع: ۴۰
 المساء، مجله: ده، ۱۷
 مالکی، مالکیه، مذهب: ۵۸
 مسائل فقهیه: شرف الدین موسوی: ۱۴۹
 المأساة الكبرى: سی وهشت
 المستدرك على الصحيحين: مؤلفو الشيعة في صدر الإسلام:
 حاکم: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰ شرف الدین موسوی: ۱۴۹
 المستدرك على الوسائل: میرزا المتعة وأثرها في الإصلاح
 حسین نوری: ۷۱، ۱۳۷، ۱۳۸ الاجتماعی: ۱۱، ۵۷
 المسلم، مجله: یازده، ۴۰ المثل السائر: ضیاء الدین ابن
 المسند: أحمد ابن حنبل: هشتاد، الأثير: ۱۳
 ۱۰۴، ۱۲۱ المجاهد، کتابخانه: ۱۳۲
 المسيح في القرآن والتوراه المجلس الإسلامی الشیعی
 والإنجيل: عبد الكريم خطيب: الأعلى: شخصیت ویک
 ۱۲۵ مجمع البيان: امين الأسلام
 مسیحیت: ۶۸ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی:
 مشغره: ۱۳۹ ۱۲۷، ۱۲۸
 مشهد: ۸۲ محمدیه، عشیره: یازده، ۳۹،
 مصادر الدراسة عن النجف ۴۳، ۴۰
 الأشرف والشيخ الطوسي: المختصر النافع: ۵۱، ۵۵
 عبد الرحيم محمد علی: ۱۳۰ المراجعات: هفتاد ونه، ۵۰،
 مصادر نهج البلاغة وأسانيده: ۵۱، ۱۴۹

- مفکرون وادباء: انور الجندی: ۱۱، ۴۱، ۷۲، ۹۰، ۱۲۳، ۱۵۳
 مصر: دوازده، شانزده، بیست و
 یک، بیست و سه، سی و یک،
 پنجاه، شصت و دو، ۱۷، ۲۱،
 ۳۱، ۳۵، ۴۷، ۵۱، ۵۵، ۵۶،
 ۶۲، ۷۴، ۹۵، ۹۷، ۱۲۸، ۱۳۳
 مصر علیا: ۹، ۵۵، ۱۲۵
 المطبعة الأميرية: ۱۱۵
 المطبوعات الحديثة، مؤسسه: ۹۹
 مع أحمد أمين: سی و هشت
 معارف الرجال: ۳۴
 معالم الفلسفة الإسلامية: ۳۰
 مع الدكتور أحمد أمين: محمد
 امین زین الدین: ۱۲۴
 مع الشيعة الإمامية: ۳۰
 مع طه حسين: سی و هشت
 معجم رجال الحديث: آية الله
 حاج سيد ابوالقاسم خوئي: ۳۰،
 ۳۳
 معجم رجال الفكر: ۳۴
 مع القرآن الكريم: ۴۰
 معجم المطبوعات النجفية: ۳۴
 مع كتاب الله ومع الأصنامين:
 ۵۵
- مفکرون وادباء: انور الجندی:
 ۱۰
 مقابيس الأنوار: ۱۳۹
 مقباس الهداية: ۱۳۹
 منبر الإسلام، مجله: ۶۱
 منبر الشرق، مجله: ۴۰
 منتخب الأثر في الإمام الثاني
 عشر: ۲۰
 منظومة في تاريخ النبي والأئمة:
 شيخ حرّ عاملی: ۱۴۱
 منظومة في الزكاة: شيخ حرّ
 عاملی: ۱۴۱
 منظومة في الموارث: شيخ حرّ
 عاملی: ۱۴۱
 منظومة في الهندسة: شيخ حرّ
 عاملی: ۱۴۱
 من كفاحنا الفكري: چهل و
 چهار
 من هنا نبدأ: خالد محمد خالد:
 ۱۱۷
 موسوعة الإمام شرف الدين
 الإسلامية: ۱۴۹
 ميزان الشاعر: ۷۶
 مينا: ۸۵

ن:

- نجف: چهل و هشت، ۲۱، ۳۰،
 ۳۲، ۳۳، ۵۷، ۷۱، ۸۲، ۸۷،
 ۹۲، ۱۰۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۵،
 ۱۵۳
 النّصّ والإجتهداد: شرف الدّین
 موسوی: ۱۴۹
 نقباء البشر: حاج آقا بزرگ
 تهرانی: ۳۴
 النّهایة: ابن اثیر: ۸۸
 نهاية الأدب: ۱۳
 النّهج، مجلّه: ۳۰، ۳۱
 نهج البلاغة: ۱۲۲
 نیل، وادی: شش، بیست و پنج

ه:

- هاشم و أمیّة: صدرالدین،
 شرف الدّین موسوی: ۳۰
 هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة:
 الهدی، مجلّه: ۱۰۸
 هند: ۶۸

و:

- وحی الرّافدین: ۵۷
 الوحدة الموضوعیة للقرآن
 الکریم: محمّد محمود حجازی:
 ۱۱۱
 وسائل الشّیعة إلى تحصيل مسائل
 الشّریعة: شیخ حرّ عاملی: ۷۱،
 ۷۷، ۷۸، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲
 وسائل الشّیعة ومستدرکاتها: ۱۱،
 ۴۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۴،
 ۶۵، ۷۶، ۷۷، ۱۳۲، ۱۳۵،
 ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۵۳.
 الوضوء فی الكتاب والسّنة: ۱۱،
 ۱۸
 الوعي الإسلامی، مجلّه: پانزده،
 ۶۱

بامردان اندیشه _____ ۱۸۰

ی:

یونان: ۶۸

یهودیت: ۲۲

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
سخنی از مترجم	پنج	دکتر محمد عبدالمنعم	
آراء و نظرات نویسندگان پیرامون		خفاجی و نظر او	سی و پنج
این کتاب:	نه	مقاله ای از: دکتر حامد	
نوشته «المساء» قاهره	ده	حفنی داود	سی و هشت
تقریظ مجله «المسلم» قاهره یازده		عبدالهادی مسعود، چنین	
نظر مجله «العرفان» لبنان دوازده		می نویسد:	چهل و یک
مقاله مجله «الأزهر»	سیزده	استاد فکری ابوالنصر و	
نوشته «الوعی» کویت	پانزده	و نوشته او	چهل و چهار
مجله «العربی» کویت		نظر استاد خنیزی	چهل و هشت
و «مع رجال الفكر»	شانزده	نظر استاد سید محمد حسین فضل الله	
پیش گفتاری از: استاد		پنجاه و چهار نوشته شیخ محمد	
عبدالکریم خطیب	هفده	مهدی شمس الدین شصت و یک	
نظر استاد عبدالفتاح		مقدمه از: سید	
عبدالمقصود	بیست و پنج	مرتضی حکمی	شصت و پنج
نوشته ای از استاد عبدالله		استاد سید جواد	
یحیی علوی	سی و یک	شبر و نظر او	هفتاد و هشت

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
نامه ای از دکتر محمد جواد خلیلی	هشتاد و چهار	گفت و شنود با کترطه حسین	۸۵
مقدمه مؤلف	۵	گفت و شنود با محمد عبد الغنی	۹۹
گفت و شنود با ابوالفضل	۹	حسن	۱۱۱
ابراهیم	۱۵	گفت و شنود با خالدمحمد خالدمحمد	۱۱۷
گفت و شنود با استاد ابوریته	۳۹	گفت و شنود با عبد الکریم	۱۲۵
گفت و شنود با شیخ محمد زکی	۴۷	خطیب	۱۲۹
ابراهیم	۵۵	گفت و شنود با شیخ محمد	۱۴۷
گفت و شنود با عزالدین	۶۱	عبد المنعم خفاجی	۱۵۱
ابوالعزائم	۷۳	گفت و شنود با استاد امین	۱۵۵
گفت و شنود با شیخ احمد حسن	۷۶	خولی	۱۶۵
باقوری	۸۱	گفت و شنود با سید احمد	۱۸۱
گفت و شنود با ابوالوفاء تفتازانی		خیری بک	
گفت و شنود با شیخ حافظ		فهرست اعلام	
تیجانی		فهرست: امکنه، قبائل و مذاهب:	
گفت و شنود با استاد حسن جاد		فهرست مندرجات	
حسن			
گفت و شنود با شیخ محمد سید			
جاد الحق			

پایان جلد اول

